

بسمه تعالی



دانشگاه کردستان

سال چهاردهم
شماره پنجاه و پنج
تابستان ۱۴۰۴
شاپا: ۲۸۷۵ - ۲۳۲۲



فصلنامه علمی مطالعات شهری

صاحب امتیاز: دانشگاه کردستان

مدیر مسئول: هوشمند علیزاده

سر دبیر: کیومرث ایراندوست

مدیر داخلی: کیومرث حبیبی

کارشناس نشریه: محمد بشیر رباطی

اعضای تحریریه بین‌المللی:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.
Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.
Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research
(Austrian Academy of Sciences), Austria.

داورهای این شماره (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی): احمدی، محمدآزاد؛ آشوری، کسری؛ بصیرت، میثم؛ پژوهان، موسی؛ ثابت تیموری، مژگان؛ جواهری پور، مهرداد؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ دانش مهر، حسین؛ درویش، بهروز؛ سجادزاده، حسن؛ سعادت‌ی وقار، پوریا؛ سعیدی، مهدی؛ شیخی، حجت؛ عادل، زینب؛ عزیزی، محمد مهدی؛ قره‌بگلو، مینو؛ لطفی، صدیقه؛ میرمقتدایی، مهتا؛ منوچهری، صلاح‌الدین؛ نوریان، فرشاد؛ یوسفی، زاهد.

تلفن: ۰۸۷ - ۳۳۶۶۶۷۷۱

شنبه الی سه شنبه ساعت ۱۲-۱۳

www.urbstudies.ir

urbstudies@uok.ac.ir

ساعت تماس:

آدرس وب سایت نشریه:

آدرس ایمیل نشریه:

طرح جلد: کورش عنبری

صفحه‌آرا: جواد ده‌ده جانی

ویراستار فارسی: فرحناز نوبخت

ویراستار انگلیسی: نوید برداران همتی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشانی: سنندج، بلوار پاسداران، دانشگاه کردستان، دانشکده هنر و معماری، گروه مهندسی شهرسازی - کد پستی: ۶۶۱۷۷ - ۱۵۱۷۵

این فصلنامه طی نامه شماره ۱۶۱۹۲۷ به تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۲ مدیر کل امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

با درجه علمی-پژوهشی منتشر می‌شود.

ناشر: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

این نشریه در «ایران ژورنال» نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICEST) به نشانی www.ricest.ac.ir و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام به نشانی www.isc.gov.ir نمایه می‌شود.

مطالعات شهری

فهرست

- چارچوب مفهومی تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شهری: تحلیل فراترکیب مفاهیم حضورپذیری، اجتماع پذیری و کیفیت محیط
مهرداد هدایتیان، علیرضا عینی فر ۳
- تدوین الگوی مفهومی - اجرایی پداگوژی شهرسازی انتقادی
نمونه مورد مطالعه: شهر خلاق رشت | علی اکبر سالاری پور، مانی طالبی صومعه سرائی ۱۹
- نقش قدرت در بازتولید غیررسمیت قشر فرادست در نظام برنامه ریزی شهری: تحلیل گفتمان حق مکتسبه در بازنگری طرح منطقه ثامن
مشهد
سارا وثوقی، فرشاد نوریان ۳۵
- تحلیل دگرگونی جایگاه کاربریهای مکان محور شهری در عصر فضای مجازی
نمونه مورد مطالعه: کتابخانه های سه دانشگاه اصلی زاهدان | امیرحمزه شهبازی ۵۱
- اولویت بندی مؤلفه های ارتقاء حس تعلق به مکان در قرارگاه های رفتاری شهری بر اساس ادراک ذهنی شهروندان
نمونه مورد مطالعه: ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل | نسرين محمدی ایرلو، روح اله رحیمی، وحید وزیری ۶۳
- جایگاه آموزش شهروندی در طرح های توسعه شهری
نمونه مورد مطالعه: طرح های توسعه محله هرنندی تهران | میترا عظیمی، محسن افشاری ۷۷

چارچوب مفهومی تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شهری: تحلیل فراترکیب مفاهیم حضورپذیری، اجتماع پذیری و کیفیت محیط^۱

مهرداد هدایتیان - دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده‌های هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
علیرضا عینی‌فر^۲ - استاد، گروه معماری، دانشکده‌های هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۳۰ مهر ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۳۱ خرداد ۱۴۰۴

چکیده

فضاهای باز شهری نقش حیاتی در تسهیل و تقویت تعاملات اجتماعی میان افراد دارند. این فضاها نه تنها به عنوان مکان‌هایی برای فعالیت‌های تفریحی و استراحت عمل می‌کنند، بلکه بستری مؤثر برای تقویت روابط اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی شهری فراهم می‌آورند. بررسی پیشینه پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد تعاملات اجتماعی در حوزه معماری و شهرسازی عمدتاً با سه مفهوم کلیدی «حضورپذیری»، «اجتماع‌پذیری» و «کیفیت محیط» به عنوان عوامل اصلی تأثیرگذار بررسی شده‌اند، بی‌آن‌که رابطه مفهومی و ساختاری این مفاهیم با یکدیگر و با چارچوب‌های نظری جهانی به روشنی تبیین شده باشد. این پژوهش با هدف بازخوانی و تبیین این مفاهیم در بستری مفهومی، ابتدا با بهره‌گیری از تحلیل واژگان کلیدی و مرور نظریات جهانی، مؤلفه‌های تعاملات اجتماعی را در پنج دسته کالبدی-محیطی، فعالیتی-رفتاری، ادراکی-روانی، زمینه‌ای-فرهنگی و فناورانه-دیجیتال طبقه‌بندی کرده و آنها را در چارچوب مدل مکان دیوید کانتور سامان داده است. در مرحله بعد، به منظور یافتن ارتباط میان مفاهیم اصلی تحقیقات داخلی و نظریات جهانی، با استفاده از دستورالعمل PRISMA و روش فراترکیب، ۳۲ مقاله داخلی منتخب، با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA تحلیل و کدگذاری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد حضورپذیری، بیشتر تحت تأثیر عوامل کالبدی-محیطی مانند تسهیلات محیطی و سازماندهی فضایی قرار دارد. اجتماع‌پذیری به عوامل فعالیتی-رفتاری وابسته است که شامل فعالیت‌های گروهی و فضاهای جمعی می‌شود. کیفیت محیط نیز به عوامل ادراکی-روانی مانند جذابیت، احساس راحتی و معنای محیط مرتبط است. مؤلفه‌های زمینه‌ای و فناورانه نیز نقش تعدیل‌گر دارند. این سه مفهوم نه تنها به صورت مستقل، بلکه به شکل متقابل بر یکدیگر تأثیر گذاشته و تعاملات اجتماعی را در فضاهای باز شهری تقویت می‌کنند. یافته‌های این تحقیق، چارچوبی کاربردی برای طراحان و برنامه‌ریزان شهری ارائه می‌دهد و به توسعه محیط‌هایی اجتماعی‌تر و جذاب‌تر کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: حضورپذیری، اجتماع‌پذیری، کیفیت محیط، تعاملات اجتماعی، فضاهای باز شهری، فراترکیب.

نکات برجسته

- مفاهیم حضورپذیری، اجتماع‌پذیری و کیفیت محیط در مطالعات داخلی با همپوشانی مفهومی و نبود مرزبندی نظری به کار رفته‌اند.
- سیر تحول نظریات تعامل اجتماعی در فضاهای باز شهری، از نقش منفعل فضا به سوی درک فضا به مثابه کنشگر فعال بوده است.
- مدل مکان کانتور با ابعاد تعامل اجتماعی در فضاهای باز شهری ترکیب و تبیین گردید.
- حضورپذیری، اجتماع‌پذیری و کیفیت محیط هر یک با یکی از ابعاد فضایی، رفتاری یا ادراکی بیشترین همراستایی را دارند.
- تعامل اجتماعی پایدار مستلزم توجه همزمان به حضورپذیری، اجتماع‌پذیری و کیفیت محیط در طراحی فضا است.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته معماری با عنوان «نقش سازماندهی فضایی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی فضاهای باز شهری» است که به وسیله نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم در دانشکده معماری دانشگاه تهران تصویب شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: aeinifar@ut.ac.ir

۱. مقدمه

فضاهای باز شهری، به عنوان یکی از ارکان اصلی ساختار شهر، نقشی اساسی در ارتقای کیفیت زندگی و تقویت تعاملات اجتماعی ایفا می‌کنند. این فضاها بستری برای شکل‌گیری روابط اجتماعی، توسعه سرمایه اجتماعی و ایجاد حس تعلق مکانیند. با این حال، نسبت میان سازمان فضایی شهر و تعاملات اجتماعی همچنان یکی از چالش‌های اصلی در طراحی و نظریه‌پردازی شهری است.

مرور پیشینه پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که سه مفهوم کلیدی **حضورپذیری**، **اجتماع‌پذیری** و **کیفیت محیط**، بیشترین فراوانی را در مطالعات مرتبط با تعاملات اجتماعی دارند، اما اغلب بدون تبیین نسبت مفهومی یا ساختار ارتباطی میان آنها مطرح شده‌اند. پژوهش حاضر با هدف رفع این ابهام، در پی ارائه چارچوبی مفهومی برای تحلیل تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری است. بدین منظور، ابتدا با اتکا به نظریه مکان دیوید کانتر و ادبیات جهانی، ساختار مفهومی پنج‌گانه‌ای از مؤلفه‌های تعامل اجتماعی تدوین شده و سپس با استفاده از روش **فرا ترکیب کیفی** و دستورالعمل **PRISMA**، ۳۷۳ مقاله داخلی گردآوری، کدگذاری و تحلیل شده‌اند. پرسش‌های اصلی تحقیق عبارتند از:

۱. هر یک از مفاهیم حضورپذیری، اجتماع‌پذیری و کیفیت محیط چه نقشی در تعاملات اجتماعی دارند؟
 ۲. چه همپوشانی‌ها و تمایزاتی میان آنها وجود دارد؟
 ۳. این مفاهیم چگونه با مؤلفه‌های مطرح در تحقیقات جهانی ارتباط دارند؟
- پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند مبنای نظری منسجمی برای تحلیل تعاملات اجتماعی فراهم آورد و راهنمایی عملی برای طراحی فضاهای مشارکت‌پذیر شهری ارائه کند.



تصویر شماره ۱: مدل مکان کانتر و تعامل میان مؤلفه‌ها

۲/۲. سیر تحول نظریات تعامل اجتماعی در فضاهای باز شهری

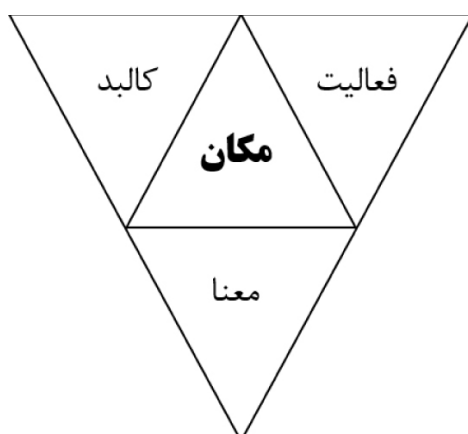
شناخت تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شهری نیازمند درک روند تحول نظریاتی است که در طول زمان، این مفهوم را از منظرهای متنوع

۲. چارچوب نظری

۲/۱. تعامل انسان و محیط در بستر فضای شهری

رابطه میان انسان و محیط از مهم‌ترین مباحث در نظریه‌های شهری و روان‌شناسی محیطی است. این رابطه نه صرفاً به معنای کنش‌های فیزیکی در یک فضا، بلکه به مثابه فرایندی پیچیده، پویا و چندلایه در نظر گرفته می‌شود که حاصل برهمکنش عناصر کالبدی، فعالیت‌های انسانی و معانی ذهنی است. در این میان، نظریه مکان دیوید کانتر (۱۹۷۷) یکی از چارچوب‌های برجسته‌ای است که این رابطه را در قالب مدلی منسجم و تحلیلی، ترکیبی از سه مؤلفه اصلی می‌داند: کالبد، فعالیت و تصورات (Ghoomi et al., 2015).

از نگاه او، مکان نه صرفاً یک فضای فیزیکی، بلکه پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی است که از تعامل مستمر میان این سه مؤلفه شکل می‌گیرد (Jing, 2019). به عبارت دیگر، مکان در تجربه زیسته افراد از طریق حضور در فضا، انجام فعالیت و درک ذهنی معنا می‌یابد. ویژگی ممتاز نظریه کانتر آن است که با وجود تأکید بر وحدت و کلیت تجربه مکان، امکان تحلیل تفکیکی هر مؤلفه را نیز فراهم می‌سازد. بدین ترتیب می‌توان ابعاد کالبدی، رفتاری و ادراکی فضا را به‌طور مستقل بررسی کرد، اما در عین حال تأثیر هر یک بر دیگری و بر تجربه کلی مکان را نیز تحلیل نمود. این مدل مفهومی (تصویر شماره ۱) به دلیل سادگی نسبی و در عین حال جامعیت ساختاری، در بسیاری از پژوهش‌های بعدی در طراحی شهری و روان‌شناسی محیطی مورد اقتباس قرار گرفته است. برای مثال، جان پانتر (۱۹۹۱) در توسعه مدل کانتر (تصویر شماره ۲) به جای مؤلفه «تصورات ذهنی»، بر «معنای محیط» تأکید می‌کند که بر جایگاه معنا به عنوان تجربه‌ای برآمده از تعامل انسان با محیط دلالت دارد (Montgomery, 1998:96-97).



تصویر شماره ۲: مدل مکان جان پانتر و تعامل میان مؤلفه‌ها

تبیین کرده‌اند. این نظریات، همواره تحت تأثیر زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، فلسفی و کالبدی شکل گرفته‌اند و تغییر آنها بازتابی از دگرگونی‌های گسترده در تلقی از ماهیت شهر، تحولات تکنولوژیک،

۲،۲،۲. دوره دوم: ظهور رویکردهای انسان‌گرا و تجربه زیسته در نظریات تعامل اجتماعی (۱۹۶۰-۱۹۸۰)

دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ دوره‌ای کلیدی در بازنگری نسبت به فضاهای شهری بود؛ دورانی که با نقد شهرسازی مدرن و رشد توجه به حقوق شهروندی همراه شد. در این دوره، برای نخستین بار فضاهای باز شهری و طراحی آنها به عنوان عوامل فعال در شکل‌دهی به روابط اجتماعی دیده شدند و ایده فضای عمومی به مثابه "فرصت‌هایی برای مشارکت روزمره شهروندان" (Qi et al., 2024: 155). مطرح گردید. کوین لینچ با انتشار کتاب «تصویر شهر» (1960)، مفهوم «تصویر ذهنی فضا و قابلیت خوانایی شهر» (Haas, 2020: 332) را وارد ادبیات شهری کرد. جین جیکوبز (۱۹۶۱) با تأکید بر تعاملات روزمره، ادوارد رلف (۱۹۷۶) با ایده حس مکان و ویلیام وایت (۱۹۸۰) و یان گل (۱۹۸۷) با مطالعه رفتارهای انسانی در فضاهای شهری، بر نقش ادراک، عاطفه و رفتار در تجربه فضا تأکید کردند.

در این دوره، فضاهای باز شهری برای نخستین بار به عنوان **بستر زندگی اجتماعی روزمره** دیده شدند؛ جایی که طراحی صحیح آن می‌تواند حضور انسان‌ها را تقویت کند، فرصت‌های برخورد و تعامل را افزایش دهد (Qi et al., 2024) و بذل شکل‌گیری تعامل اجتماعی را بکارد. این تحول نظری، زمینه‌ساز رویکردهایی همچون روان‌شناسی محیط، تحلیل رفتاری و روش‌های فضا محور در مطالعات فضاهای عمومی شد و جایگاه فضا را در فرآیندهای اجتماعی، از منفعل به فعال ارتقا داد.

۲،۲،۳. دوره سوم: تحلیل‌های نظام‌مند و کمی (1980-2000)

در دهه ۱۹۸۰ تا پایان قرن بیستم، رویکردهای انسان‌محور جای خود را به مدل‌های داده‌محور و کمی دادند که فضا را ساختاری با منطق درونی و تأثیرگذار بر رفتار اجتماعی می‌دانستند. در این میان، نظریه **نحو فضا (Space Syntax)** بیل هیلیر و جولین هانسون (۱۹۸۴) تحولی اساسی پدید آورد. این نظریه بر این فرض استوار است که سازمان‌دهی فضایی محیط ساخته شده شامل نحوه اتصال معابر، ترتیب مسیرها و میزان پیوستگی یا گسستگی فضاها، به‌طور مستقیم بر الگوهای حرکت انسان‌ها و میزان تعاملات اجتماعی تأثیر می‌گذارد (Yamu, 2021). تحلیل‌هایی مانند ادغام‌پذیری فضایی (Integration)، پیوستگی (Connectivity)، کنترل حرکت (Control Value) و تحلیل دیداری (Visibility Graph Analysis) ابزارهایی برای تحلیل فضای شهری به‌عنوان «ساخت یک گفتمان اجتماعی» (Yamu, 2021: 2) معرفی شدند. در این چارچوب، شهر به مثابه شبکه‌ای منطقی از فضاهای به هم پیوسته در نظر گرفته شد که ویژگی‌های آن مانند میزان پیوستگی و مرکزیت فضایی تعیین‌کننده شدت جریان حرکتی و تعاملات اجتماعی است. تحقیقات مختلفی نشان داده‌اند که فضاهای دارای ادغام‌پذیری بالاتر افراد بیشتری را جذب می‌کنند و به‌عنوان نقاط فعال اجتماع محسوب می‌شوند؛ در حالی که فضاهای جدا افتاده، با کاهش جریان حرکتی و تعامل اجتماعی روبه رو هستند (Askarizad et al., 2024; Kuzuoglu et al., 2024).

چرخش‌های معرفتی و نقدهای بینارشته‌ای بوده است. در این بخش، مهم‌ترین رویکردهای نظری در چهار دوره اصلی مرور می‌شود:

دوره نخست: شکل‌گیری اولیه نظریات ساختارگرا و کلاسیک (تا حدود ۱۹۶۰)

دوره دوم: ظهور رویکردهای انسان‌محور و توجه به تجربه زیسته (۱۹۶۰-۱۹۸۰)

دوره سوم: تحلیل‌های سیستماتیک، کمی‌گرا و فضا محور (۱۹۸۰-۲۰۰۰)

دوره چهارم: رویکردهای زمینه‌گرا، پایداری محور و انعطاف‌پذیر (۲۰۰۰ تاکنون)

این تقسیم‌بندی، نه به منزله تفکیکی مطلق، بلکه به‌عنوان یک چارچوب تحلیلی برای درک روندهای نظری و دگرگونی در نگاه به مفهوم تعاملات اجتماعی در فضای شهری به‌کار گرفته شده است.

۲،۲،۱. دوره نخست: نظریات ساختارگرا و جامعه‌شناسی کلاسیک (تا حدود ۱۹۶۰)

نخستین رویکردها به تعاملات اجتماعی در فضای شهری، ریشه در جامعه‌شناسی کلاسیک اواخر قرن نوزدهم دارند. در این دوره، **فردیناند تونیس** (1887) با تمایزگذاری میان مفاهیم «اجتماع» و «جامعه»^۱، گذار از روابط سنتی چهره‌به‌چهره و مبتنی بر پیوندهای عاطفی، روابط عقلانی، ابزاری و غیرشخصی در جوامع مدرن را تبیین کرد (Azad et al., 2020). به‌طور همزمان، **امیل دورکیم** (1893) با طرح مفهوم «همبستگی ارگانیکی»^۲ در مقابل «همبستگی مکانیکی»، بر جایگزینی پیوندهای سنتی با روابط تخصصی و مبتنی بر تقسیم کار در بستر شهرهای مدرن تأکید نمود (Parsania & Nourani, 2019). هر دو نظریه‌پرداز، **فضا را نه به‌عنوان عاملی تأثیرگذار، بلکه صرفاً به‌مثابه بستری منفعل برای تحولات اجتماعی** در نظر گرفتند. **ماکس وبر** (1921) در تحلیل خود از شهر، آن را به‌مثابه بستری برای ظهور **عقلانیت مدرن، ساختارهای نهادی و نظم اداری** در جوامع غربی مورد توجه قرار داد (Parsania & Nourani, 2019). نگاهی که همچنان فضای شهری را صرفاً در نقش زمینه‌ای خنثی برای فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی در نظر می‌گرفت. در ادامه، مکتب شیکاگو از دهه ۱۹۲۰ رویکردی تجربی‌تر به تحلیل شهر اتخاذ کرد. آنها با بهره‌گیری از بوم‌شناسی، شهر را اکوسیستم اجتماعی-فضایی دانستند ولی همچنان **شهر به‌عنوان پس‌زمینه‌ای منفعل برای تحولات اجتماعی تلقی می‌شد؛ نه به‌عنوان پدیده‌ای طراحی‌شده با نقش‌کنشگر در شکل‌دهی به روابط و تعاملات اجتماعی**.

- 1 Gemeinschaft
- 2 Gesellschaft
- 3 organic solidarity

، فناوری‌هایی نظیر GIS، تحلیل دید و نقشه‌های همپوشانی فضایی» (Tao, 2022)، ابزارهایی نوین برای مدل‌سازی رابطه بین ساختار فضایی و رفتار اجتماعی فراهم کردند. در این رویکرد، فضا دیگر پس‌زمینه‌ای خنثی نیست، بلکه به‌عنوان عاملی فعال و مؤثر در شکل‌دهی الگوهای حرکت، تجمع و تعاملات اجتماعی بررسی شده و «امکان یافتن روابط شهری بین محیط فیزیکی و رفتار انسان را فراهم می‌کند» (Sutkaitytė, 2020:84).

۲/۲/۴. دوره چهارم: رویکردهای پایداری، انعطاف‌پذیری و اجتماع‌محور در تعاملات اجتماعی (۲۰۰۰ تاکنون)

از آغاز قرن ۲۱، نظریه‌های مرتبط با تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شهری وارد مرحله‌ای زمینه‌گرا، چندلایه و انعطاف‌پذیر شده‌اند. در این رویکرد، فضا دیگر صرفاً بستر فیزیکی نیست، بلکه کنشگری اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و فناورانه دارد. مفاهیمی چون «حق به شهر» (Lefebvre; 1968)، «مکان‌های چهارم» (Aelbrecht, 2016)، «سرزندگی اجتماعی» (Carmona, 2010) و رویکردهای «شهرسازی تاکتیکی» (Roosta et al., 2022)، ساختار نظری این دوره را شکل داده‌اند. بر اساس این دیدگاه‌ها، تعامل اجتماعی پایدار در گرو طراحی فضاهایی است که مشارکت‌پذیر، دسترس‌پذیر، متنوع و انطباق‌پذیر با تحولات فناورانه باشند. پروژه‌هایی چون PPS (Project for Public Spaces) و پژوهش‌هایی نظیر (Aelbrecht, 2016)، (Castro, 2021) و (Seixas, 2024) مؤلفه‌های دسترسی‌پذیری، گشودگی دبداری، فرصت‌های مکث، کاربری چندمنظوره، مشارکت اجتماعی، تنوع فضایی و فناوری‌های نوین شهری نظیر وای‌فای عمومی، اپلیکیشن‌های شهری و تلفیق فضاهای فیزیکی و دیجیتال، که مرزهای سنتی حضور در فضای عمومی را دگرگون کرده‌اند را از عوامل

مؤثر بر تعاملات اجتماعی در فضای باز می‌دانند.

در این گفتمان، ایده «چرخش فضایی ۲» لوفور (1991) که در آن فضا «ظرف» رویدادهایی نیست که توسط مردم تولید می‌شوند، بلکه یک کنشگر تمام‌عیار است که به‌طور فعال بر جوامعی تأثیر می‌گذارد که در آن عمل می‌کنند (Lamprecht, 2022)، به‌عنوان **عرصه‌ای تغییرپذیر، اجتماعی و چندلایه** دیده می‌شود که در آنها مناسبات اجتماعی، قدرت، فرهنگ، فناوری و طبیعت درهم تنیده‌اند (Purcell, 2014).

۲/۲/۵. جمع‌بندی کلی سیر تحول نظریات تعامل اجتماعی در فضاهای باز شهری

تحلیل سیر تحول نظریات تعامل اجتماعی در فضاهای باز شهری که در جدول شماره ۱ آمده است، نشان‌دهنده روندی تکاملی در فهم رابطه انسان، جامعه و فضا است؛ روندی که بازتابی از تغییرات اساسی در نگرش به شهر، معماری و فضاهای عمومی و نیز تحول در بسترهای فکری، اجتماعی و فناورانه دوره‌های مختلف به‌شمار می‌آید. در این سیر، از نظریات کلاسیک که فضا را صرفاً بستری منفعل برای کنش‌های اجتماعی تلقی می‌کردند، به تدریج به دیدگاه‌هایی رسیده‌ایم که فضا را به‌مثابه **کنشگری فعال** در شکل‌دهی به روابط اجتماعی می‌فهمند. این مسیر نشان می‌دهد که **درک معاصر از تعامل اجتماعی در فضاهای باز شهری، نیازمند نگاهی میان‌رشته‌ای، چندبعدی و زمینه‌گراست**؛ نگاهی که بتواند ابعاد کالبدی، ادراکی، اجتماعی، فرهنگی و فناورانه فضا را در ارتباطی دیالکتیک، پویا و متعامل لحاظ کند. پژوهش حاضر با الهام از این روند تحول نظری، در تلاش است تا مدلی تحلیلی را برای تبیین تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شهری تدوین کند؛ مدلی که ضمن اتکا به مبانی نظری، در محیط واقعی نیز قابلیت کاربرد و سنجش داشته باشد.

جدول شماره ۱: دوره‌های تاریخی و سیر تحول نظریات تعامل اجتماعی در فضاهای شهری

دوره تاریخی	بازه زمانی	ویژگی‌های اصلی نظریات	نگاه به شهر و فضا	جایگاه فضای باز
دوره نخست: نظریات کلاسیک	تا حدود ۱۹۶۰	تحلیل ساختارهای کلان اجتماعی، اثر شهرنشینی بر فروپاشی پیوندهای سنتی	شهر به مثابه بستر طبیعی و منفعل در تحولات اجتماعی	فضا به عنوان زمینه‌ای خاموش، بدون نقش در تعامل اجتماعی
دوره دوم: رویکرد انسان‌گرا و تجربه زیسته	۱۹۶۰-۱۹۸۰	تأکید بر کیفیت فضاهای عمومی، تجربه زیسته و حس مکان در ارتقای تعامل اجتماعی	فضای باز شهری به عنوان بستری فعال که تعاملات را تسهیل و ارتقا می‌دهد	طراحی فضای باز به عنوان ابزاری برای خلق حس مکان، امنیت و سرزندگی اجتماعی
دوره سوم: تحلیل‌های سیستماتیک و کمی‌گرا	۱۹۸۰-۲۰۰۰	تحلیل رابطه سازمان فضایی و تعامل اجتماعی از طریق مدل‌های کمی و داده‌محور	فضا به عنوان شبکه‌ای منطقی که الگوهای حرکت و فرصت‌های تعامل را ساختار می‌دهد	طراحی شهری به مثابه ابزار پیش‌بینی رفتار اجتماعی و مهندسی فضا
دوره چهارم: رویکردهای پایداری، انعطاف‌پذیری و اجتماع‌محور	۲۰۰۰ تاکنون	توجه به پایداری اجتماعی، عدالت فضایی، تنوع فرهنگی و کنشگری شهروندی در فضاهای عمومی	فضای باز شهری به عنوان عرصه‌ای برای تحقق حق به شهر، پایداری اجتماعی و تنوع تعاملات	تأکید بر انعطاف‌پذیری، چندمنظوره بودن، مشارکت فعال و پاسخ به تغییرات اجتماعی

۲،۲،۶. دسته‌بندی مؤلفه‌ها و معیارهای تعاملات اجتماعی

بر اساس تحلیل تطبیقی نظریات تعامل اجتماعی در فضاهای باز شهری، می‌توان اشتراکات و محورهای اصلی را در یک چارچوب تحلیلی نظام‌یافته متشکل از پنج دسته اصلی بازشناسی کرد.

الف) مؤلفه کالبدی-محیطی

مؤلفه کالبدی به ویژگی‌های فیزیکی، فضایی و فرمی فضاهای باز شهری اشاره دارد که بر تعاملات اجتماعی اثرگذارند. این مؤلفه نقش طراحی و سازماندهی فضا را در تسهیل حضور، مکث و ارتباط میان کاربران برجسته می‌سازد. از منظر نظری، مؤلفه کالبدی ریشه در نظریات مربوط به «تصویر ذهنی شهر» (Lynch, 1960)، «فضای میان ساختمان‌ها» (Gehl, 2010) و «منطق اجتماعی فضا» (Hillier & Hanson, 1989) دارد. این نظریه‌ها تأکید دارند که شکل، فرم، ساختار و پیکربندی فضا بر نحوه حرکت، توقف و مواجهه انسان‌ها در محیط تأثیرگذار است. همچنین از منظر مطالعات تجربی، پژوهشگرانی مانند (Carmona, 2010)، (Aelbrecht, 2016)، (McGillivray et al., 2023)، (Qi et al., 2024) با بررسی عینی فضاهای شهری، ویژگی‌هایی چون مقیاس انسانی، گشودگی فضایی، مبلمان مناسب، تنوع فضایی و خوانایی محیط را به عنوان عناصر کلیدی در تسهیل تعاملات اجتماعی شناسایی کرده‌اند.

ب) مؤلفه فعالیتی-رفتاری

مؤلفه فعالیتی-رفتاری بر نقش فعالیت‌های انسانی در جان‌بخشی به فضاهای باز شهری و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی تأکید دارد. از منظر نظری، پایه‌های این مؤلفه را می‌توان در آثار کلاسیکی چون جین جیکوبز و یان گل مشاهده کرد که تأکید دارند فضاهای باز باید محل «زندگی میان ساختمان‌ها» باشند، نه صرفاً گذرگاه‌هایی برای عبور. فعالیت‌های رسمی و غیررسمی، فردی و جمعی، همه ظرفیت‌هایی را برای برخورد، مکث، تعامل و مشارکت اجتماعی ایجاد می‌کنند. از منظر تجربی نیز مطالعات (white, 2012)، (Aelbrecht, 2016)، (Gehl, 2017) به روشنی نشان می‌دهند که هرگاه فضایی دارای تنوع فعالیت، فعالیت‌های جذب‌کننده و مشارکتی باشد، تعاملات اجتماعی در آن افزایش می‌یابد. این مؤلفه نشان می‌دهد فضا زمانی به عرصه‌ای اجتماعی بدل می‌شود که زیست انسانی، مشارکت و تجربه روزمره را در خود فعال سازد.

ج) مؤلفه ادراکی-روانی

مؤلفه ادراکی-روانی بر جنبه‌های ذهنی، عاطفی و روان‌شناختی تجربه فضا تمرکز دارد و نشان می‌دهد که درک و احساس کاربران نسبت به فضاهای باز شهری، نقشی تعیین‌کننده در تعاملات اجتماعی ایفا می‌کند. ریشه‌های نظری این مؤلفه را می‌توان در نظریه‌های پدیدارشناسانه مکان مانند آثار ادوارد رلف و دیدگاه‌های روان‌شناسی محیطی مانند حس تعلق و امنیت روانی یافت. این نظریات تأکید دارند که فضا نه تنها فیزیکی است، بلکه واجد کیفیت‌های ذهنی و عاطفی است که بر رفتار اجتماعی تأثیرگذارند.

در حوزه پژوهش‌های تجربی، مطالعات (Carmona, 2010)،

(Aelbrecht, 2016)، و (Montgomery, 1998) نشان داده‌اند مؤلفه‌هایی مانند خوانایی فضا، احساس امنیت و خاطره‌انگیزی محیط، نقش مؤثری در افزایش میل به حضور و تعامل در فضاهای عمومی دارند. ویژگی‌هایی که به تجربه درونی انسان از فضا معنا می‌دهند و از طریق آن، فضا از یک بستر خنثی به یک مکان اجتماعی پویا تبدیل می‌شود.

د) مؤلفه زمینه‌ای-فرهنگی

مؤلفه زمینه‌ای به بسترهای فرهنگی، اجتماعی چون عدالت فضایی، مشارکت محلی و هویت فرهنگی اشاره دارد که با مفاهیم هویت و مشارکت اجتماعی در نظریات پسامدرن و انتقادی مرتبط است. این دیدگاه‌ها بر آنند که تعاملات اجتماعی نه در خلأ، بلکه در دل ساختارهای اجتماعی، روابط قدرت، تفاوت‌های فرهنگی و زمینه‌های اقتصادی-سیاسی شکل می‌گیرند.

در مطالعات تجربی، پژوهش‌هایی مانند (PPS, 2010)، (Aelbrecht, 2016)، (Qi et al., 2024) و (Vazquez et al., 2024) نشان داده‌اند که طراحی موفق فضاهای باز شهری باید بر اصول دسترسی برابر، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، مشارکت محلی و همسازی فرهنگی استوار باشد. این مؤلفه نشان می‌دهد که بدون بسترهای اجتماعی و فرهنگی مناسب، حتی فضاهای خوش طرح نیز ممکن است به طرد یا نابرابری اجتماعی منجر شوند.

ه) مؤلفه فناوریانه-دیجیتال

مؤلفه فناوریانه به نقش فناوری‌های دیجیتال و زیرساخت‌های هوشمند در بازتعریف حضور و تعامل در فضاهای باز شهری می‌پردازد. با رشد شهرهای هوشمند، اینترنت اشیاء و رسانه‌های دیجیتال، فضاهای شهری به محیط‌هایی ترکیبی از زیست فیزیکی و شبکه‌ای تبدیل شده‌اند. این نظریات به تلفیق فضاهای فیزیکی با لایه‌های اطلاعاتی و ارتباطی توجه دارند و بر آنند که فضای تعامل اجتماعی در عصر دیجیتال، فراتر از حضور فیزیکی است و طراحی فضاهای باز باید به نیازهای ارتباطی و تعاملی کاربران نیز پاسخ دهد.

پژوهش‌هایی مانند (Vazquez et al., 2024)، (Cui, 2025)، و (Qanazi, 2025) نشان می‌دهند که زیرساخت‌های دیجیتال، طراحی فضاهای قابل تنظیم با فناوری و ادغام تجربه فیزیکی و آنلاین در فضاهای شهری می‌توانند کیفیت تعاملات اجتماعی را افزایش دهند؛ به‌ویژه در نسل جوان، گردشگران یا گروه‌هایی که بیش از هر چیز با فناوری‌های دیجیتال در ارتباطند.

۲،۲،۷. جمع‌بندی نهایی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های تعاملات اجتماعی

تحلیل نظریات مرتبط با تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شهری نشان می‌دهد که این پدیده، متأثر از مجموعه‌ای درهم‌تنیده از عوامل کالبدی، عملکردی، ادراکی، زمینه‌ای و فناوریانه است که غفلت از هرکدام، می‌تواند به تضعیف پویایی اجتماعی فضا بینجامد. در جدول شماره ۲ مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مرتبط با تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شهری ارائه شده است.

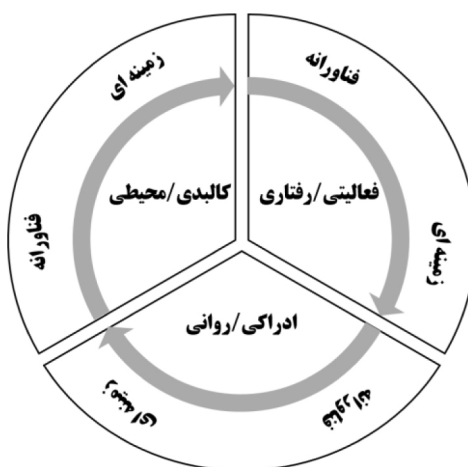
جدول شماره ۲: جدول نهایی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شهری

مؤلفه اصلی	زیرمؤلفه کلیدی	پژوهشگران و منابع	کارکرد/نقش در تعاملات اجتماعی
کالبدی-محیطی	مقیاس انسانی	(Carmona, 2010; Gehl, 2017)	تسهیل ارتباط انسانی و افزایش حضور
	تنوع فضایی	PPS, 2010 (Aelbrecht, 2016)	پاسخگویی به نیازهای گوناگون کاربران
	گشودگی و شفافیت دیداری	(Qi et al., 2024; white, 2012)	افزایش امنیت و تشویق تعاملات غیررسمی
فعالیتی-رفتاری	طراحی چندمنظوره و انعطاف پذیر	(McGillivray et al., 2023)	سازگاری با انواع تعاملات و رویدادها
	تنوع فعالیت‌ها	PPS, 2010	جذب گروه‌های متنوع اجتماعی
	امکان مکث و توقف	(Aelbrecht, 2016; white, 2012)	ایجاد بستر مکالمه و مشارکت خودجوش
	فعالیت‌های روزمره اجتماعی	(Gehl, 2010; Montgomery, 1998)	ایجاد پیوند اجتماعی طبیعی و پایدار
	رویدادهای محلی	(Qi et al., 2024)	تقویت انسجام اجتماعی و حس اجتماع
ادراکی-روانی	فضاهای نیمه خصوصی و کوچک	(Aelbrecht, 2016)	تسهیل تعامل در گروه‌های کوچک
	فعالیت‌های جذب‌کننده و خودجوش	(Qi et al., 2024)	تحریک تعاملات لحظه‌ای و غیرفرمال
	حس تعلق و وابستگی به مکان	(Carmona, 2010; Relph, 1976)	افزایش وفاداری و احترام متقابل در فضا
	احساس امنیت روانی	(white, 2012) PPS, 2010	کاهش اضطراب و افزایش کیفیت تعامل
	تجربه بصری و خاطره‌انگیزی	(Montgomery, 1998)	افزایش ماندگاری ذهنی و ایجاد گفت‌وگو
زمینه‌ای-فرهنگی	کاهش اضطراب و راحتی روانی	(Cui, 2025; Ziqing Liu, 2024)	ایجاد زمینه آرام برای گفت‌وگو و مشارکت
	خوانایی و جهت‌یابی	(Carmona, 2010; Lynch, 1960)	افزایش قابلیت حرکت و درک ساختار فضا
	عدالت فضایی	(Edge et al., 2024; Toktam Hanai, 2024)	برقراری امکان تعامل برابر برای همه گروه‌ها
	دسترسی برابر و فراگیر	(Qi et al., 2024) PPS, 2010;	جلوگیری از حذف یا طرد اجتماعی
	مشارکت محلی و نقش اجتماعی	(Qi et al., 2024; Vazquez et al., 2024)	افزایش حس مالکیت و اجتماع‌سازی
فناورانه-دیجیتال	پیوست فرهنگی و هویت اجتماعی	(Aelbrecht, 2016; Relph, 1976)	پذیرش متقابل و احترام فرهنگی
	دسترسی به زیرساخت‌های ارتباطی	(Cui, 2025; Ziqing Liu, 2024)	تسهیل ارتباط و ماندگاری در فضا
	تلفیق تجربه فیزیکی و دیجیتال	(de Souza e Silva et al., 2024; Qanazi, 2025)	گسترش ابعاد تعامل حضوری و مجازی
	مدیریت هوشمند فضا	(Xu, 2025)	بهینه‌سازی لحظه‌ای فضا برای کاربران
	روایت‌پذیری و اشتراک تجربه شهری	(Aelbrecht, 2016)	مشارکت، دیده‌شدن و پویایی فرهنگی

۲.۲.۸. تفسیر مفاهیم در چارچوب مدل مکان کانتر

سه مؤلفه اصلی تعاملات اجتماعی در فضاهای باز یعنی کالبدی، فعالیتی و ادراکی به‌طور مستقیم متناظر با عناصر سه‌گانه مدل کانتر هستند. مؤلفه **کالبدی-محیطی** با بُعد فرم در نظریه کانتر هم‌راستا است و به ویژگی‌های فیزیکی، سازمان فضایی و دسترسی فضا اشاره دارد. مؤلفه **فعالیتی-رفتاری** با بُعد فعالیت متناظر است و به کنش‌ها، استفاده‌ها، تجمعات و رفتارهای اجتماعی می‌پردازد که در فضا رخ می‌دهند. مؤلفه **ادراکی-روانی** نیز معادل معنا در مدل کانتر تلقی شده و تجربه ذهنی، حس تعلق، امنیت روانی و هویت فضایی را در بر می‌گیرد. در کنار این سه مؤلفه اصلی، دو مؤلفه تعدیل‌گر نیز شناسایی شده‌اند

که به‌رغم آن که به‌صورت مستقیم مکان را نمی‌سازند، اما به‌عنوان زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی و بسترهای فناورانه، کیفیت، جهت و شدت تأثیر مؤلفه‌های اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مؤلفه زمینه‌ای فرهنگی در تعامل با معنا و فعالیت قرار گرفته و بر تفسیر اجتماعی مکان، نوع تعاملات و شیوه‌های استفاده از فضا اثرگذار است. مؤلفه فناورانه دیجیتال نیز می‌تواند سازوکارهای نوینی برای حضور و تعامل اجتماعی در فضا ایجاد کرده و به‌مثابه بستری جدید، کارکرد مؤلفه‌های کالبدی و ادراکی را دگرگون سازد. در مدل مفهومی ارائه شده (تصویر شماره ۳)، این دو مؤلفه به‌عنوان نیروهای تعدیل‌گر بیرونی، در پیرامون چرخه اصلی فرم فعالیت معنا قرار می‌گیرند و نقش زمینه‌ساز یا تعدیل‌گر در فرایند شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را ایفا می‌کنند.



تصویر شماره ۳: مدل مفهومی مؤلفه‌های تعامل اجتماعی و مدل مکان کانتر

۲،۲،۹. مفاهیم تعاملات اجتماعی در مطالعات داخلی

بررسی پیشینه پژوهش در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی نشان می‌دهد که مطالعات مرتبط با تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شهری ذیل سه مفهوم کلیدی «حضورپذیری»، «اجتماع‌پذیری» و «کیفیت محیط» مطرح شده‌اند. در مجموع واژه «تعاملات اجتماعی» در ۳۷۳ مقاله حوزه معماری و شهرسازی مشاهده شد که مفهوم حضورپذیری در ۱۵۸، اجتماع‌پذیری در ۲۳ و کیفیت محیط در ۷۹ مقاله به‌طور مستقیم مطرح بوده‌اند. تحلیل دقیق‌تر مطالعات نشان می‌دهد در بیشتر آنها، مرزهای مفهومی میان این سه واژه به‌روشنی ترسیم نشده و رابطه ساختاری آنها با یکدیگر نیز به‌صورت نظام‌مند بررسی نشده است. این مفاهیم اغلب به‌صورت همپوشان یا حتی معادل یکدیگر به‌کاررفته‌اند، بدون آن‌که نسبت آنها با «تعاملات اجتماعی» به‌روشنی تعریف شود. این مسئله نوعی ابهام نظری و پراکندگی روشی را در ادبیات داخلی رقم زده است.

در پاسخ به این وضعیت، مطالعه حاضر تلاش کرده تا با تدوین مدلی مفهومی برای روشن‌سازی جایگاه، تمایز و همپوشانی میان مفاهیم حضورپذیری، اجتماع‌پذیری و کیفیت محیط در متون داخلی و پیوند آن با تحقیقات جهانی، تحلیلی ساختاریافته و منسجم ارائه دهد تا مبنایی نظری و تحلیلی برای بررسی تعاملات اجتماعی در بستر فضاهای شهری فراهم سازد.

۳. روش

پژوهش حاضر، از نوع بنیادی و توصیفی و با رویکردی کیفی است. روش گردآوری داده‌ها، فراترکیب بوده که با استفاده از مدل هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو (2006) اجرا شده است. این روش با مرور نظام‌مند مطالعات، انتخاب مقالات، استخراج داده‌ها و تحلیل تفسیری، به درکی عمیق و جامع از مفاهیم چندبعدی تحقیق منجر می‌شود.

۳،۱. تنظیم پرسش‌های پژوهش

فرایند فراترکیب با تبیین پرسش‌هایی در قالب چهارگانه Who، What، When و How انجام می‌شود. در پاسخ به پرسش «چه چیزی؟» عوامل مؤثر بر سه مفهوم کلیدی حضورپذیری، اجتماع‌پذیری و کیفیت محیط در تعاملات اجتماعی مورد نظر است. «چه کسی؟» به جامعه پژوهش شامل مقالات علمی نمایه‌شده در پایگاه‌های معتبر داخلی وزارت علوم اشاره دارد. دامنه زمانی در پاسخ به «چه زمانی؟»، مقالات منتشرشده در بازه ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۳ را در بر می‌گیرد. «چگونه؟»، جست‌وجوی نظام‌مند با کلیدواژه‌های اصلی در پایگاه‌های نورمگز، SID و علم‌نت و انتخاب مقالات مرتبط به‌صورت هدفمند و مبتنی بر معیارهای محتوایی است.

جدول شماره ۳: مراحل انتخاب مقالات برای مطالعه نهایی در فراترکیب

مرحله ۱	تعداد مقالات یافته شده: ۶۸۷	تعداد مقالات رد شده پس از دقت در عنوان: ۴۶۸
مرحله ۲	تعداد مقالات منتخب برای مطالعه چکیده و نتیجه‌گیری: ۲۱۹	تعداد مقالات رد شده پس از مطالعه چکیده و نتیجه‌گیری: ۱۲۶
مرحله ۳	تعداد مقالات منتخب برای مطالعه کامل: ۹۳	تعداد مقالات رد شده پس از مطالعه کامل مقاله: ۶۳
تعداد مقالات نهایی برای بررسی در روش فراترکیب: ۳۰		

۳،۴. استخراج اطلاعات مقالات

مقالات منتخب برای تحلیل مفهومی به‌صورت کامل و دقیق بررسی شدند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA نسخه 2024، کدگذاری و مقوله‌بندی گردیدند. سه موضوع «حضورپذیری»، «اجتماع‌پذیری» و «کیفیت محیط» به‌عنوان چارچوب طبقه‌بندی اولیه انتخاب و مقالات بر اساس همپوشانی محتوایی مطابق جدول شماره دسته‌بندی و تحلیل شدند.

۳،۲. بررسی نظام‌مند مقالات

با جست‌وجو براساس واژگان کلیدی، تعداد ۶۸۷ مقاله که از واژه‌های مورد نظر در «عنوان» یا «کلیدواژه» استفاده کرده بودند، یافت شد.

۳،۳. جست‌وجو و انتخاب مقاله‌های مرتبط

در مرحله سوم، منابع یافته شده براساس معیارهای ورود و خروج روش پریزما به صورت گام‌به‌گام مورد بررسی قرار گرفتند. با فرآیند مشخص شده در جدول شماره ۳، در نهایت ۳۰ مقاله به شرح جدول شماره ۴ به عنوان مقالات نهایی برای تحلیل انتخاب گردیدند.

جدول شماره ۴: مقالات نهایی برای تحلیل در روش فراترکیب

کد	پژوهشگر و سال انتشار	کد	پژوهشگر و سال انتشار	کد	پژوهشگر و سال انتشار
1	(Pahlevan et al., 2022)	11	(shojaei delaram, 2015)	21	(Amini et al., 2014)
2	(Bahrampour & Afzali, 2018)	12	(Karami et al., 2018)	22	(Eskandari et al., 2020)
3	(vahdat & Sajadzadeh, 2016)	13	(Sharifian et al., 2021)	23	(Haghi & Pouralikhani, 2019)
4	(Behzadfar et al., 2014)	14	(Ghods et al., 2018)	24	(Tahmasebi et al., 2019)
5	(Bagheri et al., 2023)	15	(mohammadzadeh et al., 2022)	25	(Mohebinejad et al., 2022)
6	(GhaleNoii & Amelian, 2019)	16	(Rajabi et al., 2022)	26	(Alitajer et al., 2018)
7	(Kakizadeh et al., 2023)	17	(Hamejani et al., 2019)	27	(Dehnad et al., 2021)
8	(Saremi et al., 2023)	18	(taghipour & soltanzadeh, 2016)	28	(Dezfuly & Naghizadeh, 2014)
9	(Alitajer et al., 2019)	19	(Elmi et al., 2020)	29	(Meshkini et al., 2017)
10	(Amirfakhrian et al., 2024)	20	(Mahmoodi & Mansourpour, 2017)	30	(alavinasab et al., 2018)

جدول شماره ۵: کدها، مفاهیم و مقولات به همراه فراوانی آنها

موضوع	مقوله	مفهوم	کد	فراوانی
حضورپذیری	محیطی-کالبدی	امکانات و تسهیلات	مبلمان، سایبان، آبخوری، سرویس بهداشتی، سطولهای زباله	۸۸٪
		سازماندهی فضایی	همپیوندی، کنترل، اتصال، عمق، سلسله مراتب، دسترسی، جانمایی، شفافیت، ابعاد و اندازه، نور مناسب، طول دید بصری، خرده اقلیم، انتخاب	
	فعالیتی-رفتاری	امکانات جمعی	نیمکت های بزرگ چند نفره	۳٪
		فضاهای جمعی	تنوع فضاها	
	ادراکی-روانی	فعالتهای جمعی	فضای بازی جمعی	۹٪
		ادراک محیط	جذابیت، هنر شهری	
اجتماع پذیری	محیطی-کالبدی	امکانات و تسهیلات	امنیت، خوانایی، آشنایی با محیط	۱۵٪
		سازماندهی فضایی	ایمنی، راحتی، مبلمان و نیمکت	
	فعالیتی-رفتاری	امکانات جمعی	اتصال، پیوستگی و یکپارچگی با محیط اطراف، جریان حرکتی مردم، خرده اقلیم، دسترسی، دسترسی بصری، شفافیت محیط، نفوذپذیری، همپیوندی، هندسه	۶۵٪
		فضاهای جمعی	امکانات تفریحی و فرهنگی، تسهیلات جمعی، نیمکت های گروهی، میزهای کار گروهی، تخت ها و صندلی های جمعی برای استراحت در فضای باز، منقل و باریکیو	
	ادراکی-روانی	فعالتهای جمعی	ارتباط رو در رو میان افراد، ایجاد مسیر پیاده و دوچرخه، تنوع، فضاهای سرگرم کننده، فضاهایی برای تجمع و کار جمعی، فضای ورزشی روباز، قلمرو انجام کار جمعی، قلمرو مکانی جمعی، کاربری های جمعی (رستوران، بوفه، کافی شاپ و غیره)	۲۰٪
		ادراک محیط	انعطاف پذیری، برگزاری مراسم فرهنگی و مذهبی، تنوع حضور مردم (قومیت، سن، جنس و ...)	
پایان محیط	محیطی-کالبدی	معنای محیط	امنیت، امنیت اجتماعی، حس تعلق، خوانایی، هویت محیط	۱۵٪
		امکانات و تسهیلات	ایمنی، مبلمان	
	فعالیتی-رفتاری	امکانات جمعی	دسترسی، آسایش اقلیمی، نفوذپذیری، انسجام فضایی	۱۵٪
		فضاهای جمعی	امکانات و تسهیلات جمعی، راحتی	
	ادراکی-روانی	فعالتهای جمعی	فضای باز برای بازی کودکان، فضای پیاده روی	۷۰٪
		ادراک محیط	تعاملات اجتماعی، انعطاف پذیری	

۳/۵. تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته های پژوهش

بر اساس تحقیق صورت گرفته مشخص گردید که هر کدام از موضوعات «حضورپذیری»، «اجتماع پذیری» و «کیفیت محیط» از سه مقوله «محیطی-کالبدی»، «فعالیتی-رفتاری» و «ادراکی-روانی» و هفت مفهوم امکانات و تسهیلات محیط، سازماندهی فضایی محیط، امکانات جمعی، فضاهای جمعی، فعالیت های جمعی، ادراک محیط و معنای محیط تشکیل شده اند که کدهای مرتبط با هر کدام از این مقوله ها و مفاهیم مطابق جدول شماره ۵ مشخص شدند. همانگونه که فراوانی کدهای استخراج شده نشان می دهد، هر کدام از موضوعات یاد شده در یکی از مقوله ها بیشترین فراوانی را داشته است.

حضورپذیری در مقوله «محیطی-کالبدی»، اجتماع پذیری در مقوله «فعالیتی-رفتاری» و کیفیت محیط در مقوله «ادراکی-روانی» دارای حداکثر فراوانی است. این مطلب نشانگر آن است که جهت توجه هر کدام از موضوعات مورد مطالعه به کدام سمت است.

غلبه مقوله کالبدی-محیطی در تحلیل حضورپذیری فضاهای شهری

تحلیل مقالات مرتبط با اجتماع پذیری نشان می دهد که مؤلفه «فعالیتی-رفتاری» بیشترین بسامد را در این تحقیقات دارد. این مؤلفه شامل سه زیرمقوله اصلی است:

الف) امکانات و تسهیلات محیطی: مانند نیمکت، سایه بان، آبخوری، سرویس بهداشتی که حضور را از طریق آسایش و ماندگاری تقویت می کنند.

ب) سازماندهی فضایی محیط: شامل شفافیت، نفوذپذیری، هندسه فضایی و جریان های حرکتی که حرکت، دسترسی و درک فضایی را تسهیل می کنند. در نتیجه، طراحی فیزیکی و ساختار فضایی محیط های شهری نقش محوری در شکل گیری و پایداری حضور افراد در فضاهای عمومی دارد. نمودار شماره ۱۰، سهم نسبی مؤلفه های مختلف در تبیین حضورپذیری محیط را نمایش می دهد.

غلبه مقوله «فعالیتی-رفتاری» در تحلیل اجتماع پذیری فضاهای شهری

تحلیل مقالات مرتبط با اجتماع پذیری نشان می دهد که مؤلفه «فعالیتی-رفتاری» بیشترین بسامد را در این تحقیقات دارد. این مؤلفه شامل سه زیرمقوله اصلی است:

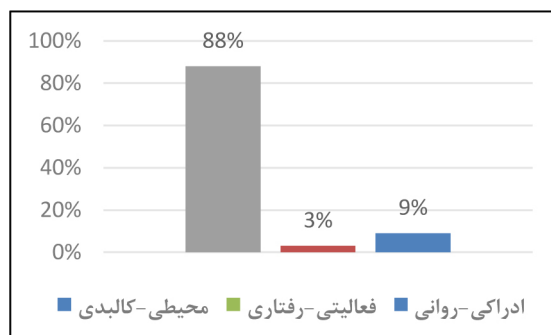
۳/۵. تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته های پژوهش

بر اساس تحقیق صورت گرفته مشخص گردید که هر کدام از موضوعات «حضورپذیری»، «اجتماع پذیری» و «کیفیت محیط» از سه مقوله «محیطی-کالبدی»، «فعالیتی-رفتاری» و «ادراکی-روانی» و هفت مفهوم امکانات و تسهیلات محیط، سازماندهی فضایی محیط، امکانات جمعی، فضاهای جمعی، فعالیت های جمعی، ادراک محیط و معنای محیط تشکیل شده اند که کدهای مرتبط با هر کدام از این مقوله ها و مفاهیم مطابق جدول شماره ۵ مشخص شدند. همانگونه که فراوانی کدهای استخراج شده نشان می دهد، هر کدام از موضوعات یاد شده در یکی از مقوله ها بیشترین فراوانی را داشته است.

حضورپذیری در مقوله «محیطی-کالبدی»، اجتماع پذیری در مقوله «فعالیتی-رفتاری» و کیفیت محیط در مقوله «ادراکی-روانی» دارای حداکثر فراوانی است. این مطلب نشانگر آن است که جهت توجه هر کدام از موضوعات مورد مطالعه به کدام سمت است.

غلبه مقوله کالبدی-محیطی در تحلیل حضورپذیری فضاهای شهری

تحلیل مقالات مرتبط با اجتماع پذیری نشان می دهد که مؤلفه «فعالیتی-رفتاری» بیشترین بسامد را در این تحقیقات دارد. این مؤلفه شامل سه زیرمقوله اصلی است:

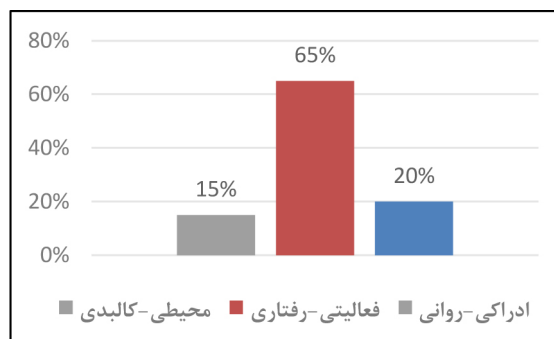


نمودار شماره ۱: مقوله‌های موضوع حضورپذیری و فراوانی آنها

الف) **امکانات و تسهیلات جمعی:** که با فراهم آوردن عناصر کالبدی چون نیمکت‌های گروهی و ایستگاه‌های مکث، بستر استقرار و ارتباطات اجتماعی را ایجاد می‌کنند.

ب) **فضاهای جمعی:** همچون میدان‌ها، پارک‌ها و مسیرهای پیاده که با ساختاری باز و دربرگیرنده، امکان حضور گروه‌های متنوع اجتماعی را

فراهم می‌آورند.
ج) **فعالیت‌های جمعی:** مانند آیین‌ها، جشنواره‌ها و رویدادهای مشارکتی که عامل تقویت مشارکت، شکل‌گیری خاطرات مشترک و پیوندهای اجتماعی‌اند. نمودار شماره ۲، سهم نسبی مؤلفه‌های مختلف در تبیین اجتماع‌پذیری محیط را نمایش می‌دهد.



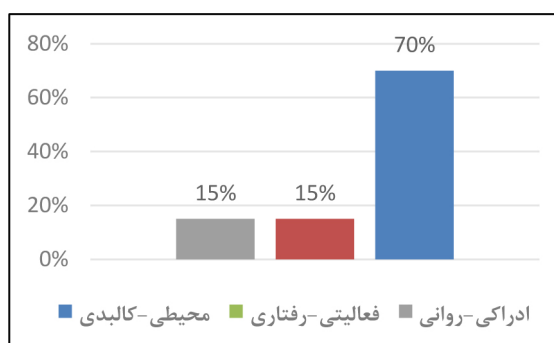
نمودار شماره ۲: مقوله‌های موضوع اجتماع-پذیری و فراوانی آنها

غلبه مقوله «ادراکی-روانی» در تحلیل کیفیت

بررسی مطالعات مرتبط با کیفیت محیط نشان می‌دهد، مؤلفه «ادراکی-روانی» که به تجربه ذهنی افراد از فضا می‌پردازد، بیشترین بسامد را در میان سایر مؤلفه‌ها دارد و شامل دو بعد کلیدی است:

الف) **ادراک محیط:** که از طریق حواس و تجربه‌های شناختی-حسی شکل می‌گیرد و برداشت‌هایی مانند نور، مقیاس، نظم و خوانایی فضایی را شامل می‌شود. این ادراک زمینه‌ساز تجربه فضایی مطلوب

و بروز رفتارهای اجتماعی مناسب است.
ب) **معنای محیط:** به ارزش‌ها و نمادهایی اشاره دارد که کاربران به فضا نسبت می‌دهند. این معنا می‌تواند حاصل خاطره جمعی، هویت تاریخی یا تعلق فرهنگی باشد و در ایجاد حس مکان و تقویت انسجام اجتماعی نقشی کلیدی ایفا می‌کند. نمودار شماره ۳، سهم مؤلفه‌های مختلف در تبیین کیفیت محیط را نمایش می‌دهد.



نمودار شماره ۳: مقوله‌های موضوع کیفیت محیط و فراوانی آنها

۳.۶. کنترل کیفیت

کنترل کیفیت یافته های تحقیق، با ضریب توافق کاپا^۱ انجام شد. برای این منظور کدهای استخراج شده از مرحله قبل در اختیار محقق دیگری قرار گرفت. میزان اختلاف و شباهت دسته بندی های انجام شده به وسیله دو محقق، توسط نرم افزار SPSS محاسبه گردید و عدد ۰/۷۱۸ به دست آمد؛ با توجه به این که ضریب از ۰/۶ بالاتر است، میزان توافق معتبر محسوب می شود.

۴. بحث ها و یافته ها

یافته های تحقیق که حاصل مرور سیستماتیک و فراترکیب پژوهش های پیشین با استفاده از نرم افزار MAXQDA است، نشان داد که هر سه مفهوم **حضورپذیری**، **اجتماع پذیری** و **کیفیت محیط** به طور همزمان بر تعاملات اجتماعی تأثیرگذارند، اما هر یک به مقوله خاصی گرایش بیشتری دارند.

حضورپذیری، عمدتاً تحت تأثیر عوامل **کالبدی-محیطی** مانند **امکانات محیطی** (نیمکت ها، سایه بان ها، آبخوری و غیره) و **سازماندهی فضایی** (نحوه دسترسی، تقسیم بندی فضا و چیدمان عناصر) قرار دارد. حضورپذیری به میزان توانایی یک فضای عمومی در جذب افراد اشاره دارد و شرط اولیه برای ایجاد تعاملات اجتماعی است، چون بدون **حضور** افراد در فضا، امکان برقراری تعاملات وجود ندارد؛ ولی به تنهایی نمی تواند موجب برقراری تعاملات اجتماعی شود. این یافته با نتایج تحقیق مطلبی و همکاران (۱۳۹۷) نیز همسو است. آنها پس از بررسی مجتمع مسکونی سعیدیه همدان نتیجه گرفتند هندسه محیط، دسترسی و سازماندهی فضایی آن به تنهایی تعاملات اجتماعی را تضمین نمی کند (Motalebi et al., 2019).

اجتماع پذیری، مفهومی است که بیشتر به **مقوله فعالیتی-رفتاری** وابسته بوده و نشان دهنده قابلیت فضا در تشویق و ایجاد فعالیت های جمعی است. اجتماع پذیری از سه عامل مهم «**امکانات جمعی**» مانند فضاهای نشستن مشترک، «**فعالیت های جمعی**» مانند رویدادها و سرگرمی هایی که افراد را به گردهم آیی تشویق می کنند و «**فضاهای جمعی**» همچون محل هایی برای برقراری ارتباط و گفت و گو تأثیر می پذیرد. اجتماع پذیری، عامل اساسی در **ارتقای تعاملات اجتماعی** است که محیط بازار از کالبد صرف خارج و آن را به عرصه بروز فعالیت های جمعی تبدیل می کند (ghalambar dezfuli & naghizadeh, 2013: 22). امیرفخریان و همکاران با بررسی وضعیت تعاملات اجتماعی در یکی از بوستان های شهر مشهد مشخص می کنند که توجه به عوامل محیطی و ادراکی برای برقراری تعاملات اجتماعی کفایت نمی کند و ایجاد فرصت های تعاملی مانند رویداد های فرهنگی، اجتماعی و برنامه های مشارکتی و جمعی در این زمینه بسیار ضروری است (Amirfakhrian et al., 2024). مقدم و همکاران نیز اجتماع پذیری را به معنای شکل گیری قانون های فعالیت جمعی یا ایجاد اشتیاق به آن در بخش هایی از فضای کالبدی محیط در نظر می گیرند (Daneshgarmoghaddam et al., 2011). بنابراین مؤلفه های اجتماعی نقش بالاتری در اجتماع پذیری یک فضا نسبت به سایر ابعاد ایفا می کنند.

کیفیت محیط، به طور معناداری بر **مقوله ادراکی-روانی** تأکید داشته

و به میزان ادراک و احساس مثبت افراد از فضای عمومی و تأثیر آن بر تجربه آنان از فضا اشاره دارد. این مفهوم بیشتر به نحوه دریافت و تفسیر ذهنی افراد مربوط است و شامل دو مؤلفه ادراک محیط (چگونگی دریافت و تفسیر افراد از فضای اطراف و جذابیت آن) و معنای محیط (تداعی ها و احساسات عاطفی و فرهنگی مرتبط با فضا) می شود. کیفیت محیط، به طور مستقیم بر تجربه ذهنی و روانی افراد تأثیر دارد و به همین دلیل بیش از عوامل کالبدی و فعالیتی بر ادراکات شخصی و تجربیات حسی افراد متمرکز است.

۵. نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تحلیل تأثیر سه مفهوم کلیدی **حضورپذیری**، **اجتماع پذیری** و **کیفیت محیط** بر تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شهری انجام شد. یافته های به دست آمده از تحلیل مبانی نظری، پیشینه پژوهش و نتایج مطالعات مروری به درک عمیق تری از چگونگی تأثیر این مفاهیم بر تعاملات اجتماعی و نحوه تعامل آنها با یکدیگر منجر گردید که بنابر تصویر شماره ۴ چارچوب مفهومی ارتباط میان این مفاهیم در برقراری تعاملات اجتماعی در فضای شهری و تعیین حدود هر موضوع را می توان نمایش داد. بر این اساس، نتایج پژوهش را می توان در چند محور کلیدی به شرح زیر جمع بندی کرد:

۵.۱. تعاملات متقابل میان حضورپذیری، اجتماع پذیری و کیفیت محیط

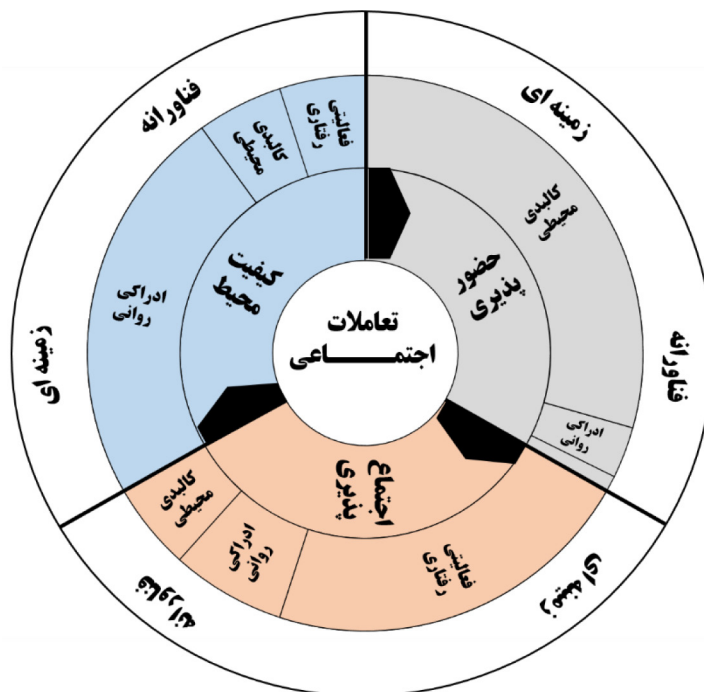
اگرچه این مفاهیم هر کدام از جنبه های مختلفی بر تعاملات اجتماعی تأثیر می گذارند، یافته های تحقیق نشان می دهند که آنها به طور متقابل نیز بر یکدیگر اثر دارند. **حضورپذیری** با سازماندهی فضایی، بستری مناسب برای حضور افراد فراهم می کند، اما **کیفیت محیط** با ایجاد شرایط ادراکی و حسی مطلوب، موجب ماندگاری و رضایت افراد در فضا می شود. این حضور و رضایت، نیاز به بُعد مکملی دارد تا حضور اجتماعی به تعامل اجتماعی تبدیل شود. فعالیت های جمعی در فضاهای طراحی شده، زمینه بسیار مناسبی است تا اجتماع پذیری شکل گرفته و تعاملات اجتماعی ایجاد شود. به همین ترتیب، **تعاملات اجتماعی** در یک فضای جمعی می توانند به نوبه خود کیفیت محیط را از نظر ادراکی ارتقا دهند و افراد را به تجربه مجدد فضا ترغیب کنند.

۵.۲. نقش حضورپذیری در تعاملات اجتماعی

حضورپذیری به عنوان شرط اولیه تعاملات اجتماعی، مستلزم دسترسی آسان، سازماندهی فضایی مناسب و وجود امکانات محیطی کافی است. بدون حضور افراد در یک فضای عمومی، امکان برقراری ارتباطات اجتماعی وجود ندارد. این پژوهش نشان داد که طراحی صحیح فضاهای شهری می تواند حضورپذیری را به شکل چشمگیری افزایش دهد و زمینه لازم برای تعاملات اجتماعی را فراهم آورد.

۵.۳. اجتماع پذیری به عنوان عامل تسهیل کننده تعاملات اجتماعی

اجتماع پذیری نقش کلیدی در تبدیل حضور ساده افراد به تعاملات معنادار دارد. وجود فعالیت های جمعی، فضاهای مناسب برای گفت و گو و فعالیت های مشارکتی، اصلی ترین عواملی هستند که



تصویر شماره ۴: چارچوب مفهومی ارتباط میان موضوعات حضورپذیری، اجتماع پذیری و کیفیت محیط در برقراری تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شهری

می‌تواند به توسعه بیشتر دانش در این حوزه منجر شود. همچنین استفاده از ابزارهای کمی و فناوری‌های پیشرفته برای تحلیل‌های دقیق‌تر توصیه می‌شود.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

اجتماع‌پذیری را تقویت می‌کنند. نتایج نشان داد که بدون تقویت اجتماع‌پذیری، تعاملات اجتماعی به‌طور مؤثر و پایدار شکل نمی‌گیرند.

۵.۴. کیفیت محیط و نقش آن در ایجاد ماندگاری و رضایت

کیفیت محیط بر ادراک افراد از جذابیت، ایمنی و راحتی فضا تأثیر می‌گذارد. فضاهایی که کیفیت محیط بالاتری دارند، تمایل کاربران به ماندن و بازگشت به فضا را افزایش داده و فرصت‌های بیشتری برای ایجاد تعاملات اجتماعی فراهم می‌کنند.

۵.۵. تعاملات اجتماعی پایدار حاصل هماهنگی میان سه مفهوم

کلیدی

برای دستیابی به تعاملات اجتماعی پایدار، لازم است که هر سه مفهوم به‌صورت هماهنگ در طراحی و مدیریت فضاهای شهری مدنظر قرار گیرند. توجه به یکی از این عوامل بدون در نظر گرفتن دیگری، ممکن است به نتایجی محدود و ناکارآمد منجر شود. نتایج این تحقیق بر اهمیت طراحی و مدیریت همپای و متوازن فضاهای باز شهری تأکید دارد. تنها با توجه به تعادل میان حضورپذیری، اجتماع‌پذیری و کیفیت محیط می‌توان فضاهایی ایجاد کرد که نه تنها نیازهای کالبدی و عملکردی کاربران را برآورده سازند، بلکه به بستری برای تعاملات اجتماعی پویا و پایدار تبدیل شوند. این رویکرد می‌تواند راهگشای طراحی شهرهایی اجتماعی‌تر و پایدارتر باشد.

۵.۶. چشم‌اندازهای آینده

این تحقیق چارچوبی برای تحلیل تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری ارائه کرده است. با این حال، بررسی این مفاهیم در زمینه واقعی مانند فضاهای محلی یا مقایسه آنها در بافت‌های شهری متفاوت،

References:

- Aelbrecht, P. (2016). 'Fourth places': the contemporary public settings for informal social interaction among strangers. *Journal of Urban Design*, 21(1), 124-152. <https://doi.org/10.1080/13574809.2015.1106920>
- alavinasab, f., budaghpoor, s., & sabernejad, j. (2018). Explaining the characteristics and components of sociability of social spaces in the city of Tehran (a case study of the social and public collections of Abbas Abad lands). *New perspectives in human geography*, 12, 325-344. <https://sanad.iau.ir/journal/geography/Article/670366?jid=670366> [in Persian]
- Alitajer, S., Heidari, A., Farrokhi, A. M., Sajjadzadeh, H., & Saadati, P. (2019). Evaluation of Sociability of Urban Environment Using "Cognitive Maps" and "Spatial Configuration Maps". *Journal of Architect, Urban Design & Urban Planning*, 12(27), 99-109. <https://doi.org/10.22034/aud.2019.92452> [in Persian]
- Alitajer, S., Saadativaghar, P., Robati, M. B., & Heydari, A. (2018). The effect of Spatial Configuration on the Sociability of Informal Settlements: (Case study of Hesar and Dizaj Neighborhoods in Hamedan). *Motaleate Shahri*, 7(26), 57-72. <https://doi.org/10.34785/J011.2018.032> [in Persian]
- Amini, E., Borumand, M., & Rouhafza, F. (2014). Evaluation Factors in Increasing the Quality of Public Spaces in New Cities (Case Study: Parand New City). *Amayesh Journal*, 7(26), 89-110. https://journals.iau.ir/article_526317.html [in Persian]
- Amirfakhrian, M., Arab, M. R., & Jambarjooqi, M. (2024). Investigating Accessibility and Influencing Factors on Social Interactions in Urban Spaces (Case Study: Mellat Park in Mashhad). *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 14(50), 55-88. <https://doi.org/10.22111/gaij.2024.47552.3166> [in Persian]
- Askarizad, R., Lamíquiz Daudén, P. J., & Garau, C. (2024). The Application of Space Syntax to Enhance Sociability in Public Urban Spaces: A Systematic Review. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 13(7), 227. <https://doi.org/10.3390/ijgi13070227>
- Azad, Z., Partovi, P., & Bastani, S. (2020). The concept of community in Urban Sociology theories and its application in urban planning. *Motaleate Shahri*, 9(35), 87-100. <https://doi.org/10.34785/j011.2021.865> [in Persian]
- Bagheri, M., Nasr, T., Heidari, A. A., & Taghipour, M. (2023). Investigating the effect of spatial cohesion quality on inputs on bazaar attendance (Case study: Shiraz traditional bazaar). *Maremat & memari-e Iran*, 12(32), 53-70. <https://doi.org/10.29252/mmi.997.14001018> [in Persian]
- Bahrapour, A., & Afzali, A. A. M. (2018). The Role of Children's Safety and Security on their Presence in Urban Spaces (Case study: the Fatimi Neighborhood in the 6th District of Tehran). *Journal of Studies On Iranian - Islamic City*, 9(33), 39-49. [in Persian]
- Behzadfar, M., Jalilisadrabad, S., & Jalilisadrabad, S. (2014). (Public Lighting in Urban Areas and the Presence of Women (Case Study: Tehran Saei Park). *Journal of Architect, Urban Design & Urban Planning*, 7(12), 93-100. https://www.armanshahrjournal.com/article_39224.html [in Persian]
- Carmona, M. (2010). Contemporary Public Space: Critique and Classification, Part One: Critique. *Journal of Urban Design*, 15(1), 123-148. <https://doi.org/10.1080/13574800903435651>
- Castro Seixas, E. (2021). Urban (Digital) Play and Right to the City: A Critical Perspective [Perspective]. *Frontiers in Psychology*, Volume 12 - 2021. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.636111> [English]
- Cui, X., Liao, J., & Ahn, A. C. (2025). Scientometric Review of Informal Learning Spaces in University Libraries: A Bibliometric Approach to Design and Trends. *Sustainability*, 17(6). <https://doi.org/10.3390/su17062480>
- Daneshgarmoghaddam, G., Bahrainy, S. H., & Einifar, A. (2011). An Investigation on sociability of the spaces based on perception of nature in the built environment. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 3(45), 27-38. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22286020.1390.3.45.3.5> [in Persian]
- de Souza e Silva, A., Campbell, S. W., & Ling, R. (2024). Hybrid Space revisited: from concept toward theory. *Communication Theory*, 35(1), 14-24. <https://doi.org/10.1093/ct/qtae023>
- Dehnad, N., Mahdinejad, J., & KARIMI, B. (2021). Explaining the relationship between the components affecting the quality of collective open space in promoting the sociability of the environment. *Motaleate Shahri*, 10(37), 45-56. <https://doi.org/10.34785/J011.2021.519> [in Persian]

- Dezfuly, M. G., & Naghizadeh, M. (2014). Urban Design in the Context of Social Interaction Enhancement (Case Study: Street between Neighborhoods). *Hoviate shahr*, 8(17), 15-24. <https://doi.org/10.71793/hoviatshahr.2014.795293> [in Persian]
- Edge, S., Zhuang, Z. C., & Dean, J. (2024). Reshaping essential public spaces and services: towards socio-spatial justice in a post-pandemic era. *Town Planning Review*, 95(5), 485-504. <https://doi.org/doi:10.3828/tpr.2024.18>
- Elmi, Z., Hashempour, P., & Medghalchi, L. (2020). Physical Sociability of Residential Complexes for the Elderly Group in Tabriz (Case Study: Sattarkhan, Aseman, Allameh Amini and Sepidar Residential Complexes). *Journal of Iranian Architecture and Urbanism*, 11(19), 187-207. <https://doi.org/10.30475/isau.2020.156546.1125> [in Persian]
- Eskandari, K., Ghanbaran, A., & Hosseini, S. B. (2020). Assessing the indicators of environmental qualities promotion in the central urban streets; case study of Ferdowsi street, Sanandaj. *Urban Management*, 18(57), 89-113. <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-2774-fa.html> [in Persian]
- Gehl, J. (2010). *Cities for People* (Translated by M. Charkhchian). Tehran: Gohar Danesh Publication.
- Gehl, J. (2017). *Life between buildings : using public space* (Translated by A. Akbari). Tehran: Parham Naghsh Publication.
- ghalambar dezfuli, m., & naghizadeh, m. (2013). Designing urban space in order to promote social interactions (case study: inter-neighborhood boulevard). *Hoyt Shahr* .15-24 ,(17)8 ,<https://doi.org/10.71793/hoviatshahr.2014.795293> [in Persian]
- GhaleNoii, M., & Amelian, N. J. (2019). Understanding Temporal Factors in an Attendable Urban Design. *Soffeh*, 28(83), 59-78. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.1683870.1397.28.4.4.7> in Persian[
- Ghods, H., Bemanian, M., & Moradinasab, H. (2018). Investigating the Components of Social Interaction in Urban Communities (Sattarkhan Street from Sadeghieh 1st Square to Sadeghieh 2nd Square). *Journal of Urban and Regional Development Planning*, 3(5), 55-80. <https://doi.org/10.22054/urdp.2020.42908.1129> [in Persian]
- Ghoomi, H. A., Yazdanfar, S.-A., Hosseini, S.-B., & Maleki, S. N. (2015). Comparing the Components of Sense of Place in the Traditional and Modern Residential Neighborhoods. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 201, 275-285. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.08.176> [in Persian]
- Haas, T., Littke, Helene, Karimnia, Elahe. (2020). Urban Form and Human Behavior in Context of Livable Cities and their Public Realms. *Scholarly Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, 3(4). <https://doi.org/10.32474/SJPBS.2020.03.000167>
- Haghi, M., & Pouralikhani, M. (2019). Assessing the Level of Citizens' Satisfaction about Urban Environmental Quality (Case Study: Hamedan City). *Journal of Environmental Studies*, 45(2), 287-300. <https://doi.org/10.22059/jes.2019.260081.1007681> [in Persian]
- Hamejani, Y., Bayzidi, Q., & Sahabi, J. (2019). Investigating the Effect of the Physical Patterns of the Establishment Systems on the Community Spaces in Hawraman Architecture. *Housing And Rural Environment*, 37(164), 55-68. <https://doi.org/10.22034/37.164.55> [in Persian]
- Hillier, B., & Hanson, J. (1989). *The social logic of space* (Translated by) Cambridge university press.
- Jing, J., Canter, D., & Haas, T. (2019). Conceptualizing Public Space Using a Multiple Sorting Task—Exploring the Links between Loneliness and Public Space. *Urban Science*, 3(4)(107). <https://doi.org/10.3390/>
- Kakizadeh, M., Naseri, N., Janahmadi, R., & Heidarzadeh, E. (2023). Investigating the Effect of Physical Structure of Historical Bushehr's Fabric on Residents' Presence Using Confirmatory Factor Analysis. *Soffeh*, 32(99), 73-92. <https://doi.org/10.52547/sofeh.32.4.73> [in Persian]
- Karami, I., Mikayili, R., Panahi, S., & Mohammadhoseini, P. (2018). Investigating the Factors Affecting the Sociability of Neighborhood Parks (Case Study: Zafaraniyeh Neighborhood Parks in Tabriz). *Journal of Studies On Iranian - Islamic City*, 8(30), 73-84. [in Persian]
- Kuzuoglu, S., Glover, T. D., Moyer, L., & Todd, J. (2024). How Built Environment Characteristics Influence Social Interactions During Neighbourhood Walks Among Urban Inhabitants. *Int J Environ Res Public Health*, 21(11). <https://doi.org/10.3390/ijerph21111519>

- Lamprecht, M. (2022). Space syntax as a socio-economic approach: a review of potentials in the polish context. *Miscellanea Geographica*, 26(1), 5-14. <https://doi.org/10.2478/mgrsd-2020-0072>
- Lynch, K. (1960). *Image of the City* (Translated by M. Mozaeni). Tehran: University of Tehran Publication.
- Mahmoodi, A. S., & Mansourpour, M. (2017). Position Study of skeletal factors in social interactions of residential neighborhoods. *Hoviate shahr*, 11(31), 5-14. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17359562.1396.1.1.3.1.7> [in Persian]
- McGillivray, D., Severin, G., Graham, R., & McCaughey, P. (2023). Participatory design practice, event (s) and the activation of public space. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 1-18. <https://doi.org/10.1080/17549175.2023.2214140>
- Mehrinejad Khotbehsara, E., Somasundaraswaran, K., Kolbe-Alexander, T., & Yu, R. (2025). The influence of spatial configuration on pedestrian movement behaviour in commercial streets of low-density cities. *Ain Shams Engineering Journal*, 16(1), 103184. <https://doi.org/10.1016/j.asej.2024.103184>
- Meshkini, A., Pourtaheri, M., & Norozi, M. (2017). Subjective Indexes Assessment of Environmental Quality In Deteriorated Textures (Case Study: Abkouh Neighborhood, Mashhad). *Journal of Geography and Planning*, 20(58), 259-279. https://geoplanning.tabrizu.ac.ir/article_5815.html?lang=en [in Persian]
- mohammadzadeh, s., eynifar, a., & majedi, h. (2022). Modeling the Effect of the Quality of the Intermediate Space of the Residential Environment on the Formation of a Sustainable Place (Case study: Vahdat Concrete Residential Complex in Sadra New City). *Urban Management*, 20(64), 85-101. <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-3156-en.html> [in Persian]
- Mohebinejad, S., Movahed, K., Heydari, A. A., & Taghipour, M. (2022). The role of spatial configuration on increasing the sociability of open spaces of residential complexes. *Motaleate Shahri*, 11(43), 27-40. <https://doi.org/10.34785/J011.2022.754> [in Persian]
- Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Journal of Urban Design*, 3(1), 96-97. <https://doi.org/10.1080/13574809808724418>
- Motalebi, G., zarghami, E., & saadati vaghar, p. (2019). *The Role of Open Space Legibility on Creating Social Interactions in Residential Complexes (Case Study: Saeedieh Residential Complex, Hamedan)*. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism (JIAU)*, 9(2), 139-156. <https://doi.org/10.30475/isau.2019.87938> [in Persian]
- Pahlevan, S., Soltanzadeh, H., & Habib, F. (2022). Determining the Effects of the Components of Visual Structure Quality on the Receptibility of Sociopetal Environments (Research Subject: Isfahan's Historical Bazaar Saria). *Journal of Urban Management Studies*, 14(51), 1-15. <https://doi.org/10.30495/ums.2022.21748> [in Persian]
- Parsania, H., & Nourani, N. (2019). The Social Question from the Perspective of the Modern Paradigm and the Postmodern (Emphasizing the Views of Marx, Durkheim, Weber and Derrida). *Socio-Cultural Strategy*, 8(3), 33-68. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517081.1398.8.3.2.2> [in Persian]
- Purcell, M. (2014). Possible Worlds: Henri Lefebvre and the Right to the City. *Journal of Urban Affairs*, 36(1), 141-154. <https://doi.org/10.1111/juaf.12034>
- Qanazi, S., Leclerc, E., & Bosredon, P. (2025). Integrating Social Dimensions into Urban Digital Twins: A Review and Proposed Framework for Social Digital Twins. *Smart Cities*, 8(1). <https://doi.org/10.3390/smartcities8010023>
- Qi, J., Mazumdar, S., & Vasconcelos, A. C. (2024). Understanding the Relationship between Urban Public Space and Social Cohesion: A Systematic Review. *International Journal of Community Well-Being*, 7(2), 155-212. <https://doi.org/10.1007/s42413-024-00204-5>
- Rajabi, F., zare, I., & Hosseini, S. B. (2022). A Technical Synergy of Cognitive Maps and Space Syntax in Recognition and Analysis of the Sociability of Physical Spaces Influenced by Spatial Territories (Case Study: Ekbatan Town). *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 19(108), 5-16. <https://doi.org/10.22034/bagh.2021.293678.4933> [in Persian]
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness* (Translated by M. Noghsanmohammadi). Tehran: Armanshahr Publication.
- Roosta, M., Ebadi, M., & Soltani, A. (2022). Tactical Urbanism; What, Why and How? A Theoretical Framework for Tactical Urbanism. *Urban Economics and Planning*, 3(2), 106-121. <https://doi.org/10.22034/>

- uep.2022.337221.1222 [in Persian]
- Saremi, H., alah, N. T. v., & Habibi, S. (2023). Investigating the feasibility of pedestrianization in increasing the attendance of citizens by using the space layout approach in urban neighborhoods, a case study: Ostad Sara neighborhood. *Quarterly Journal of Human Geography*, 15(4), 97-122. https://journals.iau.ir/article_705151.html?lang=en [in Persian]
 - Sharifian, S. A., Nasab, H. M., Ghalambordefuly, M., & Salehi, V. M. (2021). Explaining factors affecting the formation of sociable spaces in educational environments using factor analysis method: (Case study of academic spaces). *Journal of Environmental Sciences and Technology*, 23(7), 207-222. <https://doi.org/10.30495/jest.2021.53276.5090> [in Persian]
 - shojaei delaram, p. p. (2015). Analysis of Factors Affecting the Creation and Promotion of Sociability in Public Spaces in Different Scales of Tehran City (Case studies: Two Neighborhoods and an Area in District 7 Tehran). *Bagh-e Nazar*, 12(34), 93-108. [in Persian]
 - Sutkaitytė, M. (2020). Human behaviour simulation using space syntax methods. *Architecture and urban planning*, 16, 84-92. <https://doi.org/10.2478/aup-2020-0013>
 - taghipour, m., & soltanzadeh, h. (2016). Investigating the Role of environmental Organization in Residents' Social Interaction in Residential Complexes of Shiraz (Case study: Amir Kabir, Jannat, Abrisham, and Motahhari complexes). *Spatial Planning*, 6(1), 79-102. <https://doi.org/10.22108/sppl.2016.21648> [in Persian]
 - Tahmasebi, A., Alizadeh, H., & Aslani, P. (2019). The Forming Indicators of Semantic- conceptual Environmental Quality, Case Study: Sanandaj Qatarchian Neighborhood. *Journal of Architect, Urban Design & Urban Planning*, 11(25), 111-124. [in Persian]
 - Tao, C., Li, J., Zhou, D., Sun, J., Peng, D., & Lai, D. (2022). Outdoor Space Quality Mapping by Combining Accessibility, Openness, and Microclimate: A Case Study in a Neighborhood Park in Shanghai, China. *Sustainability*, 14(6)(3570). <https://doi.org/10.3390/su14063570>
 - Toktam Hanai, M. B. P., Masoud Ebadi. (2024). Comparative comparison of factors affecting spatial justice in big cities with a focus on morphology, a case study (Districts 2, 4 and 9 of Mashhad Municipality). *journal of Sustainable Architecture and Urban Design*. <https://doi.org/10.22061/jsaud.2024.10515.2197> [in Persian]
 - vahdat, s., & Sajadzadeh, h. (2016). The Study and Evaluation of the Role of Urban Art in Increasing the Presence of Public Spaces with an Emphasis on Urban Graphics (Case Study :Hamadan Mardom Park) [Research]. *Scientific Journal of Pazhuhesh-e Honar*, 6(11), 25-38. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23453834.1395.6.11.7.0> [in persian]
 - Vazquez, S. A., Mafalda, M. A., O., O. F., & and Pfeffer, K. (2024). Social participation in planning, design, and management of public spaces: the case of Mexico. *Planning Practice & Research*, 39(4), 565-596. <https://doi.org/10.1080/02697459.2024.2315391>
 - white, w. (2012). *The social life of small urban spaces* (Translated by M. Habibi). Tehran: Art University.
 - Xu, N., Zhang, X., & Wang, P. (2025). Public Vitality-Driven Optimization of Urban Public Space Networks—A Case Study from Nanjing, China. *Smart Cities*, 8(1). <https://doi.org/10.3390/smartcities8010018>
 - Yamu, C., van Nes, A., & Garau, C. (2021). Bill Hillier's Legacy: Space Syntax—A Synopsis of Basic Concepts, Measures, and Empirical Application. *Sustainability*, 13(6)(3394), 2. <https://doi.org/doi.org/10.3390/su13063394>
 - Ziqing Liu, W. X. (2024). Unveiling the power of social interactions: A systematic review of student experiences in informal learning space. *Environment and Social Psychology*, 9(1). <https://doi.org/10.54517/esp.v9i1.1867>

نحوه ارجاع به مقاله:

هدایتیان، مهرداد؛ عینی فر، علیرضا (۱۴۰۴)، چارچوب مفهومی تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شهری: تحلیل فراترکیب مفاهیم حضورپذیری، اجتماع‌پذیری و کیفیت محیط، مطالعات شهری، ۱۴ (۵۵)، ۱۸-۳۰. [10.22034/urbs.2025.142266.5094.3-18](https://doi.org/10.22034/urbs.2025.142266.5094.3-18)

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تدوین الگوی مفهومی - اجرایی پداگوژی شهرسازی انتقادی

نمونه مورد مطالعه: شهر خلاق رشت

علی اکبر سالاری پور^۱ - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
مانی طالبی صومعه سرائی^۲ - دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۸ شهریور ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۰۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

چکیده

پداگوژی (آموزش و پرورش در زمینه‌های گوناگون) شهرسازی، نیازی زیرساختی برای مشارکت آگاهانه عمومی در مسیر تحقق برنامه‌های توسعه شهری بوده که باعث کمتر شدن خطاهای هر دو گروه مدیریت شهری و شهروندان، در فرایند برنامه‌ریزی تا اجرا می‌شود. نبود نگرش بلندمدت به تأثیرگذاری‌های عمیق آموزش‌های شهرسازی، پایین بودن باور و اعتماد به یادگیری مستمر و شکاف موجود میان محیط‌های آموزشی و حوزه‌های عملیاتی شهرسازی، از علل اصلی پرداختن به موضوع پداگوژی شهرسازی انتقادی در شهر خلاق رشت، به عنوان محدوده پژوهش است. رویکرد پژوهش کیفی است و بر اساس مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته، با استفاده از روش استقرایی نظریه داده بنیاد، ۱۰۲ کد باز، ۲۹ کد محوری و هشت کد گزینشی تجزیه و تحلیل شده‌اند. حجم نمونه شامل ۱۵ متخصص از سمن (سازمان مردم نهاد) ها، اساتید دانشگاهی و مجموعه مدیریت شهری است. مدل مفهومی- اجرایی حاصل شده نشان می‌دهد، «پداگوژی شهرسازی انتقادی» دارای پنج مرحله اصلی است که نیازمندی نمودن گام‌هایی ترتیبی، شامل: ۱. شناخت مسائل و بسترها (به عنوان شرایط علی)، ۲. پذیرش و تعدیل تعارضات اجتماعی و فرهنگی (به عنوان شرایط زمینه‌ای)، ۳. اصلاح رویکردهای ناکارآمد پداگوژیکال (به عنوان شرایط مداخله‌گر)، ۴. تحول مدل‌های اجرایی با تقویت نهادهای پاسخگو و نقدپذیر (به عنوان راهبرد کلان) و ۵. توسعه محیط‌های یادگیرنده با مشارکت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری ذی نفعان (به عنوان پیامد اصلی) است. در این الگو، شهر خلاق رشت تحت تأثیر دو رویکرد: ۱. تأثیرپذیری از ابعاد آموزشی اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰، و ۲. نقش آفرینی شهروندان خلاق است. نتیجه نهایی نشان می‌دهد اصلاح ساختارهای اجرایی و محتوایی در آموزش‌های جریان اصلی ضروری بوده، اما کافی نیست و دستیابی به محیط‌های یادگیرنده، نتیجه‌ای مؤثرتر و کارآمدتر خواهد داشت. بدین منظور تولید محتوا با ابزارهای متنوع در فضاهای شهری و مجازی، برگزاری رویدادهای آموزش محور با مشارکت تمامی ذی نفعان و تأمین زیرساخت‌های فیزیکی با مشوق‌های سرمایه‌گذاری، دولتی و یا جهت‌دهی اقدامات خیرخواهانه شهرسازی، پیشنهادات اجرایی پژوهش است.

واژگان کلیدی: پداگوژی شهرسازی انتقادی، شهر خلاق رشت، محیط‌های یادگیرنده، مدیریت شهر خلاق، الگوی مفهومی- اجرایی.

نکات برجسته

- شهر خلاق رشت دارای سرمایه‌های مادی، معنوی و اجتماعی به منظور توسعه «پداگوژی شهرسازی انتقادی».
- شناخت و پذیرش تعارضات اجتماعی- فرهنگی برای اصلاح رویکردهای ناکارآمد در توسعه آموزش‌های شهرسازی.
- گسترش آگاهی انتقادی از سازوکار قدرت در حفظ و توسعه فضاهای شهری در فرایند پداگوژی شهرسازی انتقادی.
- توسعه محیط‌های یادگیرنده و عمومی سازی آموزش‌های شهرسازی با تأمین زیرساخت‌ها، تولید محتوا، برگزاری رویدادها، ابزارسازی و ظرفیت‌سازی در فضاهای شهری و مجازی.

۱. مقدمه

پداگوژی (یا همان آموزش و پرورش در زمینه‌های گوناگون) شهرسازی با موضوعات گسترده و متنوع، از ملزومات قرارگیری در مسیر توسعه پایدار شهری در بستر فضایی انتقادی است. در برهه‌ای که رفع چالش‌های مشترک جهانی نیاز به درک و همکاری بیشتر دارند (Reimers, 2020)، پس از ارائه دستور کار سازمان ملل برای اهداف ۱۷ گانه توسعه پایدار ۲۰۳۰، توجه بیشتری به آموزش‌های شهروندی جهانی جلب شده (Efthymiou, 2021) و حس مسئولیت بیشتری را ایجاد نموده است (Stein & Andreotti, 2021). در واقع جهانی شدن به عنوان فرایند اجتناب‌ناپذیر قرن بیست و یکم، تمامی جنبه‌های زندگی بشر از جمله آموزش را تحت تأثیر قرار داده (Zahabioun et al., 2013)، به طوری که رویکرد قرن بیست و یکم در زمینه آموزش‌های شهروندی، به سوی درک جدید و متفاوتی از مفهوم «شهروندی» از طریق شیوه‌های نوین مشارکت اجتماعی سوق یافته است (Goren & Yemini, 2017).

آموزش‌های شهروندی و شهرسازی می‌تواند نقشی محوری در شکل‌گیری جامعه‌ای عادلانه داشته باشد تا از این طریق همه گروه‌ها با فرصت‌های برابر مشارکت کنند (Donbavand et al., 2021). در حالی که اهمیت این موضوع از سنین پایین و در نظام‌های آموزش و پرورش کشورهای توسعه‌یافته بیشتر نمایان شده است، معلمان و دانش‌آموزان به شکل فزاینده‌ای برای فراگیری آموزش‌های شهروندی در دنیایی به هم پیوسته و وابسته حرکت می‌کنند (Ramos et al., 2021)، به گونه‌ای که از سطوح دانش‌آموزی، آشنایی با ابعاد ایدئولوژیک و هژمونیک رویدادها یا مسائل شهری به منظور تلاش برای عدالت اجتماعی ضرورت یافته است (Sant et al., 2018). با وجود این ضرورت پیش آمده، هنوز در جوامع مختلف این دیدگاه که چگونه پداگوژی شهرسازی می‌تواند با اهداف جهانی توسعه پایدار در کنار سیاست‌های ملی و محلی همسو گردد، یکسان نیست. این در حالی است که آموزش شهروندی جهانی با رویکردی انتقادی، هدفی فراتر از پارادایم ملی‌گرایی دارد (Schippling, 2020) و در دو دهه نخست قرن بیست و یکم، توسط آژانس‌های آموزشی بین‌المللی، ملی و همچنین محققان برای ترسیم اهمیت روزافزون آموزش، به عنوان پاسخی به جهانی شدن و ارزش‌های بالای شهروندی استفاده می‌شود (Pais & Costa, 2020).

در این زمینه شبکه جهانی شهرهای خلاق یونسکو از سال ۲۰۰۴ تا کنون، بر اساس دو عنصر «فرهنگ» و «خلاقیت»، در حال فعالیت و گسترش است و از سال ۲۰۱۵، اهداف ۱۷ گانه توسعه پایدار ۲۰۳۰ به همراه موضوعات مرتبط با آموزش‌های شهروندی، در کانون توجه همکاری‌های درون شبکه‌ای شهرهای عضو قرار گرفته است. محدوده مورد مطالعه این پژوهش شهر خلاق رشت است که در سال ۲۰۱۵ به شبکه شهرهای خلاق یونسکو در زمینه گسترده‌ی (خوراک‌شناسی) پیوست. رویکرد آموزشی یونسکو، الگوسازی و برنامه‌ریزی محلی منطبق بر اهداف جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ است. در این راستا هدف شماره ۱۱: «ایجاد شهرها و سکونتگاه‌های انسانی فراگیر، ایمن، انعطاف پذیر و پایدار» به عنوان هدف ویژه تمامی شهرهای عضو (UCCN, 2024)، وابستگی کامل به پداگوژی شهرسازی دارد و نیازمند برنامه‌های آموزشی و پرورشی برای کاهش میزان اثرات ناسازگار شهرها بر محیط زیست است. همچنین هدف شماره ۴ با موضوع «آموزش باکیفیت»،

به تضمین کسب دانش و مهارت‌های ترویج توسعه پایدار از راه آموزش می‌پردازد (UNESCO, 2019).

این در حالی است که آموزش‌های شهروندی و شهرسازی در ایران، نیازمند جایگاهی والاتر و ساختاریافته‌تر بوده و در حین تلاش‌های صورت گرفته در سطح برخی از مدارس، شهرداری‌ها و دیگر دستگاه‌های اجرایی، ضرورت انجام اقداماتی نظام‌مند و مستمر، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مرور پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد با وجود مشخص بودن ابعاد آموزش شهروندی، هنوز طرح مشخصی در کشور برای این امر وجود ندارد (Golshani et al., 2021) و در واقع مأموریت‌ها و اهداف نظام آموزشی در آموزش شهروندی نیازمند بازاندیشی است. همچنین توازن بین محتوای اختصاص داده شده به موضوع شهروندی و سایر مطالب در کتاب‌های درسی برقرار نبوده و محتوای موجود فاقد مطلوبیت کافی بوده و از نظر مخاطب جذاب نیست (Karimi & Rahmati, 2022). پژوهش‌های صورت گرفته در راستای تحلیل محتوای کتب درسی مدارس ابتدایی و متوسطه در کشورمان نیز نمایانگر آن است که سهم آموزش‌های مرتبط با شهروندی در کتب درسی، از سی درصد تجاوز نمی‌کند و تمامی موضوعات آموزش‌های شهروندی به طور نظام‌یافته مورد نظر قرار نمی‌گیرد (Askari Sarkahnani & Ranjbar Kolebi, 2017).

این کم‌توجهی به آموزش‌های شهروندی و شهرسازی، در سطوح آموزش عالی کشورمان نیز نمایان است. در این زمینه پژوهشی داخلی نشان می‌دهد، در نمونه ایران اگرچه دروسی با «محتوا و عنوان موضوعات محیطی» در گرایش‌های کارشناسی ارشد ارائه شده، اما توجه به موضوع توسعه پایدار به طور رسمی در گرایش طراحی شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای به ترتیب در یک و دو درس اختیاری مشاهده می‌شود که در مقایسه با یافته‌های جهانی محدود و ناکافی است (Azizi & Khosravaninezhad, 2022). دریانورد و همکاران (۱۴۰۳) نیز به بررسی میزان تطبیق‌پذیری محتوای آموزشی دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری با محتوای نظام‌نامه خدمات مهندسين شهرساز در قالب نیازهای حرفه‌ای مهندسين و مدیران شهری پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد محتوای آموزش عالی با واقعیت‌ها و نیازهای حرفه‌ای مهندسين و مدیران شهری ارتباط مناسبی برقرار نکرده است (Daryanavard et al., 2024). پژوهشی دیگر به هماهنگی موضوعات اولویت‌دار در جامعه حرفه‌ای و پروژه‌های کارگاه‌های طراحی شهری در دانشگاه‌های ایران پرداخته و نتایج نشان می‌دهد اصلاح برخی رویکردها و شیوه‌های موجود جامعه حرفه‌ای و علمی طراحی شهری در ایران اجتناب‌ناپذیر بوده و نظام آموزشی نیز اقدام مؤثری برای رفع این نقصان نکرده و نتوانسته است خلأهای نظری این رشته را در عرصه حرفه‌ای پوشش دهد (Mobini et al., 2014).

درباره اهمیت شهرهای یادگیرنده در ایران، صرافى و همکاران (۱۳۹۹) به ایجاد فضایی برای تجربیات مختلف که دربرگیرنده تمامی گروه‌های اجتماعی و فرهنگی است و فرایند یادگیری شهروندان و فرهنگ‌پذیری را تسهیل می‌بخشد، پرداخته‌اند و بر نقش مراکز آموزش عالی همچون عامل وحدت‌بخش برای تقویت هویت فرهنگی در شهر یادگیرنده مشهد (عضو یونسکو) تأکید کرده‌اند (Sarrafî et al., 2021). در زمینه تدوین مدل آموزش شهروندی، آرایش و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی

آموزش داده شده است، ارزیابی می‌شوند. اما پداگوژی تحول‌آفرین دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا با نگاه انتقادی به وضعیت جامعه خود بنگرند و از یک سو بیاموزند که دولت چگونه کار می‌کند و از سوی دیگر با یافتن مسائل، نابرابری‌ها و چالش‌های موجود و آینده، شیوه‌های مواجهه با آن را بیابند (Chavez, 2016).

۲.۲. دیدگاه‌های نظری پداگوژیکال در جریان اصلی

اغلب دیدگاه‌های نظری حاکم در جریان اصلی ارائه‌کننده آموزش‌های شهروندی در قالب نظام‌های ملی آموزش و پرورش، در یکی از دو سوی رویکردهای اصلی «نئولیبرال و یا انتقادی» قرار گرفته‌اند. الگوقلی و بیگلی (۲۰۲۲) در این زمینه در کشور نروژ به گفت‌وگو با معلمان درباره موضوعات «شهروندی» و «جهانی شدن» پرداختند و نتایج نشان می‌دهد که در سراسر نروژ مربیان و معلمان این آزادی را دارند که ابعاد جهانی را بر اساس ارزش‌های فردی و شهروندی در آموزش و برنامه درسی خود بگنجانند. اما پژوهشگران پیشنهاد دادند که به منظور اطمینان از شناخته شدن اصول یک رویکرد انتقادی و نه نئولیبرالی، نیاز به گنجاندن مباحث آموزشی در مورد اقتصاد سیاسی در این کشور وجود دارد (Elkorphli & Bagley, 2023).

درباره اهمیت نقش آموزش شهروندی جهانی در نظام آموزش عالی، یافته‌های پژوهش امیلیانو بوسو (۲۰۲۱) نشان می‌دهد، رویکرد مربیان در ژاپن عموماً به سمت مفاهیم نئولیبرالی با هدف پرورش منابع انسانی جهانی به جای «شهروند جهانی» با دیدگاه انتقادی بوده است. اما بوسو یادگیرندگان را به سمت عدالت اجتماعی سوق می‌دهد (Bosio, 2023). از نگاه محققان چپ‌گرا در نظام آموزشی کشور کره جنوبی نیز برنامه‌های پسااستعماری و نئولیبرال به عنوان موانعی برای معلمان در ترکیب رویکردهای انتقادی تر محسوب می‌شود (Al-Maamari, 2022; Kim, 2019). مطالعه‌ای متفاوت در کره جنوبی (۲۰۲۳) شیوه‌های پرداختن به ترویج سواد انتقادی دانش‌آموزان فرامی‌تابی را مورد بررسی قرار می‌دهد که در حین نگاهی ملی به نظام آموزشی، به ابعاد چندفرهنگی آموزش‌های شهروندی نیز متمرکز شده‌اند (Kim & Kwon, 2023).

در خصوص نتایج آموزش‌های شهروندی در جریان اصلی، دستاورد مطالعات هوئیک و همکاران (۲۰۲۴) حاکی از آن است که ارزش‌های دموکراتیک توسط دانش‌آموزان از حمایت بالایی برخوردار است (Hoek et al., 2024). ولزل (۲۰۲۱) به استقبال از ارزش‌های رهایی‌بخش با تأکید بر ترکیب آزادی انتخاب و برابری فرصت‌ها در حین برقراری عدالت فضایی می‌رود (Welzel, 2022) و فن گوئیتم و همکاران (۲۰۲۴) به ارزش‌های دموکراتیک مانند آگاهی از ارزش‌ها و هنجارها، رفتارهای شهروندی و حقوق بشر به ویژه حقوق کودکان از سوی شهروندان جوان تأکید می‌کنند (Van Goethem et al., 2022). بسیاری از تحقیقات بر روی معلمان نیز متمرکز است. مطالعه‌ای هدفمند بر روی معلمان ایالات متحده (۲۰۲۴) نشان می‌دهد، تنها تعداد کمی از آموزگاران در این تحقیق با وجود درک مفهوم شهروند دموکراتیک، چندفرهنگ‌گرایی انتقادی را می‌شناسند، اما با باورهای عدالت اجتماعی بهتر می‌توانند آموزش‌های دموکراتیک چندفرهنگی را تدریس کنند (Martinelle et al., 2024). گپیش و مارکیوس (۲۰۲۰) در پژوهشی درباره نقش معلمان

با رویکرد مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد، شرایط مداخله‌گر را عدم توسعه فرهنگی، سیاسی شدن آموزش شهروندی و ناکارآمدی آموزش‌های سنتی شناخته‌اند. راهبردهای این پژوهش به ایجاد فرصت‌های یادگیری، دموکراتیزه کردن دولت رفاه و ارتقای نظام سیاسی پرداخته و پیامدهای آن به قانون‌گرایی، دموکراسی و توسعه اجتماعی می‌انجامد (Arayesh et al., 2019). الگوی این پژوهش بر ابعاد اجتماعی و سیاسی آموزش‌های شهروندی متمرکز شده و جنبه‌های فضایی و محیطی آموزش‌های شهروندی و شهرسازی مد نظر آن نبوده است. با توجه به ضرورت بیان شده به منظور توسعه پداگوژی شهرسازی در ابعاد داخلی و بین‌المللی از یک سو و نقش نظارت‌کننده یونسکو در هدایت شهرهای خلاق عضو این سازمان جهانی برای تدوین الگوهای آموزشی محلی از سوی دیگر و با در نظر داشتن ضعف‌ها و کمبودهای ساختاری و محتوایی موجود در سطوح ملی و محلی کشورمان بر اساس تحقیقات پیشین بیان شده، نبود یک الگوی کارآمد آموزشی و پرورشی، بیش از پیش به چشم می‌آید. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی مفاهیم، کارکردها و نقش‌آفرینان «پداگوژی شهرسازی انتقادی» در محیط شهر خلاق رشت در قالب یک الگوی مفهومی - اجرایی است. به تناسب این هدف، پرسش اصلی، درباره ویژگی‌های این الگو بر اساس شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای و همچنین راهبردها و پیامدهای ممکن است. پرسش نهایی نیز این است که مدیریت شهر خلاق رشت تا چه میزان در اجرای رسالت خود کوشیده و الگوی مورد نظر چگونه می‌تواند به کار آید؟

۲. مبانی نظری

۲.۱. پداگوژی شهرسازی

پداگوژی در لغت به معنای «تعلیم و تربیت» و یا «آموزش و پرورش» است. هنگامی که از «پداگوژی شهرسازی» سخن به میان می‌آید، مقصود هر گونه اقدام با جنبه‌های آموزشی و عملیاتی است که به امور بهتر زیستن در شهر برای ایجاد فضای شهری سالم‌تر و انسانی‌تر، با اولویت‌بخشی به منافع عمومی می‌پردازد. پداگوژی شهروندی و شهرسازی در علم سیاست، افکار عمومی، در میان پژوهشگران و حتی در گفتمان جاری سطوح آموزشی مدارس، دارای تفاوت‌هایی در تعریف و برداشت کارکردی آن است (Veugelers, 2011). با این وجود یک پرسش اساسی در مواجهه با این مفهوم مطرح می‌شود که شهروند خوب کیست و دارای چه ویژگی‌هایی است. نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد، شهروند خوب که در فرایند پداگوژی شهروندی و شهرسازی رشد می‌یابد، دارای سه ویژگی «مسئولیت‌پذیری»، «مشارکت‌پذیری» و «عدالت‌مداری» است (Krutka & Carpenter, 2017; Mattson & Curran, 2017).

در کنار سه ویژگی یاد شده، یکی از نظریه‌های دارای اهمیت در این زمینه، نظریه بنکس (۲۰۰۸) است که به دو رویکرد جریان اصلی و تحول‌آفرین اشاره می‌کند (Banks, 2008). درباره تضاد این دو رویکرد اصلی، چاوز (۲۰۱۶) معتقد است، جریان اصلی آموزش شهروندی به دانش‌آموزان می‌آموزد که جامعه و دولت چگونه کار می‌کنند و نقش فعلی آنها را در این فرایند تقویت می‌کند. دانش‌آموزان در کلاس‌های مرتبط بر اساس توانایی به خاطر سپردن اطلاعاتی که قبلاً به آنها

نتیجه می‌گیرند که رویکردهای آموزشی انتقادی و عدالت اجتماعی برای آماده‌سازی معلمان در انجام آموزش‌های شهروندی جهانی نیز به سمت تقویت شایستگی‌های معلمان، پیش از خدمت و توانایی ادغام آموزش و فناوری سوق یافته است (Kopish & Marques, 2020).

۲.۳. شهرسازی انتقادی آموزش محور

رویکرد شهرسازی انتقادی به فوریت انسان‌سازی بافت شهری نسبت به شکل کنونی آن متمرکز می‌شود و به پرسشگری و بازنگری درباره مفاهیم قدرت، بی‌عدالتی، استثمار و نابرابری حاکم در شهرها و فضاهای شهری می‌پردازد. این رویکرد امکان تفکر توانمندسازی انتقادی و رشد فکری شهروندان را فراهم می‌کند و بر این آرمان استوار است که شکل متفاوت‌تر، دموکراتیک‌تر، اجتماعی عادلانه‌تر و پایدارتر در زیست شهری و شهرنشینی هنوز امکان‌پذیر است (Amodini, 2023). سیر تحول نظریه شهری انتقادی^۱ از وِبر و مطالعات ساختارگرایی-مارکسیستی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تا پس‌اساختارگرایی فرانسوی و ظهور مارکسیسم فرهنگی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و در ادامه فرمول‌بندی‌های پس‌استعماری و نئولوفوری در تلاش‌های اخیر برای جهانی‌سازی مطالعات انتقادی شهری، قابل جست‌وجوست (Rossi, 2019). این دیدگاه هندسه قدرت در فضا را با رویکردی انتقادی زیر نظر دارد و به نقش آموزش برای توانمندسازی شهروندان در این زمینه تأکید می‌کند.

از سوی دیگر مفهوم «آموزش شهروندی جهانی انتقادی»^۲ در هر دو سطح نظری و عملی در سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (Davies et al., 2018; Oxley & Morris, 2013)؛ چراکه در ابعاد جهانی منجر به درک بالاتری از روابط متقابل شهروندی گردیده (Bruce et al., 2019; O'Meara et al., 2018) و در عین حال نیز بر اخلاقیات مشارکت برای منافع عمومی و عدالت اجتماعی تأکید دارد (Akkari & Maleq, 2020). بر اساس این مفهوم، شهروندان (چه تابعان و چه مهاجران و پناهنجیان) حق دارند به طور انتقادی و اخلاقی در مورد شهر محل زندگی خود به گونه‌ای متعهدانه نظر و عمل داشته باشند (Mansouri et al., 2017). در واقع این مفهوم در ابعاد آموزشی و عملیاتی، متأثر از همان نظریه شهرسازی انتقادی است.

۲.۴. محیط‌های یادگیرنده

با وجود این که شناسایی مؤلفه‌های آموزش شهرسازی با تأکید بر ارتباط با جوامع و محیط‌های شهری به‌عنوان یکی از راهکارهای ارتقای دانش، مهارت و نگرش استادان و دانشجویان، پیرامون مسائل کمی و کیفی رشته شهرسازی مورد بحث بوده (Sabermanesh et al., 2021)، در سال‌های اخیر در کنار برجسته شدن آموزش‌های شهروندی جهانی، دستیابی به دانش بومی برآمده از محیط‌های یادگیرنده شهری نیز مورد توجه محققان قرار گرفته است. نتایج پژوهش آلوارز د اندرس (۲۰۲۳) در این زمینه نشان می‌دهد که تغییر گفتمان‌های قدرت مسلط، مستلزم زیر سؤال بردن دانش اکتسابی و نحوه تولید آن است، با این فرض که تعهد و مسئولیت برای ساختن و انتشار یک پداگوژی رهایی‌بخش از

طریق دانش بومی به سرانجام برسد (Álvarez de Andrés, 2024). این دانش بومی می‌تواند از طریق ابتکارات عملیاتی محلی نیز محقق گردد، به طوری که اُرتیز و میلان (۲۰۲۲) با موضوع «پداگوژی شهری انتقادی»^۳ و با هدف «ارتقای محله‌های فقیرنشین» در شهر مدلین (کلمبیا)، درباره برگزاری یک جشن محله‌ای با موضوع پخت و پز عمومی، پژوهشی را به انجام رسانده‌اند. این شیوه آشپزخانه‌های محلی موقتی که توسط زنان رهبری می‌شود و دارای تجارب مشابه در آمریکای لاتین است، با عنوان «آشپزخانه‌های عمومی» شناخته می‌شوند و به محیط‌های یادگیری جمعی در فضایی صمیمی و دوستانه برای بیان قصه‌ها و داستان زندگی شهروندان، افزایش همبستگی‌های محله‌ای و در عین حال بستری برای شکل‌گیری و بیان انتقادات به مدیریت شهری از وضعیت زندگی شرکت‌کنندگان مبدل شده‌اند (Ortiz & Millan, 2022).

در این زمینه نقش سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی برای شکل‌دهی محیط‌های یادگیرنده نیز برجسته است. یادگارزاده و نوریان (۱۳۹۷) در پژوهشی با رویکرد انتقادی به این موضوع پرداخته‌اند و یکی از شش نقش سازمانی شناسایی شده «تبیین هویت و تعریف جایگاه شهرسازی» است که از طریق توسعه دانش شهرسازی، گسترش پژوهش‌های آکادمیک و نهادینه‌سازی فرهنگ شهرسازی در جامعه، با افزایش آگاهی عمومی قابل دستیابی است (Yadegarzade & Nourian, 2019). به این ترتیب سازمان‌های حرفه‌ای در راستای مدیریت محیط‌های یادگیرنده، می‌توانند به ترویج و توسعه دانش و فرهنگ شهرسازی رویابورند.

۲.۵. پداگوژی شهرسازی انتقادی

شهرسازی پداگوژیکال (یا وابسته به آموزش و پرورش) شیوه‌ای از برنامه‌ریزی متمرکز بر آموزش و اصلاح است که سنت‌های برنامه‌ریزی اجتماعی و فضایی را با هم ادغام می‌کند تا بستر خلق هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جدیدی فراهم شود (Berney, 2011). پداگوژی انتقادی در مسیر و جریان اصلی خود اغلب تفکری از جنس آگاهی اجتماعی را به منظور کنش اجتماعی شهروندان جوان اولویت می‌بخشد (Hipolito-Delgado et al., 2021). در این زمینه رویکردهای افراطی‌تری مانند «آموزش شهروندی رادیکال»^۴ نیز وجود دارند که مردم را تهییج می‌کنند تا به جای پذیرش وضعیت موجود، شرایط اجتماعی را زیر سؤال ببرند و در صورت تمایل تغییر دهند (Leighton, 2023). با این وجود نگاه صرفاً سیاسی به آموزش‌های شهروندی می‌تواند نوعی ایدئولوژی‌زدگی (با ماهیت تناقض در نظر و عمل) را به همراه بیاورد و اهداف والای تغییرات محیطی را به خطر اندازد.

در عین حال مدیریت شهری نیز وظایف سنگینی را در راستای دسترسی عادلانه و آگاهانه شهروندان به منابع آموزشی دارد. به عنوان نمونه در کشورهای آمریکای جنوبی مانند کلمبیا، پروژه شبکه‌سازی کتابخانه‌ها در فضاهای باز در سراسر شهر بوگوتا برای برابری دسترسی به منابع فرهنگی و آموزشی قابل توجه است. علاوه بر این، کتابخانه‌ها به دقت به شبکه‌های ارتباطی دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی و اتوبوس‌رانی

3 Critical Urban Pedagogy

4 Radical citizenship education

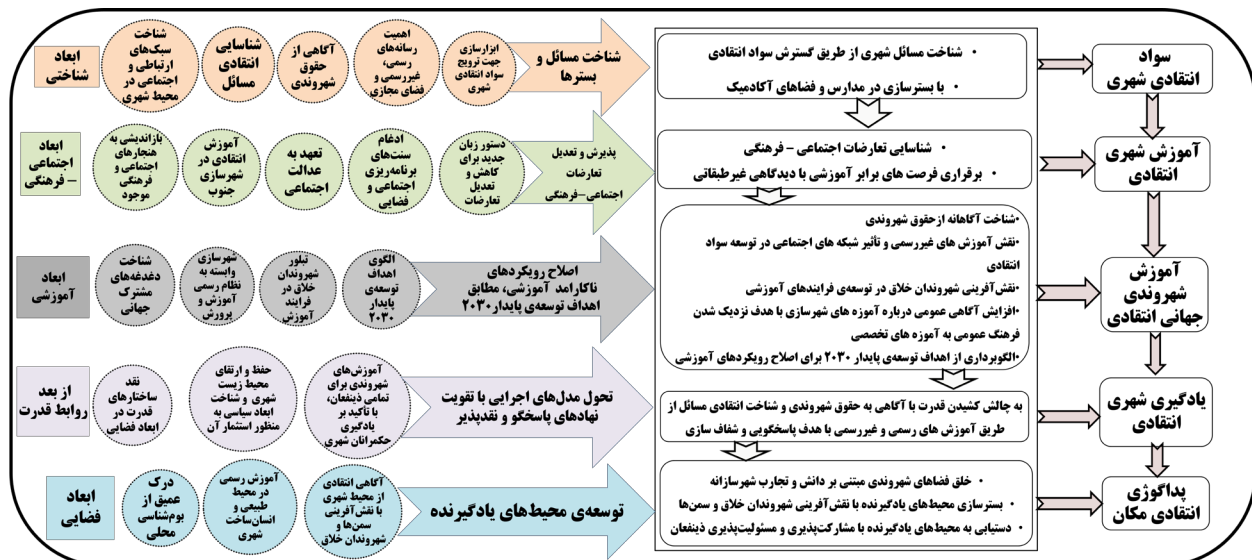
1 Critical Urban Theory

2 CGCE: Critical Global Citizenship Education

کنند (Berney, 2017).

جدول شماره ۱۵: ویژگی‌های مفاهیم همپيوند با «پداگوژی شهرسازی انتقادی»

منابع	ویژگی‌ها	مفاهیم همپبوند
(Curley et al., 2018); (Kerkhoff & Cloud, 2020); (Wright, 2021)	شناخت انتقادی مسائل شهری، سبک‌های ارتباطی انتقادی، تبلور مفهوم سواد انتقادی در قامت شهروند جهانی، تدوین الگوی تدریس جهانی در ابعاد محلی	سواد انتقادی شهری ^۳
(Ortiz & Millan, 2022)	شکل دهی دستور زبان جدید برای توسعه آموزش شهری درگروگن‌کننده و رهایی بخش	آموزش شهری انتقادی ^۴
(Neumann, 2022); (Marshall & Wilson, 2025); (Chen, 2021)	عدالت اجتماعی، مشارکت سیاسی، مشارکت فعال انتقادی، به چالش کشیدن سازوکار قدرت مبتنی بر سواد انتقادی	آموزش شهروندی جهانی انتقادی
(Cognetti & De Carli, 2024); (Allen et al., 2017); (Robin et al., 2019)	اهمیت درگیر شدن با شبکه های چند ذی نفعی و ساختارهای قدرت، به چالش کشیدن رویکرد سلسله مراتب طبیعی دانش و قدرت	یادگیری شهری انتقادی ^۵
(Gruenewald, 2008; Schindel Dimick, 2016)	آگاهی انتقادی ^۶ از محیط شهری با پرسش درباره چارچوب‌های فرهنگی و ایدئولوژیک مسلط، آموزش در محیط طبیعی و انسان ساخت، درک عمیق بوم‌شناسی محلی	پداگوژی انتقادی مکان ^۶



نمودار شماره ۱: مدل نظری بیداگوئی شهرسازی انتقادی بر اساس تجزیه و تحلیل مفاهیم مشترک

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد استفاده نموده است. اساساً این روش بر هدف نهایی محقق برای تشکیل یک چارچوب نظری متمرکز است و به یک پدیده خاص یا مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، رویدادها، روایت‌ها و دیدگاه‌ها از جمله چگونگی آغاز، پیشرفت و تغییر آنها می‌پردازد (Creswell & Poth, 2018). در این پژوهش روش داده‌بنیاد با گونه سیستماتیک (یا نظام‌مند) که به اشتراوس و کوربین نسبت داده می‌شود، مورد استفاده قرار گرفته که دارای سه مرحله اصلی، کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی است.

٤. معرفه محدودہ مورد مطالعہ

محدوده مورد مطالعه این پژوهش، شهر رشت است. رشت مرکز استان

- 1 Love My Neighborhood Program
- 2 From Favela to Neighborhood Program
- 3 Urban Critical Literacy

پارک خوراک و خلاقیت با در نظر گرفتن وسایل و تجهیزات آموزشی به ویژه برای کودکان) و برگزاری دوره های تخصصی خوراک شناسی مورد نظر قرار گرفته و بر اساس فرمت گزارش ارسالی به یونسکو، اهداف مرتبط توسعه پایدار ۲۰۳۰ برای این پروژه ها در نظر گرفته شده است.

۵. یافته ها و بحث

۵.۱. رهیافت های نظریه داده بنیاد

در این بخش مؤلفه های مفهوم «پداگوژی شهرسازی انتقادی» به عنوان رهیافت های نظریه داده بنیاد مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۵.۱.۱. مؤلفه «سواد انتقادی شهری»

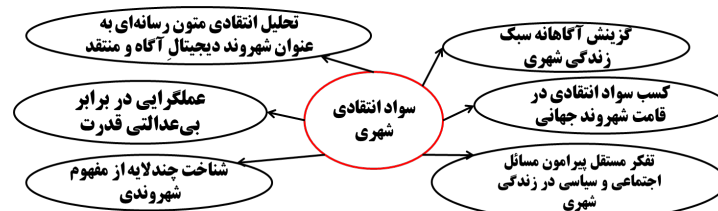
در جوامع شهری معاصر، آموختن تنوعی از انتقادات به منظور گزینش سبک زندگی شهری و چگونگی برقراری ارتباط و مواجهه با مسائل اجتماعی و حکمرانی شهری، در قالب مفهوم «سواد انتقادی شهری»^۱ تعریف می شود. در این راستا اصولی چون هویت ملی و محلی، موقعیت اجتماعی و طبقاتی، آگاهی تاریخی، ماهیت رمزگذاری شده قدرت هژمونیک و مشارکت شخصی، شناختی چندلایه از مفهوم شهروندی را نمایان می سازد که با عینک عدالت اجتماعی قابل مشاهده است (Steyn & Vanyoro, 2024). سواد انتقادی شهری به دو رویکرد جریان اصلی و غیررسمی تقسیم می شود.

مفهوم مرتبط دیگر درباره «سواد انتقادی شهری» که به هردو جریان اصلی و غیررسمی مرتبط است، «سواد رسانه ای انتقادی»^۲ است. علاوه بر تمایل خودجوش دانش آموزان و سایر شهروندان برای حضور و به دست آوردن دانش و اطلاعات در محیط مجازی به عنوان شهروند دیجیتال آگاه و منتقد، در دیدگاه جریان اصلی، «سواد رسانه ای انتقادی»^۳ فراهم آورنده فضایی به منظور آموزش و پرورش برای بازتاب نظرات دانش آموزان نسبت به مسائل و موضوعات شهری است. در این راستا تحلیل انتقادی و تولیدات رسانه ای در مورد طیف وسیعی از مسائل و معضلات شهری، مانند تبعیض، اختلاف طبقاتی، عدالت، توسعه و مبدل شدن به شهروند مسئول و متعهد می تواند در سطح مدارس مورد نظر قرار گیرد (Cho & Gomabon, 2017). سواد انتقادی شهری، جنبه های غیررسمی نیز دارد. در این راستا مفهوم «عملگرایی سواد انتقادی»^۴ نوعی واکنش آگاهانه در مورد ساختارها و قرار گرفتن در برابر خشونت ساختاری و نابرابری های حاصل از سیستم قدرت است که مسائل اجتماعی و سیاسی زندگی شهری را در بر می گیرد (Bishop, 2013) (نمودار شماره ۲).

گیلان، همچنین بزرگ ترین و متراکم ترین شهر منطقه شمال ایران، با ۶۷۹ هزار و ۹۹۵ نفر جمعیت ساکن (Statistical Center of Iran, 2016) و جمعیت بیش از یک میلیون نفر در روز است. رشت از نخستین شهرهای مدرن ایران با ساختارهای نهادی، مالی، فرهنگی، علمی و آموزشی بوده است. شهر رشت در ده سال گذشته دچار تحولات کالبدی - فضایی با رویکرد بازآفرینی شهری، به ویژه پس از افتتاح پیاده راه محدوده بافت مرکزی از سال ۱۳۹۵ شده و از این منظر به سوی شهری انسان محور، گام هایی مؤثر برداشته است. در عین حال رشت در سال های اخیر با مهاجرت های زیاد اقلیمی از مرکز و جنوب ایران مواجه بوده و بروز ایرچالش هایی چون مدیریت پسماند، ترافیک و آلودگی های زیست محیطی، بیش از پیش پرداختن به موضوعات و مباحث مورد نیاز آموزش های شهروندی و شهرسازی را نمایان کرده است.

نخستین سند آموزش شهروندی شهرداری رشت در سال ۱۳۹۵ تدوین گردید، اما عملیاتی نشد. مهم ترین سیاست های این سند شامل گسترش احترام به حقوق شهروندی، ارتقای سلامت و گسترش فرهنگ پیشگیری، گسترش حمل و نقل پاک، توسعه پایدار زیست محیطی، اصلاح الگوی مصرف، گسترش فرهنگ ایمنی و رویارویی با حوادث غیرمترقبه (بحران های طبیعی و انسانی)، بهبود سیمای شهری، افزایش برقراری ارتباط با فضا های شهری و ارتقای مشارکت های مردمی هستند (Citizenship Educationa Plan of Rasht city, 2016). همچنین در نخستین برنامه راهبردی - عملیاتی شهر و شهرداری رشت (۱۴۰۳-۱۴۰۷) که در سال ۱۴۰۳ از سوی وزارت کشور ابلاغ شده نیز تدوین برنامه جدید «آموزش شهروندی رشت» پیش بینی شده است (Strategic and Action Plan of City and Municipality of Raht, 2024).

از سوی دیگر نتایج مصاحبه های انجام گرفته در مطالعات میدانی این پژوهش نشان می دهد، آموزش های شهروندی در سطح مدارس شهر رشت (که شامل دو ناحیه ۱ و ۲ است)، بیشتر دارای محورهای محیط زیست، تفکیک زباله، هوای پاک و مصرف ایمن گاز هستند. همچنین با پیوستن رشت به شبکه جهانی شهرهای خلاق یونسکو در سال ۲۰۱۵ در زمینه گسترش برنامه آموزشی (خوراک شناسی)، این شهر ملزم به انجام مأموریت های آموزش محور بر اساس اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ شده است. مطالعات میدانی در این زمینه نشان می دهد در آخرین گزارش ارسالی از برنامه های چهارساله (۲۰۲۴-۲۰۲۷) شهر رشت به یونسکو، برگزاری رویدادهای ملی و بین المللی با جنبه های آموزش محور، توسعه زیرساخت ها و فضا های چندکارکردی مانند احداث گسترش پارک رشت



نمودار شماره ۲: ویژگی های مؤلفه «سواد انتقادی شهری» (جمع بندی یافته های نظری)

1 Critical Diversity Literacy (CDL)

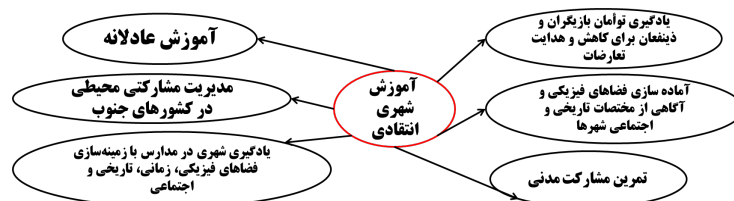
2 Critical media literacy

3 critical literacy praxis

۵.۱.۲. مؤلفه «آموزش شهری انتقادی»

مفهوم «آموزش شهری» مجموعه‌ای از معانی، اصطلاحات، ایدئولوژی و دیدگاه‌های نظری به هم پیوسته‌ای است (Young et al., 2025) که اساس آن بر مفهوم تاریخی - سیاسی «شهری شدن» استوار است و مسائل گوناگون را برای شناخت و مواجهه در این زمینه آموزش می‌دهد. در سیستم دانشگاهی، «آموزش شهری» از لحاظ تاریخی به بررسی نظام آموزشی کلانشهرهایی می‌پردازد که به دلیل عوامل ژئوپلیتیکی، اجتماعی و اقتصادی، تحت تغییرات فرهنگی و نژادی قابل توجهی قرار گرفته‌اند (Anyon, 2014; Lipman, 2013; Milner & Lomotey, 2014; Noguera & Alicea, 2020; Tyack, 1974).

در گونه‌شناسی آموزش شهری، ضروری است که مدارس، فضاهای فیزیکی آموزشی را آماده نموده و مختصات تاریخی و اجتماعی شهرها را با دیدگاه‌های متکثر برای دانش‌آموزان ترسیم کنند. در طول دهه گذشته، محققان از گونه‌شناسی آموزش شهری میلنر (Milner, 2012) برای دسته‌بندی مدارس در تحقیقات خود بر اساس ویژگی‌های مربوط به «شهرنشینی» و «شهری شدن» استفاده کرده‌اند (Anderson & Stillman, 2013; Schaffer et al., 2018). میلنر بر بهبود شرایطی که دانش‌آموزان را از دسترسی به آموزش عادلانه محروم می‌کند، متمرکز



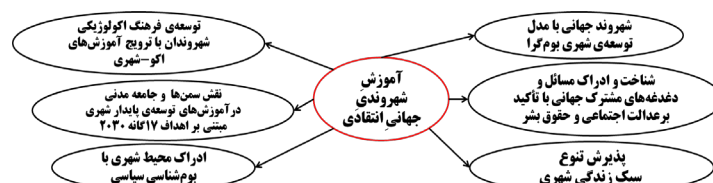
نمودار شماره ۳: ویژگی‌های مؤلفه «آموزش شهری انتقادی» (جمع‌بندی یافته‌های نظری)

مورد توجه قرار گرفته است (Monzó-Martínez et al., 2024). در حالی که آموزش شهروندی به ایجاد ارزش‌ها، دانش، مهارت و آمادگی شهروندی یاری می‌رساند، (Lemke, 2002; Noddings, 2016; Westheimer, 2015; Westheimer & Ladson-Billings, 2024)، آموزش شهروندی جهانی، مسائل جهانی مانند تغییرات آب و هوا، فقر شهری، حقوق بشر و بی‌عدالتی را در اولویت قرار می‌دهد (Şen & Koramaz, 2024).

در این راستا رویکرد بین‌رشته‌ای «مطالعات آموزشی اکو-شهری» به منظور شکل‌گیری فرهنگ اکولوژیکی شهروندان برای آموزش توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است (Ekaterina, 2022). در این میان نقش سمن‌ها انکارناپذیر است و اعضای این سازمان‌ها، فعالیت‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی را برای دانش‌آموزان و معلمان سازماندهی می‌کنند (San & Dances, 2024) (نمودار شماره ۴).

۵.۱.۳. مؤلفه «آموزش شهروندی جهانی انتقادی»

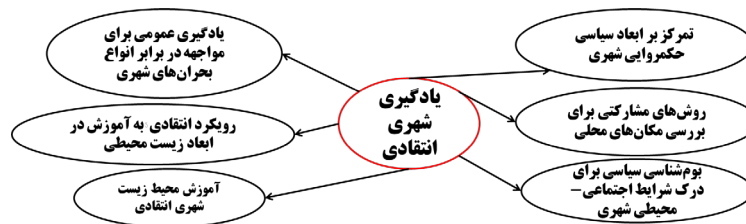
شهروند جهانی مرزهای شهروندی را گسترش می‌دهد، به طوری که شهروندان صرفاً توسط دولت‌ملت تعریف نمی‌شوند، بلکه دیدگاه‌های ناشی از رویکرد جهان‌وطنی را در بر می‌گیرند که اولویت‌های اخلاقی خاصی را نسبت به کل بشریت نشان می‌دهد. آموزش ارزش‌آفرین با هدف توسعه شهروند جهانی به عواملی چون عمل‌گرایی، گفت‌وگو، اخلاق، به‌کارگیری ارزش‌های انسانی و گسترش دیدگاه اکو - انتقادی می‌پردازد (Bosio & Guajardo, 2023). شهروند جهانی، مفهوم محبوبی است که در سال ۲۰۱۵ توسط یونسکو پذیرفته شد و دارای راهنمای آموزشی متحول‌کننده‌ای برای پرورش شهروندان متفکری است که در ساختن جهانی فراگیرتر، عادلانه‌تر و صلح‌آمیزتر نقش دارند (de Vries, 2020). در این زمینه توجه به اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ در ابعاد آموزشی



نمودار شماره ۴: ویژگی‌های مؤلفه «آموزش شهروندی جهانی انتقادی» (جمع‌بندی یافته‌های نظری)

۵.۱.۴. مؤلفه «یادگیری شهری انتقادی»

با توجه به این که مناطق شهری به طور فزاینده‌ای مستعد انواع بحران‌ها از جمله بی‌ثباتی اقتصادی، ناآرامی‌های اجتماعی، بلایای طبیعی و مواجهه با شرایط اضطراری سلامت شهروندان هستند، مفهوم «یادگیری شهری» بیش از گذشته حائز اهمیت شده است. در این راستا به منظورتداوم یادگیری شهری و هدایت آموزش محور جامعه، برنامه‌های مرتبط نیازمند چارچوب‌های مدیریت بحران با تمرکز بر تاب‌آوری، سازگاری و فراگیری هستند. از این رو پرداختن به نیازهای متنوع یادگیرندگان در مواقع بحران در درجه اهمیت بالایی قرار می‌گیرد (Raymond, 2024).



نمودار شماره ۵: ویژگی‌های مؤلفه «یادگیری شهری انتقادی» (جمع‌بندی یافته‌های نظری)

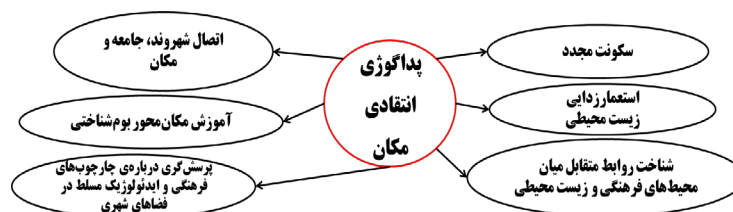
۵.۱.۵. مؤلفه «پداگوژی انتقادی مکان»

تأثیر تصمیمات اقتصادی و سیاسی در روندهای توسعه جهانی بر مکان‌های محلی تأثیر گذارده (Haas & Nachtigal, 1998; Orr, 1992; Theobald, 1997). و به عبارت دیگر مکان با مجموعه‌ای از عوامل دیداری، محصول، فرایند و معنا (Arefi & Triantafyllou, 2005) برهم‌کنش ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان خود در برابر سیاست‌های محلی و منطقه‌ای که بر آن حاکم شده است را روایت می‌کند. بنابراین بیان آموزش انتقادی مکان محور، پاسخی است در برابر سیاست‌ها و شیوه‌های اصلاحات آموزشی که مکان‌ها را نادیده گرفته‌اند و فرضیه‌های مربوط به رابطه میان آموزش و سیاست توسعه اقتصادی را بررسی نشده باقی گذارده‌اند. برخلاف آموزش انتقادی که از گفتمان تثبیت شده نظریه انتقادی تکامل می‌یابد (Aronowitz & Giroux, 1993; Burbules & Berk, 1999; Freire, 2003; Goodman, 1988; McLaren, 1970)، پداگوژی انتقادی مکان، جنسی از آموزش مکان محور است که اقدامات و اهداف آن را می‌توان به یادگیری تجربی، یادگیری در زمینه محیط شهری، یادگیری مبتنی بر مسائل شهری، آموزش در فضاهای باز و عمومی، آموزش بومی، آموزش محیطی و زیست محیطی، آموزش زیست منطقه‌ای،

اما مفهوم «یادگیری شهری انتقادی» به ابعاد سیاسی حکمروایی شهری متمرکز می‌شود و در حین طرح پرسش در برابر ساختار قدرت، آن را وادار به مرحله متفاوتی از یادگیری می‌کند که الگوی آن، خواست و نیازهای ناشناخته اجتماعی است. ابعاد انتقادی یادگیری شهری این مفهوم را از دیدگاهی فانتزی به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای زیست آگاهانه در مواجهه با مسائل شهری مبدل کرده است. یادگیری شهری انتقادی به معرفی آموزش‌های انتقادی و نظریه‌های اجتماعی و استفاده از روش‌های مشارکتی برای بررسی مکان‌های محلی و جانمایی لنز بوم‌شناسی سیاسی به منظور درک شرایط اجتماعی-محیطی شهری می‌پردازد (Bellino & Adams, 2017) (نمودار شماره ۵).

آموزش دموکراتیک، آموزش چندفرهنگی، آموزش مبتنی بر تمایلات اجتماعی و سایر رویکردهایی که با مکان‌های خاص مواجه هستند، مرتبط دانست. براین اساس در پایان قرن بیستم برخی از آموزگاران، مکان را یک سازه بالارزش آموزشی معرفی کرده‌اند (Theobald, 1997; Woodhouse & Knapp, 2000).

اما در ابتدای قرن بیست و یکم، گرینوود (۲۰۰۳) مفهوم «پداگوژی انتقادی مکان» را از دیدگاهی متفاوت و اشکافی کرد. وی فقدان تفکر بوم‌شناختی را در تحلیل انتقادی اجتماعی که منحصرأ به روابط انسانی مربوط می‌شود، مورد هدف قرار داد. او پداگوژی انتقادی مکان را به گونه‌ای تعریف کرد که به دنبال اهداف دوگانه «استعمارزدایی» و «سکونت مجدد» از طریق ترکیب رویکردهای انتقادی و مکان محور است. این که چگونه در محیط‌های شهری خوب زندگی کنیم (سکونت مجدد) و به شناسایی و تغییر شیوه‌هایی که به افراد و مکان‌های دیگر آسیب می‌زند و استثمارگر است، بیندیشیم (استعمارزدایی) (Gruenewald, 2003). پداگوژی انتقادی مکان دارای ماهیت چندرشته‌ای، مکان محور و تجربی است که در نهایت شهروند، جامعه و مکان را به هم پیوند می‌زند (Glessmer, 2024) (نمودار شماره ۶).



نمودار شماره ۶: ویژگی‌های مؤلفه «پداگوژی انتقادی مکان» (جمع‌بندی یافته‌های نظری)

با رهیافت «پداگوژی انتقادی مکان».

مدل پداگوژی شهرسازی انتقادی در شهر خلاق رشت، به طرح پرسش‌های جدید، بیان انتقادات سازنده و درخواست بازنگری بر شیوه‌های آموزشی - پرورشی موجود در برابر ساختار قدرت می‌پردازد. در این راستا پیامد اصلی مدل پژوهش، توسعه محیط‌های یادگیرنده با مشارکت حداکثری ذی نفعان بوده که نیازمند افزایش آگاهی انتقادی شهروندان است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد به منظور خلق و توسعه محیط‌های یادگیرنده، زیرساخت‌های فیزیکی مانند فضاهای گفت‌وگو، بوستان‌های گفت‌وگو، فضاهای آموزشی در سرای محلات، آموزشگاه‌ها و مدارس تخصصی شهرسازی، تأمین و یا تجهیز گردند و در این زمینه، حمایت‌ها و مشوق‌های دولتی و سرمایه‌گذاری و یا جهت‌دهی اقدامات خیرخواهانه شهرسازی (مانند هدایت سرمایه‌های خیرخواهانه به سوی طراحی و زیباسازی شهری و یا گسترش فضاهای سبز شهری و ترویج محصولات زیست محیطی) در نظر گرفته شود. همچنین تولید محتوا با ابزارهای متنوع، به ویژه از طریق آثار هنری و محصولاتی مانند فیلم‌های داستانی، مستند و آموزشی انجام گیرد و از روش‌های به‌روزتر مانند طراحی انیمیشن‌ها، اپلیکیشن‌ها، سایت‌ها و بازی‌های جذاب آموزشی استفاده شده و به به‌بستر سازی توسعه فضای مجازی گفت‌وگو محور پرداخته شود.

تحقق مدل این پژوهش در راستای توسعه محیط‌های یادگیرنده به روش‌های نام برده ختم نمی‌شود و بدین منظور برگزاری انواع مسابقات و رویدادهای متنوع هنری، فرهنگی و علمی با مشارکت ارکان اصلی (یعنی عموم شهروندان و مسئولان یادگیرنده، نهادهای مدنی و شهروندان خلاق) کارگشاست. از زمان پیوستن شهر رشت به شبکه شهرهای خلاق یونسکو (از سال ۱۴۰۱) تا کنون، مدیریت شهری رشت رویدادی ویژه با عنوان «سالانه‌های شهر خلاق رشت» را در کنار جشنواره‌های گوناگون خوراک‌شناسی برگزار نموده است، اما نتایج مطالعات میدانی نشان می‌دهد که این رویداد ویژه شهر خلاق، با مشارکت بالایی عمومی همراه نبوده و بیشتر به نمایش دستاوردهای مدیریت شهری می‌پردازد. بنابراین در راستای توسعه محیط‌های یادگیرنده، پیشنهاد می‌گردد در رویدادهای سالانه، انواع کارگاه‌ها، دوره‌های آموزشی، جلسات گفت‌وگوی شهروندی، جلسات نقد عملکرد مدیریت شهری، تولید محتوا برای آشنایی با اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰، ارائه مشوق‌ها و جوایز برای معرفی و شناسایی شهروندان خلاق برای مشارکت در فرایندهای آموزشی، مورد نظر قرار گیرد. همچنین پروژه پیش‌بینی شده «گستروپارک رشت»، با توجه به قرارگیری در حاشیه تالاب عینک رشت و حساسیت‌های زیست محیطی موجود به دلیل معضل مدیریت پسماند در این شهر، می‌تواند بستری مناسب برای توسعه محیط‌های یادگیرنده بر اساس اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ باشد.

پرداختن به حوزه پداگوژی شهرسازی در کشورمان عمری طولانی نداشته و بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی این پژوهش نشان می‌دهد که حساسیت‌های لازم در این زمینه، هنوز در شهر خلاق رشت ایجاد نشده است. از سوی دیگر پژوهش‌های انجام گرفته داخلی، بیشتر به بررسی جریان رسمی آموزش‌های شهروندی و شهرسازی پرداخته‌اند و نتایج غالب آنها بر چهار محور: ۱. مضمون‌شناسی و مدل‌سازی

آموزش‌های شهروندی، ۲. آسیب‌شناسی محتوایی و ساختاری وضع موجود با پرداختن به موضوعات مورد نیاز در کتب درسی و یا دانشگاهی، ۳ پرداختن به ارتباط آموزش‌های دانشگاهی و تأثیر آن در محیط حرفه‌ای شهرسازی و وظایف آموزشی سازمان‌های حرفه‌ای شهرسازی در سطح کشور و ۴. اهمیت محیط‌های فراگیر در شهرهای یادگیرنده یونسکو متمرکز شده‌اند. این در حالی است که پژوهش حاضر برای نخستین بار به هر دو رویکرد آموزش‌های جریان اصلی و پداگوژی شهرسازی از طریق آموزش‌های غیررسمی و انتقادی با مطالعه بر روی شهر خلاق رشت پرداخته و مشخصاً کارکرد «پداگوژی شهرسازی» را فراتر از اقدامات مجموعه مدیریت شهری و یا فضاهای آکادمیک، در قالب محیط‌های یادگیرنده می‌شناسد و از این منظر نگاهی نو به مدل‌سازی آموزشی - پرورشی در حوزه شهرسازی داشته است. این مقاله به بازنمایی تجارب و نظرات متخصصان و مسئولان، سمن‌ها و دغدغه‌مندان در زمینه توسعه پایدار و مسائل آموزشی شهر رشت پرداخته و نتایج این پژوهش می‌تواند مدلی پیشنهادی برای مجموعه مدیریت شهری، مدارس و مراکز علمی و دانشگاهی، برنامه‌ریزان و متخصصان آموزش‌های شهروندی و شهرسازی، در شهر خلاق رشت باشد.

References

- Akkari, A., & Maleq, K. (2020). Global citizenship education: Critical and international perspectives. Springer Nature. <https://doi.org/https://library.oapen.org/handle/20.500.12657/41756>
- Al-Maamari, S. N. (2022). Developing global citizenship through geography education in Oman: exploring the perceptions of in-service teachers. *International Research in Geographical and Environmental Education*, 31(1), 22-37. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/10382046.2020.1863664>
- Allen, A., Lambert, R., & Yap, C. (2017). Co-learning the city: Towards a pedagogy of poly-learning and planning praxis. In *The Routledge Companion to Planning in the Global South* (pp. 355-367). Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781317392842-30/co-learning-city-adriana-allen-rita-lambert-christopher-yap>
- Álvarez de Andrés, E. (2024). Promoting socio-spatial and cognitive justice through critical pedagogies. *Planning Theory*, 23(4), 300-323. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/14730952231214277>
- Amodini, A. (2023). Critical Urban Theory. Retrieved from. <https://urbandesignlab.in/critical-urban-theory/>
- Anderson, L. M., & Stillman, J. A. (2013). Student teaching's contribution to preservice teacher development: A review of research focused on the preparation of teachers for urban and high-needs contexts. *Review of Educational Research*, 83(1), 3-69. <https://doi.org/https://doi.org/10.3102/0034654312468619>
- Anyon, J. (2014). Radical possibilities: Public policy, urban education, and a new social movement. Routledge. <https://doi.org/https://doi.org/10.4324/9780203092965>
- Arayesh, M., Sheikhi, M. T., & Ejlali, H. P. (2019). Developing a model for citizenship education utilizing a Grounded theory approach. *Urban Sociological Studies*, 9(31), 85-118. <https://srb.sanad.iau.ir/en/Article/1015923> [in Persian]
- Arefi, M., & Triantafyllou, M. (2005). Reflections on the pedagogy of place in planning and urban design. *Journal of planning education and research*, 25(1), 75-88. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/0739456X04270195>
- Aronowitz, S., & Giroux, H. (1993). Education Still Under Siege. *Critical Studies in Education Series*. ERIC. <https://doi.org/https://doi.org/10.4324/9780203222034>
- Askari Sarkahnani, T., & Ranjbar Kolebi, M. (2017). Investigating the level of attention to citizenship education in the content of curricula, elementary and second grade courses in the academic year 2016-2017 in order to provide a quality solution. *New Research in the Humanities*, 3(4), 95-108. https://jnrihs.ir/index.php?&slct_pg_id=38&sid=1&slc_lang=fa [in Persian]
- Azizi, M., & Khosravaninezhad, S. (2022). Content analysis and comparative study of urban planning programs in the world and Iran with a sustainable development approach, with emphasis on master's courses. *Motaleate Shahri*, 10(41), 3-16. <https://doi.org/https://doi.org/10.34785/J011.2022.462>
- Banks, J. A. (2008). Diversity, group identity, and citizenship education in a global age. *Educational researcher*, 37(3), 129-139. <https://doi.org/10.3102/0013189X08317501>
- Bellino, M. E., & Adams, J. D. (2017). A critical urban environmental pedagogy: Relevant urban environmental education for and by youth. *The Journal of Environmental Education*, 48(4), 270-284. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/00958964.2017.1336976>
- Berney, R. (2011). Pedagogical urbanism: Creating citizen space in Bogotá, Colombia. *Planning Theory*, 10(1), 16-34. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/1473095210386069>
- Berney, R. (2017). Learning from Bogotá: Pedagogical urbanism and the reshaping of public space. University of Texas Press. <https://www.degruyterbrill.com/document/doi/10.7560/311042-007/html>
- Bishop, E. (2013). Becoming activist: Collaboratively documenting the critical literacy praxis of urban youth organizers University of Pittsburgh]. <https://www.proquest.com/openview/b920f2b3a43ca94193b1f58f22ca2b82/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750>
- Bosio, E. (2023). Global human resources or critical global citizens? An inquiry into the perspectives of Japanese university educators on global citizenship education. *Prospects*, 53(3), 425-442. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11125-021-09566-6>
- Bosio, E., & Guajardo, M. (2023). Value-Creating Education: Teachers' Perceptions and Practice. Taylor & Francis. https://www.academia.edu/download/110819627/Value_Creating_Education_Book_Bosio_Guajardo.pdf

- Bruce, J., North, C., & FitzPatrick, J. (2019). Preservice teachers' views of global citizenship and implications for global citizenship education. *Globalisation, Societies and Education*, 17(2), 161-176. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/14767724.2018.1558049>
- Burbules, N. C., & Berk, R. (1999). Relations, Differences, and Limits. *Critical theories in education: Changing terrains of knowledge and politics*, 45. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1152047>
- Chavez, A. A. (2016). Citizenship Education in Ecuador: Perceptions of Students and Teachers. *International Education Studies*, 9(12), 206-218. <https://doi.org/https://doi.org/10.5539/ies.v9n12p206>
- Chen, S. (2021). The official discourse of social justice in citizenship education: A comparison between Japan and China. *Education, Citizenship and Social Justice*, 16(3), 197-210. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/1746197920971811>
- Cho, H., & Gomabon, R. (2017). Engaging urban youth in critical media literacy. In *Challenges associated with cross-cultural and at-risk student engagement* (pp. 148-169). IGI Global Scientific Publishing. <https://doi.org/DOI: 10.4018/978-1-5225-1894-5.ch008>
- Citizenship Educationa Plan of Rasht city. (2016). Citizenship Educationa Plan of Rasht city. Rasht municipality. Retrieved from <https://rpc.rasht.ir> [in Persian]
- Cognetti, F., & De Carli, B. (2024). Finding common ground on the threshold: An experiment in critical urban learning. *Planning Theory*, 23(4), 400-422. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/14730952231214278>
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing among Five Approaches* (4th ed.) Washington DC: Sage Publications. https://www.academia.edu/download/55010759/creswell_Qualitative_Inquiry_2nd_edition.pdf
- Curley, S., Rhee, J.-e., Subedi, B., & Subreenduth, S. (2018). Activism as/in/for global citizenship: Putting un-learning to work towards educating the future. In *The Palgrave handbook of global citizenship and education* (pp. 589-606). Springer. https://link.springer.com/chapter/10.1057/978-1-137-59733-5_37
- Daryanavard, B., Mohebian, M., Rafieian, M., & Moemeni, K. (2024). Assessing the Adaptation of the Content of Urban Planning Courses to the Needs of the Professional Community of Engineers and Urban Managers. *Urban and Rural Management*, 23(76), 23-40. <http://ijurm.imo.org.ir/article-۱-۳۵۱۷-fa.html> [in Persian]
- Davies, I., Ho, L.-C., Kiwan, D., Peck, C. L., Peterson, A., Sant, E., & Waghid, Y. (2018). *The Palgrave handbook of global citizenship and education* (Vol. 1670). Springer. <https://link.springer.com/book/10.1057/978-1-137-59733-5?page=2&oscar-books=true>
- de Vries, M. (2020). Enacting critical citizenship: An intersectional approach to global citizenship education. *Societies*, 10(4), 91. <https://doi.org/https://doi.org/10.3390/soc10040091>
- Diamond, J. B., Posey-Maddox, L., & Velázquez, M. D. (2021). Reframing suburbs: Race, place, and opportunity in suburban educational spaces. *Educational researcher*, 50(4), 249-255. <https://doi.org/https://doi.org/10.3102/0013189X20972676>
- Donbavand, S., Hoskins, B., & Parton, N. (2021). Citizenship Education for Political Engagement: A Systematic Review of Controlled Trials. *Social Sciences* (2076-0760), 10(5). <https://doi.org/https://doi.org/10.3390/socsci10050151>
- Efthymiou, G. S. (2021). Book review: *Research on Teaching Global Issues: Pedagogy for global citizenship education*, edited by John P. Meyers. *International Journal of Development Education and Global Learning*, 13(1), 61-64. <https://doi.org/https://doi.org/10.14324/IJDEGL.13.1.05>
- Ekaterina, K., Elena V, I., & Ermakov, D. (2022). Educational Eco-Urbanism is a Modern Direction of Pedagogical Theory and Practice. *Scholarly Notes of Transbaikals State University*(3), 118-125. <https://doi.org/DOI: 10.21209/2658-7114-2022-17-2-118-125>
- Elkorghli, E. A. B., & Bagley, S. S. (2023). Cognitive mapping of critical global citizenship education: Conversations with teacher educators in Norway. *Prospects*, 53(3), 371-388. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11125-023-09658-5>
- Freire, P. (1970). *Pedagogy of the Oppressed*. New York: Continuum Books. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2059960>
- Glessmer, M. S. (2024). Currently reading & thinking about "The best of both worlds: A critical pedagogy of place"(Gruenewald, 2003). Retrieved from <https://mirjamglessmer.com/2024/10/01/currently-reading-thinking-about-the-best-of-both-worlds-a-critical-pedagogy-of-place-gruenewald-2003/>

- Golshani, M., Maki Aleagha, B., & Etemad Ahari, A. (2021). Designing a Pattern for citizenship education curriculum. *Journal of Research in Educational Systems*, 14(51), 39-60. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23831324.1399.14.51.3.6> [in Persian]
- Goodman, J. (1988). Teachers as intellectuals: Toward a critical pedagogy of learning. *Journal of Education*, 170(2), 142-149. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/002205748817000209>
- Goren, H., & Yemini, M. (2017). Global citizenship education redefined—A systematic review of empirical studies on global citizenship education. *International journal of educational research*, 82, 170-183. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.ijer.2017.02.004>
- Gruenewald, D. A. (2003). The best of both worlds: A critical pedagogy of place. *Educational researcher*, 32(4), 3-12. <https://doi.org/https://doi.org/10.3102/0013189X032004003>
- Gruenewald, D. A. (2008). The best of both worlds: A critical pedagogy of place. *Environmental education research*, 14(3), 308-324. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/13504620802193572>
- Haas, T., & Nachtigal, P. (1998). Place value: An educator's guide to good literature on rural lifeways, environments, and purposes of education. ERIC.
- Hipolito-Delgado, C. P., Stickney, D., Kirshner, B., & Donovan, C. (2021). Fostering youth sociopolitical action: The roles of critical reflection, sociopolitical efficacy, and transformative student voice. *Urban Education*, 59(4), 1132-1158. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/00420859211068468>
- Hoek, L., Munniksma, A., & Dijkstra, A. B. (2024). Students' attitudes towards fundamental democratic values: The construction of a measurement instrument. *Education, Citizenship and Social Justice*, 17461979241227848. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/17461979241227848>
- Hou, J., KRIZNIK, B., & Cho, I. S. (2022). 5 Placemaking as Social Learning: Taipei's Open Green Programme as Pedagogical Civic Urbanism. In *Emerging Civic Urbanisms in Asia: Hong Kong, Seoul, Singapore, and Taipei beyond Developmental Urbanization* (pp. 119-142). Amsterdam University Press. <https://muse.jhu.edu/book/102117>
- Karimi, A., & Rahmati, R. (2022). Meta-analysis of citizenship training studies in Iranian education. *Journal of Research in Social Studies Education*, 2(12), 129-159. <https://doi.org/https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27832279.1401.4.2.7.5>
- Kerkhoff, S. N., & Cloud, M. E. (2020). Equipping teachers with globally competent practices: A mixed methods study on integrating global competence and teacher education. *International journal of educational research*, 103, 101629. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.ijer.2020.101629>
- Kim, Y. (2019). Global citizenship education in South Korea: Ideologies, inequalities, and teacher voices. *Globalisation, Societies and Education*, 17(2), 177-193. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/14767724.2019.1642182>
- Kim, Y., & Kwon, J. (2023). Critical global citizenship education for transnational youth: Advancing justice and activism and promoting reciprocal learning. *Teaching and Teacher Education*, 132, 104269. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.tate.2023.104269>
- Koontz, T. M. (2014). Social learning in collaborative watershed planning: the importance of process control and efficacy. *Journal of Environmental Planning and Management*, 57(10), 1572-1593. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/09640568.2013.820658>
- Kopish, M., & Marques, W. (2020). Leveraging technology to promote global citizenship in teacher education in the United States and Brazil. *Research in Social Sciences and Technology*, 5(1), 45-69. <https://doi.org/https://doi.org/10.46303/ressat.05.01.3>
- Krutka, D. G., & Carpenter, J. P. (2017). Digital Citizenship in the Curriculum. *Educational Leadership*, 75(3), 50-55.
- Leighton, R. (2023). Radical citizenship education. *Education, Citizenship and Social Justice*, 18(2), 246-260. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/17461979221080604>
- Lemke, J. L. (2002). *Becoming the village: Education across lives. Learning for life in the 21st century: Sociocultural perspectives on the future of education*, 34-45. <https://doi.org/DOI:10.1002/9780470753545>
- Lipman, P. (2013). *The new political economy of urban education: Neoliberalism, race, and the right to the city*. Routledge. file:///C:/Users/Soheil/Downloads/10.4324_9780203821800_previewpdf.pdf
- Mansouri, F., Johns, A., & Marotta, V. (2017). Critical global citizenship: Contextualising citizenship and globalization. <https://doi.org/10.1515/jcgs-2017-0001>
- Marshall, P. L., & Wilson, J. (2025). Toward a

- discourse on the threat of performative wokeness to justice agendas in education. *Urban Education*, 60(2), 404-433. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/00420859231153406>
- Martinelle, R., Martell, C. C., & Chalmers-Curren, J. P. (2024). Teaching for transformative citizenship: A study of preservice social studies teachers' developing beliefs and practices. *Education, Citizenship and Social Justice*, 19(1), 77-94. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/17461979221115796>
 - Mattson, K., & Curran, M. B. (2017). Digital citizenship education: Moving beyond personal responsibility. In *International handbook of media literacy education* (pp. 144-155). Routledge.
 - McLaren, P. (2003). *La vida en las escuelas. Una introducción a la pedagogía crítica*. Boston: Siglo XXI. <https://archive.org/details/mc-laren-p.-la-vida-en-las-escuelas.-una-introduccion-a-la-pedagogia-critica-en->
 - Milner, H. R. (2012). But what is urban education? In (Vol. 47, pp. 556-561): Sage Publications Sage CA: Los Angeles, CA.
 - Milner, H. R., & Lomotey, K. (2014). *Handbook of urban education*. Routledge New York, NY.
 - Mobini, H., Gharaei, F., & Habibi, M. (2014). Urban Design Studio as the Educational Core of the Course: A Comparison Study of Studio Subjects and Professional Priorities. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 7(13), 93-112. <https://doi.org/10.30480/AUP.2014.95> [in Persian]
 - Monzó-Martínez, A., Ortiz-Cermeño, E., & Martínez-Agut, M. P. (2024). Global citizenship education and its role in sustainability at the university level. *Education Sciences*, 14(8), 847. <https://doi.org/https://doi.org/10.3390/educsci14080847>
 - Neumann, J. (2022). *Global Citizenship Education and Teacher Learning and Change: Lessons Learned from within a Nascent Movement The Claremont Graduate University*. https://scholarship.claremont.edu/cgu_etd/459
 - Noddings, N. (2016). *Philosophy of education*. Routledge. <https://doi.org/https://doi.org/10.4324/9780429494864>
 - Noguera, P. A., & Alicea, J. A. (2020). Structural racism and the urban geography of education. *Phi Delta Kappan*, 102(3), 51-56. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/0031721720970703>
 - O'Meara, J. G., Huber, T., & Sanmiguel, E. R. (2018). The role of teacher educators in developing and disseminating global citizenship education strategies in and beyond US learning environments. *Journal of Education for Teaching*, 44(5), 556-573. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/02607476.2018.1516347>
 - Orr, D. W. (1992). *Ecological literacy: Education and the transition to a postmodern world*. Suny Press.
 - Ortiz, C., & Millan, G. (2022). Critical urban pedagogy: Convites as sites of southern urbanism, solidarity construction and urban learning. *International Journal of Urban and Regional Research*, 46(5), 822-844. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/1468-2427.13119>
 - Oxley, L., & Morris, P. (2013). Global citizenship: A typology for distinguishing its multiple conceptions. *British journal of educational studies*, 61(3), 301-325.
 - Pais, A., & Costa, M. (2020). An ideology critique of global citizenship education. *Critical Studies in Education*, 6(1), 1-16. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/17508487.2017.1318772>
 - Ramos, K., Wolf, E. J., & Hauber-Özer, M. (2021). Teaching for global competence: A responsibility of teacher educators. *Journal of Research in Childhood Education*, 35(2), 311-330. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/02568543.2021.1880998>
 - Raymond, J. (2024). *Developing Crisis Management Frameworks for Urban Learning Programs*. Retrieved from. https://www.researchgate.net/profile/Jessica-Raymond-6/publication/388492688_Developing_Crisis_Management_Frameworks_for_Urban_Learning_Programs/links/679aacc9645ef274a451f9e5/Developing-Crisis-Management-Frameworks-for-Urban-Learning-Programs.pdf
 - Reimers, F. M. (2020). Educating students to improve the world. *Springer Nature*. <https://doi.org/10.1007/978-981-15-3887-2>
 - Robin, E., Chazal, C., Acuto, M., & Carrero, R. (2019). (Un) learning the city through crisis: lessons from Cape Town. *Oxford Review of Education*, 45(2), 242-257. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/03054985.2018.1551197>
 - Rossi, U. (2019). *Critical Urban Studies. The Wiley-Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies*, editado por Anthony Orum. Malden: Wiley-Blackwell. doi, 10, 9781118568446. <https://doi.org/doi:10.1002/9781118568446.eurs0067>
 - Sabermanesh, A., Ahmadi, H., & Barati, N. (2021).

- Explain the components of urban planning education with emphasis on communication with professional learning communities. 6(17), 147-178. <https://doi.org/https://doi.org/10.22054/urdp.2021.63922.1382>
- San, S., & Dancs, K. (2024). Citizenship Education and Political Literacy in Hungary According to Hungarian Non-Governmental Organizations Focusing On Citizenship Education. *International Journal of Field Education*, 10(1), 1-13. <https://doi.org/https://doi.org/10.32570/ijofe.1360068>
 - Sant, E., Lewis, S., Delgado, S., & Ross, E. W. (2018). Justice and global citizenship education. In *The Palgrave handbook of global citizenship and education* (pp. 227-243). Springer. https://doi.org/https://doi.org/10.1057/978-1-137-59733-5_15
 - Sarrafi, M., EBRAHIMNIA, V., & Hamedanchi, F. (2021). Higher Education Centers' Role in Promoting the Acculturation of Learning Urban Community: Sanabad and Jannat Neighborhoods, Mashhad. *Architecture and Urban Planning*, 13(29), 33-50. <https://doi.org/10.30480/AUP.2020.2719.1549> [in Persian]
 - Schaffer, C. L., White, M., & Brown, C. M. (2018). A tale of three cities: Defining urban schools within the context of varied geographic areas. *Education and Urban Society*, 50(6), 507-523. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/0013124517713605>
 - Schindel Dimick, A. (2016). Exploring the potential and complexity of a critical pedagogy of place in urban science education. *Science Education*, 100(5), 814-836. <https://doi.org/https://doi.org/10.1002/sc.21233>
 - Schippling, A. (2020). Researching global citizenship education: Towards a critical approach. *Journal of Social Science Education*, 19(4), 98-113.
 - Şen, İ., & Koramaz, T. K. (2024). Navigating priorities: Assessing the challenges of curriculum reform in Turkish Urban and Regional Planning Schools. *Journal of Design for Resilience in Architecture and Planning*, 5(2), 168-184. <https://doi.org/https://doi.org/10.47818/DRArch.2024.v5i2126>
 - Statistical Center of Iran. (2016). the results of the general population and housing census in Guilan province. Statistical Centre of Iran. Retrieved from <https://amar.org.ir/population-and-housing-census> [in Persian]
 - Stein, S., & Andreotti, V. (2021). Global citizenship otherwise. In *Conversations on global citizenship education* (pp. 13-36). Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780429346897-2/global-citizenship-otherwise-sharon-stein-vanessa-andreotti>
 - Steyn, M., & Vanyoro, K. P. (2024). Critical Diversity Literacy: A framework for multicultural citizenship education. *Education, Citizenship and Social Justice*, 19(3), 493-509. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/17461979231178520>
 - Strategic and Action Plan of City and Municipality of Raht. (2024). Strategic and Action Plan. prepared by the Municipality of Rasht and the University of Guilan. Raht: ITA group. Retrieved from <https://rpc.rasht.ir> [in persian]
 - Theobald, P. (1997). *Teaching the commons: Place, pride, and the renewal of community*. CO: Westview Press. <https://doi.org/https://doi.org/10.4324/9780429496950>
 - Turner, E. O., & Spain, A. K. (2020). The multiple meanings of (in) equity: Remaking school district trackingpolicyinaneraofbudgetcutsandaccountability. *Urban Education*, 55(5), 783-812. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/0042085916674060>
 - Tyack, D. B. (1974). *The one best system: A history of American urban education* (Vol. 95). Harvard University Press.
 - UCCN. (2024). The UNESCO Creative Cities Network supports the Sustainable Development Goals, notably SDG 11: "To make cities and human settlements inclusive, safe, resilient and sustainable". Retrieved from <https://www.unesco.org/en/creative-cities>
 - UNESCO. (2019). *Voices of the City: UNESCO Creative Cities moving towards the 2030 Agenda for Sustainable Development*. Retrieved from. https://www.unesco.org/sites/default/files/medias/fichiers/2023/03/16_pages_villes_creatives_uk_bd%5B1%5D.pdf?hub=80094
 - Van Goethem, A., Ten Dam, G., & Dijkstra, A. B. (2022). What does society want adolescents to know about civics? *Research Papers in Education*, 37(5), 707-728. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/02671522.2020.1864767>
 - Veugelaers, W. (2011). Theory and practice of citizenship education. The case of policy, science and education in the Netherlands. *Revista de educación*(1), 209-224. <https://hdl.handle.net/11245/1.362342>
 - Welzel, C. (2022). Why the future is democratic. *Journal of democracy*, 32(2), 132-144. <https://doi.org/>

- <https://doi.org/10.1353/jod.2022.0011>
- Westheimer, J. (2015). What kind of citizen?: Educating our children for the common good Teachers. College Press. <https://www.amazon.com/What-Citizen-Educating-Children-Common/dp/0807756350>
 - Westheimer, J., & Ladson-Billings, G. (2024). What kind of citizen?: Educating our children for the common good. Teachers College Press.
 - Williams, J. A., James, M., Beltrán, A. C. D., Young, J., Neshyba, M. V., & Ogletree, Q. (2022). Employing the urban education typology through a critical race spatial analysis. *The Urban Review*, 54(3), 450-480. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11256-021-00625-y>
 - Woodhouse, J. L., & Knapp, C. E. (2000). Place-based curriculum and instruction: Outdoor and environmental education approaches. *Clearinghouse on Rural Education and Small Schools*, Appalachia Educational
 - Wright, B. L. (2021). Five wise men: African American males using urban critical literacy to negotiate and navigate home and school in an urban setting. *Urban Education*, 56(3), 451-483. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/0042085917690203>
 - Yadegarzade, B., & Nourian, F. (2019). An explanation of professional associations in urban planning based on Critical Discourse Analysis. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 23(3), 41-52. <https://doi.org/https://doi.org/10.22059/jfaup.2019.268826.672153>
 - Young, J., Williams III, J., Díaz Beltrán, A. C., James, M., Ogletree, Q., Neshyba, M., & Worely, C. (2025). Utilizing the urban education typology: A content analysis of selected citations. *Urban Education*, 60(2), 600-627. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/00420859241244749>
 - Zahabioun, S., Yousefy, A., Yarmohammadian, M. H., & Keshtiaray, N. (2013). Global citizenship education and its implications for curriculum goals at the age of globalization. *International Education Studies*, 6(1), 195-206. <https://doi.org/https://doi.org/10.5539/ies.v6n1p195>

نحوه ارجاع به مقاله:

سالاری پور، علی اکبر؛ مانی، طالبی صومعه سرائی (۱۴۰۴)، تدوین الگوی مفهومی - اجرایی پداگوژی شهرسازی انتقادی؛ نمونه مورد مطالعه: شهر خلاق رشت، مطالعات شهری، 14 (55)، 19-34، 10.22034/urbs.2025.142096.5080

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



نقش قدرت در بازتولید غیررسمیت قشر فرادست در نظام برنامه ریزی شهری: تحلیل گفتمان حق مکتسبه در بازنگری طرح منطقه ثامن مشهد^۱

سارا وثوقی - دانش آموخته دکتری، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
فرشاد نوریان^۲ - دانشیار، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۷ مرداد ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۰۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

چکیده

در دهه اخیر، غیررسمیت به یکی از مهم‌ترین مسائل توسعه‌های شهری به‌ویژه در جهان جنوب تبدیل و با ارائه مفهوم "غیررسمیت قشر فرادست" به فراتر از حوزه فقر شهری گسترده شده است. در این بستر، بسیاری از محققان در تبیین ارتباط قدرت و غیررسمیت شهری نقش دولت را در تعلیق قانون برجسته کرده‌اند. اخیراً این نگاه به دلیل فهم تقلیل‌گرایانه از قدرت و عدم توجه به شبکه پیچیده بازیگران درون و بیرون دولت نقد شده و ضرورت بسط رویکرد غیرمرکزگرا به غیررسمیت شهری مطرح گردیده است. در این راستا، این مقاله با بسط این فرضیه براساس تفکرات فوکو که تمییز قانون‌مداری/ناقانون‌مداری یک‌رویه گفتمانی بر ساخته قدرت است، تلاش می‌نماید چگونگی تقابل پیچیده بازیگران قدرت بر روی قانون را در بستر غیررسمیت شهری قشر فرادست تبیین کند. بدین منظور با استفاده از روش تحلیل گفتمان، مطالعه درون‌گفتمانی (جایگاه سوژه‌ها، ایژه‌ها و مفاهیم)، میان گفتمانی و فراگفتمانی حق مکتسبه در بازنگری طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم رضوی (منطقه ثامن) صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که منازعات بازیگران قدرت درون و بیرون دولت مولد گفتمان‌های حقیقت متقابل از قانون‌مداری/ناقانون‌مداری است که هرکدام جایگاه مشروع تصمیم‌گیری درباره حق مکتسبه، نحوه تفسیر قانون حق مکتسبه و نوع حقی را که تحت لوای حق مکتسبه باید استیفا شود را به نحو متفاوتی تبیین می‌نمایند. نتایج نشان می‌دهد که تقابل گفتمانی قدرت بر روی قانون‌مداری ریشه در دوگانگی درونی نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری درباره جایگاه‌های تصمیم‌گیری محلی/مرکزی، تمییز منافع عمومی/خصوصی، پذیرش/عدم پذیرش تبعات اعمال قانون، سازوکارهای عرفی مقررات زدایی/سازوکارهای رسمی مقررات‌گرایی دارد. این تضاد درونی منجر به ایجاد تقابل قدرت در بستر سیاسی-اجتماعی شده که در نتیجه آن عرصه‌ای فراهم می‌شود که قشر فرادست در جایگاه تصمیم‌گیری رسمی قرار گرفته، منافع آن ذیل منافع عمومی بازتعریف شده و قانون به نفع قشر فرادست تفسیر شود. بدین ترتیب توسعه‌های غیرقانونی قشر فرادست قانونی شده و غیررسمیت در بستر تضاد درونی نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری بازتولید می‌شود.

واژگان کلیدی: غیررسمیت شهری قشر فرادست، قدرت، قانون، حق مکتسبه، تحلیل گفتمان.

نکات برجسته

- با تکیه بر چارچوب مفهومی ملهم از فوکو، قدرت به طور مداوم مفهوم قانون را برمی‌سازد.
- در بازنگری طرح ساماندهی منطقه ثامن، بازیگران قدرت از طریق شکل‌دهی به گفتمان‌های متقابل درباره "حق مکتسبه" غیررسمیت شهری قشر فرادست را مشروعیت می‌بخشند.
- غیررسمیت قشر فرادست (elite informality) از میان تعارضات قدرت ناشی از تناقض‌های موجود در نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری بازتولید می‌شود.
- دوگانگی درونی نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری - از جمله تنش میان اقتدار مرکزی و محلی، منافع عمومی و خصوصی، پذیرش یا رد هزینه‌های اعمال قانون، سازوکارهای عرفی مقررات‌زدایی و سازوکارهای رسمی مقررات‌گرایی - به بازتولید غیررسمیت شهری قشر فرادست می‌انجامد.
- بازتولید غیررسمیت قشر فرادست در نظام برنامه‌ریزی شهری دوگانه متداول رسمی/غیررسمی را در حکمرانی شهری به چالش می‌کشد.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "تبیین ارتباط میان قدرت و مشروعیت در عمل شهرسازی؛ مطالعه موردی: طرح نوسازی و بهسازی بافت اطراف حرم مطهر رضوی" است که توسط نویسنده اول و به راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه تهران دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: fnoorian@ut.ac.ir

۱. مقدمه

مطالعات بر روی غیررسمیت شهری از جهان جنوب در بستر فقر آغاز شده اما به تدریج به مسئله همه توسعه‌های شهری تبدیل می‌شود. تعلیق ضوابط قانونی در توسعه‌های بلندمرتبه کلانشهرها، شهرک‌های اعیان‌نشین و پروژه‌های بزرگ مقیاس توجه محققان را به پدیده غیررسمیت شهری قشر فرادست جلب و این پرسش را ایجاد کرد که اگر علت توسعه‌های غیررسمی قشر فرودست فقر است، ریشه توسعه‌های غیررسمی را که حائز چنین شرایطی نیستند چگونه باید تبیین کرد. در ادبیات جهان جنوب پاسخ به این پرسش محققان را به تبیین ارتباط میان قدرت و غیررسمیت شهری فرادستان با دورویکرد مرکزگرا و غیرمرکزگرا رهنمون شده است (Fawaz, 2023: 235). در رویکرد مرکزگرا مطالعات، به‌ویژه تحت تأثیر روی (Roy, 2009; 2005) و ییفتاچل (Yiftachel, 2009) قدرت فرادستی دولت در تعلیق قانون را عامل تعیین‌کننده دانسته‌اند. اما در رویکرد غیرمرکزگرا محققان (Sundaresan, 2019; Moatasim, 2019; Fawaz, 2023) نقش آفرینی بازیگران متعدد قدرت درون و بیرون دولت را در ایجاد غیررسمیت شهری قشر فرادست تبیین نموده‌اند. مطالعات فوق متمرکز بر این هستند که "چه بازیگرانی" در بستر پیچیده قدرت در ایجاد غیررسمیت شهری قشر فرادست مؤثرند اما کمتر به ماهیت و "چگونگی" تقابل میان بازیگران قدرت بر روی قانون" در فرایند تصمیم‌گیری درباره این نوع توسعه‌ها پرداخته‌اند. مروری بر مطالعات داخلی بر روی احداث مگامال‌ها (Dayarian, & Nourian, 2022; Izadpanah, & Habibi, 2021)، شهرک‌های اعیان‌نشین مانند باستی هیلز (Kazemi, 2024)، برج‌ها در منطقه ۱ و ۲۲ تهران (Khandan et al., 2019; Fathi et al., 2017)، پروژه‌های کلان مقیاس در اراضی نهادهای حاکمیتی (Taheri Tafti, 2024) نشان از گسترش پدیده غیررسمیت شهری قشر فرادست در ایران دارد که بیشتر به‌عنوان تخلف (Dayarian, & Nourian, 2022)، رانت یا فساد (Nabizadeh & Pirbabeai, 2023: 40) مفهوم‌پردازی و ریشه آن به ضعف تأمین مالی و اولویت انتفاع در مدیریت شهری نسبت داده شده است. محدود مطالعاتی به تأثیر قدرت سیاسی (Khandan et al., 2019: 249) و قدرت دولت (Taheri Tafti, 2024) در ایجاد این پدیده اشاره کرده‌اند. رویکرد مطالعات در ایران نیز ارائه تبیینی از "جرای" شکل‌گیری این پدیده براساس نظر متخصصان است و مانند مطالعات جهانی کمتر به این پرداخته‌اند که "چگونه" قانون عملاً در فرایند واقعی تصمیم‌گیری در تقابل بازیگران قدرت دستکاری شده و در نتیجه، این نوع توسعه‌ها مشروعیت می‌یابد. در راستای پاسخ به این پرسش، هدف این مقاله آن است که تحلیل انتقادی از چگونگی تعلیق قانون در بستر واقعی تقابل بازیگران قدرت بر روی غیررسمیت شهری قشر فرادست ارائه دهد. بدین منظور، با الهام از تبیین فوکو (foucault, 1980: 131) از ارتباط قدرت و حقیقت چارچوب مفهومی پیشنهاد می‌شود که در بستر غیررسمیت شهری قشر فرادست منازعات بازیگران قدرت متعدد درون و بیرون دولت مولد گفتمان‌های حقیقت متفاوتی از قانون‌مداری/نا قانون‌مداری هستند که پاسخ‌های متفاوتی به این سئوالات می‌دهند که چه کسی محق است قانون را تفسیر کند؟ مفهوم

و تفسیر قانون چیست؟ و این که تصمیمات قانونی حق چه کسانی را استیفا می‌کند؟ غیررسمیت شهری قشر فرادست در نتیجه تقابل این گفتمان‌ها شکل می‌گیرد و تحلیل آنها ماهیت تقابل قدرت را روشن می‌نماید. در این مقاله در ابتدا به تشریح رویکرد مرکزگرا و غیرمرکزگرا به قدرت و غیررسمیت شهری قشر فرادست پرداخته و سپس در راستای رویکرد غیرمرکزگرا چارچوب مفهومی پژوهش براساس افکار فوکو تبیین می‌شود. پس از معرفی روش تحلیل گفتمان، نمونه مورد مطالعه یعنی طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم رضوی معرفی می‌گردد. در این طرح سیاست تراز مالی صفر منجر به مقررات‌زدایی گسترده در راستای جذب سرمایه‌گذاران برای اجرای پروژه‌های تجاری - اقامتی گردید و با آغاز بازنگری آن نحوه تصمیم‌گیری درباره این پروژه‌ها در قالب قانون حق مکتسبه به بستر منازعه میان بازیگران قدرت از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳ تبدیل شد. یافته‌ها مبتنی بر تحلیل گفتمان‌های حق مکتسبه در این طرح نشان می‌دهد که چگونه غیررسمیت شهری قشر فرادست در بستر تضاد درونی نظام رسمی شهرسازی بازتولید می‌شود.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. غیررسمیت شهری قشر فرادست^۱

مطالعات مارکسیستی بخش غیررسمی را جز جدایی‌ناپذیر سیستم کاپیتالیست و آن را صرفاً رویه قشر فقیر شهری برای مقابله با آن تلقی می‌نمودند (Banks et al., 2020: 226). اما مطالعات "انتقادی" با ارائه مفاهیم "غیررسمیت از بالا" (Roy, 2009: 84) و "فضای خاکستری از بالا" (Yiftachel, 2009: 91-92) آن را «راهبرد اقشار مختلف جامعه» دانسته که فرودستان برای بقا و فرادستان برای منفعت مالی از آن استفاده می‌کنند (Banks et al., 2020: 231). غیررسمیت شهری فرادستان حوزه مطالعاتی است که به تحلیل دستکاری قانون در توسعه‌های فضایی اقشار با امتیازات سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی خاص می‌پردازد (Moatasim, 2019: 1019). این پدیده در ایران در توسعه خارج از ضوابط مگامال‌ها، شهرک‌های اعیان‌نشین و توسعه‌های بلندمرتبه (Izadpanah & Habibi, 2021; Kazemi, 2024; Khandan et al., 2019; Fathi et al., 2017) مشهود است. طرح منطقه ثامن مشهد نیز شاهد امتیازات اعطا شده خارج از ضوابط به سرمایه‌گذاران خصوصی، دولتی و شبه‌دولتی پروژه‌های تجاری-اقامتی است که طی بازنگری آن ذیل قانون حق مکتسبه به منازعه میان بازیگران قدرت تبدیل شده و غیررسمیت شهری قشر فرادست را شکل می‌دهد.

۲.۲. قدرت و غیررسمیت شهری قشر فرادست

نقش قدرت در بازتولید غیررسمیت شهری قشر فرادست با دورویکرد مرکزگرا و غیرمرکزگرا (Fawaz, 2023: 235) مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد مرکزگرا این پدیده را متأثر از قدرت فرادستی دولت معرفی نموده‌اند (Haid, 2017: 2). روی (Roy, 2009: 84) "غیررسمیت از بالا" را "یک شیوه شهری‌سازی" می‌داند که در آن تشکیلات برنامه‌ریزی

1 Elite informality

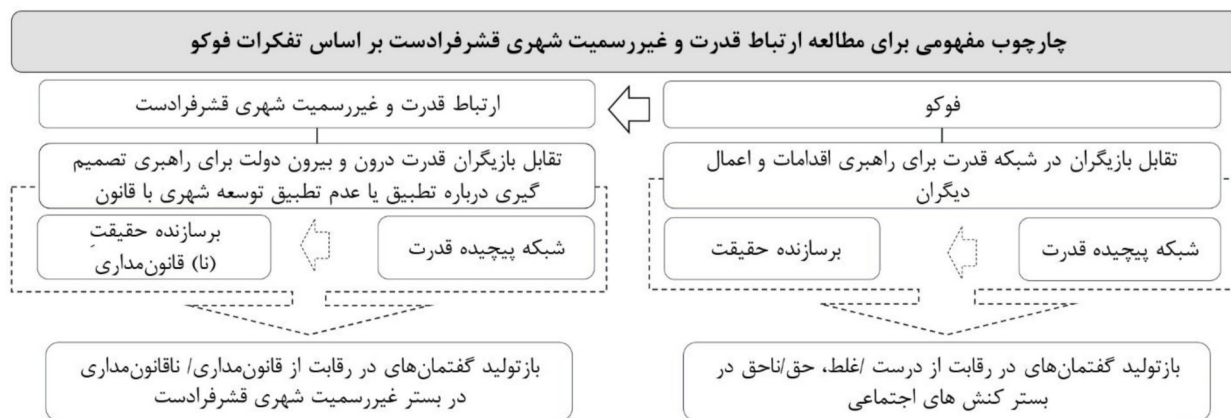
در پاکستان نشان می‌دهد که اقشار فرادست با اعمال قدرت نقش فعالانه‌ای را در قانونی نمودن توسعه‌های غیررسمی از طریق سیستم قضایی ایفا می‌کنند. تونوچی (2023: Tonucci) نقش توسعه‌گران غیررسمی املاک را در توسعه اجتماعات دروازه‌دار برای طبقه مرفه در برزیل برجسته می‌کند. این مطالعات بیشتر بر تبیین نقش‌آفرینی بازیگران در ایجاد رویه‌های غیررسمی تأکید دارند. اما به‌زعم محققان، این رویه‌ها معمولاً در هاله‌ای از تنش، مذاکره و تقابل بازیگران قدرت بر روی قانون ایجاد می‌شود و در نتیجه آن نه قانون نوشته‌شده بلکه ترجمان قدرت از قانون اعمال می‌شود، (Fawaz, 2015: 35; De Sardan, 2015: 5; Haid, & Hilbrandt, 2019: 237; نوآوری این مقاله آن است که به‌جای تحلیل نقش بازیگران قدرت، به تحلیل چگونگی تقابل آنها بر روی قانون پرداخته و با الهام از فوکو با تحلیل "گفتمان‌های متقابل از قانون‌مداری" متأثر از شبکه قدرت نشان داده می‌شود که چگونه قانون حق مکتسبه در بازنگری طرح منطقه ثامن ابزاری برای رسمیت‌بخشی به امتیازات اعطا شده خارج از ضوابط به سرمایه‌گذاران پروژه‌های تجاری اقامتی می‌گردد.

۲.۳. چارچوب مفهومی پژوهش: قدرت و بازتولید گفتمان‌های در رقابت از قانون‌مداری در بستر غیررسمیت شهری قشر فرادست

تکیه بر مفهوم پردازی فوکو از قدرت و حقیقت، چارچوب مفهومی را در اختیار می‌نهد که بتوان شکل‌گیری غیررسمیت شهری فرادستان را در بستر منازعه میان بازیگران قدرت بر روی قانون تحلیل کرد، (Fawaz, 2018: 2140; B nit-Gbaffou, 2018: 237; 2023: به‌زعم فوکو، ماهیت روابط قدرت «راهبری اقدامات و اعمال» است. قدرت رفتارهای ممکن را تعریف و سوژه را به‌سوی این رفتارهای ممکن هدایت می‌کند (Foucault, 2001: 340). به‌زعم وی، قدرت درون "شبکه‌ها" می‌چرخد و هیچ‌گاه محدود به روابط مشخص یا افراد مشخص نیست، (Foucault, 1997: 292). به همین دلیل تمرکز بر مطالعه بازیگران قدرت راهگشا نیست بلکه پاسخ به این پرسش که قدرت چگونه عمل می‌کند، حائز اهمیت است. فوکو به این پرسش از طریق ارتباطی که میان قدرت و حقیقت برقرار می‌کند پاسخ می‌دهد: "روابط چندگانه قدرت به یک گفتمان حقیقت متصلند. قدرت نمی‌تواند اعمال شود مگر این‌که اقتصاد خاصی از گفتمان‌های حقیقت در آن، بر پایه آن و در نتیجه آن عمل کند" (Foucault, 2003: 60). این رژیم پیچیده حقیقت/ قدرت شامل مجموعه‌ای از گفتمان‌های در رقابت است، (Sherratt, 2006: 223) که ادعای صدق و کذب، حق و ناحق را درباره جهان اجتماعی کنترل و مشخص کرده (Jensen, 1997: 12) و از این طریق اقدامات و تصمیمات افراد را راهبری می‌کند. گفتمان‌های حقیقت حق و معیارهای آن از جمله قانون را در خدمت اعمال قدرت بر دیگران قرار می‌دهند (Foucault, 2003: 63). "درواقع گفتمان قانون‌مداری/ نا قانون‌مداری به‌طور سیاسی در بستر منازعات قدرت با در خدمت گرفتن معیارهای حق از جمله قانون شکل می‌گیرد.

دولت این قدرت را دارد که این که چه چیزی رسمی و غیررسمی است را تعیین کند (Roy, 2005: 148-149). ییفتاچل (Yiftachel, 192-91: 2009) ایجاد "فضاهای خاکستری از بالا" را با استدلال توسعه، امنیت و نیازهای ملی بررسی و با نقد رویکرد دوگانه دولت در مواجهه با غیررسمیت شهری فرودستان و فرادستان اعلام می‌کند که آپارتاید شهری جدیدی در حال شکل‌گیری است. هاید (Haid, 2017: 3) "رویه‌های حکمرانی شهری دوگانه" که در آن دولت چشم خود را بر روی فعالیت‌های غیرقانونی در "زون‌های مستثنی" می‌بندد، درحالی‌که این قانون‌شکنی را در جای دیگر تحمل نمی‌کند، شرح می‌دهد. پو (Pow, 2017) نشان می‌دهد دولت فروش غیرقانونی اراضی یک جزیره در سنگاپور را برای احداث شهرک متمولین در راستای جذب سرمایه‌های اقتصادی به کشور توجیه می‌کند. طاهری تفتی (Taheri, 2024) Tafti با مطالعه مصوبات کمیسیون ماده ۵ شهر تهران نشان می‌دهد نهادهای شبه-حاکمیتی از نزدیکی به دولت برای تأثیر بر نهادهای تصمیم‌گیر شهری به‌منظور احداث پروژه‌های بزرگ مقیاس استفاده می‌کنند. بر اساس این مطالعات، قدرت دولت مؤثرترین عامل در ایجاد غیررسمیت فرادستان است. رویکرد غیرمرکزگرا، نگاه فوق را براین اساس که اولاً قدرت درون دولت لزوماً یکپارچه نیست و ثانیاً قدرت صرفاً محدود به عرصه دولت نیست، نقد کرده است. دولت مجموعه پیچیده‌ای از "مناصب، سازمان‌ها و واحدهای دولتی در سطوح مختلف، با منافع سیاسی در تعارض با یکدیگر" (Fawaz, 1944) است که عدم تجانسی را شکل می‌دهد که فضا را برای مذاکره درباره رویه‌های شهرسازی غیرقانونی می‌گشاید، (Haid & Hilbrandt, 2019: 5). همچنین در تعامل پیوسته دولت-اجتماع و در اثر عاملیت بازیگران قدرت درون و بیرون دولت است که نگرش دولت به غیر رسمیت قشر فرادست به‌طور مداوم تغییر می‌کند (Banks et al., 2020). از این رو جامعه نه به‌عنوان هرمی که دولت در رأس آن قدرت دارد بلکه باید به‌صورت یک شبکه مفهوم‌پردازی شود که قدرت در میان بازیگران آن در تعامل با دولت در جریان است (Sundaresan, 2019: 7). باتوجه به این انتقادات این مقاله با رویکرد غیرمرکزگرا به تبیین ارتباط قدرت و غیررسمیت شهری قشر فرادست می‌پردازد.

اکثر مطالعات اخیر در رویکرد غیرمرکزگرا به تبیین ویژگی‌های شبکه قدرت مؤثر بر ایجاد غیررسمیت شهری قشر فرادست پرداخته و کمتر چگونگی تقابل بازیگران قدرت بر روی قانون را تبیین نموده‌اند. ساندارسان (Sundaresan, 2019: 22) با مطالعه بر روی بلندمرتبه‌سازی در بانگلور هند نشان می‌دهد که هرکدام از ذی‌نفعان دولتی، خصوصی و عمومی قواعد دیکته شده برنامه‌ریزی را در راستای منافع خود تغییر می‌دهند. فاواز (Fawaz, 1944-1943: 2017) با بررسی پدیده مستثنی سازی در شهرسازی بیروت عنوان می‌کند که در بستر "حاکمیت چند بنیادی" مجموعه پیچیده‌ای از عاملان، فرایندها و قوانین درون و بیرون دولت در تلاش بر ایجاد مصالحه میان خواست قانون، منافع خصوصی و سایر فشارها مجموعه‌ای از امتیازات انحصاری را به برخی گروه‌ها اعطا و از برخی دریغ می‌کنند. معتصم (Moatasim, 1011-1012) با بررسی محله اعیان‌نشین بانی در منطقه حفاظت شده



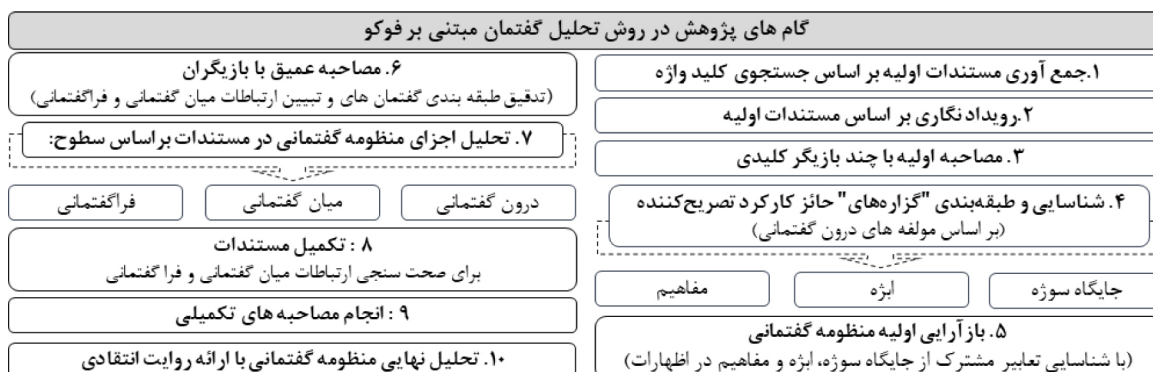
نمودار شماره ۱: چارچوب مفهومی برای مطالعه ارتباط قدرت و غیررسمیت شهری قشرفرادست بر اساس تفکرات فوکو

تبیین می‌کند. تحلیل گفتمان‌های حق مکتسبه با استفاده از روش تحلیل گفتمان مبتنی بر فوکو ماهیت تقابل قدرتی که در جریان است را آشکار می‌کند.

۳. روش پژوهش: تحلیل گفتمان مبتنی بر آرای فوکو

روش تحلیل گفتمان این که چگونه قدرت، جهان اجتماعی را از طریق پراکتیک‌های گفتمانی شکل می‌دهد را تبیین می‌کند (Dreyfus & Rabinow, 1982: 227). از دیدگاه فوکو گفتمان متشکل از پراکتیک‌های کلامی و غیرکلامی (رویه‌ها، اقدامات و نهادها) است. در هر برهه زمانی مجموعه‌ای از گفتمان‌های در رقابت با یکدیگر یک منظومه گفتمانی را شکل داده که دارای سه سطح است (Foucault, 1969: 91; Foucault, 1991: 54-58). درون گفتمانی: متشکل از مؤلفه‌های جایگاه سوژه (کسی که در گفتمان حق مشروع ادای گزاره‌های صادق را دارد)، ابژه (کسی که توسط گزاره‌های صادق در گفتمان بازتعریف می‌شود) و مفاهیم (شبکه معانی که گزاره‌های صادق مبتنی بر آن شکل می‌گیرد)، ۲. میان گفتمانی: ارتباط هر گفتمان با سایر گفتمان‌های بستر اجتماعی و ۳. فراگفتمانی: ارتباط گفتمان با اقدامات غیرگفتمانی پیشین آن. در تحلیل گفتمان مبتنی بر فوکو کوچک‌ترین واحد تحلیل «گزاره» است که می‌تواند کمتر از یک جمله، یک جمله یا مجموعه‌ای از جملات باشد. آنچه که در یک گزاره تحلیل می‌شود نه معنای آن بلکه «کارکرد تصریح‌کننده» آن در ارتباط با مؤلفه‌های شکل دهنده گفتمان و سطوح منظومه گفتمانی است (Lynch, 2014: 483).

بر اساس این مفهوم‌پردازی فوکو، در مطالعه ارتباط قدرت و غیررسمیت شهری قشرفرادست مطالعه گفتمان‌های حقیقت برساخته قدرت از قانونمداری / ناقانونمداری اهمیت می‌یابد (نمودار شماره ۱). تطبیق یا عدم تطبیق توسعه‌های شهری با قانون متأثر از تفاسیر گوناگونی است که از حقیقت قانونمداری صورت می‌گیرد (Edelman & Talesh, 106-105: 2011). قانون دو وجه دارد: چارچوب مکتوب آن و وجه دیگر روح قانون است که به صورت بین‌الذاتانی ساخته شده و ماهیت پویا و سیاسی دارد (Kusiak, 2019: 591). قدرت "قانون نوشته شده" را به عنوان یک معیار مبهم در خدمت خود قرار داده و روح قانون (Kusiak, 2019: 591) را که مبنای تمایزگذاری میان اقدام مشروع و نامشروع در حوزه سیاستگذاری شهری است، به صورت گفتمانی شکل می‌دهد. از این رو در منازعات بازیگران قدرت گفتمان‌های حقیقت متفاوتی از قانونمداری / ناقانونمداری ایجاد می‌شود که هر کدام تفسیر خود از معیار حق یعنی قانون را ارائه می‌دهند (Kelling, 2023: 2). در تقابل این گفتمان‌هاست که غیررسمیت از "غیرقانونی بودن" متمایز شده و بر خلاف امور غیرقانونی رسمیت می‌یابد (Bénit-Gbaffou, 2018: 2142). روش تحلیل گفتمان فوکو این "رویه گفتمانی اعمال قانون" (Van Dijk, 1803: 2009) & Beunen و سازوکارهای قدرت پشت آن را واکاوی می‌کند. در بازنگری طرح منطقه ثامن نیز نحوه اعمال قانون حق مکتسبه تبدیل به منازعه میان بازیگران قدرت شده، تعابیر و تفاسیر گوناگونی ارائه می‌شود که هر کدام از آنها قانونمداری / ناقانونمداری مقررات زدایی گسترده در پروژه‌های تجاری اقامتی را به نحو متفاوتی



نمودار شماره ۲: گام‌های پژوهش در روش تحلیل گفتمان مبتنی بر فوکو؛ برگرفته از

(Foucault, 1969; Rabinow & Dreyfus, 2001; Richardson and Sharp, 1991; Foucault, 1991)

هزینه‌ها از درآمدهای خود طرح (ارزش افزوده ناشی از تملک و تجمیع اراضی خصوصی، فروش زمین و اخذ عوارض پروژه‌ها) از دهه ۷۰ آغاز و احداث ۳۶۵ پروژه تجاری-اقامتی با تراکم ۲۸۰ تا ۴۰۰ درصد (۹-۱۲ طبقه) پیش‌بینی شد: (MohandisIn-e Moshaver-e Tāsh, 2006). (272-213 به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری، انواع مقررات زدایی از جمله تأسیس سازمان اجرایی شبه خصوصی (شرکت عمران و مسکن سازان ثامن) برای عبور از محدودیت‌های ساختار دولتی، اعمال آیین‌نامه مالی معاملاتی شرکت ثامن به جای آیین‌نامه شهرداری‌ها، تضمین ۳۰ درصد نرخ بازدهی داخلی (IRR) پروژه‌ها از طریق اعطای غیرقانونی امتیازات مازاد برضوابط، فروش، تهاوت و معامله زمین و پروانه پروژه‌ها با سرمایه‌گذاران یا پیمانکاران قبل از تملک اراضی عرصه آنها (Jafarzadeh Najjar & Jannati Namin, 2013: 55-61; Moāvenat-e Eqtesādi-ye Shahr, 2011: 40-50; Shahr-dāri, 2020: 40-50) صورت گرفت. در دهه ۹۰ قرارداد حدود ۳۰۰ پروژه منعقد شده که شامل سرمایه‌گذاران خصوصی (خارجی و داخلی) و غیرخصوصی (نهادهای عمومی، دولتی، شبه‌دولتی و حاکمیتی از جمله بانک‌ها، آستان قدس، بنیاد زائر امام رضا (ع)، بنیاد تعاون ناجا، سازمان اوقاف، شورای نگهبان، صنایع دفاع و...) هستند. طبق آمارها صرفاً ۴۰ درصد سرمایه‌گذاران خصوصی هستند (Khodai, 2020). .. با آغاز بازنگری، نحوه مواجهه با این مقررات زدایی گسترده ذیل حق مکتسبه به مسئله چالش برانگیز تبدیل می‌شود.

۴.۲. تقابل بازیگران درون و بیرون دولت در بازنگری طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی

بازنگری طرح طاش شامل بر حذف سیاست تراز مالی صفر در سال ۱۳۹۳ شروع و تا سال ۱۳۹۹ دو طرح تصویب می‌شود. نخستین طرح بازنگری با عنوان "برنامه راهبردی بهسازی و هدایت موزون توسعه" (موسوم به طرح مهرآزان) مصوب سال ۱۳۹۶ به دلیل شکایت شهرداری مشهد به دیوان عدالت اداری اجرا نمی‌شود. دومین طرح با نام طرح تفصیلی ویژه حریم رضوی در سال ۱۳۹۹ تصویب می‌شود. در تقابلی که بر روی نحوه ابقای ۳۶۰ پروژه تجاری-اقامتی تحت لوای عنوان قانونی حق مکتسبه از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۴۰۳ جریان دارد، بازیگران درون دولت از قوه مجریه (وزارت راه و شهرسازی، سازمان برنامه و بودجه، نهاد ریاست جمهوری، استانداری، اداره راه و شهرسازی، سازمان میراث فرهنگی، کمیسیون ماده ۵ مشهد)، قوه مقننه (نمایندگان مجلس)، قوه قضاییه (سازمان بازرسی، دیوان عدالت اداری، دادگستری استان)، نهادهای حاکمیتی (نهاد رهبری، سپاه امام رضا (ع))، کمیته‌های بین نهادی (شورای عالی شهرسازی و معماری، ستاد راهبری مشهد، ستاد تدابیر ویژه اقتصادی، شورای راهبردی طرح طاش)، نهادهای شبه‌دولتی (شرکت بازآفرینی شهری، شرکت عمران و مسکن سازان ثامن) و نهادهای عمومی (آستان قدس رضوی، شهرداری مشهد، شهرداری ثامن و شورای شهر مشهد) و بازیگران بیرون دولت یعنی سرمایه‌گذاران خصوصی و غیرخصوصی، متخصصان (مهندسين مشاور)، کنشگران (فعالان دانشگاهی، فعالان رسانه‌ای و حقوقی) و شهروندان (مالکان و ساکنان محدوده) مداخله می‌نمایند.

بر اساس خوانش مستقیم نظریات فوکو (Foucault, 1991; Foucault, 1969) و همچنین گام‌های روش‌شناختی معرفی شده توسط محققان (Sharp and Richardson, 2001; Dreyfus & Rabinow, 1982) (Hajer, 2006: 2006) فرایند پژوهش در ده گام طراحی شد: گام نخست: جمع‌آوری مستندات با جست وجوی کلیدواژه حق مکتسبه، گام دوم: رویدادننگاری زمانی؛ برای شناسایی تعارضات میان بازیگران، گام سوم: مصاحبه اولیه با سه بازیگر کلیدی برای تدقیق تعارضات، گام چهارم: شناسایی گزاره‌های "حائز کارکرد تصریح‌کننده بر اساس مؤلفه‌های جایگاه سوژه (سوژه‌ها در کدام جایگاه‌ها حق تفسیر حق مکتسبه را دارند)، ابژه (ابژه عمومی و خصوصی که حق آنها باید از طریق حق مکتسبه استیفا شود، چگونه تبیین می‌شود) و مفاهیم (مفاهیمی که حق مکتسبه مبتنی بر آن تحدید می‌شود، چیست)، گام پنجم: طبقه‌بندی و نام‌گذاری گفتمان‌های متقابل بر اساس شناسایی تعابیر مشترک یا متعارض از جایگاه سوژه‌ها، ابژه‌ها و مفاهیم، گام ششم: مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با بازیگران کلیدی بر اساس یافته‌های مستندات قبلی بر محور تدقیق هر گفتمان، شناسایی رویه‌های غیرکلامی و ارتباط هر گفتمان با گفتمان‌های دیگر، گام هفتم: تحلیل منظومه گفتمانی در سه سطح درون‌گفتمانی، میان‌گفتمانی و فراگفتمانی، گام هشتم و نهم: صحت‌سنجی ارتباطات میان‌گفتمانی و فراگفتمانی با جمع‌آوری مستندات و مصاحبه‌های تکمیلی و درنهایت در گام دهم منظومه گفتمانی تحلیل و در قالب یک روایت انتقادی ارائه شد.

داده‌ها از منابع متعدد از جمله مصاحبه، مستندات رسمی و غیررسمی مورد تحلیل قرار گرفت. مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته "مبتنی بر روایت" (Ayres, 2008: 545) مبنای پرسش و پاسخ با ۱۶ نفر از افراد از وزارت راه و شهرسازی (ش. ۱ تا ۳)، شرکت بازآفرینی شهری (ش. ۴)، شورای شهر مشهد (ش. ۵ تا ۷)، انجمن کارآفرینان سازنده حریم رضوی (ش. ۸)، فعال اجتماعی و مشاور حقوقی (ش. ۹)، فعال اجتماعی و رسانه ای (ش. ۱۰)، اداره راه و شهرسازی خراسان رضوی (ش. ۱۱)، شهرداری منطقه ثامن (ش. ۱۲ و ۱۳)، بخش حقوقی شرکت بازآفرینی (ش. ۱۴)، مشاور طرح حریم رضوی (ش. ۱۵) و سازمان میراث فرهنگی (ش. ۱۶) صورت گرفت. علاوه بر آن ۲۰۰ مستند بین سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ که موضوع حق مکتسبه را مستقیماً مورد اشاره قرارداد بودند، جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای^۱ طبقه‌بندی و تحلیل شد. در مجموع ۵۲۹ گزاره در سطح درون‌گفتمانی (شامل ۱۲۶ گزاره: جایگاه سوژه، ۱۵۶ گزاره: ابژه، ۲۴۷ گزاره: مفاهیم)، ۸۸ گزاره در سطح بین‌گفتمانی، ۵۶ گزاره در سطح فراگفتمانی شناسایی و بر اساس آن منظومه گفتمانی حق مکتسبه در طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی تحلیل گردید.

۴. تحلیل یافته‌ها

۴.۱. مقررات زدایی برای جذب سرمایه‌گذاران در طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی

طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم (طرح طاش) در محدود ۳۶۰ هکتار (منطقه ثامن) مبتنی بر تراز مالی صفر به معنای تأمین

۴,۳. حق مکتسبه: پاشنه آشیل بازنگری طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی

حق مکتسبه، ناشی از تعارض در اجرای قانون قدیم و جدید است و بر اساس قاعده حقوقی "عطف به ماسبق نشدن قانون" به معنای مجموعه حقوقی است که در اثر رویه‌های اداری به‌گونه‌ای قانونی برای شهروندان شکل گرفته و مقام اداری مجاز نیست که با وجود تغییر قوانین در طول زمان، آنها را سلب نماید (Vizeh & Hojjati, 2021: 265). مقصود از حق مکتسبه در رویه‌های جاری ملک عمل در شهرسازی، تثبیت و ابقای ضوابط طرح قبلی در طرح جدید مشروط به وجود شرایط سه‌گانه صدور پروانه، انطباق مفاد پروانه با ضوابط طرح‌های شهری و احداث مطابق پروانه در مهلت اعتبار است. در بازنگری طرح طاش، از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۳ تصمیمات متفاوتی در مورد تعاریف و مصادیق حق مکتسبه در چهار کمیته متفاوت اتخاذ گردید:

۱. کمیته حقوقی شورای عالی (۱۳۹۶, ۰۹, ۱۳): پروژه‌های ساخته شده دارای پروانه پیش از تاریخ ۹۳, ۰۴, ۲۹ (آغاز بازنگری طرح) و فاقد تخلف؛ پروژه‌های ساخته نشده دارای پروانه پیش از تاریخ فوق و فاقد تخلف منوط به عدم تملک اجباری عرصه.

۲. کمیته حقوقی ستاد راهبردی طرح طاش (۱۳۹۸, ۰۶, ۱۰): پروژه‌های دارای پروانه، موافقت اصولی، قرارداد و تفاهم‌نامه اعم از ساخته شده یا نشده، اعم از فاقد یا دارای تخلف و اعم از این‌که اراضی آنها تملک شده یا نشده؛ املاک دارای استعلام ضوابط از شهرداری ثامن، املاک دارای صورت جلسه کمیسیون ماده ۵، املاک محدوده فروش اوراق مشارکت تسویه نشده.

۳. شورای عالی (۱۳۹۹, ۰۳, ۱۹): پروژه‌های ساخته شده دارای پروانه اعم از فاقد یا دارای تخلف؛ پروژه‌های ساخته نشده دارای پروانه، موافقت اصولی و قرارداد در صورت عدم تخلف از ضوابط طرح طاش.

۴. کمیته حقوقی طرح حریم رضوی (۱۴۰۰ تاکنون): پروژه‌های ساخته شده یا نشده دارای پروانه اعم از فاقد یا دارای تخلف؛ پروژه‌های دارای موافقت اصولی یا قرارداد منجر به تبادل مالی اعم از فاقد یا دارای تخلف از ضوابط طرح طاش؛ پروژه‌های واقع در عرصه‌هایی که تملک اراضی آنها کامل نشده اعم از دارای پروانه/موافقت اصولی/قرارداد-تفاهم‌نامه.

همان‌طور که دیده می‌شود، مصادیق حق مکتسبه در هر کمیته قبض و بسط پیدا می‌کند که ناشی از گفتمان‌های متفاوتی از حق مکتسبه است که در پشت پرده این کمیته‌ها در جریان است و این مقاله در نظر دارد آنها را واکاوی کند.

۴,۴. گفتمان‌های در رقابت از حق مکتسبه در بازنگری طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی

بر اساس تحلیل درون‌گفتمانی (بر اساس مؤلفه‌های جایگاه سوژه، ابژه و مفاهیم)، میان گفتمانی و فراگفتمانی، منظومه گفتمانی حق مکتسبه شامل بر چهار گفتمان "فراقانونی"، "موسع"، "مصالحه‌آمیز" و "مذاکره‌ای" شناسایی شد.

۴,۴,۱. گفتمان فراقانونی از حق مکتسبه

سطح درون‌گفتمانی (جایگاه سوژه): در این گفتمان سوژه مرکزی

جایگاه تصمیم‌گیری و سایر سوژه‌ها صرفاً جایگاه مشورتی دارند. پس از تصویب طرح مهرآزان، شورای عالی (Shorā-ye āli, 2017) برای "احصا و بررسی حق مکتسبه" دستور به تشکیل کمیته حقوقی متشکل از نهادهای استانی و مرکزی به علاوه دو نفر عضو حقیقی حقوقدان می‌دهد. در کمیته نهاد مرکزی جایگاه تصمیم‌گیری را صرفاً به اعضای حقوقدان مورد نظر خود اعطا می‌کند: "معاونت شهرسازی وزارت راه می‌گفت سه نفر در این کمیته حق رأی دارند: مدیرکل دفتر حقوقی وزارت راه و دو نفر عضو حقیقی حقوقدان منتخب وزارت راه. نهادهای استانی می‌گفتند این دو عضو حقوقدان باید از سوی مدیریت شهری انتخاب شود اما وزارت راه نپذیرفت (مصاحبه ش. ۱۲)". به علت مخالفت نهادهای محلی با ساختار کمیته، شیوه‌نامه حق مکتسبه راساً توسط وزارت راه و بدون حضور و مشورت نهادهای محلی تعیین تکلیف می‌گردد.

سطح درون‌گفتمانی (مفاهیم): تعریف حق مکتسبه در گرو مفاهیم "مجوز رسمی"، "تخلف" و "عطف به ماسبق" هستند. در شیوه‌نامه کمیته حقوقی (۱۳۹۶) صرفاً پروانه "مجوز قانونی" محسوب و هرگونه قرارداد، موافقت اصولی یا توافق بر روی پروژه‌ها در قالب "تعهدات شهرداری" فاقد حق مکتسبه اعلام می‌شود. مفهوم تخلف فراتر از انحراف از ضوابط طاش به پروژه‌های انتفاعی مبتنی بر تملک اجباری اراضی تعمیم و مرجع زمانی "عطف به ماسبق" نیز به جای تاریخ تصویب طرح مهرآزان (Mohandesin-e Mehraazan, 2019) تاریخ نخستین مصوبه شورای عالی (Shorā-ye āli, 2014) در لزوم بازنگری طرح طاش تعیین می‌شود. رویکرد این گفتمان سخت‌گیرانه است تا بازنگری حداکثر طرح طاش فراهم شود. در آن زمان این تفکر بر تصمیم‌گیران در مرکز حاکم است که "به مرگ بگیریم که به تب راضی شوند و برای همین برای الزام مدیریت شهری به تبعیت از قانون محدودیت‌هایی فراتر از قانون حق مکتسبه اعمال می‌شود (مصاحبه ش. ۱)".

سطح درون‌گفتمانی (ابژه): حقوق سرمایه‌گذاران در زمره حقوق خصوصی و هرگونه اغماض در تعیین مصادیق حق مکتسبه از جمله ابقای پروژه‌های دارای تخلف تجاوز به حقوق عمومی محسوب می‌گردد: "بدیهی است چنانچه شهرداری یا مدیران آن تعهداتی غیرقانونی در قبال اشخاص و سرمایه‌گذاران داشته‌اند، خود باید پاسخگو باشند" (Soleimaniyan, 2019) قرار نیست "عموم" مردم از حق خود ضامن جبران حقوقی باشند که برای افراد به دلیل اقدامات غیرقانونی شهرداری ایجاد شده است: "طرح‌های شهری صندوق یا سرمایه‌ای نیست که از محل آن خسارت سوءمدیریت شهری را جبران نماییم یا به غرامت دهیم" (همان). در این گفتمان اعطای حق سرمایه‌گذاران پروژه‌ها فراتر از قانون حق مکتسبه در قالب ضوابط طرح بازنگری در تقابل با حق عامه مردم قرار دارد.

سطح میان‌گفتمانی: گفتمان فراقانونی مبتنی بر گفتمان حق مالکیت و میراث فرهنگی شکل می‌گیرد که تحقق آنها مستلزم اتکا بر گفتمان حقوقی است. گفتمان حق مالکیت با اعتراضات ساکنان در اواخر دهه ۸۰ و مبتنی بر تذکرات رهبری به استانداری (Goruh-e Jame'eh, 2007) مبنی بر توقف تملک برای پروژه‌های انتفاعی شکل گرفت: "اگر مفاد نامه رهبری عملی می‌شد و تا سال ۱۳۹۳ مسکوت نمی‌ماند، جلوی بخشی از تخلفات در اجرای طرح طاش گرفته می‌شد (مصاحبه ش.)

"هر هزینه یا معامله یا انعقاد قراردادی که به استناد طرح انجام شده حتی اگر پروانه‌ای اخذ نکرده است به عنوان حق مکتسبه تلقی شد (مصاحبه ش. ۶)". از این رو مصادیق حق مکتسبه شامل املاک دارای مجوز (پروانه، پروانه مرحله اول، موافقت اصولی)، املاک دارای قرارداد (از جمله قرارداد کارگزاری، خرید و فروش)، استعلامات صادر شده (گواهی انتقال، پاسخ به مراجع قضایی، بانک)، املاک دارای صورت جلسه کمیسیون ماده ۵ و محدوده فروش اوراق مشارکت تسویه نشده است که بالغ بر پنج هزار مصداق است.

سطح درون گفتمانی (ابژه): در این گفتمان حق سرمایه‌گذاران ذیل حق عامه تعریف می‌شود. کوتاهی در استیفای حقوق خصوصی سرمایه‌گذاران پروژه‌ها موجب "فرار سرمایه‌ها از مشهد و کشور" (Zahiri, 2020) و "عدم اعتماد سرمایه‌گذاران به حاکمیت" (Sheikholeslami, 2020) شده که خود خدشه به حق عامه است. پس عموم باید ضامن حقوق خاصه‌ای باشند که منافع آنها در طرح ضامن منافع اقتصادی شهر یعنی "ادامه سرمایه‌گذاری و روانه شدن سرمایه‌های داخلی و خارجی" (همان) به شهر است. این گفتمان منافع عامه را صرفاً منافع مالی می‌داند و آن را به استیفای حق سرمایه‌گذاران گره می‌زند. آنچه در گفتمان موسع نقد می‌شود آن است که بیش از نیمی از سرمایه‌گذاران خصوصی نیستند: "پژمان‌فر (نماینده مجلس) تصریح کرد: متأسفانه عده‌ای ادعای فرار سرمایه‌گذار از اطراف حرم را مطرح می‌کنند، در حالی که عمده این سرمایه‌گذاری‌ها توسط دستگاه‌های خصولتی، بانک‌ها و... است (Society-News-Group, 2020)". با وجود برخی انتقادات این موضوع در گفتمان‌ها مسکوت می‌ماند.

سطح میان گفتمانی: این گفتمان متکی بر گفتمان سرمایه‌گذاری است که طرح نوسازی شهری را به مثابه طرح سرمایه‌گذاری دانسته و بازنگری آن را تهدیدی برای اعتماد سرمایه‌گذاران می‌داند. آنچه برای مدیریت شهری اهمیت دارد این است که سرمایه‌گذار باید بداند وقتی وارد فرایند سرمایه‌گذاری می‌شود، طرح هیچ تغییری نمی‌کند (ISNA, 2019). پس احترام به حقوق مکتسبه سرمایه‌گذاران مستلزم "اجرای کامل و بدون هیچ‌گونه تغییر طرح مصوب بافت پیرامون حرم مطهر" است که کارآفرینان بر آن اساس سرمایه‌های خود را به منطقه ثامن آورده و با مجریان طرح قرارداد منعقد کرده‌اند (Khoshgoftar, 2019).

سطح فراگفتمانی: تشکیل‌سازی سرمایه‌گذاران در قالب انجمن کارآفرینان در راستای این گفتمان شکل می‌گیرد. همچنین با شکایت شهرداری به دیوان و اخذ دستور توقف مصوبه شورای عالی برای طرح مهرآزان (Shorā-ye āli, 2017) گفتمان فراقانونی به حالت تعلیق درمی‌آید. تعداد گسترده مصادیق با مخالفت وزارت راه روبه رو می‌شود به این علت که "اگر همه این مصادیق لحاظ شود که اصلاً نمی‌توان طرح طاش را بازنگری کرد (مصاحبه ش. ۱۳)". از سوی دیگر شورا (Shoraye Shahr, 2019) با استدلال "صیانت از حقوق عامه و پیشگیری از سلب اعتماد عمومی" شهرداری را تحت فشار قرار می‌دهد که از بازپس‌گیری شکایت به دیوان که لازمه تصویب طرح جدید است تا تعیین تکلیف حق مکتسبه خودداری کند. از این رو برای حل اختلافات میان نهادهای محلی و مرکزی با حضور رئیس دیوان عدالت اداری مذاکراتی می‌شود که گفتمان مصالحه‌آمیز را ایجاد می‌کند.

۱). "گفتمان میراثی تحت تأثیر انتقادات به بلندمرتبه‌سازی اطراف حرم و تصویب طرح حریم منظری و میراثی حرم در سال ۱۳۹۶ شکل گرفت: "طرح طاش در محدوده تاریخی شهر مشهد بود اما در بیش از ۲۷۰ پروژه بدون استعلام از میراث اعلام ضوابط صورت گرفته بود (مصاحبه ش. ۱۶)". بازنگری طرح برای احیای ارزش‌های میراثی و حق مالکیت منوط به حذف و تعدیل تخلفات در پروژه‌هاست: "بعضی از اعضای کمیته‌های فنی وزارت راه می‌گفتند حتی پروژه‌های ساخته شده دارای تخلف تخریب شوند ولی می‌دانستیم که عملاً غیرممکن است. اما سعی شد از روند کار به صورت حداکثری جلوگیری شود (مصاحبه ش. ۲۰)". به این دلیل گفتمان فراقانونی بر گفتمان حقوقی حق مکتسبه اتکا دارد.

سطح فراگفتمانی: تأکید این گفتمان بر معیار "صدور پروانه" پدیده "حق مکتسبه‌سازی" را ایجاد می‌کند. بعد از مصوبه کمیته حقوقی وزارت راه "شهرداری ثامن بر اساس توقف اجرایی اخذ شده از دیوان، اقدام به صدور پروانه گسترده برای پروژه‌های دارای قرارداد کرد تا اگر طرح طاش لغو شد عملاً بگوید که اینها جزو حق مکتسبه هستند (مصاحبه ش. ۸)". در سال ۱۳۹۷ برای ۷۳ پروژه با زیربنای بالغ بر یک میلیون و صد و نود و هشت هزار مترمربع پروانه صادر شد - Moavenat-e Barnamerizi (2019: 265-267) و ye Shahr-dari-ye Mashhad و همچنین "صدور گواهی موافقت اصولی برای حدود ۱۰۰ پروژه (مصاحبه ش. ۱۲)". صورت گرفت تا شهرداری با ایجاد حق مکتسبه برای در مجموع ۱۸۰ پروژه نقاط غیرقابل تغییر طرح را هر چه بیشتر نماید.

۴.۴.۲. گفتمان موسع از حق مکتسبه

سطح درون گفتمانی (جایگاه سوژه): در این گفتمان نهادهای محلی مشروعیت جایگاه تصمیم‌گیری خود را در مورد حق مکتسبه باز پس می‌گیرند. در سال ۱۳۹۸ ذیل ستاد راهبردی طرح طاش کمیته حقوقی متشکل از دادگستری استان، شهرداری مشهد، آستان قدس، شرکت بازآفرینی، استانداری و شرکت ثامن برای تعیین تکلیف حق مکتسبه تشکیل می‌شود. در این کمیته جایگاه تصمیم‌گیری در اختیار نهادهای محلی و در میان آنها نقش دادگستری در جایگاه سوژه قدرتمند است: "تحت عنوان پیشگیری از جرم یا ترک فعل، دادگستری استان مداخلاتی در موضوعات مدیریت شهری انجام می‌دهد. بافت پیرامون حرم هم از این قاعده مستثنا نبوده، هر وقت بحث حق مکتسبه بوده باز دادگستری تقریباً یکی از نقش‌های اصلی را داشته است (مصاحبه ش. ۷)". دادگستری به این موضوع به عنوان "مدعی العموم ورود پیدا کرد برای این که حقوق مردم یعنی سرمایه‌گذاران را یک وقت دستگاهی اجرایی تضییع نکند (مصاحبه ش. ۱۴)". علاوه بر نهاد قضایی، انجمن کارآفرینان پیرامون حرم رضوی متشکل از سرمایه‌گذاران خصوصی در سال ۱۳۹۸ تأسیس شده و با حضور در جلسات رسمی از جمله جلسات ستاد راهبردی نقش فعالی را به عنوان یک سوژه غیررسمی ایفا می‌کند.

سطح درون گفتمانی (مفاهیم): هرگونه احتمال خسارت مالی که ممکن است از تغییرات طرح متوجه اشخاص شود، حق مکتسبه تلقی و معیارهای قانونی مبنا قرار نمی‌گیرد: "اکثر معاملات این محدوده باتکیه بر این که اجرای طرح طاش چه ارزش افزوده‌ای برای ملک ایجاد می‌کند صورت می‌گرفت. قاعدتاً وقتی طرح عوض می‌شد افراد کاملاً متضرر می‌شدند (مصاحبه ش. ۱۴)". با این استدلال در این کمیته

۴،۴،۳. گفتمان مصالحه‌آمیز از حق مکتسبه

سطح درون‌گفتمانی (جایگاه سوژه): در این گفتمان مصالحه‌ای میان نهادهای محلی و مرکزی ایجاد و مقرر می‌شود که شیوه‌نامه طی فرایند سه‌مرحله‌ای توافق در کارگروه استانی، تأیید در ستاد راهبردی طرح و تصویب در شورای عالی تهیه شود. اما پس از تعیین شیوه‌نامه در کارگروه استانی (متشکل از اداره راه، میراث، شهرداری مشهد و استانداری) تصویب آن در ستاد راهبردی طرح به دلیل تأکید بر اعطای حقوق پروژه‌ها صرفاً بر اساس ضوابط طرح طاش و لغو پروژه‌ها در عرصه تملک نشده با مخالفت شورای شهر، آستان قدس و معاون بازآفرینی وزارت راه مواجه می‌شود؛ "در جلسه اعلام شد اعضای مخالف ظرف ده روز نظر خود را اعلام کنند. معاون بازآفرینی که بلافاصله بعد از جلسه به علت این مخالفت تغییر کرد. آستان قدس نیز با رعایت ملاحظات با شیوه‌نامه موافقت کرد ولی شورای شهر اعلام کرد آن را قبول ندارد. علی‌رغم این استانداری، شیوه‌نامه را به شورای عالی فرستاد و در جلسه شورای عالی، وزیر گفت این شیوه‌نامه را خودتان در استان تهیه کرده‌اید و مخالفت با آن مبنا ندارد (مصاحبه ش. ۱۳)". بدین ترتیب شیوه‌نامه علی‌رغم مخالفت نهادهای محلی در شورای عالی (Shorā-ye āli, 2020a) با اعمال اقتدار نهاد مرکزی تصویب و ابلاغ می‌شود.

سطح درون‌گفتمانی (مفاهیم): در گفتمان مصالحه‌آمیز هدف حل تعارض نهادهای مرکزی و محلی بر روی منابع جبران خسارات مالی اعمال قانون است. به‌زعم نهادهای محلی باید "محل و منبع مشخص قانونی برای جبران خسارات وارده ناشی از تعارض تغییرات طرح جدید با حقوق مکتسبه اشخاص" (Shoraye Shahr, 2019) تعیین شود؛ به‌این‌علت که "بسیاری از مالکین و سرمایه‌گذارانی که بر اساس طرح طاش از شهرداری امتیازاتی گرفتند می‌توانند با اقامه دعوا خسارتشان را از شهرداری دریافت کنند (مصاحبه ش. ۱۴)". شورای شهر اعلام می‌کند که "شهرداری اصلاً قدرت تأمین این خسارات را ندارد؛ به‌این‌علت که شهرداری از بافت پیرامون حرم برداشت ریالی ندارد. اگر دولت تعهد می‌کند باید مشخص کند از کجا و از کدام ردیف بودجه تعهد می‌کند؟" (Nowrouzi, 2019). استناد به تعریف قانونی حق مکتسبه "تبعات مالی" در بردارد که عدم امکان تأدیه آن توسط دولت و شهرداری عدول از آن را مشروعیت می‌بخشد. در شیوه‌نامه معیار تعیین زمان برای عطف به‌ماسبق حذف و علاوه بر پروانه‌های صادره، تمامی توافقات منجر به تبادل مالی شهرداری (شامل انواع قراردادها و موافقت اصولی) ذیل حق مکتسبه پذیرفته می‌شود. مفهوم تخلف صرفاً به عدم تطبیق با ضوابط طرح طاش و صدور پروانه قبل از تملک کامل اراضی محدود می‌شود.

سطح درون‌گفتمانی (ایژه): منافع "عموم" به‌ناچار باید منبع جبران خسارت حقوق "خصوصی" قرار گیرد تا بازنگری طرح که به استیفای بخش‌های دیگری از حقوق عمومی (حقوق مترتب بر مالکیت، سکونت، منظر شهری، محیط زیست و...) می‌انجامد محقق شود؛ "حقوق مکتسبه بهانه و اسم رمز عملیات بر علیه بازنگری طرح شده بود. اعلام مصادیق بسیار زیاد توسط نهادهای محلی برای حق مکتسبه ایجاب کرد که طبقه‌بندی شفافی از مصادیق برای چانه‌زنی میان نهادها صورت بگیرد. در جایی واقعاً اینها حقوق مکتسبه بود و در جایی حقوق مکتسبه نبود ولی خسارت آنها برای نهادها درواقع قابل

تأدیه نبود (مصاحبه ش. ۱۱)". به همین علت طی این چانه‌زنی نهاد مرکزی موافقت می‌نماید که تمامی تعهدات مالی شهرداری در قالب پروانه، موافقت اصولی و قرارداد را در حد ضوابط طرح طاش به‌عنوان حق مکتسبه منظور کند؛ "آنهايي که حقوق مکتسبه هم نبود ولی باز هم شناسایی شد. برای بعضی از آنها شهرداری باید خسارت‌های هنگفتی می‌داد. تا جایی که ممکن بود انعطاف نشان داده شد البته تلاش شد تعدیلی در ضوابط پروژه‌ها به استناد تخلف از طرح طاش و یا ایجاد تعهد قبل از تملک کامل صورت بگیرد (مصاحبه ش. ۹)".

سطح میان‌گفتمانی: در این گفتمان تلاش می‌شود تعادلی بین سه گفتمان حق مالکیت، میراثی و سرمایه‌گذاری ایجاد شود؛ "در شرایطی هستیم که آستان قدس، شهرداری، استانداری و اداره راه و شهرسازی، هدفمان این است که یک تعامل درست و سازنده شکل گیرد و در راستای هویت ایرانی اسلامی، حقوق شهری و شهروندی قدم برداریم، از طرفی سرمایه‌گذاری و حقوق مردم نیز نباید دچار مشکل شود (Society_News_Group, 2019). از این رو در راستای احترام به حق مالکیت توافقات مالی شهرداری در عرصه کامل تملک نشده فاقد حق مکتسبه اعلام شده و همچنین به‌منظور رعایت ضوابط میراث "سقف تراکمی مجاز طرح طاش بر اساس ضوابط ارتفاعی طرح حریم میراثی با جبران تراکم در سطح اشغال (Khodai, 2020)" اعطا می‌شود.

سطح فرا‌گفتمانی: اقدامات فراگفتمانی مبتنی بر حذف و تعدیل چینش بازیگران است. معاون بازآفرینی که برخلاف دیدگاه دبیرخانه شورای عالی مدافع گفتمان موسع از حق مکتسبه است توسط وزیر تغییر می‌کند؛ "معاون بازآفرینی به دلیل سابقه‌ای که در طرح طاش داشت مدافع آن بود و با حضور ایشان مخالفت با بازنگری شدت گرفت. در مذاکرات حق مکتسبه موضع ایشان از معاون شهرسازی وزارت راه متفاوت بود و امضای مصوبات به دلیل این که دو معاون وزیر و دیدگاه متفاوت داشتند با مشکل مواجه شد. بعد از جلسه برای ایجاد یک رویکرد هماهنگ در وزارتخانه معاون بازآفرینی تغییر پیدا کرد (مصاحبه ش. ۲)". مخالفت شورای شهر نیز با حضور افراد از دیگر مواضع نهادی قدرت در جلسه شورای عالی حل و فصل می‌شود؛ "وقتی رفتیم در جلسه دیدیم مشاور رئیس جمهور، نماینده مجلس و نماینده رئیس قوه قضاییه نیز آمده‌اند. عناصری حساب شده و مهندسی شده آمده بودند تا فضا را به سمتی که می‌خواهند ببرند. آنها مواضع شورای شهر و شهرداری ثامن را در جلسه نقد و محکوم کردند (مصاحبه ش. ۵)". بدین ترتیب مواضع برخی بازیگران قدرت با اعمال اقدامات فراگفتمانی جرح و تعدیل می‌شود و شیوه‌نامه تصویب می‌شود. اما مخالفت نهادهای محلی با حذف کامل پروژه‌هایی که تملک عرصه آنها کامل نشده و تعدیل ضوابط (کاهش تراکم) پروژه‌های ساخته نشده دارای تخلف از ضوابط طرح طاش ادامه می‌یابد و گفتمان مذاکره‌ای را ایجاد می‌کند.

۴،۴،۴. گفتمان مذاکره‌ای (منعطف) از حق مکتسبه

سطح درون‌گفتمانی (جایگاه سوژه): در این گفتمان با چینش چند مرکزی از جایگاه سوژه، تصمیمات در نتیجه مذاکره میان نهادهای محلی، مرکزی و سرمایه‌گذاران اخذ می‌شود. برای مخالفت با مصوبه شورای عالی، نهادهای محلی در قالب ستاد تدابیر ویژه اقتصادی استان جلساتی برای تعیین تکلیف حق مکتسبه شکل می‌دهند:

مسکوت می ماند و طی مذاکرات "صرفاً شرکت ثامن در پروژه های خود ضوابط طرح حریم رضوی را می پذیرد و باقی حقوق را هم میبخشد (مصاحبه ش. ۱۵)."، اما سایر نهادها عملاً به مثابه یک ذی نفع خصوصی عمل کرده و حقوق خود را کاملاً استیفا می نمایند.

سطح میان گفتمانی: در مذاکرات صورت گرفته، گفتمان میراثی به نفع گفتمان سرمایه گذاری تعدیل می شود: «سازمان میراث در طرح حریم منظری سقف ارتفاعی را بر خیابان فرعی ۱۶٫۵ (۵ طبقه) در نظر گرفته بود. اما در کمیته برای این که ضوابط جبرانی امکان تأمین داشته باشد، در این معابر شش طبقه داده شد. میراث گفت خلاف قاعده ماست و ما امضا نمی کنیم (مصاحبه ش. ۱۵)». بدین ترتیب مذاکرات در کمیته بدون حضور سازمان میراث ادامه می یابد. در مقابل گفتمان مذاکره ای بر گفتمان حق مالکیت پایبند مانده و تمامی زمین های تملک نشده پروژه ها را از طرح تملک اجباری خارج می نماید.

سطح فراگفتمانی: اقدامات فراگفتمان شامل تهدید به اقدام قضایی توسط نهاد محلی، ایجاد نهاد محلی هم ارز با شورای عالی و اقدام قضایی کنشگران علیه نهاد محلی می شود. شورای شهر (Shoraye Shahr, 2020b) به دلیل آنچه «عدم جامعیت شیوه نامه شورای عالی» می نامد، شهرداری را موظف به ابطال آن می نماید. همچنین اتکا به نهاد تصمیم گیری استانی هم ارز با شورای عالی یعنی ستاد تدبیر موضع نهادهای محلی را در مخالفت با شیوه نامه فوق تقویت و به همین دلیل شورای عالی با محول کردن تصمیم گیری به یک کمیته موافقت می کند. از سوی دیگر مشاور تحت فشار قرار می گیرد که حق نوسازی را از ۳۷۰ پلاک خصوصی تملک نشده در پروژه های دارای پروانه سلب و آنها را ناچار به فروش به سرمایه گذاران این پروژه ها کند اما از طریق کنشگران «به مردم اطلاع رسانی شد که از نظر قانونی سرشان کلاه رفته و پروانه هایی که روی زمین های آنها داده شده قابل ابطال است (مصاحبه ش. ۱۰)». با این اطلاع رسانی «دادخواست رایگان برای ابطال پروانه تنظیم شد و دیوان دو پروانه را باطل کرد. این آرای دیوان یک نقطه عطف شد چون آنها فهمیدند که اگر موارد متعدد ابطال شود، پروژه ها کاملاً می خوابد. برای همین از موضع خود کوتاه آمدند (مصاحبه ش. ۹)». بدین ترتیب نهادهای محلی با خروج اراضی تملک نشده از پروژه ها موافقت نموده و طرح ویژه تصویب می شود.

۵. بحث

تحلیل گفتمان حق مکتسبه در بازنگری طرح بهسازی و نوسازی اطراف حرم نشان داد که منازعات قدرت درون و بیرون دولت منجر به ظهور گفتمان های متقابل از قانون مداری می شود که در هر یک از آنها این امر که چه کسی محق است مفهوم حق مکتسبه را تعیین کند، برچه مبنایی حق مکتسبه و مصادیق آن تعریف شود و این که تصمیمات اتخاذ شده بر مبنای حق مکتسبه ضامن حق عمومی هست، به طور متفاوتی تبیین می شود. گفتمان های فراقانونی، موسع، مصالحه آمیز و مذاکره ای منظومه گفتمانی حق مکتسبه را شکل می دهند (جدول شماره ۱). تحلیل تقابل این گفتمان ها که در نهایت منجر به مشروعیت بخشی به مقررات زدایی ایجاد شده در طرح شد، وجوهی از ارتباط میان قدرت و غیررسمیت شهری قشر فرادست را در راستای رویکرد غیرمرکزگرا به شرح زیر روشن می کند:

"در قانون رفع موانع تولید پیش بینی شده که ستادی بیاید با حضور استانداری و تمام مقامات عالی رتبه استان بنشینند موانع تولید را برطرف کنند. آقایان شهرداری و دادگستری سعی داشتند با استفاده از ظرفیت این ستاد موضوع را از تهران بگیرند بیاورند استان چون اینجا دیگر همه چیز دست خودشان بود (مصاحبه ش. ۹)". در این جلسات به دلیل پافشاری مشاور طرح ویژه و اداره راه بر روی پایبندی به شیوه نامه شورای عالی و پافشاری شورای شهر (Shoraye Shahr, 2020a) بر کنار گذاشتن کامل آن توافقی حاصل نمی شود. پس طرفین توافق می کنند که طرح تفصیلی ویژه تصویب و موضوع اختلاف بر روی حق مکتسبه ۱۴۳ پروژه سرمایه گذاری منوط به تصمیم گیری در "کمیته ای در محل دادگستری استان با محوریت دادگستری و عضویت نمایندگان سازمان بازرسی، استانداری، آستان قدس، اداره کل میراث، اداره راه و مشاور طرح تفصیلی ویژه" (Shorā-ye āli, 2020b) و تصویب نهایی در شورای عالی شود.

سطح درون گفتمانی (مفهوم): در گفتمان مذاکره ای، حدود و ثغور مفهوم حق مکتسبه طی مذاکرات یا مناقشات میان نهادها در کمیته حقوقی تعیین می شود. در مذاکرات تخلفات از ضوابط طرح طاش و همچنین پروانه های صادره بر روی عرصه ها با املاک تملک نشده (بر اساس جبران تراکم صرفاً در عرصه تملک شده) بر خلاف مصوبه شورای عالی به عنوان حق مکتسبه پذیرفته می شود و صرفاً دو معیار ملاک عمل قرار می گیرد: نخست کاهش ارتفاع ساخت و ساز مطابق طرح تفصیلی ویژه (حداکثر شش طبقه) و دوم جبران عین به عین تراکم اعطایی در سطح اشغال طبق تخمین ارزش مالی زیربنای پروژه ها: "اکثر پروژه ها سطح اشغال، تراکم و طبقه مازاد بر ضوابط طاش داشتند. چون ما مجبور بودیم توافق سرمایه گذاران را بگیریم، این زیربنا را در سطح اشغال دادیم. در بسیاری موارد زیربنای اعطایی بیشتر از ضوابط پروژه شد؛ به این علت که می گفتند ارزش مالی طبقه ۴ خیلی بیشتر از طبقه شش است و این ما به تفاوت ارزش مالی را باید با اعطای زیربنای بیشتر جبران کنید (مصاحبه ش. ۱۵)".

سطح درون گفتمانی (ابژه): مفهوم پردازی از خصوصی و عمومی بر مبنای همان استدلال گفتمان مصالحه آمیز است که اگر حقوق خاصه از طریق طرح استیفا نشود کل حق عامه که در گرو تصویب طرح جدید است، پایمال می شود: "یک اتفاقی بیست سال است که افتاده و حالا تجدید نظر شده و ۱۴۳ تا از آن تفاله های طرح مانده است. این تفاله ها هم بالاخره باید تعیین تکلیف می شد وگرنه این تفاله ها گیر می کرد و کل طرح جدید هوا می رفت (مصاحبه ش. ۱۵)". عملاً اراده ای برای تأدیه خسارات مالی از طریق غیر از طرح و اراده ای برای پیگیری قضایی تخلفات وجود ندارد، پس از نظر شورای شهر توقف پروژه های دارای تخلف همراه با "تبعات گسترده مالی بالغ بر ۱۶ هزار میلیارد ریال" بوده و "مشخص نیست چه نهاد و سازمانی و از چه محلی مسئول جبران خسارت و پاسخگویی به ادعاهای اشخاص ذی نفع در این خصوص است (Heidari, 2020)" و از نظر دادگستری استان این امر تنها منجر به ایجاد "حجمی از پرونده های حقوقی و کیفری با روند طولانی مدت (Sadeghi, 2020)" می گردد. با این مواضع، تأدیه کامل حقوق خصوصی از حق عمومی عملاً برای تحقق بازنگری طرح اجتناب ناپذیر می گردد. در این گفتمان سازی مسئله سرمایه گذاران وابسته دولتی و حاکمیتی

جدول شماره ۱: منظومه گفتمانی حق مکتسبه در طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی

منظومه گفتمانی	جایگاه سوژه	مفهوم	ابژه	بین گفتمانی	فراگفتمانی
گفتمان فراقانونی	نهاد مرکزی در رأس	مجوز رسمی فاقد تخلف در مهلت قانونی	تبیین حقوق سرمایه‌گذاران	گفتمان‌های حقوقی، میراثی و حق مالکیت	حق مکتسبه سازی
گفتمان موسع	نهادهای محلی در رأس	مراودات مالی به استناد طرح طاش	تبیین حقوق سرمایه‌گذاران	گفتمان سرمایه‌گذاری	اقدام قضایی علیه نهاد مرکزی، تشکل سازی سرمایه‌گذاران
گفتمان مصالحه‌آمیز	سلسله مراتبی (مرکزی در رأس محلی)	تعهدات مالی شهرداری مبتنی بر قانون	حق عمومی ضامن بخشی از حقوق خصوصی	تعادل میان گفتمان‌های میراثی، حق مالکیت و سرمایه‌گذاری	تغییر بازیگران رسمی مخالف، دستکاری چینش رسمی بازیگران
گفتمان مذاکره‌ای	چندمرکزی: ترکیب سه‌گانه محلی، مرکزی و سرمایه‌گذاران	تعهدات مالی شهرداری اعم از قانونی یا غیرقانونی	حق عمومی ضامن حداکثری حقوق خصوصی	تعديل گفتمان میراثی به نفع گفتمان سرمایه‌گذاری، پایبندی به گفتمان حق مالکیت	تهدید به اقدامات قضایی، ایجاد نهاد محلی هم ارز شورای عالی، اقدام قضایی شهروندان

را به نفع عموم هدایت و راهبردی کند، قضاوت متفاوت بازیگران قدرت از منفعت عمومی بسته به موقعیت است که تصمیمات متفاوت را ذیل عنوان قانون توجیه می‌کند (Lennon, 2017: 164; Hossain & Hackenbroch, 2019: 172). در همه این گفتمان‌ها حضور گسترده نهادهای دولتی، حاکمیتی و شبه‌دولتی به عنوان سرمایه‌گذار مسکوت می‌ماند و پدیده‌ای که طاهری تفتی (5: 2024, Taheri Tafti) ابهام در خصوصی-عمومی بودن بازیگران در بستر سیاسی اقتصادی ایران می‌نامد را رقم می‌زند که نیازمند مطالعات بیشتر است.

توافق بر روی مفهوم قانون به نفع قشر فرادست در نتیجه تقابل گفتمانی بازیگران قدرت بر روی پذیرش یا عدم‌پذیرش تبعات اعمال قانون در نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری: در تقابل گفتمان‌ها، موضوع "اعمال قانون" توسط برنامه‌ریزان و مدیران شهری به "توافق بر روی قانون" با حضور قشر فرادست تبدیل می‌شود. تحول گفتمان‌ها با محور تدریجی معیارهای حق مکتسبه یعنی مجوز رسمی، عدم تخلف و عطف به ما سبق همراه است و در این استحاله به تدریج تبعات مالی تصمیمات مبتنی بر قانون بر اجرای قانون سایه می‌افکند و تعریفی از حق مکتسبه سربرمی‌آورد که با احتساب همه مراودات مالی شهرداری (رسمی و غیررسمی، دارای تخلف یا فاقد تخلف، فارغ از زمان) بیگانه از قانون است. این پدیده را کوسیاک (Kusiak, 2019: 592) "مهندسی قانون" توسط قدرت می‌نامد که در آن در عین چسبیدن وسواس‌گونه به قانون نوشته‌شده، روح قانون به شدت پایمال می‌شود. در این بستر قانون‌مداری و ناقانون‌مداری نتیجه خود قانون نیست بلکه نتیجه منازعه قدرت بر روی تفاسیر قانون است (Hilbrandt et al., 2017: 954). منازعه‌ای که قانون حق مکتسبه را به نفع قشر فرادست از معنای خود تهی و فرم جدیدی از غیررسمیت را ایجاد می‌کند که ارتباطی با غیاب قانون ندارد؛ بلکه خود قانون متفاوتی است (Banks et al., 2020: 225) که توسط بازیگران قدرت تحمیل شده است.

غلبه نظام عرفی برنامه‌ریزی مبتنی بر گفتمان سرمایه‌گذاری بر نظام رسمی مبتنی بر گفتمان‌های تخصصی در تقابل میان گفتمانی بازیگران قدرت بر روی قانون: در تعارض میان گفتمان‌ها، بخشی از ادعای مشروع و قانونی گفتمان میراثی، شهرسازی و حق مالکیت به نفع گفتمان سرمایه‌گذاری کنار گذاشته می‌شود. گفتمان سرمایه‌گذاری که ریشه در سه دهه اجرای طرح بر مبنای منطق تراز مالی صفر دارد، نا قانون‌مداری را در قالب مقررات‌زدایی برای تسهیل جذب سرمایه به

رسمیت‌بخشی به جایگاه تصمیم‌گیری قشر فرادست در نتیجه تقابل گفتمانی قدرت بر روی جایگاه سوژه مرکزی / محلی در نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری: در منظومه گفتمانی حق مکتسبه، درمورد جایگاه تصمیم‌گیری درباره قانون یک تقابل جدی بین مرکز‌گرایی کامل (تصمیم‌گیری صرفاً در حیطه اختیارات نهاد مرکزی) و تمرکززدایی کامل (تصمیم‌گیری صرفاً در حیطه اختیارات نهادهای محلی) ایجاد می‌شود که در نتیجه آن ابتدا یک آرایش سلسله‌مراتبی از جایگاه تصمیم‌گیری در گفتمان مصالحه‌آمیز شکل گرفته و در نهایت به یک چینش چندمرکزی از ترکیب نهادهای محلی، مرکزی و سرمایه‌گذاران در گفتمان مذاکره‌ای تبدیل می‌شود. تقابل قدرت، سازوکارهای رسمی برنامه‌ریزی را دستکاری و قشر فرادست را که ابژه اعمال قانون است، به سوژه اعمال قانون مبدل می‌کند. این یافته هم راستا با دیگر تحقیقات (Picker, 2019; Sundaresan, 2019: 9; Banks et al., 2020: 226) نه تنها فرضیه تعلیق قانون توسط سوژه یکپارچه دولت را با نشان دادن تعارض ریشه‌دار بازیگران نظام رسمی برنامه‌ریزی به چالش می‌کشد بلکه نشان می‌دهد که در نتیجه این تعارضات است که قشر فرادست در جایگاه تصمیم‌گیری رسمی درباره اعمال قانون قرار گرفته و نقش فعالانه‌ای در مشروعیت‌بخشی به غیررسمیت شهری در درون نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری ایفا می‌کند.

بازتعریف هم ارزی یا تضاد منافع قشر فرادست با منافع عمومی در نتیجه تقابل گفتمانی قدرت بر روی مرز منافع عمومی / خصوصی در نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری: در تقابل بازیگران قدرت هم ارزی یا تضاد منافع قشر فرادست (به عنوان ابژه اعمال قانون) با منافع عمومی بازتعریف می‌شود. گفتمان نخست و دوم بر مبنای "عامه‌های متفاوت" (Maidment, 2016: 381) منافع قشر فرادست را ارزیابی می‌کنند. تخطی از قانون برای استیفای حق سرمایه‌گذاران در گفتمان نخست نافی حق عامه و در گفتمان دوم همان حق عامه است. در گفتمان سوم و چهارم بر مبنای "منافع متفاوت" عامه ارزیابی صورت می‌گیرد و عقلانیت حاکمیتی (Burte, 2024) برای حل تعارض بر روی جبران هزینه اعمال قانون، تخطی از قانون را به قیمت قربانی کردن بخشی از منافع عموم درازای استیفای بخشی دیگر، توجیه می‌کند. در بستر تضاد درونی نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری در ارتباط با مرز منافع عمومی / خصوصی رسمیت‌بخشی به غیررسمیت شهری قشر فرادست با توجیه تأمین منافع عمومی عقلانی سازی می‌شود. به جای این‌که قانون تصمیمات

(Tonucci, 2023; 2019) تبیین شده است. اما این مقاله یافته جدیدی را در اختیار می‌نهد که تقابل بخش‌های مختلف نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری به‌ویژه بخش اجرایی و سیاست‌گذاری در مورد اعمال قانون، بسترساز تقابل بازیگران قدرت درون و بیرون دولت در عرصه بزرگ‌تر سیاسی اجتماعی شده و بستری را برای رسمیت بخشی به غیررسمیت شهری قشر فرادست فراهم می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

در میان دو نوع رویکرد به ارتباط قدرت و غیررسمیت شهری قشر فرادست، دیدگاه‌های مرکزگرا نقش دولت را به‌عنوان قدرت یکپارچه فرادستی در تعلیق قانون برجسته کرده و دیدگاه‌های غیرمرکزگرا با رویکرد انتقادی نقش شبکه پیچیده بازیگران قدرت در درون و بیرون دولت را در ایجاد غیررسمیت شهری قشر فرادست تبیین نموده‌اند. در این مقاله در راستای رویکرد دوم با تمرکز بر تحلیل چگونگی تقابل بازیگران قدرت نشان داده شد که در بستر تصمیم‌گیری درباره غیررسمیت شهری قشر فرادست گفتمان‌های در رقابت از قانون‌مداری ایجاد می‌شود که هرکدام تبیین متفاوتی از این‌که کدام سوژه‌ها و در چه جایگاهی محق هستند قانون را تفسیر کنند، مفهوم و تفسیر قانون چیست و این‌که تصمیمات قانونی حق کدام اژه‌ها را باید استیفا کنند، ارائه می‌دهند. نتایج این مطالعه نشان داد که این تقابل گفتمانی قدرت بر روی قانون‌مداری ریشه در تضاد درونی نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری بر روی جایگاه‌های تصمیم‌گیری محلی/مرکزی، نحوه تمییز منافع عمومی از خصوصی، پذیرش یا عدم پذیرش تبعات اعمال قانون، سازوکارهای عرفی مقررات‌زدایی و سازوکارهای رسمی مقررات‌گرایی دارد. تضاد درونی منجر به ایجاد تعارض در بستر گسترده‌تر سیاسی اجتماعی شده که در نتیجه آن عرصه‌ای فراهم می‌شود که قشر فرادست در جایگاه تصمیم‌گیری رسمی قرار گرفته، منافع آن ذیل منافع عمومی بازتعریف شده و قانون به نفع قشر فرادست تفسیر شود و در نهایت توسعه‌های غیرقانونی قشر فرادست رسمیت یابد. در نتیجه تضاد درونی نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری، ناقانون‌مداری مجال می‌یابد که به رویه طبیعی اجتناب‌ناپذیر در سازوکارهای رسمی تبدیل شود. پدیده‌ای که می‌توان آن را بازتولید غیررسمیت شهری قشر فرادست در نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری نامید. این مطالعه با تبیین ارتباط قدرت و قانون نشان داد موضوعات حقوقی در نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری سایر مسائل اجتماعی، میراثی، محیط‌زیست، حمل‌ونقل و ترافیک، مالی و اقتصادی را در طرح‌های شهری تحت الشعاع قرار می‌دهد. از این‌رو ضرورت دارد چالش‌های حقوقی مترتب بر طرح‌های بزرگ‌مقیاس شهری قبل از اجرا در قالب ضوابط و اسناد طرح تبیین شود. بر این اساس الزامات سیاستی زیر برای طرح‌های بزرگ‌مقیاس شهری پیشنهاد می‌شود: الزام به تهیه پیوست حقوقی به‌عنوان سند ملاک عمل نظام اجرایی و سیاست‌گذاری، تدقیق مصادیق و تعاریف ضوابط حقوقی ملاک عمل (از جمله حق مکتسبه) در اسناد، پایش و ارزیابی حقوقی مستمر نظام تأمین مالی طرح در حین اجرا، تعیین حدود اختیارات قانونی نظام اجرایی در قالب ضوابط طرح، تهیه پیوست تعارض منافع و تعیین مرجع قانونی حل تعارضات میان ذی‌نفعان، پیش‌بینی منابع جبران

یک عرف تبدیل کرده است. طی بازنگری طرح، نظام قانونی عرفی در مقابل نظام قانونی رسمی قرار گرفته و در منازعه قدرت میان این دو یک "تکنوکراسی قانونی" (Marx & Kelling, 2019: 500) ناظر بر حق مکتسبه ایجاد می‌شود که در نتیجه آن، روندهای غیرقانونی به‌نحایر شده نظام عرفی پذیرفته شده و مشروعیت می‌یابد. انحراف غیررسمی از برنامه‌ریزی بستر قدرتی را ایجاد می‌کند که برنامه‌ریزی رسمی را تغییر می‌دهد (Sundaresan, 2019: 10) و ارتباط مسلم فرض شده میان رسمیت و قانون را محو می‌نماید (Marx & Kelling, 2019: 500).

دوگانگی بنیادین رویکرد نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری در مواجهه با غیررسمیت شهری قشر فرادست در تقابل فراگفتمانی بازیگران قدرت بر روی قانون: تحلیل درون‌گفتمانی و میان‌گفتمانی مبین وجود رویکرد دوگانه در مواجهه با غیررسمیت قشر فرادست در نظام رسمی برنامه‌ریزی است. در سطح فراگفتمانی، اقداماتی مانند حق مکتسبه سازی، اقدام قضایی علیه نهاد مرکزی، تشکل سازی سرمایه‌گذاران، تغییر بازیگران مخالف، دستکاری در چینش بازیگران، تهدید به اقدامات قضایی علیه نهاد مرکزی، اقدام قضایی علیه نهاد محلی توسط شهروندان مورد حمایت بازیگران نظام رسمی برنامه‌ریزی است. این امر نشان می‌دهد که دوگانگی فوق بیشتر از یک اختلاف نظر و منازعه کلامی است، بلکه درون نظام رسمی برنامه‌ریزی عزم جدی در قانونی نمودن توسعه‌های غیررسمی فرادستان از یک سو و عزم جدی برای غیرقانونی نمودن آن از سوی دیگر وجود دارد. این "رویکرد دوگانه در اعمال قانون" نشان می‌دهد که غیررسمیت قشر فرادست در یک "محدوده خاکستری" (De Sardan, 2015: 35) در تنش و تعارض میان بازیگران نظام رسمی برنامه‌ریزی به‌ویژه در حوزه اجرایی و سیاست‌گذاری ظهور می‌یابد و موجد تنش و تعارض در بستر سیاسی اجتماعی قدرت می‌شود.

فته‌های فوق حاکی از دوگانگی بنیادین در نظام رسمی برنامه‌ریزی شهری از جمله تقابل میان مرکزگرایی و محلی‌گرایی در تصمیم‌گیری، تقابل در نحوه مرزگذاری میان منافع عمومی/خصوصی، تقابل در پذیرش یا عدم پذیرش تبعات اعمال قانون، تقابل نظام عرفی در برابر نظام رسمی در مواجهه با غیررسمیت شهری فرادستان است. بازیگران رسمی نظام اجرایی و سیاست‌گذاری در عرصه این تقابل از تمام ظرفیت بسترسازی اجتماعی و بسیج بازیگران قدرت در درون و بیرون دولت استفاده می‌کنند تا صلاحدید خود را اعمال کنند. این یافته دیدگاه جدیدی را ایجاد می‌کند که آن را می‌توان "بازتولید غیررسمیت شهری قشر فرادست در نظام رسمی شهرسازی" دانست. تاکنون، مطالعات در ایران این نوع غیررسمیت را معلول اعمال قدرت از بیرون به نظام رسمی ذیل "دست‌کاری نهادهای برنامه‌ریزی توسط نهادهای قدرت از قدرت نزدیک به دولت" (Taheri Tafti, 2024)، استفاده ابزاری از قدرت توسط نهادهای برنامه‌ریزی ذیل "قانونی‌سازی" (Dayarian, & Nourian, 2022) یا ناکارآمدی و فساد در نظام برنامه‌ریزی (Khandan, 2023; Nabizadeh & Pirbabaei, 2019; et al., 2019) دانسته‌اند. در مطالعات جهانی نیز تضاد دولت و جامعه درباره غیررسمیت شهری قشر فرادست (Sundaresan, 2019: 21)، رویکرد دوگانه نظام رسمی در مواجهه با غیررسمیت شهری اقشار مختلف اجتماعی و اقتصادی (Fawaz, 2017) (Moatasim, 1952)، و تقابل قشر فرادست با نظام رسمی برنامه‌ریزی (Moatasim, 1952)

References:

- Ayres, L. (2008). Narrative interview. In L. Benaquisto & L. Given (Eds.), *The SAGE encyclopedia of qualitative research methods* (Vol. 1-2, pp. 545). Sage publications.
 - Banks, N., Lombard, M., & Mitlin, D. (2020). Urban Informality as a Site of Critical Analysis. *The Journal of Development Studies*, 56(2), 223–238. <https://doi.org/10.1080/00220388.2019.1577384>
 - Bénit-Gbaffou, C. (2018). Unpacking State Practices in City-Making, in *Conversations with Ananya Roy*. *The Journal of Development Studies*, 54(12), 2139–2148. <https://doi.org/10.1080/00220388.2018.1460469>
 - Burte, H. (2024). Mumbai's differential verticalization: The dialectic of sovereign and technical planning rationalities. *Urban Studies*, 61(4), 706–725. <https://doi.org/10.1177/00420980231192822>
 - Dayarian, N., & Nourian, F. (2022). Legalization: A Look at the Legitimation of Violations in the Construction Phase (Megamalls in the City of Tehran, Iran). *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 27(3), 35–44. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2023.345103.672779> [In Persian]
 - De Sardan, J. P. O. (2015). Practical norms: informal regulations within public bureaucracies (in Africa and beyond. In T. D. Herdt, & Olivier de Sardan, J.-P. (Ed.), *Real Governance and Practical Norms in Sub-Saharan Africa: The game of the rules* (1st ed., pp. 19–62). Routledge.
 - Dreyfus, H. L., & Rabinow, P. (1982). *Michel Foucault: Beyond Structuralism and Hermeneutic* (Translated by H. Bashiriyeh). Tehran: Ney Publication. [In Persian]
 - Edelman, L. B., & Talesh, S. A. (2011). To comply or not to comply. In C. Parker & V. L. Nielsen (Eds.), *Explaining Compliance: Business Responses to Regulation* (pp. 103–122). Edward Elgar.
 - Fathi, S.; Alalhesabi, M. & Behzadfar, M. (2017). Given the need for planners to create physical integrity-in areas of high social. *Urban Management*, 16(47), 219-254. [In Persian]
 - Fawaz, M. (2017). Exceptions and the actually existing practice of planning: Beirut (Lebanon) as case study. *Urban Studies*, 54(8), 1938–1955. <https://doi.org/10.1177/0042098016640453>
 - Fawaz, M. (2023). Planning, informality and power. In M. Gunder, K. Grange, & T. Winkler (Eds.), *Handbook on Planning and Power* (pp. 228–242). Edward Elgar
- خسارات ناشی از تخطی از ضوابط قانونی در قالب اسناد طرح. همچنین در این مقاله مبانی نظری پژوهش مبتنی بر آرای فوکو ارائه شده و اتخاذ رویکردهای دیگر از جمله دیدگاه های لوفور مبتنی بر مفهوم "حق به شهر" که زاویه نگاه جدیدی را از دید اقصاریه حاشیه رانده شده ارائه می دهد می تواند در پژوهش های آینده مدنظر قرار گیرد.

- Publishing.
- Foucault, M. (1980). *Power/knowledge*. Harvester Press.
 - Foucault, M. (1991). *The Foucault effect: studies in governmentality*. University of Chicago Press.
 - Foucault, M. (1997). *The essential works of Foucault, 1954-1984: Ethics: Subjectivity and truth* (P. Rabinow, Ed.). The New Press.
 - Foucault, M. (2001). *The Essential Works of Michel Foucault 1954-1984: Power* (R. Hurley, Trans.; J. D. Faubion, Ed.). The New Press.
 - Foucault, Michel (1969) *The Archaeology of Knowledge*, (Translated by N. Sarkhosh & A. Jahandideh). Tehran: Ney Publication. [In Persian]
 - Foucault, Michel (2003) *Society must be defended: lectures at the Collège de France, 1975-76*, (Translated by R. Najafzadeh). Tehran: Akhtaran Publication. [In Persian]
 - Goruh-e Jame'eh [Community News Group] (2019, 30 June). *Dar didār-e vazir-e rāh bā Towliat-e Āstān: Tarh-e pirāmun-e haram pāyān-e tabestān nahāyi mišavad* [the Samen District Plan will be finalized by the end of summer]. Khorasan Razavi Newspaper. <https://B2n.ir/t24688> [In Persian]
 - Goruh-e Jame'eh [Community News Group] (2020). *Lozume tavajjoh be hoviyat-e mahalli, farhangi va tarikhiye bāfte pirāmune haram* [The Necessity of Preserving the Local and Historical Identity of Samen district]. Khorasan Razavi Newspaper. <https://B2n.ir/nj5199> [In Persian]
 - Goruh-e Jame'eh [Community News Group]. (2007, June 14). *Eblagh-e tazakkorat-e maqam-e mo'azzam-e rahbari darbāreh-ye tamolok-e arazi* [Supreme Leader's remarks about land acquisition in urban development projects]. Khorasan Razavi Newspaper. <https://B2n.ir/hs3536> [In Persian]
 - Haid, C. G. (2017). The Janus face of urban governance: State, informality and ambiguity in Berlin. *Current Sociology*, 65(2), 289–301. <https://doi.org/10.1177/0011392116657299>
 - Haid, C. G., & Hilbrandt, H. (2019). Urban Informality and the State: Geographical Translations and Conceptual Alliances. *International Journal of Urban and Regional Research*, 43(3), 551–562. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.12700>
 - Hajer, M. A. (2006). Doing Discourse Analysis: Coalitions, Practices, Meaning. In M. Van den Brink & T. Metze (Eds.), *Words matter in policy and planning: discourse theory and method in the social sciences* (pp. 65–74). Utrecht: KNAG/NETHUR.
 - Heidari, M. R. (2020, July 5). *Nameh-ye ra'is-e shoray-e shahr be vazir-e rah darbāreh-ye shiveh-nameh-ye haqq-e moktasabeh* [Official Letter from the city council chairman to the Minister of Urban Development regarding the vested rights guideline] (No. Sh/5/99/ 5102). [in Persian]
 - Hilbrandt, H., Alves, S. N., & Tuvikene, T. (2017). Writing Across Contexts: Urban Informality and the State in Tallinn, Bafatá and Berlin. *International Journal of Urban and Regional Research*, 41(6), 946–961. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.12583>
 - Hossain, S., & Hackenbroch, K. (2019). Whose interest finally counts? The statutory production of urban space at the fringes of Dhaka, Bangladesh. *Planning Theory*, 18(2), 167–190. <https://doi.org/10.1177/1473095218799804>
 - ISNA (2019, May 30), *Shahrdār-e Mashhad: Dowlat be vazāyef-e khod dar bāft-e pirāmūn-e Haram-e Razavi 'amal konad*. [Mayor of Mashhad: The government must fulfill its duties in Samen District]. ISNA News, isna.ir/xd4VvG. [In Persian]
 - Izadpanah, M., & Habibi, M. (2021). An Analysis of the Conflicts of Tehran's Large-Scale Shopping Centers from the Public Interest Perspective. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 14(35), 257–274. <https://doi.org/10.22034/aaud.2020.218130.2107> [in Persian]
 - Jafarzadeh Najjar, M., & Jannati Namin, M. (2013). *Barrasi-ye shive'ha-ye ta'min-e manabe'-e mali dar baft-e farsudeh piramun-e haram-e Razavi* [Investigating financing methods in the Samen District Urban Renewal Plan]. *Haft Shahr*, 43(44), 53-70. [in Persian]
 - Jensen, O. B. (1997). *Discourse analysis & socio-spatial transformation processes: a theoretical framework for analysing spatial planning*. UK. University of Newcastle-upon-Tyne. Department of Town and Country Planning. Working Paper Series No. 61.
 - kazemi, s. (2024). Inclusion of the Law on Preservation of the Use of Agricultural Lands, the Case of Basti Hills. *The Journal of Critical Analysis of Judicial Decisions*, 3(5), 179–203. <https://doi.org/10.22034/analysis.2024.2026026.1086> [In Persian]
 - Kelling, E. (2024). The regularity of informality:

- Reframing the formal–informal relationship with the help of informal housing in London. *European Urban and Regional Studies*, 31(4), 425–436. <https://doi.org/10.1177/09697764231212603>
- Khandan, M., Jahanshahloo, L., & Zabihi, H. (2019). Analyze the factors affecting the increase of urban land rent in district one in Tehran metropolitan. *Geography (Regional Planning)*, 9(34), 255–239. <https://doi.org/20.1001.1.22286462.1398.9.2.16.2> [in Persian]
 - Khoda'i, J. (2020, December 24). Erae-ye modir-e daftar-e mahalli-ye Daneshgah-e Tehran ba mowzu'-e haqq-e moktasabeh [Presentation by the director of Tehran University local office on vested rights]. [Conference session]. Bonyad-e Chahar Tabaqeh. [in Persian]
 - Khoshgoftar, M. (2019, December 4). Bayanih-ye anjoman-e karafarinan-e Hrim-e Razavi dar jalseh-ye kargroh-e setad-e tashil [Statement of Razavi builder entrepreneurs' association] [Video file]. Retrieved from <https://www.aparat.com/v/IocQe> [in Persian]
 - Kusiak, J. (2019). Rule of Law and Rules-Lawyering: Legal Corruption and 'Reprivatization Business' in Warsaw. *International Journal of Urban and Regional Research*, 43(3), 589–596. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.12702>
 - Lennon, M. (2017). On 'the subject' of planning's public interest. *Planning Theory*, 16(2), 150–168. <https://doi.org/10.1177/1473095215621773>
 - Lynch, R. A. (2014). Statement. In L. Lawlor & J. Nale (Eds.), *The Cambridge Foucault Lexicon* (pp. 482–485). Cambridge University Press. <https://doi.org/DOI:10.1017/CBO9781139022309.084>
 - Maidment, C. (2016). In the public interest? Planning in the Peak District National Park. *Planning Theory*, 15(4), 366–385. <https://doi.org/10.1177/1473095216662093>
 - Marx, C., & Kelling, E. (2019). Knowing urban informalities. *Urban Studies*, 56(3), 494–509. <https://doi.org/10.1177/0042098018770848>
 - Moatasim, F. (2019). Entitled urbanism: Elite informality and the reimagining of a planned modern city. *Urban Studies*, 56(5), 1009–1025. <https://doi.org/10.1177/0042098018767011>
 - Moavenat-e Barnamerizi-ye Shahr-dari-ye Mashhad (2019). *Amar' name-ye Shahr-e Mashhad (1397)* [Statistical yearbook of Mashhad city (2018–19)] (Vol. 1). [in Persian].
 - Moāvenat-e Eqtesādi-ye Shahr-dāri-ye Mashhad (2020). *Gozāresh-e Pajhuheshi: Tahlil va Arāye-ye Beinehsāzi-ye Ta'min-e Manābe'-e Shahr-dāri-ye Sāmen*. [Research Report: Financial Resources of Samen District Municipality]. <https://B2n.ir/f01638> [In Persian]
 - Mohandesin-e Moshaver-e Mehraazan (2019). *Gozaresh-e barnaameh-ye raahbordi-e behsaazi va hedaayat-e mowzoun-e towse'eh dar mahdoud-e peyraamoun-e haram*. [the strategic plan for improvement and balanced development guidance in the Samen district]. (4th ed.). [In Persian]
 - Mohandisin-e Moshaver-e Tāsh (2006). *Tarh-e Nosāzi va Beh-sāzi-ye Bāft-e Peyrāmoun-e Haram-Motāle'āt-e "Shenākht-e Mahdoud-e"*. [Report on Revitalization plan for the district surrounding the holy shrine of Imam Reza]. (Report No. 2/88-18-105-2). [In Persian]
 - Nabizadeh Zolpirani, M., & Pirbabaei, M. T. (2023). Qualitative meta-analysis of rent mechanism in Iran's urban planning system. *Sustainable Development of Geographical Environment*, 4(7), 32–49. <https://doi.org/10.52547/sdge.4.7.32> [In Persian]
 - Nowrouzi, A. (2019, March 4). *Goft-o-gu-ye bar-khatt ba Nowrouzi ra'is-e komisiyoun-e eqtesadi-ye shoura-ye shahr-e Mashhad* [Online interview with head of the Economic Commission of Mashhad City Council]. *Asiya News*. <https://www.aparat.com/v/c654tn6> [In Persian]
 - Picker, G. (2019). Sovereignty beyond the state: exception and informality in a western European city. *International Journal of Urban and Regional Research*, 43(3), 576–581. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.12704>
 - Pow, C.-P. (2017). Elite Informality, Spaces of Exception and the Super-Rich in Singapore. In R. Forrest, S. Y. Koh, & B. Wissink (Eds.), *Cities and the Super-Rich* (pp. 209–228). Palgrave Macmillan US. https://doi.org/10.1057/978-1-137-54834-4_11
 - Roy, A. (2005). Urban Informality: Toward an Epistemology of Planning. *Journal of the American Planning Association*, 71(2), 147–158. <https://doi.org/10.1080/01944360508976689>
 - Roy, A. (2009). Why India Cannot Plan Its Cities: Informality, Insurgence and the Idiom of Urbanization. *Planning Theory*, 8(1), 76–87. <https://doi.org/10.1177/1473095208099299>
 - Sadeghi, G. (2020, June 8). *Sokhanan-e ra'is-e dadgostari-ye Khorasan Razavi dar Shoray-e A'li-ye*

- Shahrsazi dar bare-ye haqq-e moktasabeh [Remarks by the Head of Khorasan Razavi Province Judiciary Regarding the vested rights] [Audio recording of meeting]. [in Persian]
- Sharp, L., & Richardson, T. (2001). Reflections on Foucauldian discourse analysis in planning and environmental policy research. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 3(3), 193–209. <https://doi.org/10.1002/jepp.88>
 - Sheikholeslami, Abbas (2020, June 6). Hoquq-e moktasabeh va tarh-hā-ye shahri. [vested rights and urban plans] .Shahrārā News, <https://shrr.ir/0007bV>. [In Persian]
 - Sherratt, Y. (2006). Continental philosophy of social science (Translated by J. Hadi). Tehran: Ney Publication. [In Persian]
 - Shoray-e A'li-ye Shahr-sazi-e Iran (2017).tarh-e bāft-e pirāmuni-ye Haram [The revision of the Urban Renewal Plan in Samen District]. Ruznāme-ye Rasmi (989). [In Persian]
 - Shoray-e A'li-ye Shahr-sazi-e Iran (2020 A). eqdāmāt-e ejrā'i-ye mahdūde-ye pirāmūne Haram. [The executive measures for the Plan of Samen District]. Ruznāme-ye Rasmi (1295). [In Persian]
 - Shoray-e A'li-ye Shahr-sazi-e Iran (2014). kolliyat tarhe jame Mashhad va masa'el-e asli-ye an [the Comprehensive Plan of Mashhad]. Ruzname-ye Rasmi, (701). [In Persian]
 - Shoray-e A'li-ye Shahr-sazi-e Iran (2020 b).tarh-e tafsiili-ye bāft-e pirāmūn-e Haram. [The detailed plan of Samen District]. Ruznāme-ye Rasmi (Vizheh Nāme 1412). [In Persian]
 - Shoraye Shahr-e Mashhad (2011). Tafsir'e ba'zi az mavzu'at marbut be manateq-e Samen [some issues related to the Samen district] (No. Sh/3/91/4372). [In Persian]
 - Shoraye Shahr-e Mashhad (2019). Darkhast-e mojavvaz-e estedad-e daviy-e Divan-e Edalat [Withdraw the lawsuit filed in the Administrative Justice Court] (No. Sh/5/99/10256). [In Persian]
 - Shoraye Shahr-e Mashhad (2020a). Hefz-e hoquq-e omumi va khosusi dar eslah-e tarh-e tafsiili-ye baft-e piramun-e haram [Preservation of public and private rights in the detailed plan of Samen district] (No. Sh/5/99/9747). [In Persian]
 - Shoraye Shahr-e Mashhad (2020b). Peygiriye ravand-e qanuni-ye taghyirat dar tarh-e baft-e piramun-e haram [Follow-up on the legal process of changes in the plan of Samen district] (No. Sh/5/99/4125). [In Persian]
 - Soleimaniyan, H. R. (2019). Nameh-ye daftar-e hoquqi-ye vazarat-e rah be divan-e edalat-e edari dar baraye-ye ebtal-e masvabeh-ye shoray-e a'li [Official Letter from the Legal Office of the Ministry of Roads to the Administrative Justice Court] (No. 9627/730) [In Persian]
 - Sundaresan, J. (2019). Urban planning in vernacular governance: Land use planning and violations in Bangalore, India. *Progress in Planning*, 127, 1–23. <https://doi.org/10.1016/j.progress.2017.10.001>
 - Taheri Tafti, M. (2024). Capturing planning: Politics of land-based accumulation in Tehran. *Environment and Planning C: Politics and Space*, 42(6), 1045–1063. <https://doi.org/10.1177/23996544241226920>
 - Tonucci, J. (2023). Property-led informality: Shifting Informal Land Development from Popular Housing to Middle-Class and Elite Speculation in Belo Horizonte. *International Journal of Urban and Regional Research*, 47(4), 527–545. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.13196>
 - Van Dijk, T., & Beunen, R. (2009). Laws, People and Land Use: A Sociological Perspective on the Relation Between Laws and Land Use. *European Planning Studies*, 17(12), 1797–1815. <https://doi.org/10.1080/09654310903322314>
 - Vizeh, M. R., & Hojjati, S. M. S. (2021). Ensuring and protecting vested rights in the administrative law of Iran and the jurisprudence of the Court of Administrative Justice. *Quarterly Journal of Administrative Law*, 8(26), 263–289. [In Persian]
 - Yiftachel, O. (2009). Critical theory and 'gray space': Mobilization of the colonized. *City*, 13(2-3), 246–263. <https://doi.org/10.1080/13604810902982227>
 - Zahiri, A. (2020, July 30). Nowrouzi, ozv-e Shor'ay-e Shahr matrah kard: Tarh-e Tash dar gozare tarikh [The Tash plan throughout the history]. Shahr'ara News. <https://shrr.ir/0009Xr> [in Persian].

نحوه ارجاع به مقاله:

وئوقی، سارا؛ نوریان، فرشاد (۱۴۰۴)، نقش قدرت در بازتولید غیررسمیت قشر فرادست در نظام برنامه ریزی شهری: تحلیل گفتمان حق مکتسبه در بازنگری طرح منطقه ثامن مشهد، مطالعات شهری، ۱۴ (۵۵)، 35-50، 10.22034/urbs.2025.141880.5073.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تحلیل دگرگونی جایگاه کاربریهای مکان محور شهری در عصر فضای مجازی

نمونه مورد مطالعه: کتابخانه های سه دانشگاه اصلی زاهدان

امیرحمزه شهبازی^۱ - استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشکده جغرافیا و برنامه ریزی محیطی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴ بهمن ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۵ خرداد ۱۴۰۴

چکیده

برنامه ریزان شهری با این پرسش مواجهند که پیدایش شبکه های جهانی اینترنت، پایگاه های داده علمی با میلیاردها آیتم و شبکه های اجتماعی با میلیاردها عضو، تا چه حدی کتابخانه های دانشگاهی همچون کاربری های مکان محور سنتی با تغییر در نقش و جایگاه مواجه ساخته و از قید چهار ویژگی، مکان معین، شعاع عملکردی معین، آستانه جمعیتی معین و زمان سرویس دهی معین رها شده اند؟ این پژوهش کاربردی با روش توصیفی تحلیلی و حجم نمونه ۴۸۰ نفر (دانشجویان دکتری، کارشناسی ارشد و کارشناسی) با پرسشنامه محقق ساخته و نمونه برداری تصادفی در زاهدان (سه دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان و دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان) انجام شده است. مدل های تحلیل: U مان ویتنی، کروسکال والیس، کای دو، کرامرز V، جدول متقاطع، کندال تائو C، کرامرز C و تست نشانه بودند. یافته ها نشان داد، جایگاه سنتی کتابخانه های دانشگاهی دگرگون شده است. به این اعتبار که ۵۸ درصد دانشجویان گفته اند به ندرت کتابخانه رفته یا هرگز نرفته اند. ۴۴ درصد دانشجویان جایگاه سنتی کتابخانه ها را کاهشی می دانند. دسترسی به پایگاه های علمی مانند Scopus, SID در حد معنی داری، سبب اعتقاد دانشجویان به کاهشی بودن جایگاه کتابخانه بود (به استثنای دانشجویان پزشکی و پرستاری). دانشجویان به منابع علمی در هشت پایگاه علمی آکادمیک (Web of Science, Scopus, Pub Med و مشابه آن با میلیاردها آیتم علمی) مراجعه می کنند. نتیجه این که علیرغم پابرجایی نقش و جایگاه کتابخانه های دانشگاهی، پدیده «پژوهش، بدون مراجعه فیزیکی به کتابخانه دانشگاهی» سبب می شود برنامه ریزی و تخصیص فضا، محاسبه آستانه جمعیتی و شعاع عملکرد معین، نیازمند بازنگری گردد. نوآوری این پژوهش مراجعه مستقیم به دانشجویان و سنجش میزان مراجعه شان به کتابخانه و ادراک شان از جایگاه کتابخانه است که در پژوهش های داخلی و خارجی دیده نشد. ادامه پژوهش در کتابخانه های عمومی و گسترش مرزهای دانش مورد تأکید است.

واژگان کلیدی: کاربری مکان محور، کتابخانه دانشگاهی، زاهدان، عملکرد کتابخانه ها، هوش مصنوعی و اینترنت.

نکات برجسته

- میزان مراجعه دانشجویان به کتابخانه در هر سه مقطع (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) به صورت معنی داری خیلی کم هست.
- رشته تحصیلی دانشجویان تأثیر معنی داری بر میزان مراجعه آنها به کتابخانه های دانشگاهی دارد.
- کتابخانه ها در عصر فضای مجازی کمتر نیازمند مکانیابی مشخص (در سه سطح محله، ناحیه و شهر) هستند.
- کتابخانه ها به سرعت در حال تجهیز (نیروی انسانی و امکانات دیجیتال) برای انطباق عملکردشان با نیازهای عصر فضای مجازی و خدمات دیجیتال هستند.
- کتابخانه ها، مانند گذشته نیازمند ساعت کار مشخص و محدود برای ارائه خدمات نیستند.

۱. مقدمه

برنامه‌ریزان شهری اکنون با رخنمون یافتن پدیده‌هایی تازه و نو روبه رو شده‌اند. گسترش شتابان فناوری ارتباطات، افزایش ابزارهای دیجیتالی و دسترسی اشخاص و مؤسسات به آنها، تولید و انتشار محصولات علمی و فرهنگی، در دهه‌های اخیر به ویژه در یکی دو دهه اول قرن ۲۱، باعث دگرگونی شگفت‌انگیزی شده است. چرا که تهیه و انتشار محصولات علمی و فرهنگی به جای مؤسسات چاپ و نشر، توسط خود افراد و مؤسسات و به گونه‌ای دیجیتالی انجام می‌شود. در این میان، درخواست شهروندان برای دسترسی سریع، کم‌هزینه، بهنگام و کامل اطلاعات، پدیده نوظهوری به نام «پژوهش بدون مراجعه حضوری به کتابخانه» را در پی داشته است که شالوده این پدیده، تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، شبکه جهانی اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی هستند. اکنون یک پرسش بزرگ در ذهن شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری مطرح گردیده که آیا شبکه کتابخانه‌ها (مشخصاً دانشگاهی) به عنوان یک کاربری فرهنگی مکان‌محور و زمان‌محور، با پوست‌اندازی فرم و محتوای در سبک ارائه خدمات روبه رو است؟ آیا مانند کاربری‌های مکان‌محور دیگری همچون شبکه دسترسی سنتی شهری است که جبراً، برخی از عملکردهای چند هزار ساله خود را اکنون به شبکه دسترسی زیرزمینی و مدرن واگذار نموده (مترو، تراموا، تقاطع‌ها، تونل‌های زیرزمینی تردد خودرو و حتی کاربری‌های جانبی تجاری و خدماتی متعدد دیگر)، آشکاراست پاسخ‌ها، تغییراتی در رویکرد برنامه‌ریزان شهری به مکانیابی و اختصاص زمین می‌دهند. فناوری‌های مدرن IT، امکانات جدیدی برای ارتقای عملکرد کتابخانه‌ها و کارشناسان فراهم (Yavorska et al., 2019: 244) و روند تکاملی رسانه‌های اجتماعی، شیوه تعامل افراد، سازمان‌ها و کتابخانه‌ها را با کاربران تغییر داده است (Kasimani & Kasilangam, 2018: 1). تغییرات صرفاً معطوف به جست‌وجوی کتاب‌ها و مجله‌ها نیست، بلکه شامل تعامل و اشتراک دانش بین کتابخانه‌ها و جامعه نیز می‌شوند (Fong et al., 2020). ارتباط با مشتریان در شبکه‌های اجتماعی، از عناصر مهم روابط عمومی سازمان‌ها شده (Gruss et al., 2019, 1) و افزایش تعاملات علمی پژوهشگران، سبب بهره‌گیری از خردجمعی، افزایش میزان رؤیت‌پذیری مقالات و تولیدات علمی اعضا گردیده است (Sharif Moghaddam et al., 2017: 154-155). بهره‌گیری از فیس‌بوک به چند میلیارد رسیده است (MacLachlin, 2024). محققان پیش‌بینی‌هایی برای تأثیر IT بر کتابخانه‌ها و توسعه آن ارائه داده‌اند (Noh, 2015, 2) که نیاز متخصصان کتابخانه را برای کسب مهارت‌های جدید ضروری ساخته است (Jones & Harvey, 2016). در عصر رقابت برای تولید، عرضه یا فروش اطلاعات، همچنین درخواست برای دسترسی سریع، کم‌هزینه، بهنگام و کامل اطلاعات، بیش از هر زمان دیگری، کتابخانه‌ها اعم از سنتی و دیجیتال در تکاپوی ارائه خدمات نوین برای راضی نگه داشتن کاربران‌شان شدند (Razmi, 2019: 694). Ghazizadeh & Jahanshahi (2017), et al. کتابخانه از یک «مکان فیزیکی» برای دریافت «حضور» اطلاعات به یک فضای مجازی اجتماعی تغییر کرده (Ezeani, 2012) و در تلاش برای بازآرایی خدمات و ارتباط با کاربران به ویژه جوانان، حساب‌هایی در رسانه‌های اجتماعی باز می‌کنند (Jones & Harvey, 2016: 1)؛ تبدیل اسناد کاغذی

به میکروفیلم و میکروفیش و گشایش بازارهای جدید مجازی به توسعه کتابخانه‌های دیجیتال (Djanavi & Babolhawaaji, 2014: 676) و اشتراک‌گذاری خدمات در انواع کتابخانه‌ها گردیده است (Phillips, 2015). وب سایت Dreamgrow.com توسط کارل نشان می‌دهد تا ۱۷ ژانویه ۲۰۲۲ تعداد ۱۵ سایت و رسانه اجتماعی فعال شامل فیس بوک (۲/۷۴ میلیارد)، یوتیوب (۲/۲۹۱ میلیارد)، واتساپ (۲ میلیارد)، فیسبوک مسنجر (۱/۳ میلیارد)، اینستاگرام (۱/۲۲۱ میلیارد) (Weixin/WeCha وب چت وایکسین ۲۱۳/۱ میلیارد) و هشت رسانه اجتماعی دیگر (در مجموع با ۳/۴۷۲ میلیارد کاربر فعال) هستند (Karl, 2022, 2024). Dreamgrow, 2022, Karl, 2024). آمار کلی رسانه‌های اجتماعی نشان داد: ۳/۹۶ میلیارد از ۷/۶۷ میلیارد نفر (۵۲ درصد) جمعیت جهان و ۷۰ درصد از جمعیت واجد شرایط در یک پلت فرم رسانه‌های اجتماعی ثبت شده‌اند. ۳۳ درصد از «زمان آنلاین» افراد در یک اپلیکیشن رسانه اجتماعی صرف می‌شود. web, Paperpile, 2022, Karl, 2024). آمار کلی رسانه‌های اجتماعی محققان برای نگارش رساله، پایان‌نامه یا مقاله تحقیقاتی، در جست‌وجوی منابع قابل اعتماد و مقالات داوری شده هستند. ضمناً هشت پایگاه داده مهم آکادمیک را معرفی نمود: ۱- Scopus با ۷۱ میلیون آیتم و ۱/۴ میلیارد رفرنس که توسط Elsevier ایجاد شده است. ۲- Web of Science با ۱۰۰ میلیون آیتم و ۱/۴ میلیارد رفرنس که به وسیله تامسون رویتر پایه‌گذاری و به Clarivate منتقل گردیده است. ۳- PubMed در حوزه علوم پزشکی با ۳۰ میلیون مقاله. ۴- پایگاه داده ERIC برای علوم تربیتی با ۱/۳ میلیون آیتم. ۵- پایگاه داده IEEE Xplore برای علوم مهندسی و کامپیوتر با حدود پنج میلیون مقاله. ۶- ScienceDirect با میلیون‌ها مقاله آکادمیک و ۲۵۰۰ مجله و بیش از ۴۰ هزار کتاب الکترونیک و حدود ۱۶ میلیون آیتم که توسط Elsevier ایجاد شده است. ۷- پایگاه داده چند رشته‌ای DOAJ با دسترسی آزاد به حدود شش میلیون آیتم. ۸- پایگاه داده JSTOR با ۱۲ میلیون آیتم که توسط ITHAKA ایجاد شده و پایگاه داده گوگل اسکالر (Gusenbauer, 2019) که دارای اهمیت است.

پرسش اصلی این بود که پیامد گسترش شبکه جهانی اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی و تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات بر نقش و عملکرد کتابخانه‌ها چیست؟ که به سه سؤال فرعی تفکیک شده است.

الف) دسترسی آنلاین به منابع علمی جایگاه تا چه حدی، نقش سنتی کتابخانه‌ها (دانشگاهی) را کاهش داده است؟

ب) کاهش جایگاه سنتی کتابخانه‌ها، برای همه دانشکده‌ها و برای همه رشته‌های تحصیلی یکسان بوده است؟

ج) کاهش جایگاه سنتی کتابخانه‌ها برای هر سه مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) یکسان بوده است؟

هدف پژوهش، مراجعه مستقیم به دانشجویان در همه مقاطع تحصیلی و همه رشته‌های تحصیلی و ارزیابی میزان مراجعه آنها به کتابخانه بود؛ به منظور تحلیل و تبیین جایگاه کتابخانه (هم در مقیاس عام و هم بر مبنای مقطع تحصیلی و هم مبنای رشته تحصیلی). توضیح این واقعیت لازم است که محقق انگیزه بالایی برای بررسی، تحلیل و تبیین نقش و جایگاه کتابخانه‌های عمومی در سطح شهر زاهدان را داشت، اما ورود به این حوزه ضرورتاً جامعه هدف و جامعه نمونه‌برداری دیگری

را طلب می کرد که با توجه به گستردگی محدوده مطالعاتی و دشواری دسترسی به واحدهای جامعه آماری، نمی توانست به عنوان بخشی از این پژوهش کنونی به آن پرداخته شود. از این رو منحصراً کار پژوهش فقط در محدوده سه دانشگاه اصلی زاهدان به سرانجام رسید. چرا که اصولاً قشر دانشجوی به دلیل اشتغال به تحصیل، مطالعه و پژوهش آنهم در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و همچنین در سه دانشگاه با ویژگی های نسبتاً متفاوت (دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه علوم پزشکی) امکان آزمون فرضیه ها با ظرفیت تعمیم نسبتاً مناسبی را فراهم نمود. با این وجود پژوهش دیگری با مختصات (فضایی - زمانی) در سطح شهر نیز ضروری است. گویا این که مطالعات موردی علیرغم محدودیت ذاتی برای تعمیم پذیری می تواند تا آستانه مقبولی، پدیده های مشابه (ولی در فضا و زمان متنوع) را توضیح داده و پیش بینی و تبیین نماید.

۲. مبانی نظری

کتابخانه های اولیه بر پایه یک روایت عام در ۲۶۰۰ سال پیش و در دولت - شهرهای سومری، عملاً اطاق هایی در معابد برای بایگانی لوح های گلی بود (Casson, 2001). در میان نظریه های معروف توسعه اجتماعی، مفهوم جامعه اطلاعاتی و نقش آن در ادراک آینده نوع بشر، مکان و جایگاه اطلاعات و ارتباطات است که روند سریع اطلاعاتی شدن جامعه، به عنوان موضوعی اساسی مطرح می گردد (Yavorska et al, 2019: 242). در گذشته دسترسی عموم به منابع دانش بسیار دشوار بود؛ ولی امروزه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی نه فقط دسترسی به منابع فیزیکی دانش مانند کتاب، مقاله، عکس، فیلم و غیره را فراهم بلکه مداوم متحول می شوند (Noh, 2015, 1). یک کانال مهم برای ردیابی خدمات و منابع توسط کتابداران، رسانه های اجتماعی است (Omimi & Ayanlade, 2019: 1). با تغییر در فناوری اطلاعات و با کتابخانه های دیجیتال و هوشمند و سرویس های هوشمندتر مدیریت کتابخانه ها و خدمات آنها تسهیل می شود (Razmi, 2019: 694). توسعه کتابخانه های دیجیتالی مستقیماً مربوط به توسعه فناوری های اطلاعات، به خصوص تکنولوژی های اینترنتی است (Wang, 2017). ظهور محاسبات با کارایی بالا، شبکه های پهنای باند و همچنین ظرفیت ذخیره انبوه داده ها، فناوری ها (زیرساخت های سایبری) امکان تحقیقاتی را که قبلاً انجام و حتی تصور آن غیرممکن بود، فراهم می کند (Carlson and Yateilla, 2010, 192).

در دنیای امروز، داده های بیشتر و بیشتری تولید می شود؛ از ۷۹ زتابایت در سطح جهان در سال ۲۰۲۱ به ۱۸۱ زتابایت مورد انتظار در سال ۲۰۲۵ (۱) زتابایت برابر با ۱ تریلیون گیگابایت است). در نتیجه ماهیت محاسبات، برنامه های کاربردی، با نسل بعدی ابرکامپیوترها با قدرت یک میلیارد محاسبه در ثانیه در حال تغییر است (European Commission, 2022). دانشمندان آمریکایی مفهوم یک کتابخانه دیجیتالی را در اوایل دهه ۱۹۹۰ مطرح کردند. در عین حال، نیاز شخصی کاربران در عصر داده های بزرگ، عامل محرک توسعه کتابخانه دیجیتال از سرویس اشتراک منابع به سرویس کاربر محور است (Li, et al, 2019, 22). با استفاده از رسانه های اجتماعی در کتابخانه ها (توثیت درباره فعالیت های کتابخانه، کتاب ها، ژورنال ها، افراد تازه وارد، پیام رسانی فوری، ارتباط

با youtube، اشتراک متن و عکس در flickr، pinterest، What's app، Telegram و ایجاد گروه های بین کتابخانه و کاربران آسانتر شده است (Kasimani & Kasilingam, 2018, 2). بسیاری از سازمان ها از جمله کتابخانه ها، سیستم های کاغذی خود را به دیجیتال تبدیل نمودند (Samii, 2015: 84). در خصوص «اهمیت به اشتراک گذاشتن» تأکید می گردد؛ مردم در یوتیوب، توئیتر یا فیس بوک درگیر تعامل با یکدیگر و علاقه مند برای به اشتراک گذاشتن هستند (Howard et al, 2018) (8) و توجه علمی قابل توجهی را به خود جلب کرده اند (Rehm et al, 2019, 1). (Obar & Wildman, 2015) و علیرغم ابهام در مورد منشأ اصطلاح «رسانه های اجتماعی» ظاهراً اجماع وجود دارد که این اصطلاح از اوایل دهه ۱۹۹۰ زمانی که America Online (AOL) مسنجر فوری را ایجاد کرده، مطرح شده است (Bercovici, 2010). شبکه های اجتماعی به کاربران امکان می دهد پروفایل شخصی ایجاد و در زمان واقعی (آنی) با کاربران تعامل نمایند (Lui & Zhang et al, 2017: 1) و در زمینه بازاریابی رسانه ای (Au & Nord, et al, 2017; Au, 2017) تعامل مدنی داشته باشند (Ho, 2019, 940). (Joo et al, 2018) (مجله های آنلاین و افلاین به جای نسخه های چاپی، محبوبیت و اولویت بیشتری به ویژه با عادات مجله خواندن با موبایل دارند (Wang et al, 2016, 664). ارائه مؤثر خدمات استاندارد و کیفیت خدمات کتابخانه های دیجیتال، پاسخ به انتظارات کاربر نهایی به معنی راحتی و کاربردپذیری و دسترسی به منابع اطلاعاتی است (Xu & du, 2018). بنابراین کتابداران باید روند را درک کرده و سیستم عامل مناسب رسانه های اجتماعی را انتخاب کنند (Swan, 2019). در فرایند یافته های تحقیق و مطالعات اکتشافی و مشاهدات مشارکتی نویسنده، چهار متغیر مستقل نمایان می شود که از شماره ۱ تا ۴ در تصویر شماره یک مشخص شده است. این ۴ متغیر با روند افزایشی در جهت عقربه های ساعت باعث می شوند متغیر A با روندی کاهشی و خلاف عقربه های ساعت دگرگون شود که همانا کاهش مراجعه پژوهشگران به کتابخانه و کاهش در نقش و جایگاه سنتی کتابخانه های دانشگاهی است (تصویر شماره ۱).

بر اساس پیشینه تحقیق، یک نظرسنجی آنلاین از ۴۷۰ نمونه در کل آمریکا نشان داد کتابخانه های عمومی، رسانه های اجتماعی را ابزار مهم بازاریابی خدمات خود می دانند (Choi, N. & Joo, S. 2021). مرور ۲۸ مقاله نشان داد کتابخانه ها برای خدمت رسانی به مهاجران و شناسایی منابع، موانع، علل، ویژگی ها و محتوای نیازهای اطلاعاتی آنها در شبکه های اجتماعی و رسانه ای اینترنت علیرغم تفاوت های زبانی و فرهنگی، شکاف دیجیتالی تلاش می کنند (Wang et al, 2020). تحقیقی پیمایشی در میان ۴۰۲ دانشجو در سه دانشگاه نیجریه، نشان داد بهره گیری از کتابخانه های دیجیتال رو به افزایش و با ویژگی های تکنولوژیک کتابخانه ها همبستگی مثبت دارد (Omotayo and Haliru, 2020). (Apuke Onosahwa Tyendo, 2018). یک تحقیق پیمایشی با هدف بررسی دو موضوع تمرکز یا عدم تمرکز و خدمات فیزیکی یا مجازی نشان داد اعضای هیأت علمی عمدتاً بر خدمات مجازی و نهایتاً بر کتابخانه های بزرگ چندرشته ای تأکید داشته اند (Shoham & Gabbay, 2019). اگرچه کتابخانه های غیرانتفاعی آمریکا هنوز مجهز نبوده اند (Guajardo, 2020). در کتابخانه های دانشگاه های



تصویر شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق

کتابخانه های دیجیتالی بیشتر معطوف به شبکه اجتماعی پژوهشگران، اشتراک گذاری نتایج، اطلاعات، حفاظت از کتابخانه های دیجیتالی، داده های بزرگ و نوآوری ها خواهد بود. هفت کتابخانه در هنگ کنگ تلاش زیادی برای استفاده از ظرفیت های شبکه اجتماعی فیس بوک داشته اند (Lam, et al, 2019)؛ فرایندی که ۱۰ سال پیش، ویراستاران با عنوان "توسط مربیان، برای مربیان" آغاز و به همکاران گروه توییتی اجازه می دهد کار و ایده هایی را به اشتراک بگذارند (Barone & Mallette, 2013).

۳. روش

جامعه هدف تحقیق، دانشجویان سه دانشگاه اصلی شهر زاهدان (دانشگاه سیستم و بلوچستان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان و دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان) است که ابتدا حجم نمونه ۳۸۴ واحد محاسبه گردید. اما برای پوشش بهتر جامعه هدف و با توجه به تفاوت و تنوع دانشگاه ها و رشته های تحصیل، این عدد نهایتاً به ۴۸۰ واحد آماری رسید. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخت و روش نمونه برداری هم روش تصادفی ساده (در محل کلاس ها، محوطه دانشکده ها، کتابخانه ها، سلف سرویس، خوابگاه داخل سایت دانشگاه و خوابگاه خودگردان داخل شهر و ...) بود. روایی ابزار گردآوری داده ها، توسط اساتید دانشگاه و پایایی بر مبنای محاسبه آلفای کرونباخ (۰/۷۵۲) تأیید گردید. مدل های تحلیل عبارتند از مدل استنباط آماری ناپارامتریک U-Mann-Whitney و Kendall's tau-c، مدل استنباط آماری Kruskal wallis و Cramer's V، مدل استنباط آماری ناپارامتریک Sign.test و Chi-Square و Crosstab، Kolmogorov-Smirnov، Shapiro-Wilk. محدوده مطالعاتی شهر زاهدان (تصویر شماره ۲) با جمعیت حدود ۵۹۰ هزار نفر (سرشماری سال ۱۳۹۵) است. این شهر دارای نقش دانشگاهی با ده ها هزار نفر دانشجو (دانشگاه سیستم و بلوچستان حدود ۱۶ هزار نفر، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان حدود پنج هزار نفر و دانشگاه آزاد واحد زاهدان حدود شش هزار و ۵۰۰ نفر) بدون احتساب دانشگاه های پیام نور، غیرانتفاعی، علمی کاربردی، فرهنگیان و ... است (سایت های سه دانشگاه فوق).

خصوصی نیجریه با مطالعه ۱۹۰ کتابدار در ۱۳ کتابخانه خصوصی دریافتند ادراک مفید بودن رسانه های اجتماعی تابع آموزش پتانسیل شبکه های ارتباطی است (Izuagbe et al, 2019). نتایج تحلیل مقایسه ای قابلیت دیده شدن وبسایت های کتابخانه های ۲۰ دانشگاه (۱۰ دانشگاه برتر جهان و ۱۰ دانشگاه بزرگ اسپانیا) نشان داد اولاً در مجموع میزان دیده شدن وبسایت های این کتابخانه ها پایین هست، ثانیاً ارتباط مستقیمی میان قابلیت دیده شدن وبسایت کتابخانه های دانشگاه های مختلف فوق وجود نداشت (Vállez and Ventura, 2020). مشکلات و تغییرات کتابخانه های دیجیتالی در عصر داده های بزرگ از دیدگاه خدمات کاربران تحلیل و یافته ها نشان داد که منابع داده های کتابخانه های دیجیتالی، ویژگی های داده های بزرگ را داشته و باید از روش های داده های بزرگ برای انتقال منابع، کاربرد منابع، هویت اجتماعی و نوآوری استفاده شود (Li, et al, 2019). اگرچه سیستم های مختلف جست وجو ظرفیت های کاملاً متفاوتی دارند (Gusenbauer & Haddaway, 2020). (Malgard, & Tabatabaei, 2015)، به تأثیر رسانه های اجتماعی (بلاگ ها، پادکست ها، آر. اس. اس، ویکی ها، فروم ها و غیره) در بازاریابی و ترویج خدمات کتابخانه ای و نیز فیلترینگ و پایین بودن مهارت کاربران پرداخته و بر شناسایی ابزارهای متنوع وب، توانمندسازی کارکنان کتابخانه ها در گردآوری، سازماندهی، مدیریت و اشاعه اطلاعات تأکید نموده اند.

Zarezadeh, et al, (2017) وضعیت استفاده از رسانه های اجتماعی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی را بررسی و دریافتند تلگرام، اینستاگرام، لینکدین و ریسرچ گیت به ترتیب، بهترین رسانه های اجتماعی هستند و بر تهیه خط مشی مدون در کتابخانه ملی تأکید نمودند. (Adabi Firozjah and Radfar, 2019) عوامل مؤثر بر درک کاربران از کتابخانه دیجیتالی را در دانشگاه علامه طباطبائی بررسی و نتیجه گرفتند کیفیت سیستم، کیفیت اطلاعات، نوع خدمات، ادراک سودمندی، سهولت استفاده، رضایت و میزان وفاداری کاربران تابع نوع برداشت و ادراک کاربران از کتابخانه دیجیتالی دارد. Alipour, et al, (2017) روند پژوهش های حوزه کتابخانه های دیجیتالی را در گذشته، حال و آینده بررسی و دریافتند در سال های آینده پژوهش های



تصویر شماره ۲: موقعیت شماتیک محدوده مطالعاتی، برگرفته از پرتال استانداری، مرکز آمار ایران و گوگل مپ ۱۴۰۳

۴. نتایج پژوهش

کلّی وعام) دسته‌بندی شدند. تعداد ۷۴ نفر (۱۵/۴ درصد) در مقطع دکتری، تعداد ۲۷۷ نفر (۶۰ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۲۹ نفر (۲۷ درصد) در مقطع کارشناسی در حال تحصیل بوده‌اند. علت بالا بودن سهم تحصیلات تکمیلی در حجم نمونه، اساساً نیازهای پژوهشی و مراجعه حضوری به کتابخانه است (جدول شماره ۱).

حجم نمونه تحقیق ۴۸۰ نفر دانشجوی متعلق به سه دانشگاه (دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان) بودند که در سه مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) مورد جمع‌آوری اطلاعات قرار گرفتند. دانشجویان بر حسب همگنی نسبی و اجمالی در قالب پنج گروه

جدول شماره ۱: توزیع دانشجویان نمونه بر حسب دانشکده (دانشگاه) محل تحصیل در هنگام نمونه‌برداری

جمع	توزیع نمونه‌ها بر مبنای دانشکده (دانشگاه) در شهر زاهدان				
	هنر	مهندسی	علوم پایه	پزشکی، پیراپزشکی و پرستاری	علوم انسانی و اجتماعی
۴۳۸	۶	۷۹	۸۷	۱۰۱	۱۶۵
۱۰۰	۱/۴	۱۸	۱۹/۹	۲۳/۱	۳۷/۷
تعداد					جمع
درصد					جمع

مجموع بیش از چهار تحقیق دانشگاهی انجام داده‌اند. نتایج تحلیلی پژوهش نشان داد، ارزیابی نرمالیتی توزیع داده‌های تحقیق، با مدل کولموگوروف سمیرنوف و شاپیرو ویلک، نشانگر غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها با خطای ۰/۰۰۰ است (جدول شماره ۲).

وضعیت اشتغال دانشجویان: از ۴۶۶ نمونه، حدود ۷۰ درصد فقط دانشجوی و ۳۰ درصد آنها شاغل بوده‌اند (۱۱ درصد در ادارات دولتی، ۱۰ درصد در شرکت‌های خصوصی و شش درصد در بازار آزاد). از نظر تعداد تحقیق دانشگاهی دانشجویان بر پایه نتایج تحقیق، ۵۴ درصد دانشجویان دکتری و ۲۰ درصد دانشجویان کارشناسی ارشد بوده‌اند؛ در

جدول شماره ۲: آزمون میزان نرمالیتی متغیر «میزان مراجعه دانشجویان به کتابخانه دانشگاه برای انجام تحقیق و پژوهش»

تعداد و درصد نمونه‌های پژوهش			Shapiro-Wilk			Kolmogorov-Smirnova		
جمع	داده‌از دست‌رفته	داده - معبر	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	آماره	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	آماره
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۴۸۴	۸/۵	۴۱	۹۱/۵	۴۴۳	۰/۰۰۰	۴۴۳	۰/۰۰۰	۰/۲۰۱

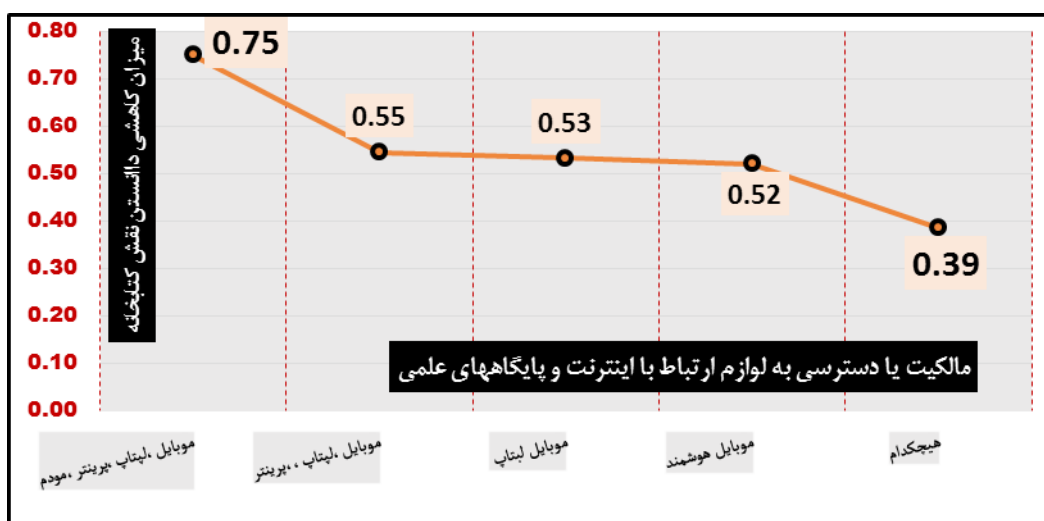
a. Lilliefors Significance Correction

کتابخانه: تحلیل داده‌ها (شامل ۳۳۸ نفر دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکتری) نشان می‌دهد رابطه معکوسی میان سن دانشجویان و کاهشی دانستن جایگاه کتابخانه وجود دارد. معنی‌داری این نتایج با مدل استنباط آماری ناپارامتریک Kendall's tau-c (مناسب داده‌ها با مقیاس رتبه‌ای و جدول مستطیلی) با سطح خطای ۰/۰۴ مورد تأیید قرار گرفت. رابطه محل اقامت دانشجویان با میزان مراجعه به کتابخانه: مکان سکونت دانشجویان (خوابگاه داخل سایت دانشگاه، خوابگاه بیرون سایت دانشگاه، منزل شخصی یا اجاره‌ای) با متغیر میزان رفتن به کتابخانه از طریق مدل Kendall's tau-c آزمون گردید. علیرغم این

تحلیل رابطه جنسیت دانشجویان با متغیر میزان مراجعه حضوری آنها به کتابخانه: داده‌ها به وسیله مدل استنباط آماری ناپارامتریک U-Mann-Whitney (به جای مدل T-test دوگروهی) آزمون و نتایج نشان داد جنسیت دانشجویان و مراجعه آنها به کتابخانه فاقد رابطه معنی‌دار است. جدول مربوطه برای گزین از افزایش حجم مقاله اینجا آورده نشد. رابطه متغیرسن دانشجویان با میزان مراجعه به کتابخانه: این ارتباط با مدل Kendall's tau-c آزمون که نشانگر رابطه معکوس میان سن دانشجویان و رفتن به کتابخانه با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ بود. رابطه سن دانشجویان تحصیلات تکمیلی و کاهشی دانستن جایگاه

این نتایج از طریق مدل کای دو، با سطح خطای ۰/۰۰۶ تأیید گردید. در تحلیل تکمیلی مشخص گردید که میزان استفاده از اینترنت برای تحقیقات دانشگاهی رابطه معکوس و معنی داری با جایگاه کتابخانه دارد (سطح معنی داری ۰/۰۰۲ در مدل Cramer's V) دانشجویانی که خیلی کم از اینترنت استفاده کرده اند ۳۵ درصد و دانشجویانی که خیلی زیاد از اینترنت استفاده نموده اند ۷۰ درصد جایگاه سنتی کتابخانه را کاهشی می داند.

که انتظار می رفت دانشجویان خوابگاه های داخل سایت دانشگاه بیشتر به کتابخانه بروند، این دو متغیر با سطح خطای ۰.۰۶ مستقل و فاقد ارتباط معنی دار بودند. رابطه میزان مراجعه به کتابخانه و داشتن کامپیوتر، پرینتر، مودم و موبایل هوشمند تحلیل و نتایج نشان داد میزان مالکیت یا دسترسی به لوازم فوق با ادراک جایگاه کتابخانه، ارتباط معکوس دارد (تصویر شماره ۳). ۳۹ درصد دانشجویانی که هیچ تجهیزاتی نداشتند، در مقابل ۷۵ درصد دانشجویانی که تجهیزات کامل داشته اند، جایگاه سنتی کتابخانه را کاهشی می دانند. معنی داری



تصویر شماره ۳: رابطه میزان مراجعه به کتابخانه و دسترسی به امکانات اینترنت و کامپیوتر

۶۷ درصد و ۸۰ درصد گزینه خیلی زیاد تا زیاد را انتخاب و همچنین به ترتیب ۲۱ درصد، ۷/۵ درصد و ۵/۵ درصد گزینه کم تا خیلی کم را انتخاب کرده اند. این ارتباط میان بالاتر رفتن مقطع تحصیلی با افزایش استفاده از اینترنت، بر پایه مدل کای دو و مدل کرامرز ۷ با خطای ۰/۰۰۳ معنی دار است (جدول برای کاهش حجم مقاله آورده نشد). آزمون نتایج پاسخ به سئوالات در موارد زیر نشان داد که جایگاه سنتی کتابخانه ها رو به کاهش است (جدول شماره ۳):

رابطه دسترسی به پایگاه های علمی Elsevier و Sciencedirect با ارزیابی آنها از جایگاه کتابخانه: تحلیل نشان داد هر چه دسترسی دانشجویان به پایگاه های علمی بیشتر باشد، جایگاه سنتی کتابخانه را بیشتر رو به افول و کاهش می داند. معنی داری این ارتباط با مدل کای دو آزمون و با سطح خطای ۰/۰۰۵ تأیید گردید. میزان استفاده دانشجویان از اینترنت برای امور غیر درسی و شبکه های اجتماعی نشان می دهد که دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به ترتیب ۶۳ درصد،

جدول شماره ۳: میزان مراجعه دانشجویان به کتابخانه های دانشگاه در سه دانشگاه اصلی شهر زاهدان

میزان مراجعه دانشجویان به کتابخانه دانشگاه						
جمع	روزانه	هفته ای چند بار	۵ تا ۱۰ بار	۱۱ تا ۱۵ بار	هیچگاه	تعداد
۴۳۸	۳۱	۸۴	۷۳	۱۰۴	۱۴۶	تعداد
۱۰۰	۷/۱	۱۹/۲	۱۶/۷	۲۳/۷	۳۳/۳	درصد

(جدول شماره ۴) با سطح خطای ۰.۰۳۳ نشانگر معنی داری ارتباط متغیرها بود.

داده های جدول شماره ۳ با مدل استنباط آماری ناپارامتریک «sign» (مناسب داده های غیرنرمال و تک گروهی) آزمون گردید. نتایج

جدول شماره ۴: آزمون سطح معنی داری میزان مراجعه دانشجویان به کتابخانه برای تحقیق و پژوهش با مدل sign test

آمارهای آزمون		فراوانی ها	
میان برای تست نشانه (علامت) میزان مراجعه دانشجویان به کتابخانه	Z	تعداد	تفاوت های منفی
-2.128		۱۸۸	
0.033	(2-tailed) سطح معنی داری	۱۴۸	تفاوت های مثبت
		۱۰۷	Ties ^c
		۴۴۳	جمع کل
a. median.for.sign.test < How many times have you gone to the library			
b. median.for.sign.test > How many times have you gone to the library			
c. median.for.sign.test = How many times have you gone to the library			

با توجه به سه ویژگی داده‌ها (نرمال نبودن، ترتیبی بودن مقیاس متغیرها، فرم مستطیلی جدول داده‌ها)، مدل استنباط آماری ناپارامتریک کندال تائو Kendall's tau-c انتخاب و نتایج نشان داد سطح معنی داری 0.16 هست (جدول شماره ۵). هرچه مقطع تحصیلی بالاتر رود میزان مراجعه آنها به کتابخانه بیشتر نمی‌شود.

گمان می‌رود دانشجویان تحصیلات تکمیلی، برای تحقیق و پایان نامه بیشتر به کتابخانه مراجعه می‌نمایند. ۲۹ درصد گفتند هیچگاه، ۲۷ درصد گفتند فقط یک تا پنج بار (جمعاً ۵۶ درصد) به کتابخانه رفته‌اند. نتایج شبیه کل پاسخگویان در هر سه مقطع تحصیلی است. تحلیل رابطه مقطع تحصیلات تکمیلی و میزان رفتن به کتابخانه به شرح زیر است.

جدول شماره ۵: آزمون ارتباط مقطع تحصیلی دانشجویان با میزان مراجعه به کتابخانه به وسیله مدل Kendall's tau-c

سطح معنی داری	Tb تقریبی	خطای استاندارد مجانبی Asymptotic Standardized Errora	مقدار	شاخص‌های متقارن
۰/۱۶۶	۱/۳۸۶	۰/۰۴۱	۰/۰۵۷	Kendall's tau-c
			۴۴۲	رتبه‌ای بازرتبه‌ای
			۴۴۲	تعداد نمونه‌های درست

a. Not assuming the null hypothesis.

هرگز به کتابخانه نرفته‌اند در دامنه ۴۶ درصد (حوزه علوم پایه) تا ۱۶ درصد (حوزه علوم پزشکی) نوسان دارد. وانگهی دانشجویانی که روزانه کتابخانه می‌روند؛ از یک درصد (حوزه مهندسی) تا ۱۶ درصد (حوزه پزشکی) نوسان داشته است.

سؤال دیگری که مورد تحلیل و آزمون قرار گرفت، رابطه میزان مراجعه دانشجویان به کتابخانه با ویژگی‌های رشته و دانشکده آنهاست. همه ۴۷۳ دانشجو که در ۸۵ رشته تحصیل می‌کردند، در پنج حوزه تحصیلی همگن دسته‌بندی شدند. برای آزمون رابطه از دو روش استفاده شد. نخست crosstab (جدول شماره ۶) که نشان می‌دهد دانشجویانی که

جدول شماره ۶: تحلیل رابطه رشته تحصیلی دانشجویان و میزان مراجعه آنها به کتابخانه

جمع	میزان مراجعه دانشجویان به کتابخانه					مقدار	دانشکده تحصیل دانشجویان
	روزانه	چندبار در هفته	۵-۱۰ بار	۱-۵ بار	هیچگاه		
۱۰۰	۶/۱	۱۵/۸	۱۷/۰	۲۳/۶	۳۷/۶	%	علوم انسانی و اجتماعی
۱۰۰	۱۵/۸	۲۸/۷	۲۲/۸	۱۶/۸	۱۵/۸	%	پزشکی، پیراپزشکی و پرستاری
۱۰۰	۴/۶	۱۶/۱	۱۱/۵	۲۱/۸	۴۶	%	علوم پایه
۱۰۰	۱/۳	۱۷/۷	۱۵/۲	۳۱/۶	۳۴/۲	%	مهندسی
۱۰۰	۰/۰	۱۶/۷	۰/۰	۶۶/۷	۱۶/۷	%	هنر
۴۳۸	۳۱	۸۴	۷۳	۱۰۴	۱۴۶	تعداد	جمع کل
۱۰۰	۷/۱	۱۹/۲	۱۶/۷	۲۳/۷	۳۳/۳	%	

نتایج رابطه متغیر مستقل (رشته و دانشکده) با متغیر وابسته (رفتن به کتابخانه) با خطای ۰،۰۰۰ معنی دار بود (جدول شماره ۷).

با توجه به ویژگی داده‌های تحقیق (نرمال نبودن، تعداد گروه‌ها (پنج دسته یا دانشکده) و دو مقیاس ترتیبی و اسمی) برای آزمون ارتباط از مدل استنباط آماری ناپارامتریک کروسکال والیس استفاده شد. طبق

جدول شماره ۷: آزمون رابطه نوع دانشکده با مراجعه به کتابخانه با دو مدل استنباط آماری Chi-Square و Kruskal-Wallis H

نتایج آزمون رابطه نوع دانشکده و میزان مراجعه به کتابخانه با مدل Chi-Square			آمارهای آزمون	
تعداد دفعات مراجعه به کتابخانه	دانشکده	آمارهای آزمون	Kruskal-Wallis H	۳۵/۷۶۹
84.077 ^b	۲۵۲/۱۶۵ ^a	Chi-Square	درجه آزادی	۴
۴	۱۱	درجه آزادی	سطح معنی داری	۰/۰۰۰
a. Kruskal Wallis Test	۰/۰۰	سطح معنی داری	a. Kruskal Wallis Test	
a. 0 cells (0.0%) have expected frequencies less than 5. The minimum expected cell frequency is 40.3.			b. Grouping Variable: Faculty	
b. 0 cells (0.0%) have expected frequencies less than 5. The minimum expected cell frequency is 88.6			متغیر گروه‌بندی: دانشکده محل تحصیل	

مصاحبه ساختار نیافته با برخی دانشجویان، این تفاوت دو علت دارد: نخست عدم امکان تهیه کتب رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی و تا حدودی رشته‌های هنر و معماری، به دلیل هزینه چند صد هزار تومانی و گاهی میلیونی و نیز عدم امکان زیراکس سیاه و سفید از این کتب

تحلیل بعدی نشان داد ۵۷ درصد کل دانشجویان تحصیلات تکمیلی، نیازشان به کتابخانه را زیاد تا خیلی زیاد می‌دانند. این شاخص توسط دانشجویان دانشکده پرستاری ۸۰ درصد و توسط دانشجویان دانشکده پزشکی ۷۴ درصد اعلام گردیده است. بر مبنای نتایج

فضای مجازی (Rehm et al, 2019, 1)، اهمیت رسانه‌های اجتماعی و بازاریابی رسانه‌ای (Lui & Au, 2017)، (Nord, et al, 2018)، استفاده از بستر رسانه‌های اجتماعی در کتابخانه‌ها (Omini & Ayanlade, 2019: 1)، اثر عمیق کتابخانه دیجیتال (Li, et al, 2019: 22)، اهمیت وبسایت‌های آنلاین (Joo et al, 2018: 940)، ضرورت درک تحولات رسانه‌های اجتماعی توسط کتابداران (Swan, 2019)، ارتباط مثبت و معنی‌دار امکانات فنی با استفاده از کتابخانه دیجیتال (Izuagbe et al, 2019). اما تحقیق پیمایشی کنونی دارای پنج ویژگی همراه با نوآوری است که عبارتند از: الف) رابطه رشته تحصیلی و دانشکده با میزان مراجعه حضوری به کتابخانه، ب) ارزیابی دقیق میزان مراجعه فیزیکی دانشجویان به کتابخانه برای تحقیق و پایان‌نامه، ج) رابطه مقطع تحصیلی دانشجویان با میزان رفتن به کتابخانه، د) میزان استفاده دانشجویان از سایت‌های علمی مانند science direct, Elsevier & SID و ه) همچنین تبیین رابطه فضای مجازی، نقش و عملکرد کتابخانه.

۶. نتیجه‌گیری

این تحقیق پیمایشی در پی تحلیل جایگاه کتابخانه به عنوان یک کاربری مکان محور و زمان محور، پس از گسترش فضای سایبری و هوش مصنوعی است. چرا که پدیده نوظهوری به نام «پژوهش بدون مراجعه حضوری به کتابخانه» رخنمون یافته است. یافته‌ها حاکی از این است که کتابخانه همچون برخی کاربری‌های مکان محور سنتی با تغییراتی در شکل و محتوای نیازها، خدمات و جایگاه استقرار فیزیکی (مبتنی بر مکان مشخص، شعاع فاصله عملکردی مشخص و آستانه جمعیتی مشخص) مواجه است که علیرغم پایداری شالوده‌های کارکردی کتابخانه، با دگرگونی در ساختمان و تجهیزات و همه عناصر سه‌گانه شکل و محتوای فوق روبه رو شده و خواهد شد. معرفی دو نمونه نسبتاً مشابه، چارچوب تحلیل مناسبی فراهم می‌کند (شبکه دسترسی شهرها (به مثابه کاربری مکان محور) با تغییر شالوده‌ای مواجه شده و بخش اعظم شبکه و سفرهای شهری، اکنون دیگر نه در شبکه سنتی خیابان‌ها و معابر شهری، بلکه در عمق زمین صورت می‌گیرد. همچنین بخش اعظم مبادلات پولی و مالی و مبادلات و معاملات اکنون نه به وسیله پول کاغذی و مراجعه حضوری به بانک‌ها بلکه در قالب شبکه دیجیتال پولی و مالی صورت می‌گیرد). آشکار است کتابخانه (دانشگاهی) اکنون با دگرگونی چشمگیر مواجه است. از دیدگاه علوم جغرافیایی، مکانی و فضایی، کتابخانه (دانشگاهی) دارای چهار ویژگی سنتی است. نخست آستانه جمعیتی مشخص، دوم شعاع عملکرد معین، سوم مکان معین و چهارم زمان سرویس دهی معین. اما با انقلاب سایبری، اکنون دیگر کتابخانه تابع چهار ویژگی فوق نیست.

به این اعتبار که بخشی از نقش و عملکرد کتابخانه به فضاهای سایبری سپرده شده است. میلیاردها آیتم علمی معتبر از سراسر جهان، هزاران E. book و دستاوردهای کنفرانس‌های علمی ملی و بین‌المللی معتبر، ده‌ها میلیون فیلم و عکس، میلیاردها رفرنس علمی و پژوهشی، در قالب ده‌ها دیتابیس علمی و پژوهشی معتبر (Scopus, Web of Science, PubMed, ERIC, IEEE, Science Direct, DOAJ, JSTOR, ...) نقش و

(دارای عکس رنگی هستند)؛ همچنین عدم امکان خرید کتاب برای دانشجویان علوم انسانی عمدتاً به دلیل ضعف مالی دانشجویان و عدم توانایی خرید کتاب است.

تحلیل فرایند تحولات کاربری‌های شهری نشانگر این است که گسترش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی کاربری‌های مکان محور زیادی را تضعیف نموده یا موضوعیت آن را کاهش داده و گاهی از صحنه اجتماع حذف نموده است. برخی بانک‌ها اساساً فاقد مکان‌هایی برای ارائه خدمات حضوری بانکداری هستند (مانند بانک رسالت). برخی بانک‌ها بخشی از خدمات خود را به فضای مجازی انتقال داده اند و بخش اندکی نیز همچنان به صورت مکان محور خدمات ارائه می‌کنند. برخی همایش‌ها و گردهم‌آیی‌ها دیگر حضوری نیست یا بسیار کاهش یافته است. همچنین برخی افراد جامعه ارتباطات خودشان را به فضای مجازی منتقل نموده و ساعات زیادی را به گفت و گو و تعامل دو یا چند نفره و جمعی در فضای مجازی اختصاص می‌دهند. برخی صنوف تجاری و بازرگانی دیگر به شکل گذشته مکان محور نیستند بلکه همه کارکردهای شان اعم از خدمات بازدید و ارزیابی و فروش و تحویل را به فضای مجازی منتقل نموده‌اند. اکثر مجلات و روزنامه‌ها و جراید بخشی یا تمام کارکردهای شان را به فضای مجازی منتقل نموده‌اند. این در حالی است که فضای مجازی سبب گردیده بخش زیادی از زمان تفریح و بازی و سرگرمی افراد جامعه از جمله کودکان و جوانان و حتی دیگر افراد جامعه در فضای مجازی صرف گردد. روند کنونی و تحولات آتی حاکی از این است که کاربری‌های مکان محور شهری بسیار زیادی در حال انتقال به فضای مجازی هستند.

پیش‌بینی می‌شود با توجه به روند تحولات و گسترش استفاده از هوش مصنوعی در سال‌های آتی شاهد تحولات شگفت‌انگیزی در کاهش نقش و جایگاه برخی کاربری‌های مکان محور شهری باشیم. این بدان معنیست که شاید دیگر بزرگترین فروشگاه‌ها و نمایشگاه‌های شهری همچنین بزرگترین برندهای تجاری و بازرگان هرگز در بهترین مکان‌های شهری و در بیشترین مساحت و وسعت و در ساعات مشخص حضور نداشته باشند بلکه در منطقه‌ای که نه تابع شعاع عملکرد و نه تابع آستانه جمعیتی و نه تابع ساعت کاری محدود و مشخص باشند و ۲۴ ساعته و با دسترسی آنی ایفای نقش نمایند. به این اعتبار شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری، بی‌تردید باید در محاسبات سطح و سطوح کاربری‌ها و ماتریس‌های کاربری‌های شهری به این تحولات رو به گسترش توجه نمایند. آشکار است که نقش و جایگاه کتابخانه‌ها، تنها یک مورد از انواع بسیار زیاد کاربری‌های مکان محور است که انتظار می‌رود در حکم فتح بابی برای گسترش این پژوهش‌های آکادمیک باشد؛ تا امکان دستیابی به یافته‌های عام‌تر و تعمیم‌پذیری بیشتر فراهم گردد.

۵. بحث

این پژوهش پاره‌ای سازگاری با دیگر پژوهش‌ها دارد. سازگاری با حیاتی بودن اینترنت در زندگی معاصر (Laeq Khan and et, 2020: 4)، اهمیت اشتراک‌گذاری اطلاعات (Kasimani & Kasilingam, 2018, 2)، تأثیر عمیق تکنولوژی اینترنت و کتابخانه دیجیتال بر جایگاه و عملکرد کتابخانه‌ها (Wang, 2017)، توجه زیاد اهل علم به

تقدیر و تشکر - نویسندگان از دانشجویانی که در هر سه دانشگاه برای پذیرش و تکمیل پرسشنامه همکاری نمودند قدردانی می‌نمایند.

تضاد منافع: نویسندگان روشن ساخت که هیچگونه تضاد منافی وجود نداشته است.

حمایت مالی: انجام پژوهش بدون هیچگونه حمایت مالی از هیچ سازمان و مؤسسه صورت گرفته است.

References:

- Adabi Firouzja, Hossein; Radfar, Hamid. (2018). investigating factors affecting users' understanding of digital libraries (case study: Allameh Tabatabai University digital library). Knowledge Retrieval and Semantic Systems Quarterly, 21(6), 71-89. <https://doi.org/10.22054/jks.2019.46522.1251> [in Persian]
- Adabi Firozjah, H. and Radfar, H. (2019). Investigating the Effective Factors on User's Understanding of Digital Libraries (A Case Study: Digital Library of Allameh Tabataba'i University). Knowledge Retrieval and Semantic Systems, 6(21), 71-89. doi: 10.22054/jks.2019.46522.1251
- Alipour Hafezi, Mehdi; Yazdipour, Maryam; Rasouli, Behrouz; (2017). Research trends in the field of digital libraries: past, present and future. National Library and Information Organization Studies, 29(1), 33-49. <https://ensani.ir/file/download/article/1549172018-9556-97-1-2.pdf> [in Persian]
- Apuke, O.D., Iyendo, T. O. (2018). University students' usage of the internet resources for research and learning: forms of access and perceptions of utility. Heliyon, 4, 1-34. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2018.e01052>
- Au, C. H., & Ho, K. K. (2019). Deliberation in mobile messaging application: A case in Hong Kong. Communications of the Association for Information Systems, 3, 358-363. DOI:10.17705/1CAIS.04517
- Barone, D. M., & Mallette, M. H. (2013). On using Twitter. The Reading Teacher, 66(5), 377-379. <https://doi.org/10.1002/TRTR.01138>
- Bercovici, J. (2010). Who Coined 'Social Media'? Web Pioneers Compete for Credit. Forbes. <https://www.forbes.com/sites/jeffbercovici/2010/12/09/>
- Carlson, J. Kinkus Yacilla, J. (2010) the Intersection of Virtual Organizations and the Library: A Case Study, the Journal of Academic Librarianship, (3), 192-201, <http://dx.doi.org/10.1016/j.acalib.2010.03.001>
- Carlson, J. Kinkus Yacilla, J. (2010) the Intersection of Virtual Organizations and the Library: A Case Study,

عملکرد کتابخانه را تا حد زیادی به عهده گرفته اند. علاوه بر این، انواع رسانه‌های اجتماعی به وجود آمده که ارتباط لحظه‌ای میلیاردها نفر را فارغ از قیدهای مکان و زمان و فاصله فراهم نموده اند (Facebook, YouTube, WhatsApp, Facebook Messenger, Instagram, Weixin / WeChat) که تعداد کاربران از ۲/۷۴ میلیارد در فیس‌بوک تا ۱/۲۱۳ میلیارد در WeChat نوسان دارد. به این ترتیب بخش زیادی از دانش، آگاهی، دیدگاه‌ها، رویکردها و تصمیم‌گیری افراد بدون محدودیت زمان و مکان و فاصله فیزیکی به اشتراک گذاشته می‌شود.

یافته‌های تحقیق پیمایشی در سه دانشگاه بزرگ استان (دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان و دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان) نشان داد دسترسی دانشجویان به امکانات و تجهیزات کامپیوتری و شبکه اینترنت، رابطه معکوسی با مراجعه و حضور در کتابخانه دارد. همچنین میزان دسترسی دانشجویان به پایگاه‌های علمی Siencedirect و Elsevier با ارزیابی آنها از جایگاه کتابخانه رابطه معکوس دارد. به عبارتی هر چه دسترسی دانشجویان به پایگاه‌های علمی فوق بیشتر بود، جایگاه کتابخانه (دانشگاهی) را بیشتر رو به افول و کاهش دانسته‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد ۳۳ درصد دانشجویان هیچگاه به کتابخانه دانشگاه‌شان نرفته‌اند و ۲۵ درصد هم فقط یک تا پنج بار رفته‌اند (جمعاً ۵۶ درصد). وانگهی علیرغم این که انتظار بود دیدگاه و رویکرد دانشجویان تحصیلات تکمیلی به کتابخانه بیشتر باشد اما با دانشجویان کارشناسی نسبتاً همسان بود. یافته‌ها بیانگر این بود که نوع رشته و دانشکده دانشجویان با رفتن به کتابخانه رابطه معنی‌داری داشت. به این اعتبار که میزان مراجعه روزانه دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی به کتابخانه، در قیاس با دانشجویان مهندسی ۱۶ برابر بود. مصاحبه ساختار نیافته با دانشجویان فوق نشان داد علت بالا بودن جایگاه کتابخانه برای دانشجویان دانشکده‌های پزشکی و پیراپزشکی این بود که کتاب و منابع درسی‌شان دربرگیرنده عکس‌های رنگی و بهنگام شده هست و خرید کتاب خیلی پرهزینه (چندصد هزار تومان و بعضاً میلیونی) است. به علاوه کپی سیاه و سفید فاقد کیفیت و پرینت رنگی نیز گران قیمت است. بنابراین میزان وابستگی به منابع کتابخانه گریزناپذیر است. علیرغم این که انتظار می‌رفت ساکنان خوابگاه‌های داخل سایت دانشگاه بیشتر به کتابخانه بروند، یافته این گمانه‌زنی را رد کرد.

جمع بندی، نشانگر ماندگاری و ریشه‌داری کارکرد و جایگاه کتابخانه دارد، ولی شکل و فرم ارائه خدمات به میزان معنی‌دار و شتابانی از جبرهای چهارگانه «مکان‌محوری، تبعیت از آستانه جمعیتی در شعاع نفوذ فیزیکی معین و زمان‌محوری» رها شده و با گسترش هوش مصنوعی تشدید می‌شود. این یافته‌ها هم برنامه‌ریزان شهری و هم متولیان نهاد کتابخانه‌ها (دانشگاهی) را متوجه روند شتابناک دگرگونی‌ها می‌نماید. به این اعتبار برنامه‌ریزان شهری باید ضرورتاً در مکانیابی کاربری کتابخانه (دانشگاهی) بازاندیشی نمایند. همچنین کتابخانه‌ها با توجه به دگرگونی ایجاد شده، باید خود را برای نقش‌آفرینی و بازتولید جایگاه جدید آماده سازند. در پایان با تأکید پیشنهاد می‌شود، پژوهش در حوزه کتابخانه‌های عمومی و شهروندان، در شهر زاهدان و نیز در قلمروهای دیگر برای دستیابی به نتایج بیشتر و امکان تعمیم یافته‌ها صورت گیرد.

- the Journal of Academic Librarianship, , (3), 192-201, <http://dx.doi.org/10.1016/j.acalib.2010.03.001>
- Casson, L. (2001) Libraries in the Ancient World, History: Reviews of New Books, 29(4), 181-182, DOI: 10.1080/03612759.2001.10527863
 - Choi, N. and Joo, S. (2021), "Understanding public libraries' challenges, motivators, and perceptions toward the use of social media for marketing", Library Hi Tech, 39(2), pp. 352-367. <https://doi.org/10.1108/LHT-11-2017-0237>,
 - DJANAVI, ELMIRA, & BABOLHAVAEEJI, FAHIMEH. (2016). ESIGNING A MANAGEMENT MODEL FOR DEVELOPING DIGITAL LIBRARIES IN IRAN (RECOURSE-BASED VIEW APPROACH). JOURNAL OF PUBLIC ADMINISTRATION, 7(4), 675-698. SID. <https://sid.ir/paper/139868/en>
 - DJanavi, Elmira; Babolhawaeeji, Fahimeh (2014). Designing a management development model of digital libraries in the country with a resource-oriented approach. Tehran University Journal of Public Administration, 7, (4), 698-675, <https://doi.org/10.22059/jipa.2015.51865> [in Persian]
 - Dreamgrow, https://www.dreamgrow.com/21-social-media-marketing-statistics/#Humanity_and_Social_Media, Retrived: august 22. 2022 . [https://www.dreamgrow.com/top-General Social Media Facts and Stats Humanity and Social Media -sites/](https://www.dreamgrow.com/top-General_Social_Media_Facts_and_Stats_Humanity_and_Social_Media_sites/),
 - European commission, 2022, Shaping Europe's digital future, High Performance Computing, <https://digital-strategy.ec.europa.eu/en/policies/high-performance-computing>
 - Ezeani, Chinwe Nwogo and Uzoamaka, Igwesi (2012). 'Using Social Media for Dynamic Library Service Delivery: The Nigeria Experience', Library Philosophy and Practice (e-journal), Paper 814. <https://digitalcommons.unl.edu/libphilprac/814/>
 - Fong, K. C. H., Au, C. H., Lam, E. T. H., & Chiu, D. K. W. (2020). Social network services for academic libraries: A study based on social capital and social proof. The Journal of Academic Librarianship, 46(1), 102091. <http://dx.doi.org/10.1016/j.acalib.2019.102091>
 - Ghazizadeh, Hamid; Jahanshahi, Zulikha (2017). Utilization of social networks by users of public libraries, a case study: public libraries of Tunkabon city. Quarterly Journal of Information and Public Libraries, 24(1), 167-149. file:///C:/Users/104/Downloads/publij-ir-v24n1p149-fa.pdf, [in Persian]
 - Gruss, R., Abrahams, A., Song, Y., Berry, D., Daihani, S M. A. (2019). Community Building as an Effective User Engagement Strategy: A Case Study in Academic Libraries. Journal of the association for information science and technology, 1-13, <https://doi.org/10.1002/asi.24218>
 - Guajardo, S. A. (2020). Nonprofit public libraries and technical efficiency: An application of data envelopment analysis to technology-based outputs. Library and Information Science Research. <https://doi.org/10.1016/j.lisr.2019.100995>
 - Gusenbauer M, Haddaway NR (2020). "Which academic search systems are suitable for systematic reviews or meta-analyses? Evaluating retrieval qualities of Google Scholar, PubMed, and 26 other resources". Research Synthesis Methods. 11 (2): 181–217. <https://doi.org/10.1002/jrsm.1378>
 - Gusenbauer M.(2019). "Google Scholar to overshadow them all? Comparing the sizes of 12 academic search engines and bibliographic databases". Scientometrics. 118 (1): 177–214. <https://doi.org/10.1007/s11192-018-2958-5>
 - Howard, H. A., Huber, S. E., Moore, E. A., Carter, L. (2018). "Academic Libraries on Social Media: Finding the Students and the Information They Want". Libraries Faculty and Staff Scholarship and Research, Paper 7-18, <http://dx.doi.org/https://doi.org/10.6017/ital.v37i1.10160>
 - https://blog.hootsuite.com/facebook-statistics/#General_Facebook_stats
 - Izuagbe, R., Ifijeh, G. Edith, I., Olajumoke, R. Olawoyin, L., Osamenfa, O. (2019). Determinants of perceived usefulness of social media in university libraries: Subjective norm, image and voluntariness as indicators. The Journal of Academic Librarianship, 45(4), 394-405, <https://doi.org/10.1016/j.acalib.2019.03.006>
 - Jones, M. J., & Harvey, M. (2016). Library 2.0: The effectiveness of social media as a marketing tool for libraries in educational institutions. Journal of Librarianship and Information Science, 51(1), 3–19. <http://dx.doi.org/10.1177/0961000616668959>
 - Karl, (2022) the 15 Biggest Social Media Sites and Apps [2022], <https://www.dreamgrow.com/top-15-most-popular-social-networking-sites/>
 - Karl, (2024) The 15 Biggest Social Media Sites and Apps in 2024, Dreamgroww <https://www.dreamgrow.com/top-15-most-popular-social-networking-sites/>

- Kasimani, c, & Kasilingam, k. (2018). The Impact of Social Media in the Library Service. Conference: International Conference on "REJUVENATING LIBRARIES FOR INFORMATION ACCESS IN THE DIGITAL ERA [ICRLIB-2018]" At: Annamalai University, Annamalainagar. https://www.researchgate.net/publication/326626343_The_Impact_of_Social_Media_in_the_Library_Service
- Laeeq Khan, M., Welser, H.T., Cisneros, C., Manatong, G., Karlina Idris, I.(2020) Digital Inequality in the Appalachian Ohio: Understanding how Demographics, Internet Access, and Skills can shape Vital Information Use (VIU), Telematics and Informatics (2020), doi: <https://doi.org/10.1016/j.tele.2020.101380>
- Lam, E., Cheuk Hang, A., Chiu, Dickson, K. W. c. (2019), Analyzing the use of Facebook among university libraries in Hong Kong. The Journal of Academic Librarianship, 45(3), 175–183, <https://doi.org/10.1016/j.acalib.2019.02.007>
- Li, S., Jiao, F., Zhang, Y. and Xu, X. (2019). Problems and Changes in Digital Libraries in the Age of Big Data from the Perspective of User Services, The Journal of Academic Librarianship, 45(1), 22-30, <https://doi.org/10.1016/j.acalib.2018.11.012>.
- Lui, R. W., & Au, C. H. (2017). Designing simulation games for information systems education ---A case study in teaching for digital marketing. Paper presented at the 2017 IEEE 6th international conference on teaching, assessment, and learning for engineering (TALE). <http://dx.doi.org/10.1109/TALE.2017.8252349>
- Malgard, Shiva; Tabatabaei, Seyyed Mohammad. (2015). the impact of networks and social media on libraries. The first international conference on interactive information retrieval. <https://civilica.com/doc/572873/>. [in Persian]
- McLachlan, J. (2024). Hootsuite Blog, 45 Facebook Statistics Marketers Need to Know in 2024
- Noh, Y. (2015). Imagining Library 4.0: Creating a Model for Future Libraries. The Journal of Academic Librarianship. <http://dx.doi.org/10.1016/j.acalib.2015.08.020>
- Nord, J., H., Espinosa, S., Paliszkievicz, J., & Mądra-Sawicka, M. (2018). Do technology and social media preferences differ with age? A study of the use of social technologies for business purposes in Spain. Journal of Computer Information Systems, 1–12. <http://dx.doi.org/10.1080/08874417.2018.1423892>
- Obar, J. A., & Wildman, S. (2015). Social media definition and the governance challenge: An introduction to the special issue. Telecommunications Policy, 39(9), 745–750. Quello Center Working Paper No. 2647377
- Omini, E. U., Ayanland. O. k. (2019), utilization of social media platforms by librarians for promoting library resources and services and services in Nigerians tertiary institutions in cross river state. Global jornal of educational research, Vol 18, 1-8. DOI:<https://dx.doi.org/10.4314/gjedr.v18i1.1>
- Omotayo, F. O., & Haliru, A. (2020). Perception of task-technology fit of digital library among undergraduates in selected universities in Nigeria. The Journal of Academic Librarianship, <https://doi.org/10.1016/j.acalib.2019.102097>
- Paperpile, <https://paperpile.com/g/academic-research-databases/>
- Phillips, A.L. (2015), "Facebooking it: promoting library services to young adults through social media", Public Library Quarterly, 34 (2), pp. 178-197. <https://doi.org/10.1080/01616846.2015.1036710>
- Razmi Shendi, Massoud; Nowrozi, Yaqub and Alipour Hafezi, Mahdi (2019). Presenting a conceptual model for the use of Shea Internet in the modern services of Iran's digital libraries. Scientific Research Journal of Information Processing and Management, 35(3), 693-728., URL: <http://jipm.irandoc.ac.ir/article-1-4231-fa.html> [in Persian]
- Rehm. M., Manca. S., Brandon, D., Greenhow, G. (2019) Teachers College Record, Beyond Disciplinary Boundaries: Mapping Educational Science in the Discourse on Social Media, Project: Social network sites for teaching and learning121(14). DOI:10.1177/016146811912101403
- Samii, Mitra (2015). Analysis of the Delos reference model and the five S framework in the organization and evaluation of digital libraries. Scientific Studies, 2(6), 103-83, Doi: 10.22054/jks.2016.4294 [in Persian]
- Sharif Moghaddam, Hadi; Miri, Anis and Salami, Maryam (2017). Faculty members' activity in scientific social networks: contexts, barriers, requirements, and influencing factors. Quarterly Journal of National Librarianship and Information Organization Studies, 29(3), 171-153., <https://ensani.ir/file/download/article/1549172656-9556-97-2-7.pdf> [in Persian]
- Shohaman, S. & Gabbay, L. k. (2019). The academic library: Structure, space, physical and virtual use. The

- Journal of Academic Librarianship, 45(5), <https://doi.org/10.1016/j.acalib.2019.102053>
- Statistical Center of Iran, General Population and Housing Censuses, (2016), <https://old.sci.org.ir/>
 - Statistics Center of Iran, General Population and Housing Censuses, 2015 <https://old.sci.org.ir/>
 - Swan, M. (2019). The right social media platform for your library. In N. Verishagen (Ed.), Social media (pp. 35–44), Chandos Publishing.
 - Vállez, M., Vntura, A. (2020). Analysis of the SEO visibility of university libraries and how they impact the web visibility of their universities. The Journal of Academic Librarianship, 46(4) 102171, <https://doi.org/10.1016/j.acalib.2020.102171>
 - Wang C., Huang, R. Jiyuan Li, J., and Chen, J. (2020), towards better information services: A framework for immigrant information needs and library services, Library & Information Science Research, 42(1), <https://doi.org/10.1016/j.lisr.2019.101000>.
 - Wang, P., Chiu, D. K.W., Ho, K K.W., Lo, P. (2016). Why read it on your mobile device? Change in reading habit of electronic magazines for university students. The Journal of Academic Librarianship 42 (2016) 664–669, <http://dx.doi.org/10.1016/j.acalib.2016.08.007>
 - Wang, S. W. (2017). Information civilization and library development trend. Journal of Library Science in China, 43(5), 4–20.
 - Wikipedia, 2024 <https://fa.wikipedia.org/wiki>
 - Wikipedia, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan University of Medical Sciences, Islamic Azad University of Zahedan (1403) <https://fa.wikipedia.org/wiki>
 - Xu, F., & Du, J. T. (2018). Factors influencing user's satisfaction and loyalty to digital libraries in Chinese universities. Computers in Human Behavior, 83, 64–72. DOI:10.1016/j.chb.2018.01.029
 - Yavorska, T., Prihunov, O., & Syerov, Y. (2019). Libraries in Social Networks: Opportunities and Presentations. COAPSN 2019: 242-251. <https://ceur-ws.org/Vol-2392/paper18.pdf>
 - Zarezadeh, Fatemeh, Sharif Moghadam, Hadi, Khosravi, Fariborz, Salami, Maryam. (2017). Studying the status of using social media in the National Library and Records Organization of Iran. Library and Information, 21(3), 28-56., <https://doi.org/10.30481/lis.2018.67101> [in Persian]
 - Zhang, M., Sheu, F. R., Zhang, Y. (2017). Understanding Twitter use by major LIS professional organisations in the United States. Journal of Information Science, 2016, pp. 1-19 the Author(s), <https://doi.org/10.1177/0165551516687701>

نحوه ارجاع به مقاله:

شهبازی، امیرحمزه (۱۴۰۴)، تحلیل دگرگونی جایگاه کاربریهای مکان محور شهری در عصر فضای مجازی؛ نمونه مورد مطالعه: کتابخانه های سه دانشگاه اصلی زاهدان، مطالعات شهری، ۱۴ (۵۵)، ۵۱-۶۲، [10.22034/urbs.2025.143060.5131.51-62](https://doi.org/10.22034/urbs.2025.143060.5131.51-62)

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



اولویت‌بندی مؤلفه‌های ارتقاء حس تعلق به مکان در قرارگاه‌های رفتاری

شهری براساس ادراک ذهنی شهروندان^۱

نمونه مورد مطالعه: ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل

نسرین محمدی ایرلو - دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

روح اله رحیمی^۲ - استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

وحید وزیری - دانشیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۰ آذر ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

چکیده

تغییرات سریع شهرها و رشد بی‌رویه توسعه شهری باعث کاهش ارتباط شهروندان با فضاهای شهری و کاهش حس تعلق به مکان شده است. این پدیده در بسیاری از شهرهای تاریخی که دارای هویت‌های فرهنگی منحصر به فرد هستند، مشهودتر است. با وجود این، برنامه‌ریزی شهری معاصر به‌ندرت به ارتباط عاطفی شهروندان با محیط پیرامون خود پرداخته است. خیابان امام خمینی در اردبیل، به‌عنوان یک فضای شهری با قدمت تاریخی، نمونه‌ای از چنین مکان‌هایی است که نیازمند بازتعریف مؤلفه‌های حس تعلق به مکان و تقویت نقش آن در ایجاد پیوند اجتماعی میان شهروندان است. این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های ارتقای حس تعلق در قرارگاه‌های رفتاری، بر اساس نقشه ذهنی شهروندان در فضاهای شهری انجام شده است. روش پژوهش ترکیبی شامل تحلیل معادلات ساختاری و تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) بوده و همچنین از داده‌های کمی برای دستیابی به این هدف استفاده شده است. داده‌ها از طریق پرسشنامه و مصاحبه با ۳۸۴ شهروند و ۱۵ متخصص معماری و شهرسازی جمع‌آوری شد. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد که مؤلفه‌های قرارگاه رفتاری به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند؛ حفظ هویت و افزایش حس تعلق به مکان، ارتقای حس تعلق به مکان و خوانایی فضاهای شهری با استقرار کاربری‌ها و بنای شاخص و ارتقای تصویر ذهنی از بدنه‌های شهری. با توجه به یافته‌ها، معیار ارتقای حس تعلق به مکان و خوانایی فضاهای شهری با استقرار کاربری‌ها و بنای شاخص بیشترین تأثیرگذاری را در ادراک ذهنی شهروندان داشته است. این نتایج نشان می‌دهد که توجه به ویژگی‌های تاریخی، هویتی و فرهنگی سایت مورد مطالعه، همچنین ایجاد فضاهای منحصر به فرد با الگوهای طراحی مناسب و توجه به نیازهای شهروندان، می‌تواند به افزایش حس تعلق در فضاهای شهری کمک کند. راهکارهایی که با ویژگی‌های بصری و عملکردی فضا، شناخت خواسته‌های شهروندان و قرارگیری عملکردهای مناسب در فضاهای مناسب در ارتباط است، بیشترین تأثیرگذاری را در افزایش حس تعلق میان شهروندان دارند. این راهکارها به ویژگی‌های هویتی و فرهنگی در کالبد فضا اشاره دارند و می‌توانند بهبودی محسوس در تجربه شهروندان از فضاهای شهری ایجاد کنند. این پژوهش با ارائه چارچوبی تحلیلی برای اولویت‌بندی مؤلفه‌های حس تعلق در فضاهای شهری، می‌تواند به برنامه‌ریزان و طراحان شهری کمک کند تا بهبودهای مدنظر شهروندان را در نظر بگیرند و فضاهای شهری را بر اساس نیازهای واقعی ساکنان بهبود بخشند.

واژگان کلیدی: حس تعلق، قرارگاه رفتاری، نقشه ذهنی، فضای شهری، اردبیل.

نکات برجسته

- بررسی نقش قرارگاه‌های رفتاری شهری در ارتقای حس تعلق به مکان.
- ترکیب روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP).
- مطالعه موردی: بدنه غربی خیابان امام خمینی اردبیل.
- شناسایی سه مؤلفه اصلی در قرارگاه‌های رفتاری مؤثر بر نقشه ذهنی شهروندان.
- ارائه راهبردهای اولویت‌بندی شده برای تقویت هویت مکانی و خوانایی فضا.

۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معماری با عنوان "خوانش نقشه ذهنی شهروندان از الگوهای بدنه شهری با رویکرد افزایش حس تعلق مکانی" است که به وسیله نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه مازندران دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: r.rahimi@umz.ac.ir

۱. مقدمه

محيط کالبدی و تأثیرات آن در زندگی روزمره مردم از مسائلی است که در سال‌های اخیر از طرف متخصصان بسیاری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است (Canter, 1977). مناطق شهری با فراهم آوردن زمینه فعالیت‌های اجتماعی، سطح بالایی از دلبستگی را به وجود می‌آورند (Ramkissoon et al., 2012). انسان‌ها در زندگی روزمره خود به طور فعال با محیط در تعامل هستند (Mouratidis & Hassan, 2020). بدنه‌های شهری از عناصر تأثیرگذار بر کیفیت فضاهای شهری محسوب می‌شوند که اصلاح آنها می‌تواند به بالارفتن کیفیت منظر عینی شهر منجر شود. همچنین شهرهای برخوردار از محیط بصری مطلوب قادرند با وسعت بخشیدن به تجربه زیباشناختی شهروندان، موجب ارتقای تصویرذهنی جامعه از خویش شوند (Mouratidis & Hassan, 2020; Mouratidis, 2018; Mouratidis, 2019). صورت معماری، مقدمه‌ای برای درک فضای شهری است (Khatami & Bojari, 2020) و نحوه ارتباط بصری، اجتماعی، احساسی و روانی را با محیط خارج شکل می‌دهد.

(Amjad et al., 2021). نقشه‌های ذهنی به نوبه خود بر روی تصمیم‌گیری و انتخاب فردی تأثیر می‌گذارند و در نهایت رفتار شخص را تعیین می‌کنند. اگر طراحی شهری بتواند محیطی را فراهم آورد که حضور مردم را در فضا افزایش دهد، به تدریج زندگی به فضای شهری بازمی‌گردد (Ghaffari, 2014). احیای فضاهای شهری می‌تواند از طریق استفاده مجدد فشرده و کارآمد از زمین، احیای میراث فرهنگی و احیای محیط طبیعی که منجر به ایجاد جوامع پرجنب و جوش درون شهری جدید می‌شود، مزایای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را فراهم کند (Bottero et al., 2017). احیای فضاهای شهری ابزار مهمی برای حفظ توسعه شهری پایدار و فراگیر است (Wang et al., 2021). در دهه گذشته، ارتقای کیفیت شهرها و ساختن خیابان‌های شهری پرجنب و جوش به موضوع داغ برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. خیابان‌های شهری به عنوان یک جزء ضروری از فضاهای عمومی شهری، نقش مهمی در شکل دهی به شهرها و ارتقای پایداری شهری دارند (Zou et al., 2023). کیفیت خیابان‌ها و فضاهای عمومی به توسعه شخصیت فضاهای شهری کمک می‌کند (Altaema & Hatipoğlu, 2023). در دنیای پرشتاب، همیشه در حال رشد و تکامل امروزی، محققان، برنامه‌ریزان و طراحان شهری باید به طور مداوم رفاه شهری را در پرتو شهرسازی گسترده که شامل فضاهای عمومی سنتی، اشکال مدرن شهری و فناوری‌های هوشمند جدید می‌شود، بررسی کنند (Mehta & Bosson, 2021; Trossman Haifler & Fisher, 2024). هدف از این پژوهش معرفی معیارهای حس تعلق در قرارگاه رفتاری براساس نقشه ذهنی شهروندان در فضاهای شهری و اولویت‌بندی مؤلفه‌های ارتقای حس تعلق در قرارگاه‌های رفتاری براساس نظر شهروندان است. برای رسیدن به این اهداف این سؤالات پاسخ داده می‌شود: کدام معیارهای حس تعلق در قرارگاه رفتاری بر نقشه ذهنی شهروندان تأثیرگذار است؟ رتبه‌بندی معیارهای حس تعلق در قرارگاه‌های رفتاری براساس نقشه ذهنی شهروندان به چه صورت است؟

۲. مبانی نظری

۲.۱. حس تعلق

حس تعلق به مکان، رایج‌ترین اصطلاحی است که برای اشاره به «ارتباط عاطفی عمیق مردم با یک مکان» به کار می‌رود (kim, 2021). تعلق به مکان به عنوان پیوند یا ارتباط عاطفی مثبت بین افراد و محیط تعریف می‌شود. این حس رابطه‌ای تنگاتنگ با فضاهای شهری دارد و به ایجاد باورها و نیات مثبت برای تعامل با محیط فیزیکی کمک می‌کند (Moulay & Ujang, 2021). حس مکان، برای افراد احساسی از امنیت، لذت و هویت‌سازی ایجاد کرده و تعلق آنها نسبت به مکان را تقویت می‌کند (Moulay et al., 2018). از دیدگاه پدیدارشناسان، حس مکان عاملی مهم در شکل‌گیری ادراک عاطفی، امنیت و رضایت روانی افراد از محیط است (Relph, 1976). این حس مکانی، با افزایش حس تعلق افراد به مکان، منجر به گسترش عمق ارتباط و تعامل فرد با محیط می‌شود (Ibid). در روان‌شناسی محیطی نیز، این مفهوم بر پایه روابط شناختی و عاطفی فرد با محیط فیزیکی و اجتماعی تحلیل می‌شود که نتیجه این دلبستگی عاطفی و احساس علاقه و پیوند با مکان است (Hanks et al., 2020).

۲.۲. قرارگاه رفتاری

در جامعه امروزی، مردم فضاهای مشترکی را ایجاد می‌کنند که افراد بیشتری می‌توانند بر اساس سبک زندگی و روش‌های یادگیری خود در آن حضور یابند و با یکدیگر تعامل داشته باشند. این نوع فضاها که به «قرارگاه‌های رفتاری» معروفند، نیازهای افراد برای مشارکت و تعامل عمومی را حتی به صورت بداهه و غیررسمی برطرف می‌سازند (He & Gyergyak, 2021). فضای عمومی شهری، به عنوان فضایی متعلق به همه مردم، بستری برای ارتباط متقابل و هدف مشترک کوتاه‌مدت است (Sequeira, 2017; He & Gyergyak, 2021). بر اساس نظریه برنامه‌ریزی مدرن شهری، خیابان‌ها نه تنها به عنوان مسیر عبور بلکه به عنوان عناصر فعال در فضای عمومی و تعامل اجتماعی شناخته می‌شوند (Zou et al., 2023). حس تعلق، احساسی درونی و فردی است که در طراحی شهری به صورت کالبدی تجلی می‌یابد (Ananahad et al., 2019). ایجاد فضاهای باز شهری، سبک زندگی شهروندان را تغییر داده و درعین حال، هماهنگی میان جامعه و طبیعت را ارتقا بخشیده است (Yang & Kang, 2022). در فضاهای عمومی شهری، هماهنگی میان صداها و تصاویر بصری می‌تواند بر درک کیفیت محیط اثرگذار باشد. ویژگی‌های کالبدی و بصری مانند چیدمان فضایی، فرم، تناسب، محصوریت و عوامل زیبایی‌شناختی و اقلیمی، همگی از عوامل مؤثر در ایجاد حس تعلق هستند. همچنین بین تصویر ذهنی شهروندان و حس تعلق، رابطه‌ای معنادار وجود دارد و بعد «تصاویر ذهنی معنایی» بیشترین تأثیر را بر حس تعلق دارد (Balali Oskoyi et al., 2019). از منظر هولندر و اندرسون، کیفیت نماهای شهری بر ادراک و احساس شهروندان تأثیر بسزایی دارد (Hollander & Anderson, 2020). نسبت عرض به ارتفاع خیابان، تراکم عناصر تاریخی در نما و توسعه متناسب محیط ساخته‌شده، همگی در ارتقای خوانایی خیابان مؤثرند (Jacobs, 2010; Keeble, 1969; Zou et al., 2023).

۲.۳. نقشه ذهنی

نقشه ذهنی، بازتابی از ادراکات شناختی و عاطفی افراد از فضای شهری است. این نقشه‌ها عناصر مهمی چون مسیرها، لبه‌ها، نواحی، گره‌ها و نشانه‌ها را به شکل ذهنی یا ترسیمی نمایان می‌سازند. نبود ویژگی یا به عبارتی یک نشانه در ذهن ساکنان، شخص سازی را ضعیف می‌کند. وابستگی و حس امنیت در افراد با نشانه‌های منحصر به فضا، قدرت می‌یابد (Ebrahimnia et al., 2022). همان‌گونه که جین جیکوبز اشاره می‌کند، زمانی که به یک شهر فکر می‌کنیم، خیابان نخستین عنصری است که به ذهن می‌رسد. وقتی خیابان‌ها سرزنده‌اند، شهر نیز پویاست (Zou et al., 2023; Jacobs, 2010). از زمانی که یوشینوبو آشیهارا انسان‌گرایی و افکار زیبایی شناختی را مطرح کرد، تجربیات و احساسات عابران پیاده در فضای خیابان به تدریج به اجزای اصلی برنامه‌ریزی و طراحی خیابان تبدیل شد (Ashihara, 1986). در مورد «سازماندهی فضا» به عنوان یکی از متغیرهای مستقل فیزیکی، عواملی مانند ساختار و هندسه فضایی، مسیرها، حوزه بندی فضاها و منسجم شدن نقشه شناختی ایجاد شده در ذهن افراد، استفاده از عناصر نشانه ای برای کمک به ساختن تصویر ذهنی، نقشی مهم و اساسی در ایجاد رضایتمندی از محیط را ایفا می‌کنند (Rahimi & Razani, 2022). خیابان‌های مناطق تاریخی، به عنوان خاطره‌های فرهنگی، با محیط اطراف خود تعامل دارند و روح فرهنگی خاصی به آنها می‌بخشند. این ویژگی‌ها، در قالب نقشه‌های ذهنی شهروندان، ادراک محیط را شکل می‌دهند و به رفتارهای فضایی آنها جهت می‌بخشند (Zou et al., 2023; Chen, 2006).

فرم یک ساختمان یا محیط نخستین چیزی است که در ذهن انسان ثبت می‌شود. در واقع، ابتدا، ما با ظاهر یک ساختمان ارتباط برقرار می‌کنیم و سپس تأثیرات معنوی آن ساختمان، احساسات مثبت یا منفی نسبت به آن مکان ایجاد می‌کند (Rahimi & Ansari, 2020). مؤلفه‌های کالبد ساختمان‌ها در ایجاد حس تعلق نقش دارند. فرم، اجزای نما و مصالح، از جمله مهم‌ترین عواملند. همچنین خاطره‌انگیزی، خوانایی، آرامش و آسایش اقلیمی در افزایش تأثیر طبیعت موجود در نما بر حس تعلق تأثیرگذار است (Amjad et al., 2021). با ارتقای مؤلفه‌هایی مانند نظم، وحدت، تعادل، تناسب، نسبت و مقیاس، هماهنگی، ریتم، پیوستگی و تداوم می‌توان زیبایی را در بدنه‌های شهری افزایش داد (Esmaili et al., 2020). یک خیابان پر جنب و جوش جایی است که افراد زیادی در یک سری فعالیت‌های ثابت یا مستمر، به ویژه فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند (Zou et al., 2023; Mehta, 2007). تبدیل خیابان‌ها در مناطق تاریخی به خیابان‌های پیاده‌گرا به احتمال زیاد پتانسیل آنها را برای فعال کردن سرزندگی شهری به عنوان منابع تاریخی تحریک می‌کند. این یافته‌ها به طراحان و برنامه‌ریزان شهری کمک می‌کند تا راهبردهای برنامه‌ریزی نوسازی بهتری را برای توسعه پایدار و نوسازی و احیای مناطق تاریخی توسعه دهند. تنوع در هنرهای خیابانی موجب ایجاد فضای شهری پویا و سرزنده می‌شود. همچنین با جذب شهروندان به این فضاهای عمومی سبب افزایش تعاملات اجتماعی میان آنان می‌شود (Zou et al., 2023).

مطالعات متعددی به بررسی پیوند بین طراحی شهری و حس مکان

پرداخته‌اند. پژوهش‌هایی نظیر (Ramkissoo (2012 و Relph (1976 بر نقش نشانه‌های فرهنگی و بصری تأکید داشته‌اند. فرهنگ، از دیدگاه رایاپورت، نه تنها بر تصاویر ذهنی ایجاد شده در ذهن افراد مؤثر است، بلکه نمونه‌های ارائه شده برای مؤلفه‌های فرهنگی نشان می‌دهد که شیوه زندگی، روابط اجتماعی، آداب و رسوم و باورها، می‌توانند بخشی از عوامل کالبدی و ادراکی-روان شناختی تصاویر ذهنی باشند. بر این اساس، افراد بر پایه این تصاویر ذهنی، محیط پیرامون خود را شکل می‌دهند. بنابراین، تصاویر ذهنی شکل گرفته در ذهن افراد، نقشی تأثیرگذار در شکل‌گیری محیط دارند (Shafipour Yourdshahi, 2023). مطالعات (Zou et al., 2023) و (Yang & Kang (2022 نشان داده‌اند که خوانایی فضایی و کیفیت بصری نقش مستقیمی در ایجاد تصویر ذهنی مثبت دارند. در ایران، تحقیقات محدودی بر تحلیل نقشه ذهنی و مشارکت شهروندان تمرکز کرده‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکردی ترکیبی (کمی-کیفی) در تحلیل حس تعلق به مکان در فضاهای شهری، دارای نوآوری‌های روش شناختی و محتوایی بارزی است. برخلاف اغلب مطالعات پیشین که صرفاً به ارزیابی شاخص‌های کالبدی با رویکرد کمی بسنده کرده‌اند، این پژوهش با تلفیق مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) و تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) چارچوبی چندبعدی و تصمیم‌محور برای درک تجربه شهری ارائه می‌دهد. طراحی پرسشنامه محقق ساخته در این مطالعه، بر پایه نظریه‌های کلاسیک و معاصر شکل گرفته و پس از تأیید روایی و پایایی، ساختار مفهومی سه‌بعدی آن با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی تثبیت شده است؛ امری که به لحاظ دقت ابزاری، این پژوهش را از بسیاری از مطالعات مشابه متمایز می‌سازد. استفاده از روش AHP پس از تحلیل‌های کمی، امکان اولویت بندی راهبردی مؤلفه‌ها را فراهم کرده است. این تلفیق از داده‌ها، الگویی اجرایی برای تصمیم‌سازی در پروژه‌های شهری ارائه می‌دهد که فراتر از تحلیل‌های صرف آماری یا نظری است. همچنین تمرکز بر خیابانی با ارزش تاریخی خاص در بستر شهری واقعی به عنوان داده‌های فعال، این امکان را فراهم کرده تا ادراک زیسته مخاطبان به طور مستقیم وارد فرآیند برنامه‌ریزی شهری شود. مدل نهایی ارائه شده در این تحقیق، نه تنها از منظر نظری واجد نوآوری است، بلکه به واسطه قابلیت کاربرد در طراحی و بازآفرینی خیابان‌های تاریخی، از ارزش اجرایی بالایی برخوردار است.

۳. روش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. روش تحقیق به صورت ترکیبی طراحی شده و شامل داده‌های کمی است. در این پژوهش از ابزارها و روش‌های متفاوت شامل پرسشنامه، تحلیل معادلات ساختاری، تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل سلسله‌مراتبی برای رسیدن به هدف اصلی پژوهش استفاده شده است. در قدم نخست برای بررسی روابط میان متغیرهای پژوهش، از روش معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است. در این بخش، پرسشنامه‌ای محقق ساخته با اتکا بر مرور نظام‌مند منابع نظری و تحلیل پیشینه پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی طراحی شد که متغیرهای مستقل و وابسته، شامل مؤلفه‌های حس تعلق به مکان (در سه بخش کالبدی، ادراکی شناخت و فعالیت)، مؤلفه‌های

پرسشنامه تحلیل سلسله مراتبی برای رتبه بندی مؤلفه‌های استخراج شده، تدوین و میان ۱۵ نفر از متخصصان معماری و شهرسازی توزیع شد. برای اولویت بندی مؤلفه‌ها و زیرمعیارهای شناسایی شده، از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استفاده شد. در این مرحله، معیارها و زیرمعیارها از طریق مقایسات زوجی ارزیابی شدند. داده‌های این بخش با استفاده از نظرات متخصصان و نرم افزار Expert Choice تحلیل شد. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برای مقایسات زوجی کمتر از ۰/۱ بود که نشان دهنده سازگاری قابل قبول مقایسات است. این روش ترکیبی امکان بررسی عمیق روابط بین متغیرها و همچنین تعیین اولویت معیارها براساس اهمیت آنها از دیدگاه شهروندان و متخصصان را فراهم کرده است. نمودار شماره ۱ روش انجام پژوهش را نشان می دهد.



نمودار شماره ۱: روش انجام پژوهش

۳/۱. محدوده مورد مطالعه

نمونه مورد مطالعه بدنه ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل (حداقل شریعتی تا چهارراه امام خمینی) است که اصلی ترین و با قدمت ترین خیابان این شهر بوده و با توجه به این که این نمونه موردی از گذشته تا به امروز دارای قابلیت های محیطی و شخصیت کالبدی است که در تصویر ذهنی شهروندان اثر گذاشته، همچنین موقعیت قرارگیری این خیابان در بستر شهر و ارتباطی که با محیط و فضاهای شهری پیرامون خود دارد، کاربری ها و عملکردهایی که در این بستر انجام می شود، سبب ایجاد حس مکان و تصویر ذهنی می شود. عملکردهای موجود در این بدنه از طریق تعامل با شهروندان می تواند در میان افراد خصوصاً نسل جوان تأثیرگذار باشد. یکی از بارزترین خصوصیات این خیابان این است که از اجزای اصلی تشکیل دهنده بافت شهری است و باعث ایجاد انسجام فضایی در شهر می شود که باید دارای ویژگی منحصر به فردی باشد تا در ایجاد تصویر ذهنی متمایز از دیگر فضاها باشد. بنابراین شناخت رابطه بین حس تعلق به مکان و تصویر ذهنی در بدنه های شهری سبب ارتقا و درک مؤلفه های تأثیرگذار در یک بدنه شهری و تقویت فضای شهری به منظور ایجاد حس تعلق و تصویر ذهنی شهروندان است. تصویر شماره ۱ موقعیت نمونه مورد مطالعه را نشان می دهد.

۴. یافته ها

در این بخش ابتدا با معادلات ساختاری، داده های پرسشنامه بررسی و روابط بین متغیرها تحلیل و سپس با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، مؤلفه های مستخرج از معادلات ساختاری تعیین و اولویت بندی می شود.

۴/۱. تحلیل عاملی تأییدی سازه های پرسشنامه

پیش از تحلیل مسیر مدل مفهومی با نرم افزار AMOS، سئوالات پرسشنامه باید از نظر قابلیت برازش مدل ارزیابی شوند. در تحلیل عاملی تأییدی، پژوهشگر بررسی می کند که آیا داده ها با ساختار عاملی مفروض هماهنگ هستند و روایی شاخص های یک سازه را می سنجد تا اطمینان حاصل شود پرسشنامه متغیر مورد نظر را به درستی اندازه گیری می کند. این تحلیل، برازش مدل شامل سئوالاتی مرتبط با متغیرها را ارزیابی کرده و مشخص می کند که سئوالات توانسته اند متغیر مکنون را به خوبی بسنجند. برای سنجش بهتر برازش مدل، شش شاخص اصلی شامل کای اسکور/درجه آزادی، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد، برازش هنجار شده، شاخص برازش مقایسه ای، شاخص برازش فزاینده و شاخص نیکویی برازش در تحقیق استفاده شده است. در خلال تحقیق جدول شماره ۱ آورده شده است.

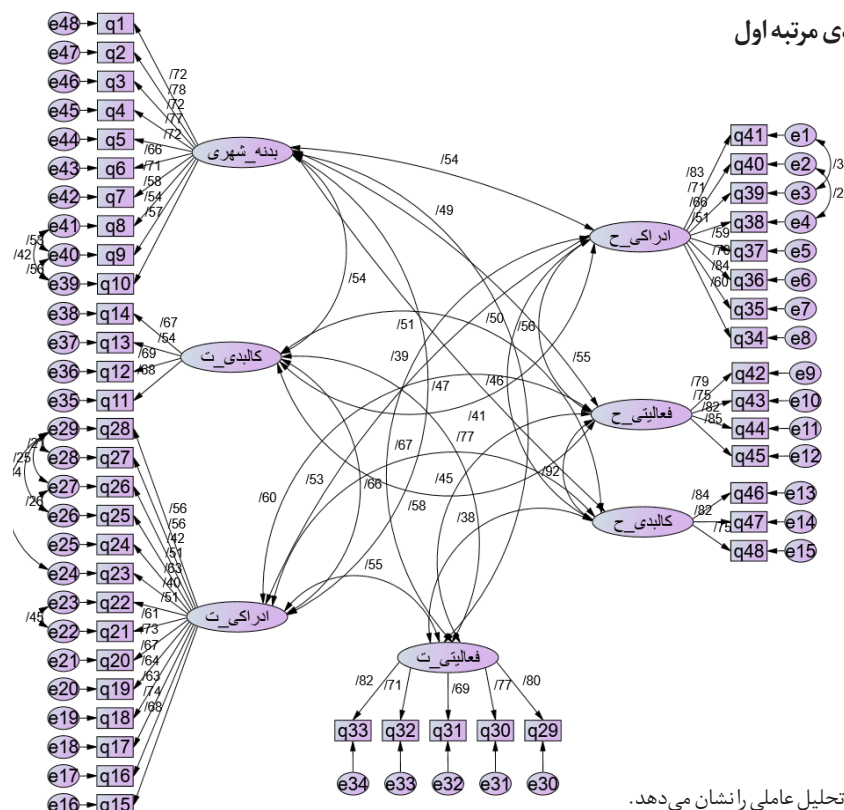


تصویر شماره ۱: موقعیت نمونه مورد مطالعه

جدول شماره ۱: شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های بررسی شده	نماد لاتین	میزان استاندارد
کای اسکوتر/درجه آزادی	(x2 / df)	کمتر از ۳
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	(RMSEA)	کمتر از ۰/۰۸
برآزش هنجار شده	(NFI)	بیشتر از ۰/۹
برآزش مقایسه‌ای	(CFI)	بیشتر از ۰/۹
برآزش فزاینده	(IFI)	بیشتر از ۰/۹
نیکویی برازش	(GFI)	بیشتر از ۰/۸
		اترادی و فروهمند (۱۹۹۶)

۴/۲. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول



نمودار شماره ۲ مدل مرتبه اول تحلیل عاملی را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۲: بارهای عاملی استاندارد شده مدل تحلیل عاملی مرتبه اول

۴.۳. شاخص‌های برازش مدل

است تا شاخص‌های برازش مدل در حد قابل قبول قرار گیرد. در جدول شماره ۲ شاخص‌های مورد استفاده به همراه مقادیر آن آمده است.

به منظور تأیید مدل تحلیل عاملی و مستند بودن نتایج حاصله لازم

جدول شماره ۲: شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی مرتبه اول

شاخص‌های بررسی شده	نماد لاتین	میزان استاندارد	مقدار برآورد شده
کای اسکوتر/درجه آزادی	(x2 / df)	کمتر از ۳	۲/۸۵۰
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	(RMSEA)	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۷۳
برازش مقایسه‌ای	(CFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲
برازش فزاینده	(IFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲
نیکویی برازش	(GFI)	بیشتر از ۰/۸	۰/۸۵

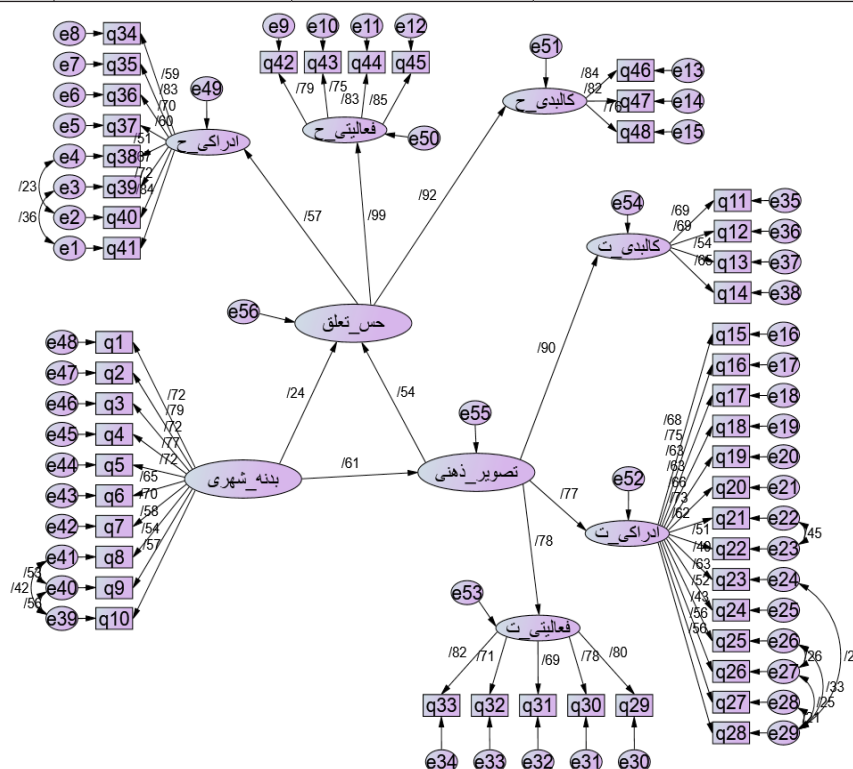
۴.۴. تجزیه و تحلیل فرضیات پژوهش

پس از بررسی مناسبت ابزار اندازه‌گیری با تکنیک تحلیل عاملی تأییدی و بررسی نرمالیتی داده‌ها، در این بخش از تحقیق با استفاده از تحلیل مسیر به بررسی فرضیات مطرح شده پرداخته شد. مدل سازی معادلات ساختاری یکی از روش‌های پیچیده آماری است که این امکان را ایجاد نموده که بتوان تأثیر همزمان چند متغیر بر یکدیگر را بررسی نمود. قبل از تأیید روابط ساختاری باید از مناسب بودن و برازش مطلوب اطمینان حاصل نمود. همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، در مدل پژوهش مقدار کای دو به درجه آزادی ۲،۹۲۰ و کوچک‌تر از ۳ است. همچنین مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۷۴ و کمتر از ۰/۰۸ است. همچنین شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازندگی افزایشی (IFI) به ترتیب برابر با ۰/۹۲، ۰/۸۴، ۰/۹۲ بوده و همگی در حد بسیار مطلوب قرار دارند، پس مدل برازش خوبی را نشان داده و مورد تأیید است.

همان‌طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، در مدل تحلیل عاملی مقدار کای دو به درجه آزادی ۲،۸۵۰ و کمتر از ۳ است. همچنین مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۷۳ و کمتر از ۰/۰۸ است. همچنین شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازندگی افزایشی (IFI) و شاخص نیکویی برازش (GFI) همگی در حد مناسبی محاسبه شده است؛ بنابراین در حالت کلی و با توجه به شاخص‌های محاسبه شده می‌توان برازش مطلوب مدل را نتیجه گرفت. نتیجه: تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که میزان بارعاملی بین سئوال‌ات پرسشنامه و متغیرهای مکنون مربوط به خود به لحاظ آماری معنادار بوده و نیاز به حذف یا تغییر در سئوال‌ات پرسشنامه وجود ندارد. همچنین نتایج شاخص‌های برازش مدل و همچنین مقدار آلفای کرونباخ در سطح مطلوب و قابل استنادی قرار دارد؛ بنابراین با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده و با احتمال ۹۵ درصد می‌توان اظهار نظر کرد که سئوال‌ات پرسشنامه در واقع همان چیزی را می‌سنجد که مدنظر ماست.

جدول شماره ۳: نتایج شاخص‌های برازش مدل مفهومی پژوهش

x2 / df < 3	RMSEA < 0.08	CFI > 0.9	IFI > 0.9	GFI > 0.8
۲/۹۲۰	۰/۰۷۴	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۸۴



نمودار شماره ۳: مدل تحقیق در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده (بررسی فرضیه‌های اصلی)

همانطور که در نمودار شماره ۳ مدل تحقیق در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده نمایش داده شده است، فرضیه های اصلی مورد بررسی قرار گرفت.

فرضیه اول: بدنه شهری تأثیر معناداری بر تصویر ذهنی دارد

جدول شماره ۴: نتایج حاصل از بررسی تأثیر بدنه شهری بر تصویر ذهنی

فرضیه اول	مقدار بحرانی (CR)	سطح معناداری	ضریب مسیر استاندارد	نتیجه
بدنه شهری → تصویر ذهنی	۷/۲۳۷	۰/۰۰۰	۰/۶۱۱	تأیید شد

دست آمده است می توان گفت که با افزایش یک انحراف استاندارد در بدنه شهری شاهد افزایش در تصویر ذهنی به اندازه ۰/۶۱۱ انحراف استاندارد خواهیم بود؛ بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر بین دو متغیر یادشده رد می شود و فرض یک مبنی بر وجود اثرگذاری بدنه شهری بر تصویر ذهنی پذیرفته می شود.

فرضیه دوم: بدنه شهری تأثیر معناداری بر حس تعلق به مکان دارد

همان طور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می کنید، مقدار آماره بحرانی (CR) بین بدنه شهری و تصویر ذهنی از حد مرزی ۱/۹۶ بیشتر شده و همچنین سطح معناداری آزمون در این خصوص برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است؛ بنابراین می توان اظهار نظر کرد که وجود تأثیر بدنه شهری بر تصویر ذهنی با احتمال ۹۵ درصد تأیید می شود. چون ضریب مسیر استاندارد بین این دو متغیر مثبت و برابر ۰/۶۱۱ به

جدول شماره ۵: نتایج حاصل از بررسی تأثیر بدنه شهری بر حس تعلق

فرضیه دوم	مقدار بحرانی (CR)	سطح معناداری	ضریب مسیر استاندارد	نتیجه
بدنه شهری → حس تعلق به مکان	۳/۳۴۹	۰/۰۰۰	۰/۲۴۰	تأیید شد

آمده است می توان گفت که با افزایش یک انحراف استاندارد در بدنه شهری، حس تعلق به اندازه ۰/۲۴۰ انحراف استاندارد افزایش می یابد؛ بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر بین دو متغیر یادشده رد و فرض یک مبنی بر وجود اثرگذاری بدنه شهری بر حس تعلق پذیرفته می شود. **فرضیه سوم: تصویر ذهنی تأثیر معناداری بر حس تعلق به مکان دارد.**

همان طور که در جدول شماره ۵ ملاحظه می شود، مقدار آماره بحرانی (CR) بین بدنه شهری و حس تعلق از حد مرزی ۱/۹۶ بیشتر شده و همچنین سطح معناداری آزمون در این خصوص برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است؛ بنابراین می توان اظهار نظر کرد که وجود تأثیر بدنه شهری بر حس تعلق با احتمال ۹۵ درصد تأیید می شود. چون ضریب مسیر استاندارد بین این دو متغیر مثبت و برابر ۰/۲۴۰ به دست

جدول شماره ۶: نتایج حاصل از بررسی تأثیر تصویر ذهنی بر حس تعلق

فرضیه سوم	مقدار بحرانی (CR)	سطح معناداری	ضریب مسیر استاندارد	نتیجه
تصویر ذهنی → حس تعلق به مکان	۵/۶۹۲	۰/۰۰۰	۰/۵۳۶	تأیید شد

منظور از روش بارون و کنی استفاده شده است. برای بررسی اثرات غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته، از آزمون بارون و کنی، برقراری شروط زیر ضروری است.

۱- شرط اول این است که متغیر مستقل با متغیر وابسته رابطه معنادار داشته باشد (نمودار شماره ۴).

۲- شرط دوم این است که معناداری رابطه بین متغیرهای مستقل و واسط تأیید شود.

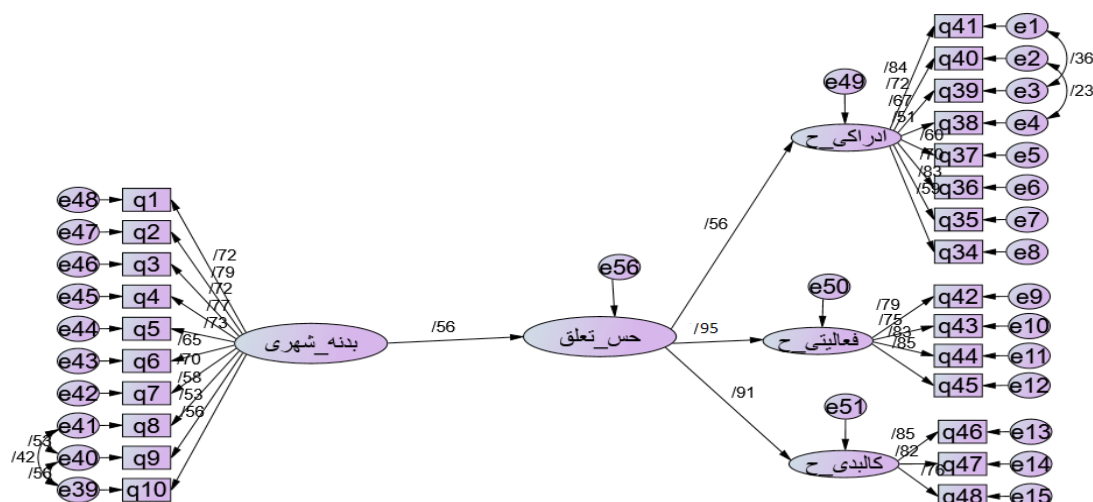
۳- شرط سوم نیز تأیید معناداری رابطه بین متغیر واسط و وابسته است.

۴- شرط چهارم این است که وقتی متغیر میانجی گر وارد معادلات رگرسیونی می شود، رابطه بین متغیر مستقل و وابسته غیرمعنادار شود که در این حالت متغیر مورد نظر، میانجی گر کامل است و یا این که این رابطه در حضور متغیر میانجی گر کاهش یابد (حداقل ۰/۱۰) ولی همچنان معنادار باقی بماند که در این حالت نقش متغیر میانجی گر، جزئی خواهد بود (شهریار عزیزی، ۱۳۹۲).

همان طور که در جدول شماره ۶ ملاحظه می شود، مقدار آماره بحرانی (CR) بین تصویر ذهنی و حس تعلق به مکان از حد مرزی ۱/۹۶ بیشتر شده و همچنین سطح معناداری آزمون در این خصوص برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است؛ بنابراین می توان اظهار نظر کرد که وجود تأثیر تصویر ذهنی بر حس تعلق با احتمال ۹۵ درصد تأیید می شود. چون ضریب مسیر استاندارد بین این دو متغیر مثبت و برابر ۰/۵۳۶ به دست آمده است می توان گفت که با افزایش یک انحراف استاندارد در تصویر ذهنی شاهد افزایش در حس تعلق به مکان به اندازه ۰/۵۳۶ انحراف استاندارد خواهیم بود؛ بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر بین دو متغیر یادشده رد می شود و فرض یک مبنی بر وجود اثرگذاری تصویر ذهنی بر حس تعلق پذیرفته می شود.

فرضیه چهارم: بدنه شهری بر حس تعلق به مکان با توجه به نقش میانجی تصویر ذهنی تأثیر معناداری دارد

به منظور بررسی نقش میانجی گری تصویر ذهنی بین متغیر مستقل (بدنه شهری) و وابسته (حس تعلق به مکان) از آزمون بارون و کنی استفاده شده است. با توجه به مدل مفهومی پژوهش می توان علاوه بر رابطه مستقیم بدنه شهری بر حس تعلق به مکان، رابطه غیرمستقیم آن به وسیله متغیر میانجی تصویر ذهنی را نیز به دست آورد. به همین



نمودار شماره ۴: ضریب مسیر استاندارد شده بین بدنه شهری و حس تعلق به مکان بدون دخالت متغیر میانجی (شرط اول)

(شرط اول)

در ادامه مؤلفه‌های استخراج شده از تحلیل عاملی نمودار شماره ۵ با استفاده از نظرنمایش‌مندان رتبه بندی و وزن دهی می‌شود.



نمودار شماره ۵: مؤلفه‌های استخراج شده از تحلیل عاملی

وزن پارامترها از یک ماتریس مقایسه زوجی است. در این روش، معیارها و زیرمعیارها دو به دو با یکدیگر مقایسه می‌شوند و درجه اهمیت هر معیار، نسبت به دیگری مشخص می‌شود. برای این کار، می‌توان از یک روش استاندارد ارائه شده توسط ساعتی استفاده کرد. روش کار به این ترتیب است که به هر مقایسه دودویی، یک عدد از ۱ تا ۹ نسبت داده می‌شود. در جدول شماره ۱ معنی هر عدد مشخص شده است. بعد از تعیین ضرایب اهمیت معیارها و زیرمعیارها، ضریب اهمیت گزینه‌ها را باید تعیین کرد. در این مرحله، ارجحیت هر یک از گزینه‌ها در ارتباط با هر یک از زیرمعیارها و اگر معیاری، زیرمعیار نداشته باشد، مستقیماً با خود آن معیار، مورد قضاوت و داوری قرار می‌گیرد.

۴.۵. مؤلفه‌های استخراج شده فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) فرایند تحلیل سلسله مراتبی یکی از جامع‌ترین سیستم‌های طراحی شده برای تصمیم‌گیری‌های چند معیاره است که به وسیله توماس ال ساعتی در سال ۱۹۸۰ مطرح شد (ساعتی، ۱۹۸۰). هدف استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی، شناسایی گزینه‌های مرجح و همچنین تعیین رتبه گزینه‌ها با در نظر گرفتن همزمان کلیه معیارهای تصمیم‌گیری است. از نظر آقای ساعتی برای محاسبه ضریب اهمیت (وزن) معیارها و زیرمعیارها، چند روش وجود دارد که شامل روش حداقل مربعات، روش حداقل مربعات لگاریتمی، روش بردار ویژه و روش‌های تفریقی است. روش بردار ویژه روشی متداول در رسیدن به

جدول شماره ۷: طیف نه تایی عبارات کلامی روش AHP

ارزش ترجیحی	وضعیت مقایسه نسبت به j	توضیح
۱	اهمیت برابر	گزینه یا شاخص نسبت به اهمیت برابر دارند.
۳	نسبتاً مهمتر	گزینه یا شاخص نسبت به کمی مهمتر است.
۵	مهمتر	گزینه یا شاخص نسبت به مهمتر است.
۷	خیلی مهمتر	گزینه یا شاخص دارای ارجحیت خیلی بیشتری از جاست.
۹	کاملاً مهم	گزینه یا شاخص مطلقاً از مهمتر و قابل مقایسه با نیست.
۲ و ۶ و ۴ و ۸ و ۱۰		ارزش های میانی بین ارزش های ترجیحی را نشان می دهد

۴٫۶. تعیین ضریب اهمیت معیارها و زیرمعیارها

داده شده، بر اساس اهمیت معیار ردیف افقی نسبت به معیار ردیف عمودی اند که توسط ۱۵ خبره با توجه به مقادیر جدول شماره ۷ و بر اساس معیار ساعتی تعیین شده، سپس با روش میانگین هندسی ادغام شده است.

برای تعیین وزن عوامل، ابتدا مقایسات زوجی معیارها و سپس مقایسه زوجی زیرمعیارها تشکیل می شود. به عنوان مثال در جدول شماره ۳ مقایسه زوجی معیارهای اصلی آورده شده است. اعداد نمایش

جدول شماره ۸: مقایسه زوجی معیارهای اصلی

ارتقای تصویر ذهنی از بدنه های شهری	ارتقای حس تعلق به مکان و خوانایی فضاهای شهری با حفظ کاربری ها و بناهای شاخص در سایت مورد مطالعه	حفظ هویت و افزایش حس تعلق به مکان در فضاهای شهری با شناسایی پتانسیل ها و ویژگی های سایت
۲٫۲۱۹	۰٫۷۳۶	حفظ هویت و افزایش حس تعلق به مکان در فضاهای شهری با شناسایی پتانسیل ها و ویژگی های سایت
۲٫۲۷۷		ارتقای حس تعلق به مکان و خوانایی فضاهای شهری با حفظ کاربری ها و بناهای شاخص در سایت مورد مطالعه
		ارتقای تصویر ذهنی از بدنه های شهری

افزایش حس تعلق به مکان در فضاهای شهری با شناسایی پتانسیل ها و ویژگی های سایت) با وزن ۰٫۳۶۶ رتبه دوم و معیار C (ارتقای تصویر ذهنی از بدنه های شهری) با وزن ۰٫۱۸۱ رتبه سوم را کسب کرده است. نرخ ناسازگاری این مقایسه زوجی برابر با ۰٫۰۰۸ است و چون کمتر از ۰٫۱ است، نشان از سازگاری قابل قبول این مقایسه زوجی دارد.

به منظور استخراج وزن از ماتریس مقایسه زوجی جدول شماره ۸، ابتدا مدل در نرم افزار ExpertChoice رسم و سپس مقایسات زوجی وارد نرم افزار شد که نتیجه نهایی وزن معیارهای اصلی در نمودار شماره ۶ آورده شده است که نتایج نشان می دهد معیار B (ارتقای حس تعلق به مکان و خوانایی فضاهای شهری با حفظ کاربری ها و بناهای شاخص در سایت مورد مطالعه) با وزن ۰٫۴۵۳ رتبه اول، معیار A (حفظ هویت و

Priorities with respect to:
Goal: goal



نمودار شماره ۶: وزن نسبی معیارها

۰٫۱ رتبه سوم را کسب کرده است. در بین زیرمعیارهای ارتقای حس تعلق به مکان و خوانایی فضاهای شهری با حفظ کاربری ها و بناهای شاخص در سایت مورد مطالعه، زیرمعیار منحصر به فردی عملکردی فضا با وزن ۰٫۵۹۶ رتبه اول و تمایز بصری فضا با وزن ۰٫۴۰۴ رتبه دوم را کسب کرده است. در بین زیرمعیارهای ارتقای تصویر ذهنی از بدنه های شهری، زیرمعیار ارتقای کیفیت بدنه های شهری با وزن ۰٫۲۰۸ رتبه اول را کسب کرده است. زیرمعیار زمان بندی حسی مکان با وزن ۰٫۱۹۱ رتبه دوم و زیرمعیار جانمایی نشانه های شهری در قالب یک نقشه ادراکی به هم پیوسته با وزن ۰٫۱۸۶ رتبه سوم را کسب کرده است.

به طریق مشابه مقایسات زوجی برای زیرمعیارها نیز صورت می گیرد و برای محاسبه وزن وارد نرم افزار اکسپرت چویس شدند که نتایج در جدول شماره ۹ تا جدول شماره ۱۲ آورده شده است. بر اساس این اوزان می توان زیرمعیارها را در هر دسته رتبه بندی کرد. بر این اساس در بین زیرمعیارهای حفظ هویت و افزایش حس تعلق به مکان در فضاهای شهری با شناسایی پتانسیل ها و ویژگی های سایت، زیرمعیار شناسایی خواسته های شهروندان و به کاربردن آن در طرحی با وزن ۰٫۵۱۵ رتبه اول را کسب کرده است. زیرمعیار منحصر به فردی فضا از لحاظ عملکرد و غنای بصری با وزن ۰٫۳۸۵ رتبه دوم و زیرمعیار سکناس بندی با وزن

جدول شماره ۹: مقایسه زوجی و وزن زیرمعیارهای حفظ هویت و افزایش حس تعلق به مکان در فضاهای شهری با شناسایی پتانسیل‌ها و ویژگی‌های سایت (نرخ ناسازگاری: ۰,۰۰۷)

وزن	سکانس بندی	منحصر به فردی فضا از لحاظ عملکرد و غنای بصری	شناسایی خواسته‌های شهروندان و به کار بردن آن در طراحی
۰,۵۱۵	۵,۶۰۸	۱,۲۲۸	شناسایی خواسته‌های شهروندان و به کار بردن آن در طراحی
۰,۳۸۵	۳,۵۱۸		منحصر به فردی فضا از لحاظ عملکرد و غنای بصری
۰,۱			سکانس بندی

جدول شماره ۱۰: مقایسه زوجی و وزن زیرمعیارهای ارتقای حس تعلق به مکان و خوانایی فضاهای شهری با حفظ کاربری‌ها و بناهای شاخص در سایت مورد مطالعه (نرخ ناسازگاری: ۰,۰۰۰)

وزن	منحصر به فردی عملکردی فضا	تمایز بصری فضا
۰,۴۰۴	۰,۶۷۷	تمایز بصری فضا
۰,۵۹۶		منحصر به فردی عملکردی فضا

جدول شماره ۱۱: مقایسه زوجی و وزن زیرمعیارهای ارتقای تصویر ذهنی از بدنه‌های شهری (نرخ ناسازگاری: ۰,۰۱)

وزن	جانمایی نشانه‌های شهری در قالب یک نقشه ادراکی به هم پیوسته	تناسب و همخوانی داشتن سایت برای طراحی یک پاتوق شهری به عنوان نشانه‌ی شهری	توجه به اقلیم و بوم منطقه در طراحی	نمادهای حسی	زمان بندی حسی مکان	ارتقای کیفیت بدنه‌های شهری
۰,۲۰۸	۰,۹۶۰	۱,۱۲۸	۱,۳۶۱	۱,۹۳۶	۱,۵۶۰	ارتقای کیفیت بدنه‌های شهری
۰,۱۹۱	۱,۳۷۵	۱,۳۷۴	۰,۹۷۴	۲,۰۶۸		زمان بندی حسی مکان
۰,۰۹۹	۰,۵۳۹	۰,۶۱۸	۰,۶۵۱			نمادهای حسی
۰,۱۴۸	۰,۶۹۷	۰,۷۰۴				توجه به اقلیم و بوم منطقه در طراحی
۰,۱۶۹	۰,۸۷۸					تناسب و همخوانی داشتن سایت برای طراحی یک پاتوق شهری به عنوان نشانه شهری
۰,۱۸۶						جانمایی نشانه‌های شهری در قالب یک نقشه ادراکی به هم پیوسته

در جدول شماره ۱۲ وزن نهایی و رتبه زیرمعیارها آورده شده است. وزن نهایی زیرمعیارها از ضرب وزن معیارها اصلی در وزن نسبی زیرمعیارها حاصل شده است. براین اساس زیرمعیار منحصر به فردی عملکردی

فضا رتبه اول را در بین ۱۱ زیرمعیار کسب کرده است. زیرمعیار شناسایی خواسته‌های شهروندان و به کار بردن آن در طراحی رتبه دوم و زیرمعیار تمایز بصری فضا رتبه سوم را کسب کرده است.

جدول شماره ۱۲: وزن جهانی زیرمعیارها

رتبه کل	وزن کل	وزن محلی	زیرمعیار	وزن	معیار
۲	۰,۱۸۸۵	۰,۵۱۵	شناسایی خواسته‌های شهروندان و به کار بردن آن در طراحی	۰,۳۶۶	حفظ هویت و افزایش حس تعلق به مکان در فضاهای شهری با شناسایی پتانسیل‌ها و ویژگی‌های سایت
۴	۰,۱۴۰۹	۰,۳۸۵	منحصر به فردی فضا از لحاظ عملکرد و غنای بصری		
۶	۰,۰۳۶۶	۰,۱	سکانس بندی		
۳	۰,۱۸۳۰	۰,۴۰۴	تمایز بصری فضا	۰,۴۵۳	ارتقای حس تعلق به مکان و خوانایی فضاهای شهری با حفظ کاربری‌ها و بناهای شاخص در سایت مورد مطالعه
۱	۰,۲۷۰۰	۰,۵۹۶	منحصر به فردی عملکردی فضا		
۵	۰,۰۳۷۶	۰,۲۰۸	ارتقای کیفیت بدنه‌های شهری	۰,۱۸۱	ارتقای تصویر ذهنی از بدنه‌های شهری
۷	۰,۰۳۴۶	۰,۱۹۱	زمان بندی حسی مکان		
۱۱	۰,۰۱۷۹	۰,۰۹۹	نمادهای حسی		
۱۰	۰,۰۲۶۸	۰,۱۴۸	توجه به اقلیم و بوم منطقه در طراحی		
۹	۰,۰۳۰۶	۰,۱۶۹	تناسب و همخوانی داشتن سایت برای طراحی یک پاتوق شهری به عنوان نشانه شهری		
۸	۰,۰۳۳۷	۰,۱۸۶	جانمایی نشانه‌های شهری در قالب یک نقشه ادراکی به هم پیوسته		

۵. بحث

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که میان کیفیت کالبدی فضا، تصویر ذهنی شهروندان و حس تعلق به مکان، ارتباطی معنادار و چندلایه وجود دارد که از طریق ادراک و تجربه فضایی افراد درک می‌شود. این رابطه که از مسیر میانجی تصویر ذهنی تقویت شده، با نتایج مطالعات (2012) Ramkissoon et al.، (2019) Mouratidis، (2007) Mehta و (2019) Balali Oskoyi et al. هم‌راستاست؛ پژوهش‌هایی که بر نقش عناصر بصری، فرم بدنه و نشانه‌های فرهنگی-فضایی در شکل‌گیری دلبستگی به مکان تأکید داشته‌اند. در این پژوهش، مؤلفه «خوانایی و عملکرد شاخص» بالاترین رتبه را در تحلیل AHP کسب کرد که این یافته با تحلیل کیفی نقشه‌های ذهنی نیز تقویت شد؛ چراکه فضاهای پرتردد و گره‌های اجتماعی نظیر مسجد جامع و میدان امام بیشترین بازتاب ذهنی را در ترسیمات و توصیف‌های شهروندان داشتند. همچنین، تحلیل نقشه‌های زایشی و غیرزایشی نشان داد که عناصر گره، مسیر و نشانه در ذهن مشارکت‌کنندگان برجسته‌اند که این نتیجه با مدل ادراکی کوین لینچ (1960) نیز مطابقت دارد. مقایسه تطبیقی با پژوهش (Yang & Kang 2022) که بر اهمیت منظر بصری و صوتی تأکید داشتند، نشان می‌دهد که در بافت‌های شهری ایران، ترکیب عوامل ادراکی، فرهنگی و کالبدی در بستر محلی، نقش تعیین‌کننده‌تری دارد. با وجود این، پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود؛ از جمله کمبود داده‌های ترسیمی نقشه‌های ذهنی به دلیل ملاحظات میدانی و تمرکز مکانی بر ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل که ممکن است دامنه تعمیم‌پذیری نتایج را محدود کند. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، از ابزارهای نوین مانند GIS ذهنی یا واقعیت افزوده برای ثبت و تحلیل لایه‌های تعاملی ادراک فضایی بهره گرفته شود.

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش در دو مرحله به یافتن و رتبه‌بندی مؤلفه‌های قرارگاه رفتاری در نمونه مورد مطالعه پرداخته است. در قدم نخست با جمع‌آوری داده‌های میدانی و تحلیل عاملی آنها مؤلفه‌های قرارگاه رفتاری کشف و در قدم دوم با استفاده از نظراساتید و تحلیل AHP این مؤلفه‌ها رتبه‌بندی شدند. بر اساس تحلیل عاملی انجام شده مؤلفه‌های قرارگاه رفتاری در سه گروه A) حفظ هویت و افزایش حس تعلق به مکان در فضاهای شهری

با شناسایی پتانسیل‌ها و ویژگی‌های سایت)، B) ارتقای حس تعلق به مکان و خوانایی فضاهای شهری با استقرار کاربری‌ها و بنای شاخص در سایت مورد مطالعه) و C) ارتقای تصویر ذهنی از بدنه‌های شهری) دسته‌بندی می‌شوند. گروه A شامل شناسایی خواسته‌های شهروندان و به کار بردن آن در طراحی، منحصر به فردی فضا و سکانس بندی، گروه B شامل تمایز بصری فضا و منحصر به فردی عملکردی فضا و گروه C شامل ارتقای کیفیت بدنه‌های شهری، زمان بندی حسی مکان، نمادهای حسی و توجه به اقلیم و بوم منطقه در طراحی می‌شوند.

با توجه به مطالب عنوان شده در مبانی نظری و همچنین تحلیل این مطالب با استفاده از نظر متخصصان و خبرگان نشان می‌دهد از میان معیارهای حس تعلق در قرارگاه رفتاری معیار B) ارتقای حس تعلق به مکان و خوانایی فضاهای شهری با استقرار کاربری‌ها و بنای شاخص در سایت مورد مطالعه) بیشترین تأثیرگذاری را در نقشه ذهنی شهروندان داشته و پس از آن معیار A، C) حفظ هویت و افزایش حس تعلق به مکان در فضاهای شهری با شناسایی پتانسیل‌ها و ویژگی‌های سایت) و (ارتقای تصویر ذهنی از بدنه‌های شهری) تأثیرگذار بودند. با توجه به ویژگی‌های تاریخی و هویتی سایت مورد مطالعه همچنین وجود بناهای شاخص در این سایت سبب شده است تا بیشترین تأثیرگذاری در نقشه ذهنی شهروندان داشته باشد. توجه به مؤلفه‌های هویتی و فرهنگی و بناهای شاخص که مطلوب نظر شهروندان است، به خوانایی فضاهای شهری کمک می‌کند. وجود فضاهای منحصر به فرد از نظر عملکرد و همچنین تمایز بصری در فضا سبب ایجاد حس تعلق به مکان و خوانایی فضای شهری می‌شود.

راهکارهای افزایش حس تعلق در قرارگاه‌های رفتاری تنوع زیادی دارد. هر فضا متناسب با ویژگی‌های موجود در آن قابلیت‌ها و راهکارهای مناسب با آن را طلب می‌کند. اما به صورت کلی می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که راهکارهای همچون منحصر به فردی فضا الگوهای طراحی مناسب با علایق و خواسته‌های شهروندان بیشترین تأثیرگذاری را در افزایش حس تعلق میان شهروندان داشته است. این راهکارها که با ویژگی‌های بصری و عملکردی فضا، شناخت خواسته‌های شهروندان و قرارگیری عملکردهای مناسب در فضاهای مناسب در ارتباط است، تماماً به ویژگی‌های هویتی و فرهنگی در کالبد فضا اشاره دارد. در جدول شماره ۱۳ به ترتیب بر اساس نظر متخصصان این راهکارها رتبه‌بندی شده است.

جدول شماره ۱۳: رتبه‌بندی مؤلفه‌های قرارگاه رفتاری

ردیف	مؤلفه
۱	منحصر به فردی عملکردی فضا
۲	شناسایی خواسته‌های شهروندان و کاربرد آن در طراحی
۳	تمایز بصری فضا
۴	منحصر به فردی فضا از لحاظ عملکرد و غنای بصری
۵	جانمایی نشانه‌های شهری در قالب یک نقشه ادراکی به هم پیوسته
۶	سکانس بندی
۷	تناسب و همخوانی داشتن سایت برای طراحی یک پاتوق شهری به عنوان نشانه شهری
۸	ارتقای کیفیت بدنه‌های شهری
۹	نمادهای حسی
۱۰	زمان بندی حسی مکان
۱۱	توجه به اقلیم و بوم منطقه در طراحی

References:

- Altaema, M., & Hatipoğlu, H. K. (2023). The socio-economic impact of the commercial street in achieving sustainability for refugees in the host community. *Current Urban Studies*, 11(2), 255–268. <https://doi.org/10.4236/cus.2023.112014>
- Amjad, M., Mozaffar, F., Toghyani, S., & Ghasemi, V. (2021). The effect of residents' sense of belonging to the place on the neighboring facades of Isfahan Maadis. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism*, 12(2), 119–136. <https://doi.org/10.30475/isau.2021.270077.1631> [in Persian]
- Ananahad, M., Golamalizade, H., & Asadi Malek-Jahan, F. (2019). Measure the sense of belonging to the place and protect the identity of residential units in the urban area: Case study: Old Quarter of Saghryazan Rasht. *Journal of Urban Ecology Researches*, 10(19), 73–88. [10.30473/grup.2019.5645](https://doi.org/10.30473/grup.2019.5645) [in Persian]
- Ashihara, Y. (1986). *The aesthetic townscape*. MIT Press.
- Balali Oskoyi, A., Gharehbaglou, M., & Heydaritürkmani, M. (2019). Analyzing the role of mental images in producing the sense of belonging to neighborhoods: Case study: Shotorban Neighborhood of Tabriz. *Geography (Regional Planning)*, 9(1), 207–228. [10.1001.1.22286462.1397.9.1.13.3](https://doi.org/10.1001.1.22286462.1397.9.1.13.3) [in Persian]
- Bottero, A., D'Amato, A. W., Palik, B. J., Bradford, J. B., Fraver, S., Battaglia, M. A., & Asherin, L. A. (2017). Density-dependent vulnerability of forest ecosystems to drought. *Journal of Applied Ecology*, 54(6), 1605–1614. <https://doi.org/10.1111/1365-2664.12847>
- Canter, D. (1977). *The psychology of place*. St. Martin's Press.
- Chen, W. (2006). *The study on the conservation theory and method of heritage* (Unpublished master's thesis). Chongqing University, China.
- Ebrahimnia, V., Shahbazi, T., & Rahimi, R. (2022). The Analysis of Spatial Environment Influencing Social Capital in Neighborhoods of Sari City. *Geography and Urban Space Development*, 9(3), 121–140. <https://doi.org/10.22067/jgusd.2022.67168.0> [in Persian]
- Esmaili, F., Charehjo, F., & Hoorijani, N. (2020). Analyzing and evaluating facades with a special approach to visual aesthetics using the grid method: Case study: Enqelab Street in Sanandaj. *The Monthly*

۷. پیشنهادات

در راستای ارتقای حس تعلق در فضاهای شهری، پیشنهاد می‌شود: طراحی فضاهای شاخص با حفظ نشانه‌های فرهنگی، تقویت خوانایی مسیرها و مشارکت فعال شهروندان در فرایند طراحی شهری مدنظر قرار گیرد. همچنین در پژوهش‌های آتی بررسی تفاوت در ادراک فضایی در بین گروه‌های سنی و جنسی مختلف و استفاده از ابزارهای نوین مانند واقعیت افزوده و GIS در تحلیل نقشه‌های ذهنی و تحلیل تطبیقی در بافت‌های جدید و قدیم توصیه می‌شود.

- Scientific Journal of Bagh-e Nazar, 17(82), 65–78. 10.22034/bagh.2019.165147.3934[in Persian]
- Gifford, R., Hine, D. W., Muller-Clemm, W., & Shaw, K. T. (2002). Why architects and laypersons judge buildings differently: Cognitive properties and physical bases. *Journal of Architectural and Planning Research*, 19(2), 131–148.
 - Hanks, L., Zhang, L., & Line, N. (2020). Perceived similarity in third places: Understanding the effect of place attachment. *International Journal of Hospitality Management*, 86, 102455. <https://doi.org/10.1016/j.ijhm.2019.102455>
 - He, H., & Gyergyak, J. (2021). Enlightenment from street art activities in urban public space. *Pollack Periodica*, 16(1), 169–175. <https://doi.org/10.1556/606.2021.16.1.16>
 - Hollander, J. B., & Anderson, E. C. (2020). The impact of urban façade quality on affective feelings. *Archnet-IJAR: International Journal of Architectural Research*. <https://doi.org/10.1108/ARCH-05-2020-0090>
 - Jacobs, J. (2010). *Dark age ahead*. Vintage Canada.
 - Keeble, L. B. (1969). Principles and practice of town and country planning. *Estates Gazette*.
 - Khatami, S. M., & Bojari, P. (2020). Analysis of the challenges of Tehran's urban views in the recent century. *Urban and Rural Management*, (58), 111. <https://doi.org/10.30475/isau.2021.270077.1631>[in Persian]
 - Kim, M. (2021). Plural and fluid place attachment amid tourism-induced neighborhood change in a disadvantaged neighborhood in South Korea. *Geoforum*, 121, 129–137. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2021.02.003>
 - Mehta, V. (2007). Lively streets: Determining environmental characteristics to support social behavior. *Journal of Planning Education and Research*, 27(2), 165–187. <https://doi.org/10.1177/0739456X07307947>
 - Mehta, V., & Bosson, J. K. (2021). Revisiting lively streets: Social interactions in public space. *Journal of Planning Education and Research*, 41(2), 160–172. <https://doi.org/10.1177/0739456X19890351>
 - Mouratidis, K. (2018). Rethinking how built environments influence subjective well-being: A new conceptual framework. *Journal of Urbanism*, 11(1), 24–40. <https://doi.org/10.1080/17549175.2017.1310741>
 - Mouratidis, K. (2019). The impact of urban tree cover on perceived safety. *Urban Forestry & Urban Greening*, 44, 126434. <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2019.126434>
 - Mouratidis, K., & Hassan, R. (2020). Contemporary versus traditional styles in architecture and public space: A virtual reality study with 360-degree videos. *Cities*, 97, 102499. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102499>
 - Moulay, A., & Ujang, N. (2021). Insight into the issue of underutilised parks: What triggers the process of place attachment? *International Journal of Urban Sustainable Development*, 13(2), 297–316. <https://doi.org/10.1080/19463138.2020.1797980>
 - Moulay, A., Ujang, N., Maulan, S., & Ismail, S. (2018). Understanding the process of parks' attachment: Interrelation between place attachment, behavioural tendencies, and the use of public place. *City, Culture and Society*, 14, 28–36. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2017.12.004>
 - Rahimi, R., & Ansari, M. (2020). Recreating Place in Iranian Monuments Case Study: Hafez Garden-Tomb (1452-1936 A.D.). *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 10(1), 47-62. <https://doi.org/10.22111/ijas.2020.6627>
 - Rahimi, R., & Razani, F. (2022). Assessing the Relationship between Physical Healing Components of Educational Environments and Mental Health of Users (Case Study: Students of University of Mazandaran). *Journal of Environmental Science and Technology*, 8(24), 115-132. <https://doi.org/10.30495/jest.2022.61216.5410>[in Persian]
 - Ramkissoon, H., Weiler, B., & Smith, L. D. G. (2012). Place attachment and pro-environmental behaviour in national parks: The development of a conceptual framework. *Journal of Sustainable Tourism*, 20(2), 257–276. <https://doi.org/10.1080/09669582.2011.602194>
 - Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. Pion.
 - Sequeira, A. (2017). Ephemeral art in impermanent spaces: The effects of street art in the social construction of public space. In *Ephemeral art in impermanent spaces* (pp. 65–74). <http://hdl.handle.net/10071/17795>
 - Shafipour Yourdshahi, P., Kiani, M., Hamzeloo, S., & Moazemi, M. (2023). The influence of “culture from Rappaport’s viewpoint” on “mental image” and examining the role of this influence on the formation of the environment. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 15(41), 103–118. 10.22034/aaud.2023.294858.2508 [in Persian]
 - Trossman Haifler, Y., & Fisher-Gewirtzman, D.

- (2024). Spatial parameters determining urban wellbeing: A behavioral experiment. *Buildings*, 14(1), 211. <https://doi.org/10.3390/buildings14010211>
- Wang, H., Zhao, Y., Gao, X., & Gao, B. (2021). Collaborative decision-making for urban regeneration: A literature review and bibliometric analysis. *Land Use Policy*, 107, 105479. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105479>
 - Yang, M., & Kang, J. (2016). Pitch features of environmental sounds. *Journal of Sound and Vibration*, 374, 312–328. <https://doi.org/10.1016/j.jsv.2016.04.036>
 - Yang, X., & Kang, J. (2022). The effect of visual and acoustic factors on the sound preference for waterscapes in urban public spaces. *Applied Acoustics*, 197, 108945. <https://doi.org/10.1016/j.apacoust.2022.108945>
 - Zou, H., Liu, R., Cheng, W., Lei, J., & Ge, J. (2023). The association between street built environment and street vitality based on quantitative analysis in historic areas: A case study of Wuhan, China. *Sustainability*, 15(2), 1732. <https://doi.org/10.3390/su15021732>

نحوه ارجاع به مقاله:

محمدی ایرلو، نسرين؛ رحيمي، روح اله؛ وزيري، وحيد (۱۴۰۴)، اولويت بندي مؤلفه های ارتقاء حس تعلق به مکان در قرارگاه های رفتاری شهری بر اساس ادراک ذهنی شهروندان؛ نمونه مورد مطالعه: ضلع غربی خیابان امام خمینی اردبیل، مطالعات شهری، ۱۴ (۵۵)، ۶۳-۷۶. [10.22034/63-76](https://doi.org/10.22034/63-76), [urbs.2025.142717.5116](https://doi.org/10.22034/urbs.2025.142717.5116)

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



جایگاه آموزش شهروندی در طرح‌های توسعه شهری

نمونه مورد مطالعه: طرح‌های توسعه محله هرندي تهران

میترا عظیمی^۱ - استادیار، گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، شهری و منطقه‌ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
محسن افشاری - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، شهری و منطقه‌ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۶ مرداد ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۲۴ فروردین ۱۴۰۴

چکیده

در عصر انقلاب شهری و همزمان با رشد روزافزون شهرنشینی، چالش‌های جدیدی پیش روی شهرنشینان قرار می‌گیرد که مواجهه صحیح با آنها نیازمند اتخاذ تدابیر نوین است. آموزش شهروندی یکی از پایدارترین و به صرفه‌ترین اقدامات به منظور مواجهه مؤثر با این چالش‌ها در آینده است. کارشناسان بر این باورند، حرکت در جهت توسعه پایدار و استمرار روندهای توسعه‌ای در شهرها و محلات مستلزم وجود شهروندان آگاه، آموزش‌دیده و مسئول است. از این رو، در بسیاری از کشورها ارائه آموزش‌های شهروندی را از کودکستان‌ها و مدارس آغاز نموده و از طریق تدوین و اجرای طرح‌های توسعه‌ای به ویژه در سطح محلات، این نوع آموزش‌ها را به صورت فراگیر پیگیری می‌نمایند. محله هرندي تهران واقع در منطقه ۱۲ شهرداری، با وجود برخورداری از سابقه تاریخی و نیز ارائه خدمات ویژه در شبکه فعالیت‌های اقتصادی شهر، یکی از نقاط کانونی آسیب‌های اجتماعی در تهران قلمداد می‌شود. به منظور کاهش این آسیب‌ها تاکنون بیش از ۱۸ طرح توسعه‌ای به اجرا گذارده شده است. بررسی این طرح‌ها نشان می‌دهد، برغم اهمیت و نقش آموزش شهروندی در کاهش آسیب‌ها و مشکلات زندگی شهری، تمامی ابعاد و جوانب آن مطمح نظر برنامه‌ریزان قرار نگرفته است. حال در این پژوهش تلاش شده است تا مقوله آموزش شهروندی در طرح‌های محله از منظر موجودیت و اثربخشی مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. این تحقیق از نوع کیفی بوده و ضمن انجام تحلیل محتوای اسنادی، مصاحبه‌های نیمه ساختمند با ۱۵ نفر از مدیران شهرداری، کارکنان سمن‌های فعال در محله و کارشناسان حوزه شهری انجام شده و تمامی داده‌ها با استفاده از نرم افزار maxqda مورد تحلیل قرار گرفته‌اند تا تصویر دقیق‌تری از جایگاه آموزش شهروندی در طرح‌های توسعه محله هرندي ارائه شود. خروجی تحقیق حاضر نشان می‌دهد، ضمن ضرورت توجه به تفاوت‌های ساختاری محله هرندي با دیگر محلات شهر تهران، توسعه این محله و تخفیف آسیب‌های آن نیازمند یک بازنگری ویژه در طرح‌های توسعه محلی بر اساس شاخص‌های آموزش شهروندی است.

واژگان کلیدی: محله هرندي، آموزش شهروندی، توسعه محلی، طرح‌های شهری.

نکات برجسته

- با وجود بیش از ۸۱ پروژه توسعه‌ای، آموزش شهروندی در برنامه‌های توسعه هرندي چندان مورد توجه واقع نشده است.
- در برنامه‌های توسعه هرندي، برنامه‌ریزان، اصلاح زیرساخت‌های فیزیکی را بر توانمندسازی آموزشی اولویت دادند و این امر پایداری اجتماعی بلندمدت را تضعیف ساخته است.
- برای محلاتی مانند هرندي با انواع آسیب‌های اجتماعی و کالبدی، آموزش شهروندی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به منظور توسعه پایدار محلی به شمار می‌رود.

۱. مقدمه و بیان مسئله

امروزه آموزش شهروندی یکی از مهمترین عوامل توسعه پایدار تلقی می‌شود. زیرا می‌تواند موجب افزایش سرمایه‌های انسانی، تقویت سطح آشنایی مردم با قوانین و مقررات و شئون زندگی شهری، افزایش توان مدیریت زندگی در شهر، افزایش سطح مهارت‌های زندگی و تقویت مراودات اجتماعی و همچنین ارتقای قدرت خود کنترلی در برابر آسیب‌های اجتماعی شهری شود (Akhavan, Safari & Oladian, 2012). با توجه به اهمیت موضوع در بسیاری از کشورهای توسعه یافته به ویژه در اروپا اقدامات قانون‌گذاری، طراحی و اجرای پروژه‌های تخصصی آموزش شهروندی و نظایر آن را آغاز نمودند؛ حتی در مدارس ارائه این آموزش‌ها را در دستور کار خود قرار دادند. با این هدف که آموزش شهروندی بتواند در افزایش سطح آگاهی شهروندان و کنشگری فعال آنها در دستیابی به جامعه مدنی مؤثر واقع شود (Geboers, 2013). در عصری که از آن به عنوان عصر انقلاب شهری یاد می‌شود، افزایش نرخ شهرنشینی و رشد جمعیت فشار سنگینی را بر برنامه‌ریزان و مدیران شهری در خصوص آینده شهرها وارد می‌سازد. طبق پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۵۰ جمعیت جهان به ۱۰ میلیارد نفر خواهد رسید که بخش عمده‌ای از آنها در مناطق شهری سکونت خواهند داشت (Kiss, 2015). این وضعیت در کنار پیچیدگی فزاینده شهرها در اثر عواملی همچون افزایش استاندارد حداقلی زندگی، چالش‌های اقتصادی و زیست محیطی، نیازهای اجتماعی و فرهنگی موجب شده است که برنامه‌ریزی برای آینده شهرها به مسئله‌ای چند وجهی و پیچیده بدل شود (Kahachi, 2017). در این شرایط چنانچه قصد براداره خردمندانه شهرها بر پایه افزایش سطح آگاهی شهروندان باشد، ناگزیر از توسعه آموزش‌های شهروندی در سطح جامعه هستیم. چرا که پیشگیری از بروز چالش‌ها و مشکلات شهری و همچنین نحوه مواجهه صحیح با آنها تنها در ید قدرت مسئولان و مدیران شهری نبوده و نیازمند کنشگری فعال شهروندان نیز است. از این رو، آموزش آنها با هدف تربیت شهروندانی مستقل، مشارکت جو، خالق و منتقد برای اداره کلانشهرها حائز اهمیت است.

بر این اساس، امروزه در طرح‌های توسعه شهری ضمن انجام اقدامات توسعه‌ای، مسئله آموزش شهروندان و واگذاری ادامه اجرای طرح‌های توسعه به جامعه هدف، از سوی کارشناسان به شدت توصیه می‌شود. تا جایی که تأکید می‌گردد، در طرح‌های توسعه شهری، روستایی و محلی، مخاطبان طرح به سطحی از توانمندی دست یابند که علاوه بر دخالت در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای طرح، مرحله پایش و ارزیابی را نیز عهده‌دار شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، این قبیل طرح‌ها از اثربخشی، کارایی و استمرار بیشتری برخوردار بوده و با وجود تغییر دولت‌ها و یا نهادهای مدنی، جامعه محلی همچنان به فعالیت‌های توسعه‌خواهانه خود ادامه داده است. به همین دلیل آموزش و توانمندسازی شهروندان برای ارتقای دانش، تقویت مهارت‌ها، کسب عادت‌های صحیح زندگی اجتماعی و بروز رفتارهای مطلوب شهروندی به ویژه در راه بهره‌گیری مناسب از امکانات شهری از جمله مهمترین ضرورت‌های مدیریت شهرها قلمداد می‌شود. اعتقاد مدیران اموری شهری بر آن است که این آموزش‌ها می‌تواند منجر به افزایش سطح رضایتمندی شهروندان، سرزندگی شهری و گسترش روابط اجتماعی

در شهرها شود.

محل هرندي از محلات با سابقه و داراي بافت تاريخي تهران است که با وسعت تقریبی ۱۷۴ هکتار در جنوب منطقه ۱۲ شهر تهران واقع شده است. این محله به واسطه قرارگیری در آستانه جنوبی تهران (دروازه غار و دروازه گمرک) از جایگاه ویژه‌ای در شبکه فعالیت شهری تهران برخوردار است ولی در عین حال به عنوان یکی از کانون‌های اصلی انواع آسیب‌های اجتماعی شهر قلمداد می‌شود. در این محله مسئولان شهری با اجرای بیش از ۱۸ طرح توسعه در تلاش بوده‌اند که سطح و عمق مشکلات آن را کاهش دهند. بر این اساس، در پژوهش حاضر بررسی طرح‌های توسعه محله هرندي تهران، از منظر جایگاه آموزش شهروندی مورد توجه قرار گرفته است. بررسی مقدماتی این طرح‌ها نشان می‌دهد در هیچ یک از آنها مسئله آموزش شهروندی در راستای دستیابی به توسعه پایدار محله محور مورد تأکید نبوده و تمامی اقدامات عمدتاً به حوزه توسعه کالبدی و ساخت و ساز محدود شده است. به بیانی دیگر، هیچ برنامه‌ای برای نقش شهروندان در تدوین، اجرا و ارزیابی طرح‌ها در نظر گرفته نشده است. گویی مقرر است تا همیشه سازمان‌های دولتی و یا نهادهای مدنی، مسئول تحول محله باشند. با این توضیح در پژوهش حاضر تلاش شده است تا به سئوالات زیر پاسخ داده شود:

- آموزش شهروندی در طرح‌های توسعه محله هرندي تهران از چه جایگاهی برخوردار است؟
 - شاخص‌های آموزش شهروندی در سطح توسعه محله کدامند؟
 - چه راهکارهایی به منظور ارتقای جایگاه شهروندی در طرح‌های توسعه محله هرندي تهران می‌توان ارائه داد؟
- به منظور پاسخ به سئوالات یاد شده، ابتدا با استفاده از روش مرور سیستماتیک منابع، دیدگاه‌های نظری در حوزه آموزش شهروندی برای استخراج شاخص‌های مرتبط مورد بررسی قرار گرفته است. سپس بر اساس شاخص‌های به دست آمده طرح‌های هجده‌گانه توسعه محله هرندي با بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی مورد واکاوی قرار گرفته‌اند تا میزان توجه به این شاخص‌ها در طرح‌های مورد نظر به دست آید. در گام بعد بر اساس مصاحبه‌های نیمه‌ساختمند انجام شده با کارشناسان، مدیران شهرداری محله هرندي و مدیران سازمان‌های مردم نهاد مستقر در محله، مسئله آموزش شهروندی به عنوان عامل کمک کار در اجرای طرح‌های توسعه محله هرندي مورد بحث و مذاقه قرار دادند تا با جمع‌بندی این دیدگاه‌ها ضمن شناسایی موانع، راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای جایگاه آموزش شهروندی در طرح‌های توسعه محله ارائه شود. بدین ترتیب، نتایج این تحقیق ضمن تشریح تأثیر و ضرورت آموزش‌های شهروندی در تحقق و دستیابی به توسعه پایدار شهری می‌تواند راهکارهای مؤثری را به منظور ارتقای محتوای طرح‌های توسعه شهری در خصوص متغیرهای آموزش شهروندی و پیش‌شرط‌های آن در سطح محلات پیش‌روی مدیران شهری قرار دهد.

۲. مبانی نظری

مفهوم شهروندی غالباً به تعلق داشتن یا نداشتن ارتباط پیدا می‌کند و

و مسئولیت‌های فردی برای هر شهروند ضروری است. مشارکت شهروندی، منظور مشارکت شهروندان در امور سیاسی، اجتماعی و مدنی است. مشارکت فعال به‌ویژه در سطح محلی می‌تواند به تقویت دموکراسی و حل مشکلات جامعه کمک کند. تحقیقات نشان می‌دهند که هرچه افراد در فعالیت‌های مدنی و سیاسی بیشتر مشارکت کنند، احتمالاً به تقویت روابط اجتماعی و بهبود کیفیت حکومت‌داری می‌انجامد (Galston, 2007).

یزدی زاده، با تحلیل مقالات و منابع مختلف به بررسی تعاریف و مفاهیم گوناگون شهروندی پرداخته و نشان می‌دهد که این مفهوم در طول زمان دستخوش تغییرات زیادی شده است. از دیدگاه وی، شهروندی نه تنها به حقوق و مسئولیت‌های فردی اشاره دارد بلکه به مشارکت فعال و آگاهانه در فرآیندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز مرتبط است. در واقع، شهروندی به عنوان یک مفهوم پیچیده و چندبعدی که تحت تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قرار دارد، در کشورهای مختلف می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد. در تعریفی دیگر، آموزش شهروندی، جابه‌جایی مهارت و دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر است. این جابه‌جایی شامل موارد مختلفی همچون اطلاع از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به کشور، نگرش مثبت نسبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزش‌های بنیادی، علاقه به مشارکت سیاسی، به دست آوردن مهارت لازم برای درک سیاست‌های عمومی و نظارت بر آنها می‌شود (Yazdizadeh, 2021). از سوی دیگر، آموزش شهروندی یکی از اقدامات مؤثر برای رسیدن به انجام فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی است. در حقیقت توسعه سیاسی چیزی نیست غیر از اتحاد و انسجام ملی و مشارکت سیاسی و با توجه به نقش آموزش شهروندی در رسیدن به هر دو این امور، می‌توان به اهمیت آموزش شهروندی پی برد (Sharepour, 2008). وستهایمر و کاهن، سه نوع شهروند را از یکدیگر تمیز می‌دهند: نخست، شهروند شخصاً مسئول که در جامعه به طور فردی فعالیت می‌کند. برخی از نمونه‌های رفتاری چنین افرادی عبارت است از جمع کردن زباله‌ها و تلاش برای تمیزی محیط زندگی، فداکاری و ایثارگری و شهادت طلبی، کسب آگاهی و داوطلبانه ادای دین کردن. دوم، شهروند مشارکتی کسانی هستند که فعالانه در امور مدنی و زندگی اجتماعی جامعه در سطح محلی و ملی مشارکت می‌کنند. سوم، شهروند عدالت محور که به طور منتقدانه ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را مورد ارزیابی قرار داده و راهبردهایی را مورد توجه قرار می‌دهند که ماهیت جمعی داشته و با بی‌عدالتی مخالفت می‌کند و دلایل اصلی مشکلات را نشان می‌دهد (Fathi & Chokdeh, 2009).

به طور کلی، آموزش شهروندی یکی از حوزه‌های مهم آموزشی است که به پرورش مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت فعال و مسئولانه افراد در جامعه می‌پردازد. نظریات مختلفی در این زمینه وجود دارند که می‌توان آنها را به دسته‌های مختلف تقسیم کرد. در اینجا به برخی از دسته‌بندی‌های نظریات مربوط به آموزش شهروندی اشاره می‌شود. **نخست: نظریات لیبرال**، به تأکید بر حقوق فردی، آزادی‌ها و مشارکت سیاسی می‌پردازند. در این دیدگاه، آموزش شهروندی به افراد این فرصت را می‌دهد که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی

این مسئله منجر شده تا سیاست‌مداران بیشتر به این که چگونه مردم را آموزش دهند تا شهروندانی مسئول گردند، توجه کنند. شهروندی از ابعادی مشترک تشکیل شده و همه نگرش‌ها و رویکردها در این ابعاد با یکدیگر سهیم هستند (Faulks & Keith, 2000). مفهوم شهروندی گرچه دارای گذشته باسابقه‌ای است، اما هنوز پیچیده و مبهم است. در واقع شهروندی مجموعه‌ای از ارتباطات عامدانه بین مردمی است که می‌خواهند از زندگی به صورت تنها، فقیرانه و حیوانی دوری کنند. از این رو شهروندی، نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و به این موضوع می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این مهم دست یابند (Merrifidd, 1997). کارشناسان بر این باورند، شهروندی دارای ماهیت و کارکرد اجتماعی و سیاسی است. ماهیت اجتماعی به این مسئله اشاره دارد که شهروندان چگونه باید با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در حالی که جنبه سیاسی آن به ارتباط شهروندان با دولت اشاره دارد؛ گرچه هر دو جنبه برای یک شهروند به منظور مشارکت در یک جامعه دموکرات اساسی هستند (Leisa, A. M. Chiodo, 2015). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز شهروند به کسی می‌گویند که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد و از آنها دفاع می‌کند. قانون را می‌شناسد و به آن عمل می‌کند و از طریق آن مطالبه دارد. همچنین شهروند نه تنها به معنای سکونت در یک شهر به مدت مشخص بلکه به معنای مجموعه‌ای از آگاهی‌های حقوقی، فردی و اجتماعی است.

آموزش شهروندی، کلیدی‌ترین عنصر در دگرگونی طرز رفتار و نگرش بشری است که در راستای رشد اقتصادی، تقویت کیفیت زندگی، ایجاد مهارت و دانش، تأمین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید جامعه به کار گرفته می‌شود (Rafiei & Lotfi, 2010). از دیدگاه برخی کارشناسان همچون بیستا و همکاران، مسئله آموزش شهروندی در نوجوانان اهمیتی دوچندان دارد. آنها معتقدند، آموزش شهروندی باید به وسیله راه‌هایی تکمیل شود که در آن نوجوانان به صورت واقعی، شهروندی دموکراتیک را از طریق مشارکت‌های خود در جامعه و تمرین‌های سازنده زندگی روزمره‌شان یادگیرند. به همین علت در سال‌های گذشته حرکت‌هایی در راستای توجه به عقاید کودکان و نوجوانان و ارتقای آن در مدارس صورت گرفته است؛ مثلاً در انگلستان آموزش شهروندی برای کودکان و نوجوانان در دبیرستان‌ها در سپتامبر ۲۰۰۲ اجباری شد (Biesta & et al, 2009). ژوهانسون و موریس، به بررسی نیاز به چارچوبی برای آموزش شهروندی انتقادی پرداخته‌اند. آنها معتقدند، آموزش شهروندی باید فراتر از آموزش مهارت‌های مدنی و حقوقی باشد و به افراد کمک کند تا به طور انتقادی به مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نگاه کنند و نقش فعال‌تری در جامعه ایفا کنند. این دو کارشناس، یکی از چالش‌های اصلی در پیاده‌سازی آموزش شهروندی انتقادی را نبود منابع و روش‌های آموزشی مناسب و همچنین عدم تمایل برخی از نهادهای آموزشی به پذیرش رویکردهای انتقادی می‌دانند (Johnson & Morris, 2010).

گالستون معتقد است ارتقای دانش شهروندی، آموزش شهروندی و مشارکت شهروندی برای تقویت دموکراسی و ایجاد جامعه‌ای مسئول و فعال بسیار ضروری است. منظور از دانش شهروندی آن است که، برخورداری از دانش مناسب از ساختارهای سیاسی، قوانین، حقوق

فعال افراد در فرآیندهای اجتماعی تأکید کرده و بر روی آموزش‌های توانمندساز برای اقشار مختلف جامعه تمرکز کرده است. در مجموع، نظریه‌پردازانی همچون دیوی و فریره، مبانی این نظریه را توسعه دادند که آموزش باید منجر به توانمندسازی افراد و ایجاد مشارکت فعال آنها در زندگی دموکراتیک شود. نظریات دموکراتیک در آموزش شهروندی بر توسعه و تقویت مهارت‌ها، آگاهی‌ها و توانمندی‌هایی متمرکز است که شهروندان را قادر سازد تا در فرآیندهای دموکراتیک جامعه مشارکت کنند. هدف نهایی این رویکرد، شکل دادن به جامعه‌ای است که در آن افراد از حقوق خود آگاه باشند و بتوانند در سطح‌های مختلف از اجتماعی تا جهانی در فرآیندهای دموکراتیک تأثیرگذار باشند (Caspary, 2018).

سوم: نظریات سوسیالیستی که در آموزش شهروندی بر عدالت اجتماعی و برابری تأکید دارند. در این دیدگاه، آموزش باید به افراد کمک کند تا به درک بهتری از مسائل اجتماعی و اقتصادی برسند و بتوانند در تغییرات اجتماعی برای کاهش نابرابری‌ها و ارتقای عدالت اجتماعی ایفای نقش کنند. ویژگی‌های این نظریات عبارتند از: عدالت اجتماعی با هدف تأکید بر برابری فرصت‌ها و حقوق اجتماعی، آموزش برای تغییر اجتماعی با هدف آگاهی‌بخشی درباره مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و نقد سیستم‌های قدرت به منظور بررسی و نقد نابرابری‌ها و ساختارهای قدرت در جامعه.

باید توجه داشت، نظریات سوسیالیستی و دموکراتیک در حوزه آموزش شهروندی برغم برخی شباهت‌های نظری در باب برابری و عدالت، دارای تفاوت‌های اساسی در اهداف، روش‌ها و نگرش به قدرت و نهادهای اجتماعی هستند. این تفاوت‌ها به وضوح در نحوه‌ای که هر یک به نقش آموزش در شکل‌دهی به جامعه و شهروندان می‌نگرند، برجسته می‌شود. **به لحاظ اهداف و دیدگاه‌های اساسی**، در رویکرد سوسیالیستی، هدف اصلی آموزش شهروندی، ایجاد آگاهی جمعی و طبقاتی در میان شهروندان و توانمندسازی آنها برای مقابله با نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. آموزش باید افراد را به مبارزه برای برابری و عدالت اجتماعی تشویق کند و به تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته باشد. **به لحاظ نوع دیدگاه به قدرت و ساختارهای اجتماعی**، در نظریات سوسیالیستی، توجه اصلی به نقد و تجزیه و تحلیل ساختارهای قدرت است. این رویکرد باور دارد که نهادهای اجتماعی و سیاسی موجود در جوامع سرمایه‌داری به نفع طبقات حاکم عمل می‌کنند و به نابرابری‌های اجتماعی دامن می‌زنند. بنابراین، آموزش شهروندی باید مردم را قادر سازد تا در برابر این نهادها مقاومت کنند و خواستار تغییرات اساسی در نظام اقتصادی و اجتماعی شوند. اما در نظریه دموکراتیک، قدرت و نهادهای اجتماعی به عنوان اجزای ضروری یک سیستم دموکراتیک دیده می‌شوند که باید از طریق مشارکت و تعامل آزادانه و آگاهانه افراد شکل بگیرند. این رویکرد بر اهمیت گفت‌وگو، توافق و حل مشکلات از طریق فرآیندهای دموکراتیک تأکید دارد. **به لحاظ روش‌های آموزشی**، در نظریه سوسیالیستی، توجه ویژه به آموزش‌های انتقادی و سیاسی است. این روش‌ها معمولاً بر نقد وضعیت موجود و آگاهی‌بخشی در مورد نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها متمرکز است. آموزش باید به افراد کمک کند تا به ابعاد اجتماعی و اقتصادی نظام‌های حاکم آگاه شوند و بر

شرکت کنند و به آگاهی خود از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی افزوده و آنها را در زندگی روزمره به کار گیرند. برخی از ویژگی‌های نظریات لیبرال شامل حقوق فردی یعنی تأکید بر حق آزادی بیان، حق رأی و حق مشارکت، آموزش برای تصمیم‌گیری با هدف آموزش افراد برای این که بتوانند تصمیمات آگاهانه بگیرند و دولت محدود با تأکید بر نقش محدود دولت و حقوق فرد در جامعه است. **دوم: نظریات دموکراتیک** که بیشتر بر مشارکت فعال و همگانی افراد در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی تأکید دارند. این نظریات به آموزش شهروندی به عنوان ابزاری برای ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک و برابر می‌نگرند. ویژگی‌های این نظریات عبارتند از: مشارکت فعال، آموزش اخلاقی و مدنی و تنوع و تکثر به معنای پذیرش و احترام به تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی در جوامع دموکراتیک. این نظریات بر پایه اصول دموکراتیک مانند برابری، آزادی، انصاف و مشارکت تأکید دارند و در عین حال به اهمیت آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های فردی در یک جامعه دموکراتیک نیز اشاره می‌کنند. در نظریات دموکراتیک، چند مؤلفه اساسی وجود دارد، نخست: مشارکت فعال^۱. در این دیدگاه، آموزش شهروندی بر اهمیت مشارکت فعال در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی تأکید دارد. دوم: آموزش برای آزادی^۲. بدین معنی که، آموزش شهروندی باید بر تقویت استقلال فکری، تفکر انتقادی و آزادی‌های فردی تأکید کند. سوم: برابری و عدالت^۳ که به لزوم ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد در جامعه تأکید دارد. چهارم: مسئولیت اجتماعی^۴ به افراد آموزش می‌دهد که علاوه بر حقوق خود، مسئولیت‌هایی در قبال جامعه و دیگران دارند. پنجم: گفت‌وگو و تعامل^۵ که بر اهمیت گفت‌وگو و تعامل بین افراد از اقشار مختلف جامعه تأکید دارد. آموزش شهروندی باید بستری را فراهم آورد که افراد از افکار و تجربیات مختلف بهره‌مند شوند و با یکدیگر گفت‌وگو کنند تا فهم مشترکی از مسائل اجتماعی و سیاسی به دست آورند (Dunn, 2003). نظریات دموکراتیک عمدتاً تحت تأثیر دیدگاه‌های نظریه‌پردازانی همچون «جان دیوی» قرار دارد. دیوی، که یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در زمینه آموزش و دموکراسی بود، در کتاب‌های خود مانند «دموکراسی و آموزش» که در سال ۱۹۱۶ منتشر شد، بر اهمیت مشارکت فعال و تجربه‌محور در فرآیندهای آموزشی و اجتماعی تأکید داشت. دیوی معتقد بود که آموزش باید در خدمت ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک باشد که در آن افراد توانمند علاقمند به مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی شوند. او تأکید می‌کرد که آموزش نباید فقط انتقال اطلاعات باشد، بلکه ضرورت دارد که افراد را برای حل مسائل اجتماعی و مشارکت در جامعه آماده کند (Dewey, 2024). گرچه دیوی نخستین کسی بود که این مفاهیم را در زمینه آموزش دموکراتیک معرفی کرد، اما در دهه‌های بعد نظریه‌پردازان دیگری همچون پائولو فریره نیز به توسعه مفاهیم مرتبط با دموکراسی مشارکتی اجتماعی در آموزش شهروندی پرداخته‌اند. فریره به‌ویژه در کتاب خود، با عنوان «آموزش ستمدیدگان» که در سال ۱۹۷۰ منتشر شد، بر لزوم مشارکت

- 1 Active Participation
- 2 Education for Freedom
- 3 Equality and Justice
- 4 Social Responsibility
- 5 Dialogue and Interaction

این اساس به تغییرات ساختاری و اجتماعی بیندیشند. اما در رویکرد دموکراتیک، روش‌های آموزشی بر مشارکت فعال و گفت‌وگوی آزاد تأکید دارند. آموزش باید به شکلی طراحی شود که افراد قادر باشند نظرات خود را ابراز کنند، به دیگران گوش دهند و در فرآیندهای جمعی مشارکت کنند. **در رابطه با نقش دولت و نهادهای عمومی**، در نظریات سوسیالیستی، دولت و نهادهای عمومی باید نقش اصلی را در فراهم آوردن آموزش‌های عمومی و برابر ایفا کنند. این دیدگاه به دنبال دخالت گسترده دولت در توزیع منابع آموزشی به طور مساوی میان تمامی اقشار جامعه است. هدف، فراهم آوردن امکانات آموزشی برای همه شهروندان و کاهش نابرابری‌های اجتماعی است. در مجموع می‌توان گفت: نظریات سوسیالیستی در آموزش شهروندی بر مبارزه با نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، نقد ساختارهای قدرت و ایجاد تغییرات اساسی در جامعه تأکید دارند، در حالی که نظریات دموکراتیک بر مشارکت فعال، گفت‌وگو، حقوق بشر و آزادی فردی تأکید دارند و هدف آنها توسعه توانمندی‌های شهروندان برای مشارکت در فرآیندهای دموکراتیک و ایجاد جامعه‌ای عادلانه و برابر است.

چهارم: نظریات انتقادی مانند نظریه مارکسیستی یا پسااستعماری، آموزش شهروندی را به عنوان ابزاری برای نقد و تحلیل ساختارهای قدرت و نابرابری‌های موجود در جامعه می‌بینند. این نظریات به دنبال ایجاد تغییرات اساسی در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند. ویژگی‌های آنها عبارتند از: نقد ساختارهای قدرت با هدف تحلیل و نقد نهادهای اجتماعی و اقتصادی و نحوه تأثیر آنها بر زندگی مردم و آموزش برای آگاهی‌سازی اجتماعی که هدف آن است که افراد نسبت به نابرابری‌ها و ظلم‌های اجتماعی آگاهی پیدا کنند و برای تغییر آنها اقدام کنند و ایجاد تغییرات رادیکال با تأکید بر تغییرات اساسی در ساختارهای اجتماعی و سیاسی برای ایجاد عدالت و برابری. بنابراین آموزش شهروندی با توجه به نظریات مختلف می‌تواند به روش‌های متفاوتی انجام شود، اما هدف مشترک تمام این نظریات، تربیت شهروندانی مسئول و فعال است که قادر باشند در جامعه خود نقش مؤثری ایفا کنند و به حل مشکلات اجتماعی و سیاسی کمک نمایند (Morris, Cogan, & Liu, 2013).

با بررسی این نظریات و بهره‌گیری از دیدگاه جان دیوی، مشخص می‌شود که نظریات دموکراتیک در بحث آموزش شهروندی اهمیت بسیاری دارند زیرا آنها پایه‌گذار مشارکت فعال و آگاهانه شهروندان در فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند. این نظریات به تحقق دموکراسی پایدار و شفاف کمک می‌کنند و تأثیرات مثبت گسترده‌ای بر توسعه فردی و اجتماعی دارند. اهمیت نظریات دموکراتیک در آموزش شهروندی به شرح زیر قابل طرح است (Dewey, 2024).

نخست: تقویت مشارکت فعال شهروندان. نظریات دموکراتیک به این اصل اعتقاد دارند که دموکراسی زمانی پایداری خواهد داشت که شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری جامعه به طور فعال مشارکت کنند. آموزش شهروندی دموکراتیک افراد را برای نقش‌آفرینی مؤثر در جامعه آماده می‌کند، از طریق آموزش مهارت‌هایی چون استدلال منطقی، تصمیم‌گیری آگاهانه و مشارکت در گفت‌وگوهای جمعی. **دوم: حفظ و تقویت حقوق بشر و آزادی‌های فردی.** یکی از اصول اساسی

دموکراسی احترام به حقوق بشر و آزادی‌های فردی است. آموزش شهروندی دموکراتیک بر آگاهی‌بخشی در مورد حقوق فردی و جمعی تأکید دارد و به افراد کمک می‌کند که از حقوق خود دفاع کنند و به آنها احترام بگذارند. این آموزش‌ها همچنین می‌تواند به کاهش تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی کمک کند. **سوم: پرورش توانمندی‌های فردی و اجتماعی.** نظریات دموکراتیک به شکلی طراحی شده‌اند که علاوه بر ایجاد آگاهی، به تقویت مهارت‌های اجتماعی مانند همکاری، حل مسئله و احترام به تفاوت‌ها پرداخته و افراد را برای تعاملات سازنده در جامعه آماده می‌کنند. در دنیای امروز که مسائل جهانی و محلی با پیچیدگی‌های زیادی روبه‌رو هستند، توانمندسازی فردی و اجتماعی برای حل مشکلات مشترک ضروری است. **چهارم: تقویت همبستگی اجتماعی و انسجام جامعه.** آموزش دموکراتیک افراد را به مشارکت در فرآیندهای اجتماعی و تصمیم‌گیری جمعی تشویق می‌کند. این نوع آموزش می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد احساس مسئولیت مشترک در میان اعضای جامعه کمک کند. در این فرآیند، افراد می‌آموزند که برای رفاه جمعی تلاش کرده و از دیدگاه‌های مختلف جامعه حمایت کنند. **پنجم: پشتیبانی از تنوع و تفاوت‌های فرهنگی.** نظریات دموکراتیک به طور ویژه بر پذیرش و احترام به تنوع‌های فرهنگی، قومی و دینی تأکید دارد. آموزش شهروندی دموکراتیک افراد را به احترام به تفاوت‌ها و همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه تشویق می‌کند. این نوع آموزش می‌تواند به کاهش تعصبات و ایجاد یک جامعه باز و پذیرنده کمک کند. همچنین نظریات دموکراتیک در آموزش شهروندی بر پرورش تفکر انتقادی تأکید دارند. این آموزش به افراد کمک می‌کند تا مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را از زاویه‌های مختلف تحلیل کرده و دیدگاه‌های خود را به طور مؤثر بیان کنند. این نوع تفکر انتقادی نه تنها به درک بهتر مسائل کمک می‌کند بلکه افراد را قادر می‌سازد تا تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند.

در یک جمع‌بندی کلی، نظریات دموکراتیک به اهمیت آموزش شهروندی در تقویت دموکراسی و ارتقای مشارکت فعال در جامعه تأکید دارند و به افراد کمک می‌کنند تا نه تنها حقوق خود را بشناسند بلکه مسئولیت‌های خود را در قبال دیگران و جامعه درک کنند. همچنین در آموزش شهروندی بر اساس نظریات دموکراتیک، فرد به عنوان یک عضو فعال در جامعه دموکراتیک شناخته می‌شود. این نظریات می‌تواند شامل مؤلفه‌های مختلفی باشند که بر آموزش برای مشارکت فعال، برابری، عدالت اجتماعی، مسئولیت‌های فردی و اجتماعی و گفت‌وگوی اجتماعی تأکید دارند. در واقع، آموزش شهروندی بر اساس نظریات دموکراتیک، به یک هدف مشترک می‌پردازد: تقویت آگاهی و مهارت‌های شهروندان برای مشارکت آگاهانه و فعال در فرآیندهای دموکراتیک، احترام به حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، و ایجاد یک جامعه دموکراتیک و عادلانه. با توجه به این که این چارچوب به محققان کمک می‌کند تا ابعاد آموزش شهروندی را از جنبه‌های مختلف تحلیل کنند، در تحقیق حاضر، نظریات دموکراتیک در تدوین چارچوب نظری تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

پس از پرداختن به دیدگاه‌های نظری در حوزه شهروند و شهروندی، به مقوله برنامه‌ریزی محله محور پرداخته می‌شود. در جامعه امروزی برای دستیابی به توسعه پایدار، محله کلیدی‌ترین عنصر شهری و

حلقه واسط بین شهر و شهروندان است (American Urban Planning Association, 2012). مفهوم «برنامه‌ریزی محله محور» با تأکید بر وجوه اجتماعی برنامه‌ریزی، تأمین خدمات سرانه‌ای و به جای رویکرد کلان و مقیاس‌های ذهنی به بعدهای مشخص فضا-زمان در مقیاس محلی و خرد پرداخته و به جای توجه به توده مکانیکی و غیرقابل مدیریت کلانشهری به اندازه‌های قابل مدیریت و واحدهای ارگانیکی مشخص (محلات شهری) می‌اندیشد (Daneshpour, 2011). در شیوه برنامه‌ریزی محله‌محور، هر عضو محله (ساکن محله) عضوی از گروهی است که در برابر این گروه دارای مسئولیت‌هایی است و حقوقی نیز به او تعلق می‌گیرد (Farmahini Farahani, 2010).

بررسی تحقیقات داخلی و خارجی که پیشتر پیرامون موضوع انجام شده، می‌تواند در تدوین چارچوب نظری تحقیق و افزایش بصیرت محققان در تدوین مدل مفهومی اثرگذار باشد. از این رو، در ادامه به برخی از مهمترین این تحقیقات پرداخته می‌شود. معیت و آموزگار، در پژوهشی با عنوان «آموزش شهروندی ضرورتی برای تحقق حکمروایی مطلوب شهری» بیان داشتند الگوی حکمروایی خوب شهری راهکاری برای مواجهه با مشکلات پیچیده شهرها و دستیابی به مدیریت شهری پایدار با تکیه بر افزایش نقش شهروندان در اداره امور شهراست. از سویی نقش آموزش‌های شهروندی افق جدیدی را در مدیریت شهری نوین در شهرداری‌های کشورگشوده است. در سال‌های اخیر گام‌های مؤثری در جهت تحقق هر چه بهتر و بیشتر حکمروایی خوب شهری توسط شهرهای مختلف به ویژه کلانشهرهای کشور برداشته شده است که بیشترین تأثیر را همانا آموزش‌های شهروندی خواهند داشت (Moayet & Amoozgar, 2013). شاهینی‌فر و همکاران، در پژوهشی با موضوع «تحلیل و ارزیابی میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری با بهره‌گیری از در شهر جوانرود؛ با بهره‌گیری از تکنیک TOPSIS» به بررسی شهر جوانرود از دیدگاه آموزش شهروندی براساس پنج شاخصه شفافیت، مشارکت، حاکمیت قانون، کارایی و پاسخگویی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که در بخش شفافیت، مؤلفه اطلاعات‌یابی برای شفافیت تصمیمات و در بخش مشارکت نیز مؤلفه مشارکت در سالم نگهداشتن فضای سبز شهری در جایگاه نخست قرار دارد (Shahinifar & Mohammadzadeh, 2017). تیمورنژاد، در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی با تأکید بر توسعه پایدار محلی»، آموزش شهروندی را از ارکان اساسی زندگی اجتماعی عصر حاضر معرفی می‌کند. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ چگونگی جمع‌آوری اطلاعات، در زمره پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی است. نتایج این تحقیق نشان داد که کارکنان شهرداری شهر زنجان، به ترتیب رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی، رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی/سیاسی و رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط زیست و توسعه پایدار در سطح ۰/۰۵ را به عنوان عامل مؤثر بر آموزش شهروندی اولویت‌بندی کرده‌اند (Teimournejad et al, 2017). رفیعی و لطفی، در تحقیق خود با عنوان آموزش شهروندی و نقش آن در تحقق و دستیابی به توسعه پایدار شهری، اشاره داشته‌اند: شرط اساسی شکوفایی و بالندگی هر جامعه در توسعه سرمایه‌های انسانی و تربیت آنها نهفته است. آموزش و به ویژه آموزش شهروندی عامل اساسی در

ارتقای فرآیندهای توسعه به شمار می‌رود (هر چند که این تنها عامل نیست)، به علاوه آموزش شهروندی می‌تواند سهم بسزایی در مشارکت کامل توده‌های مردم در پیشرفت خود و در نظارت فعالانه‌شان نسبت به تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشته باشد (Rafiei & Lotfi, 2010). استرین، در مقاله‌ای با عنوان آموزش شهروندی در محلات اعتقاد دارد توسعه فقط هنگامی معنا دارد که درون‌زا و مرکز آن انسان باشد، انسان چند بعدی و جامعه توسعه محور زمانی معنی دارد که نمایانگر درک و آگاهی از خصائل فرهنگی خاص مردم مورد نظر باشد، به دیگر سخن، توسعه یعنی درک و تأیید هویت فرهنگی جامعه و مردم ساکن در آن (Strain, 2009). کریستین لورگن در مقاله‌ای با عنوان «آموزش شهروندان و نقش آن در هویت بخشی ملی» به بررسی نقش آموزش‌های شهروندی در یک جامعه چند فرهنگی سوئد بعد از حمله تروریستی سال ۲۰۱۰ می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که مباحث مربوط به هویت ملی در بین شهروندان و فرهنگ‌های مختلفی که در شهر استکهلم وجود دارد و در کلاس‌های مدرسه تدریس می‌شود، نتوانسته تمام جنبه‌های هویت‌ساز را در برگرفته و بایستی در شیوه‌های ارائه آموزش شهروندان تجدید نظر گردد. ماریو کارترو، هلن هاست، آنجلا برمودز، در کتاب خود با عنوان آموزش شهروندی، تلاش می‌کنند تا نشان دهند که آموزش مدنی چگونه می‌تواند به تقویت نهادهای دموکراتیک و مشارکت عمومی کمک کند. در این راستا، مفاهیمی مانند عدالت اجتماعی، آزادی، برابری و مسئولیت اجتماعی به طور جدی مورد بررسی قرار گرفته است. در این کتاب، نویسندگان در ابتدا به تعریف و تبیین مفاهیم آموزش مدنی می‌پردازند. این آموزش نه تنها شامل حقوق و مسئولیت‌های شهروندی می‌شود، بلکه بر نحوه مشارکت مؤثر در فرآیندهای دموکراتیک، نحوه تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی و چگونگی تعامل با سایر شهروندان نیز تأکید دارد (Lorgen, 2015; Carretero, Haste & Bermudez, 2014).

با بررسی دقیق تحقیقات پیشین داخلی و خارجی صورت گرفته می‌توان به این نکته پی برد که برغم وجود شباهت‌ها و اشتراکات در برخی از جزئیات، هر یک از تحقیقات از دریچه‌ای متفاوت به حل مسائل و مشکلات شهر و محله در راستای توسعه آن توجه کرده‌اند اما در این مطالعات مسئله آموزش شهروندی در محله‌هرندی به عنوان یک هدف اصلی و کارآمد مورد توجه و تأکید قرار نگرفته است. از همین رو هدف و دغدغه اصلی این تحقیق بر پایه آموزش شهروندی تنظیم شده است. به علاوه، در تحقیق پیش رو، به صورت تکمیلی به ارائه شاخص‌های جدیدی برای مسئله آموزش شهروندی پرداخته شده که نکته منحصر به فرد آن قابل انطباق و اجرا بودن آن در کلیه طرح‌های توسعه محلی است.

۲.۱. چارچوب نظری تحقیق

آموزش شهروندی به عنوان فرآیند شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی و سیاسی افراد، نقشی کلیدی در توسعه دموکراسی و ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی ایفا می‌کند. براساس نظریه‌های مطرح شده به ویژه نظریات دموکراتیک آموزش شهروندی و بررسی مطالعات پیشین در این حوزه، آموزش شهروندی در تقویت شش مؤلفه کلیدی قانون‌گرایی، وطن‌دوستی و وطن‌پرستی، احترام به عقاید، اقلیت‌ها و آداب و رسوم،

کند تا در تصمیم‌گیری‌ها، انتخابات، جلسات محلی و دیگر فعالیت‌های اجتماعی مشارکت کنند. این آموزش باید بر اهمیت مشارکت در فرآیندهای دموکراتیک و حل مشکلات محله‌ای و اجتماعی تأکید کند. در نهایت، تقویت روحیه مشارکت‌جویی موجب ایجاد یک جامعه فعال، دموکراتیک و توانمند می‌شود که در آن هر فرد به‌طور مسئولانه در تغییرات اجتماعی و اقتصادی مشارکت می‌کند.

به این ترتیب، آموزش شهروندی با مؤلفه‌های «قانون‌گرایی، وطن‌دوستی و وطن‌پرستی، احترام به عقاید، مسئولیت‌پذیری، آگاهی شهروندی و روحیه مشارکت‌جویی شهروندی» بر ایجاد همبستگی اجتماعی، تقویت دموکراسی و ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی تمرکز دارد و آموزش شهروندی می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای پرورش شهروندانی مسئول، آگاه و فعال عمل کند که در ایجاد جامعه‌ای سالم و توسعه‌یافته مشارکت داشته باشند. در این راستا، آموزش فراتر از آگاهی‌بخشی ساده است و به توانمندسازی افراد برای مشارکت فعال و آگاهانه در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی کمک می‌کند.

۳. روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ ماهیت جزو تحقیقات کیفی بر شمرده می‌شود و روش انجام آن نیز کیفی است. بدین ترتیب که به منظور پاسخگویی به سؤالات تحقیق انجام مصاحبه نیمه ساختارمند و تحلیل این مصاحبه‌ها بر اساس روش کدگذاری با بهره‌گیری از نرم‌افزار Maxqda مدنظر بوده است. جمعیت مصاحبه‌شونده مدیران شهرداری محله، کارکنان سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در محله هرنندی و کارشناسان حوزه مطالعات شهری هستند که به شیوه هدفمند از هر گروه پنج نفر انتخاب شده و در مجموع با ۱۵ نفر مصاحبه انجام و با این تعداد مصاحبه اشباع نظری حاصل شده است. در خصوص کفایت تعداد مصاحبه‌ها در تحقیقات کیفی، گست و همکاران پیشنهاد می‌کنند که برای بسیاری از تحقیقات کیفی، تعداد ۱۲ مصاحبه معمولاً کافی است تا به اشباع داده‌ها برسیم. این تعداد مصاحبه برای نمونه‌های همگن و مطالعاتی با گروه‌های خاص مناسب است. درواقع در طول مصاحبه‌ها، اگر مشاهده شود که هیچ اطلاعات جدیدی به داده‌ها اضافه نمی‌شود و موضوعات یا الگوها تکرار می‌شوند، این نشان‌دهنده رسیدن به اشباع است. همچنین آنها تأکید می‌کنند که تعداد مصاحبه‌ها باید به گونه‌ای تعیین شود که به تحقیقات کمک کند تا اشباع اطلاعاتی حاصل شود، نه لزوماً به یک تعداد ثابت دست یابیم (Guest, Bunce, & Johnson, 2015). اطلاعات مربوط به بخش‌های نظری و پیشینه تحقیق، به روش مرور سیستماتیک از اسناد معتبر علمی و پژوهشی گردآوری شده و شاخص‌های آموزش شهروندی در سطح محله بر اساس این مطالعات استخراج گردیده است. همچنین به منظور بررسی و ارزیابی طرح‌های توسعه محله هرنندی از منظر جایگاه آموزش شهروندی، روش تحلیل محتوای اسنادی استفاده شده است. از آنجا که این تحقیق از نوع کیفی است، سنجش اعتبار و روایی آن مطابق با روش اطمینان‌پذیری انجام شده است. طبق این روش محققان برای اطمینان‌پذیری (اعتبار) نتایج به دست آمده، داده‌های گردآوری شده و همچنین فرایند تحلیل آنها را در اختیار سایر متخصصان قرار داده‌اند تا داده‌ها و تحلیل‌شان مورد بازبینی مجدد قرار گیرد.

مسئولیت‌پذیری، آگاهی شهروندی و روحیه مشارکت‌جویی شهروندی تأثیرگذار است. در خصوص آن که این مؤلفه‌ها هر یک چگونه از طریق آموزش شهروندی به شکلی مؤثر تقویت می‌شوند، می‌توان گفت: **قانون‌گرایی** به معنی احترام به قوانین و مقررات کشور و تمکین به آنها در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی است و آموزش شهروندی می‌تواند شهروندان را با اهمیت قوانین و چارچوب‌های اجتماعی آشنا سازد. در این راستا، آموزش باید به افراد بیاموزد که رعایت قوانین نه تنها یک وظیفه قانونی است بلکه برای حفظ نظم اجتماعی و توسعه کشور ضروری است. در این صورت، شهروندان آگاه از قوانین و پیامدهای نقض آنها احتمالاً رفتارهای قانون‌مدارانه‌تری خواهند داشت و در نتیجه، به حفظ نظم و امنیت اجتماعی کمک خواهند کرد. **وطن‌دوستی و وطن‌پرستی** به معنای تعلق و عشق به وطن، همبستگی با ملت و مشارکت در تقویت آن است. آموزش شهروندی می‌تواند از طریق ارتقای درک افراد از تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های ملی و همچنین معرفی مسئولیت‌های اجتماعی، وطن‌دوستی را در افراد تقویت کند. همچنین آموزش باید به افراد بیاموزد که مشارکت فعال در امور اجتماعی و سیاسی برای بهبود کشور، بخشی از وظایف شهروندی است. به این ترتیب، با تقویت وطن‌دوستی، شهروندان به‌طور فعال در امور ملی و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور مشارکت خواهند کرد. **احترام به عقاید**، به معنای پذیرفتن و احترام به تفاوت‌ها و دیدگاه‌های دیگران است، بدون این که به‌طور مستقیم بر حقوق و آزادی‌های دیگران تأثیر بگذارد. آموزش شهروندی باید افراد را به درک و پذیرش تنوع عقاید و نظرات تشویق نماید. در این راستا، آموزش‌های مربوط به تحمل و احترام به دیگران، به‌ویژه در زمینه‌های مختلف فرهنگی، دینی و سیاسی، نقش کلیدی دارد. با تقویت احترام به عقاید، تعاملات اجتماعی سالم‌تر، با کمترین تنش و نزاع، در جامعه ایجاد خواهد شد و در نتیجه همبستگی اجتماعی افزایش خواهد یافت. **مسئولیت‌پذیری** به معنای پذیرش مسئولیت‌ها و انجام وظایف فردی و اجتماعی به‌طور مؤثر است. آموزش شهروندی بر اهمیت مسئولیت‌پذیری در زندگی فردی و اجتماعی تأکید دارد. این آموزش باید شهروندان را به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی خود، مانند مراقبت از محیط زیست، کمک به دیگران و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی تشویق کند. در نتیجه، تقویت مسئولیت‌پذیری موجب می‌شود که افراد نه تنها وظایف خود را به‌طور مؤثر انجام دهند بلکه در رفع مشکلات اجتماعی نیز سهمی فعال داشته باشند. **آگاهی شهروندی** به معنای شناخت حقوق و وظایف، ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور است. یکی از اهداف اصلی آموزش شهروندی ارتقای آگاهی شهروندان است. آموزش باید بر اهمیت اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در زمینه مسائل حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأکید کند. این آگاهی موجب می‌شود که افراد قادر به اتخاذ تصمیمات آگاهانه در راستای بهبود شرایط اجتماعی و سیاسی باشند. به این ترتیب، افزایش آگاهی شهروندی منجر می‌شود که افراد نه تنها حقوق خود را بدانند بلکه بتوانند در فرآیندهای دموکراتیک و اجتماعی مشارکت کنند و به تصمیم‌گیری‌های جمعی کمک کنند. **روحیه مشارکت‌جویی شهروندی** به معنای تمایل به مشارکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به‌منظور بهبود وضعیت جامعه است. آموزش شهروندی می‌تواند افراد را تشویق

۴. بحث

کلانشهر تهران در حال حاضر دارای ۲۲ منطقه شهرداری است که محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر در منطقه ۱۲ واقع در بخش جنوبی شهر تهران قرار گرفته است. منطقه ۱۲ با هزار و ۶۰۰ هکتار وسعت ۲/۳ درصد محدوده تهران و ۲۷۰ هزار نفر جمعیت ۳/۷ درصد جمعیت پایتخت و بیش از سه چهارم تهران ناصری را شامل می شود. ۲۷ درصد از سطح منطقه بیش از ۴۰۰ سال و ۷۳ درصد از بافت بیش از ۲۰۰ سال قدمت دارد (Detailed plan of Tehran's 12th district, 2016). براساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ در این محله حدود شش هزار و ۶۲۵ خانوار و جمعیتی در حدود ۲۴ هزار نفر ساکن بوده اند. بخش عمده محله جزو بافت ناکارآمد و فرسوده به شمار می آید؛ به صورتی که ۷۵ درصد از بناهای آن از قدمت بالای ۷۰ سال برخوردارند (Tehran Municipality District 12th website, 2016). این محله یکی از محلات کلانشهر تهران با آسیب های اجتماعی فراوان است که با توجه به وقایع و صحنه های ناگواری که در این بخش از شهر روی می دهد، مردم و مسئولان از آن به عنوان زخمی عمیق بر چهره شهر یاد می کنند. محله با معضلاتی همچون حضور معتادان، مواد فروشان، اراذل و اوباش در پارک ها، کوچه ها و معابر مواجه است. انواع معضلات و آسیب های موجود در این محله موجب شده تا مزیت ها و نقاط قوت آن مانند وجود ظرفیت غنی گردشگری به دلیل استقرار اماکن تاریخی و مذهبی دیده نشود. نتایج بررسی ها و مطالعات نشان می دهد، این محله برغم برخورداری از سابقه طولانی مداخله، همچنان از آسیب های جدی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی رنج می برد و ریشه اصلی این معضلات وجود تفرق، پراکندگی و گاه تضاد و تعارض مداخلات انجام شده از سوی سازمان ها، نهادهای دولتی و مردمی بوده است. این امر از نبود یک نقشه راه کلی برای محله هرندی نشأت می گیرد (Deputy of

(Social and Cultural Affairs, Tehran Municipality website, 2016). در خصوص پیشینه طرح های توسعه محله باید گفت: در طول سالیان گذشته در محله هرندی به دلیل وجود انواع ناکارآمدی های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی و آسیب های اجتماعی متعدد که پیشتر بدانها اشاره شد، انواع طرح های توسعه محلی از سوی سازمان های دولتی، خصوصی و سمن ها برای این محله تدوین شده تا هریک بتوانند در راستای حل موضوع و مسئله ای برای تغییر در سطح محله گامی بردارند. حال در این پژوهش ۱۸ طرح توسعه محله از منظر شاخص های مربوط به آموزش شهروندی که منبعث از مبانی نظری تحقیق است، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند و خروجی آن در قالب جدول زیر نشان داده شده است. در این جدول منظور از **احترام به عقاید، اقلیت ها و آداب و رسوم** یعنی شهروندان توانایی بررسی و انتقاد از عقاید و ایده ها را دارا باشند و به وجود تکرر و تنوع در جامعه احترام بگذارند تا بتوانند از این طریق به رفاه و آسایش خود و دیگر هم محله ای ها کمک بیشتری کرده باشند. **ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی** یعنی درباره حکومت و دولت کشور خود آگاهی و دانش کافی داشته و به دنبال تقویت و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی خود باشند. منظور از **آگاهی شهروندی** آن است که شهروندان از مشکلات، حوادث و مسائل سطح جامعه آگاهی داشته و توانایی اتخاذ تصمیمات آگاهانه را دارا باشند. همچنین درباره حکومت و دولت کشور خود آگاهی و دانش کافی داشته باشند. **مسئولیت پذیری** بدان معناست که شهروندان در قبال وظایف و نقش های اختیار شده، مسئولیت پذیر باشند. **قانون گرایی** یعنی شهروندان قانون پذیر باشند و رفتار و عملکردشان مبتنی بر مبانی و اصول اخلاقی باشد. **وطن دوستی و وطن پرستی** بدان معناست که شهروندان باید دارای حس وطن دوستی و وطن پرستی باشند.

جدول شماره ۱: بررسی طرح های توسعه محله هرندی از منظر جایگاه آموزش شهروندی ←

طرح	عنوان طرح	مجری	کارفرما	سال	اهداف	جایگاه آموزش شهروندی در طرح	مؤلفه های بررسی شده در طرح
۱	برنامه توسعه محله هرندی	مؤسسه پژوهشی توسعه دانش سلامت	اداره کل تحقیق و توسعه شهرداری تهران	۱۳۸۸	توسعه پایدار منطقه در همه سطوح	متوسط	آگاهی شهروندی، ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی
۲	گزارش مرحله اول طرح توسعه و ساماندهی فضای شهری محله هرندی	مهندسان مشاور شهرساز و معمار	شهرداری منطقه ۱۲	۱۳۹۰	بررسی و تحلیل پیشبرد مرحله اول طرح توسعه محله هرندی	ندارد	-
۳	ارزیابی تأثیرات اجتماعی طرح توسعه محله هرندی	مؤسسه راهدانه	معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری منطقه ۱۲	۱۳۹۱	ارتقای کیفیت محیطی و منزلت اجتماعی محله	کم	آگاهی شهروندی - ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی
۴	طرح ساماندهی محله هرندی	شرکت مهندسین مشاور طرح اندیشان شهر	شهرداری تهران	۱۳۹۲	ارائه خدمات بیشتر به شهروندان محله به ویژه قشر محروم	متوسط	مسئولیت پذیری، وطن دوستی و وطن پرستی
۵	طرح ها و برنامه های معاونت امور اجتماعی و فرهنگی محله هرندی	ستاد ساماندهی محله هرندی	شهرداری منطقه ۱۲	۱۳۹۲	ساخت محله ایرانی اسلامی در محیطی امن و پویا	کم	آگاهی شهروندی

← ادامه جدول شماره ۱: بررسی طرح‌های توسعه محله هرندی از منظر جایگاه آموزش شهروندی

طرح	عنوان طرح	مجری	کارفرما	سال	اهداف	جایگاه آموزش شهروندی در طرح	مؤلفه‌های بررسی شده در طرح
۶	گزارش فعالیت‌های جمعیت امام علی در محله دروازه غار و ارزیابی تأثیرات آن	جمعیت امام علی (ع)	شهرداری منطقه ۱۲	۱۳۹۲	بهبود زندگی جاری در محله و حمایت از کودکان و زنان آسیب دیده	زیاد	آگاهی شهروندی - مسئولیت پذیری - ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی - وطن دوستی
۷	گزارش طرح‌ها و برنامه‌های معاونت امور اجتماعی و فرهنگی در طرح انضباط شهری منطقه ۱۲	ستاد ساماندهی محله هرندی	معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۲	۱۳۹۲	توسعه شبکه حمل و نقل و حل مسائل و مشکلات اجتماعی محله	ندارد	-
۸	طرح اداره توانمندسازی و مشارکت‌های اجتماعی منطقه ۱۲	بنیاد برکت	ستاد اجرایی فرمان امام خمینی (ره)	۱۳۹۲	اشتغال زایی پایدار و توانمندسازی گروه‌ها	ندارد	-
۹	مستند سازی فعالیت‌های جمعیت امام علی در دروازه غار و محله هرندی	جمعیت امام علی علیه السلام	شهرداری منطقه ۱۲	۱۳۹۲	تهیه مستند از فعالیت‌ها و پیشبرد اهداف طرح اصلی	ندارد	-
۱۰	سند راهبردی آمایش و توسعه منطقه ۱۲ تهران	مهندسین مشاور هنگام	شهرداری تهران	۱۳۹۳	ارتقای کیفیت زندگی با رویکرد توسعه گردشگری	کم	ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی - وطن دوستی
۱۱	بررسی اثرات انجمن‌ها و سازمان‌های مردم نهاد محلی در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی شهرداری منطقه ۱۲	معصومه بهرامی	معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۲	۱۳۹۳	کاهش آسیب‌های اجتماعی	زیاد	ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی - قانون گرایی - احترام به عقاید، اقلیت‌ها و آداب و رسوم - آگاهی شهروندی
۱۲	هم اندیشی با موضوع بررسی اثرات انجمن‌ها و سازمان‌های مردم نهاد محلی در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی شهرداری منطقه ۱۲	معصومه بهرامی	شهرداری منطقه ۱۲	۱۳۹۳	بررسی میزان تأثیرگذاری طرح در سطح منطقه	زیاد	ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی - قانون گرایی - احترام به عقاید، اقلیت‌ها و آداب و رسوم - آگاهی شهروندی
۱۳	طرح ارتقای کیفیت زندگی در مرکز شهرداری منطقه ۱۲ تهران	سازمان مشاور فنی مهندسی شهر تهران	شهرداری منطقه ۱۲	۱۳۹۴	بازآفرینی مرکز تاریخی منطقه با رویکرد پیاده مداری و خلق فضاهای مطلوب شهری	متوسط	آگاهی شهروندی - وطن دوستی و وطن پرستی
۱۴	طرح ارتقای کیفیت زندگی در مرکز تاریخی تهران	شهرداری منطقه ۱۲	شهرداری منطقه ۱۲	۱۳۹۴	بازبینی و اصلاح شبکه معابر	ندارد	-
۱۵	سند توسعه محله هرندی	دفتر بافت فرسوده محله هرندی	سازمان نوسازی	۱۳۹۴	محله ای امن و به دور از آسیب اجتماعی و مهاجرت و بهره مندی از سرانه فضای سبز بالا	زیاد	ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی - وطن دوستی و وطن پرستی - ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی
۱۶	طرح بهسازی محله هرندی	رئوف چالش	فرمانداری تهران	۱۳۹۴	تبدیل شدن به محله ای تاب آور	زیاد	آگاهی شهروندی - قانون گرایی - احترام به عقاید، اقلیت‌ها و آداب و رسوم
۱۷	ارزیابی محله و طرح بهسازی محله هرندی	علی فرهادی	فرمانداری تهران	۱۳۹۴	تحلیل و ارزیابی طرح بهسازی محله	ندارد	-
۱۸	ارزیابی تأثیرات احداث بوستان زندگی در محله هرندی	هادی برگمدی	شهرداری منطقه ۱۲	۱۳۹۶	بررسی و تحلیل تأثیرات بوستان زندگی	متوسط	آگاهی شهروندی - ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی - قانون گرایی

در سایر زمینه‌ها برطرف نشود و همدلی را از جانب مسئولان احساس نکنند، قانون تنها برایشان به عنوان چوبِ ترعمل خواهد کرد و دائم به دنبال راه‌هایی برای گریز از آن خواهند بود.»

۵. نتیجه‌گیری

شهروندی، دارای ماهیت کارکرد اجتماعی و سیاسی است. ماهیت اجتماعی به این مسئله اشاره دارد که شهروندان چگونه باید با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، در حالی که جنبه سیاسی آن به ارتباط شهروندان با دولت اشاره دارد؛ گرچه هر دو جنبه برای یک شهروند برای مشارکت در یک جامعه دموکرات، اساسی قلمداد می‌شوند. اهمیت توجه به مقوله آموزش شهروندی به حدی است که می‌تواند منجر به تربیت شهروندانی مسئول، آگاه و فعال شود. از این رو، به باور کارشناسان برای تشکیل دموکراسی، جامعه‌نیازمند شهروندانی است که در ارتباط با مسئولیت‌ها و حقوق شهروندی‌شان اطلاعات و دانش داشته باشند، درباره اجتماع و سیاست‌ها آگاهی و دانش داشته باشند، کمک به دیگران در نظر آنها ارزنده باشد، دیدگاه‌های خود را به شکل مؤثری بیان کنند، در راستای ایجاد تغییرات نقش داشته باشند، اعضای فعال در جامعه باشند و به طور مسئولانه‌ای رفتار کنند. حال آنجا که درک انسان‌ها از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی گوناگون (و گاه متعارض) است، تمامی افراد جامعه نیازمند آموزش شهروندی برای کنش و واکنش مسالمت‌آمیز در برخورد با تفاوت‌ها هستند. این آموزش‌ها می‌تواند متشکل از سیاست‌های گفت و گو، مصالحه، اطلاع یافتن از فواید تفاوت‌ها برای پیشرفت فردی و اجتماعی، رشد ویژگی‌های درونی پذیرش تفاوت‌ها و آگاهی از خطر تعارض‌های تهدیدکننده حقوق انسانی (مانند تبعیض جنسیتی، نژادپرستی، برتربینی گروه‌های معین اجتماعی و فرهنگی و تعصبات فرقه‌گرایانه) و ضرورت مقابله با آنهاست. آموزش شهروندی جهانی به معنای آموزش شهروندی همراه با حقوق برابر و عدالت محور به تمام اتباع یک کشور (از هر رنگ و نژاد و زبان و فرهنگ و باور و اندیشه و سبک زندگی) نیز هست. این آموزش‌ها که می‌تواند در برنامه‌های درسی نیز تعریف شود، شامل مواردی همچون احترام نهادن به کیفیت و تنوع، قانون و حقوق و مسئولیت‌های انسانی، نظم و آزادی، قدرت و پاسخگویی، تفاوت و همکاری، فردیت و اجتماعی بودن، مردم سالاری واقعی، تسلط قانون عادلانه و برابری و عدالت است.

محله هرنندی کلانشهر تهران در حال حاضر با انواع مشکلات و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، کودکان کار، بدسرپرستی، وجود اتباع و اقوام مختلف دارای خانه‌های گروهی، بی‌خانمان‌ها و دیگر مشکلات درگیر است که موجب شده این محله به عنوان یکی از قانون‌های اصلی آسیب‌های اجتماعی در تهران شناخته شود. در کنار تمامی اقدامات توسعه‌ای که به منظور کاهش این آسیب‌ها در محله انجام شده و می‌شود، توجه به مقوله آموزش شهروندی نیز امری ضروری محسوب می‌شود. زیرا مطالعات کارشناسی نشان داده است، توسعه پایدار محله‌ای زمانی رخ می‌دهد که شهروندانی توسعه‌خواه و کنشگر در امر توسعه در محله ساکن باشند. در این صورت می‌توان ارکان طرح‌های توسعه محلی را که اساس هر اقدام و بررسی برای حل مسائل است را به صورت پایدار و مستمر و فارغ از هرگونه دیدگاه سیاسی مدیران و تغییرات سازمانی پیگیری کرد. همچنین واکاوی

بر اساس مطالعه و تحلیل محتوای اسنادی انجام شده از ۱۸ طرح یاد شده، چنین برداشت می‌شود که در اسناد توسعه محله هرنندی به دو شاخص آگاهی شهروندی و ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی توجه بیشتری نسبت به سایر شاخص‌ها شده است، در مقابل، کمترین توجه در طرح‌های پیشین به شاخص احترام به عقاید، اقلیت‌ها و آداب و رسوم و همچنین قانون‌گرایی شده که همین امر در بروز و تشدید بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در محله اثرگذار است. پس از تحلیل محتوای اسنادی در گام بعد شاخص‌های مربوط به آموزش شهروندی در قالب سئوالاتی از مدیران شهرداری محله، مدیران سمن‌های فعال در محله و نیز کارشناسان حوزه مطالعات شهری با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختمند مورد پرسش قرار گرفته و تحلیل آنها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا انجام شده است. بر طبق خروجی این مصاحبه‌ها و مطابق با دیدگاه مدیران شهرداری محله، شاخص ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی در طرح‌های پیشین توسعه محله مورد تأکید بوده و آنها نیز توجه بیشتری نسبت به این قضیه دارند. اما در طرف مقابل میزان توجه به مسئله وطن دوستی و مسئولیت‌پذیری در طرح‌های قبلی مورد انتقاد مدیران بوده و اذعان دارند آن طور که باید در این زمینه بررسی و برنامه‌ریزی‌های لازم صورت نگرفته است. طبق اظهارات مدیران محله «در سالیان گذشته عمده دخالت و برنامه‌ریزی نهادهای دولتی در این محله معطوف به بعد کالبدی امر و مقابله با مسئله اعتیاد در سطح محله بود اما با طی شدن این روند و تغییر شرایط بخش‌هایی نظیر اداره آموزش شهروندی به چارت سازمانی شهرداری محله به منظور آگاهی بخشیدن به شهروندان پدید آمد که در ابتدا روند پیشبرد اهداف و تأثیرگذاری در سطح محله کند و پایین بود اما با جابجایی این مسئله و یاری گرفتن از ساکنان و کمک‌های خیرخواهانه جمعیت‌های مختلف اکنون روند به مراتب مثبت‌تر و رو به جلو شده است.»

از نظر کارکنان سمن‌های فعال محله نیز، ارتباط فعال و مشارکت جویی در بین ساکنان، نخستین و مهمترین قدم برای حرکت به سمت پیشرفت، توسعه و آبادانی محله است؛ به گونه‌ای که در نظر اغلب آنها «هر زمان که مردم نسبت به مسئله‌ای مشارکت و ورود پیدا کنند، برای حفظ و نگهداری آن نیز مسئولیت‌پذیرتر رفتار می‌کنند و خود را جزئی از سیستم تأثیرگذار در محله می‌پندارند» و همچنین احترام به عقاید و وطن دوستی جزو مواردی هستند که نیاز به اهتمام و برنامه‌ریزی بیشتر دارند.

همچنین کارشناسان حوزه شهری در کنار توجه به مسئله مشارکت به شاخص احترام به عقاید، آداب و رسوم و اقلیت‌ها نیز تأکید ویژه‌ای دارند و این شاخص را لازمه هم زیستی مصالحت‌آمیز در راستای رشد و اعتلای محله و ساکنان آن می‌دانند. آنها بر این باورند: «اغلب شهروندان از تاریخ و گذشته محله اطلاعات چندانی ندارند و جا دارد در این زمینه به شهروندان به خصوص نوجوانان و جوانان آموزش‌هایی به منظور معرفی هویت محله داده شود تا با بهره‌گیری از آنها به الگو سازی برای خود بپردازند. اگر اهمیت محله برای ساکنان آن، جابجافتد و هویت محله برای آنها مهم انگاشته شود، به صورت خودکار مشارکت در آنها افزایش می‌یابد. به علاوه قانون و قانون‌گذاری به تنهایی در محله جوابگو نخواهد بود زیرا مردم تا مسائل و مشکلات مهم‌ترشان

(Strain, 2009) و (Carretero, Haste & Bermudez, 2015)، به اهمیت آموزش‌های شهروندی در ارتقای آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی افراد تأکید داشته و عنوان می‌کند که این نوع آموزش می‌تواند نقش مؤثری در بهبود رفتارهای اجتماعی، افزایش مشارکت سیاسی و تقویت حس مسئولیت‌پذیری در افراد ایفا کند. همچنین تدوین برنامه‌های آموزشی هدفمند و استفاده از روش‌های نوین برای تأثیرگذاری بیشتر در رفتارهای مدنی و شهروندی در طرح‌های توسعه محلی ضرورت دارد. اما از سوی دیگر، این تحقیق با هدف بررسی جایگاه آموزش شهروندی در طرح‌های توسعه محله هرندي از جهات مختلف متمایز با مطالعات پیشین است. نخست آن که این پژوهش بر ویژگی‌های خاص محله هرندي توجه داشته است. زیرا این محله، به عنوان یکی از محله‌های آسیب‌دیده تهران شناخته می‌شود که با مشکلات اجتماعی متعددی مانند فقر، اعتیاد، بی‌خانمانی و ناهنجاری‌های اجتماعی مواجه است. بنابراین تحقیق درباره آموزش شهروندی در این محله باید به نیازهای خاص و چالش‌های اجتماعی آن پرداخته و راهکارهایی برای بهبود وضعیت اجتماعی از طریق آموزش شهروندی ارائه دهد. بسیاری از تحقیقات دیگر در حوزه آموزش شهروندی به مسائل عمومی‌تر یا محله‌های دیگر پرداخته‌اند و توجه خاصی به مسائل منحصر به فرد محله‌های آسیب‌دیده ندارند. دوم، تمرکز بر مشارکت محلی و محله‌محور در این تحقیق است. تحقیقات دیگر در حوزه آموزش شهروندی به توسعه شهری به‌طور کلی پرداخته‌اند، اما تحقیق در محله هرندي تمرکز ویژه‌ای بر توسعه محله‌محور و نقش آموزش شهروندی در این نوع توسعه داشته است. این تحقیق می‌تواند تأکید کند که چگونه آموزش شهروندی می‌تواند به‌ویژه در محله‌های آسیب‌دیده و با ویژگی‌های خاص، به ارتقای همبستگی اجتماعی و مشارکت شهروندی کمک کند. سوم، تأکید بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی محله است. در محله هرندي، فرهنگ خاص و الگوهای رفتاری متفاوتی نسبت به دیگر محله‌ها وجود دارد. تحقیقات دیگر در زمینه آموزش شهروندی به ابعاد عمومی‌تر فرهنگی پرداخته‌اند، در حالی که تحقیق در این محله به بررسی ویژگی‌های فرهنگی خاص محله و تأثیر آن بر آموزش شهروندی اشاره دارد. چهارم، توجه به توسعه زیرساخت‌ها و خدمات شهری به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از آموزش شهروندی است. در این تحقیق اشاره شده است که در طرح‌های توسعه شهری محله هرندي، آموزش شهروندی می‌تواند با بهبود خدمات شهری و زیرساخت‌ها ارتباط نزدیکی داشته باشد. در بسیاری از تحقیقات دیگر، آموزش شهروندی به‌طور مستقل از توسعه زیرساخت‌ها مورد بررسی قرار گرفته، اما در تحقیق حاضر، تأکید می‌شود که این دو باید به‌طور همزمان بررسی شوند تا نشان دهند چگونه آموزش شهروندی می‌تواند در بهبود خدمات شهری و زیست‌محیطی محله اثرگذار باشد. پنجم، اشاره به وجه کاربردی بودن و طرح‌های اجرایی است. در تحقیقات پیشین بیشتر بر روی پیاده‌سازی برنامه‌های آموزشی در عمل و بررسی اثربخشی آنها در بهبود وضعیت اجتماعی تمرکز شده است. اما این تحقیق، علاوه بر بررسی تئوری‌ها، به‌طور خاص به تجربیات میدانی، کارگاه‌ها، برنامه‌های آموزشی و نتایج عملی آنها پرداخته و به شروط تجربیات موفق یا چالش‌های آنها اشاره کرده است. بنابراین این تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک مدل اجرایی برای دیگر محله‌ها نیز مورد

ادبیات تجربی خارجی و داخلی حاکی از آن است که آموزش شهروندی تأثیر انکارناپذیری در افزایش آگاهی و توانمندسازی افراد نسبت به مسئولیت‌پذیری در خصوص وظایف شهروندی در جامعه دارد. شهروند آموزش دیده کسی است که بتواند با کسب آگاهی و توانایی لازم در مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه پیرامون خود مشارکت و مداخله کند. از این رو، پژوهش پیش‌رو با هدف بررسی جایگاه آموزش شهروندی در طرح‌های توسعه محله هرندي تهران و ارائه پیشنهادهایی برای دستیابی به الگوی آموزش شهروندی انجام شده است. بدین منظور پس از بررسی پیشینه پژوهش و مبانی نظری به استخراج شاخص‌های مرتبط با آموزش شهروندی پرداخته شد. سپس انجام تحلیل محتوای اسنادی طرح‌های پیشین در سطح محله مدنظر قرار گرفت. در ادامه مصاحبه‌هایی نیمه ساختمند با سه گروه مدیران شهرداری محله، کارشناسان حوزه شهری که سابقه فعالیت در محله را داشتند و کارکنان سمن‌های فعال در محله هرندي صورت پذیرفت. در گام بعد، تحلیل و ارزیابی هر یک از محتواهای برآمده از تحقیق با استفاده از شاخص‌های مطرح شده انجام شد و فراوانی هر شاخص در هر یک از سندها به دست آمد.

نتایج حاصله براساس مطالعه و تحلیل محتوای اسنادی انجام شده از ۱۸ طرح یاد شده نشان می‌دهد، در این طرح‌ها به دو شاخص آگاهی شهروندی و ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی توجه بیشتری نسبت به سایر شاخص‌ها شده است، در مقابل، کمترین توجه در طرح‌های پیشین به شاخص احترام به عقاید، اقلیت‌ها و آداب و رسوم و همچنین قانون‌گرایی شده است. پس از تحلیل محتوای اسنادی در گام بعد شاخص‌های مربوط به آموزش شهروندی به صورت مصاحبه نیمه ساختمند از مدیران شهرداری محله، مدیران سمن‌های فعال در محله و نیز کارشناسان حوزه مطالعات شهری انجام شد. از دیدگاه مدیران شهرداری محله، شاخص ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی در طرح‌های پیشین توسعه محله مورد تأکید بوده و آنها نیز توجه بیشتری نسبت به آن دارند. اما در مقابل، میزان توجه به مسئله وطن دوستی و مسئولیت‌پذیری در طرح‌های قبلی مورد انتقاد مدیران بوده و اذعان داشتند که کمتر مورد توجه طرح‌های پیشین قرار گرفته است. از نظر کارکنان سمن‌های فعال محله نیز، ارتباط فعال و مشارکت جویی در بین ساکنان، نخستین و مهمترین قدم برای حرکت به سمت پیشرفت، توسعه و آبادانی محله است. کارشناسان حوزه شهری نیز علاوه بر توجه به مسئله مشارکت به شاخص احترام به عقاید، آداب و رسوم و اقلیت‌ها نیز تأکید ویژه‌ای دارند و این شاخص را لازمه هم‌زیستی مصالحت‌آمیز در راستای رشد و اعتلای محله و ساکنان آن می‌دانند. این خروجی نشان می‌دهد، توسعه محله هرندي و تخفیف آسیب‌های آن نیازمند یک بازنگری ویژه در تهیه و تدوین هرچه عملیاتی‌تر و کارآمدتر طرح‌های توسعه محلی بر اساس شاخص‌های آموزش شهروندی یعنی احترام به عقاید، اقلیت‌ها و آداب و رسوم، ارتباط فعال و داشتن روحیه مشارکت جویی، آگاهی شهروندی، مسئولیت‌پذیری، قانون‌گرایی، وطن دوستی و وطن پرستی است.

تحقیق پیش رو همسو با نتایج تحقیقات (Moayet & Amoozgar, 2013)، (Shahinifar & et al, 2017)، (Teimournejad & et al, 2017)،

اعتمادسازی ساکنان و دخالت آنها به مشارکت و حضور فعال در سطح محله برای پیشبرد اهداف توسعه محله استفاده شود. هر چند باید توجه داشت، تعداد سمن‌های فعال در سطح محله هرنودی نسبت به وسعت محله زیاد است. در این میان، عدم تحقق برخی اهداف مدنظر این سمن‌ها منجر به بروز شائبه‌هایی از نحوه فعالیتشان نزد ساکنان شده است. به همین منظور شفاف‌سازی اقدامات سمن‌ها می‌تواند موجب برطرف شدن بسیاری از شبهه‌ها شده و انگیزه تعامل و همکاری متقابل ساکنان و سمن‌ها را رقم زند.

استفاده قرار گیرد. بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: تحقیق حاضر، با دیگر تحقیقات این حوزه تمایزاتی در تمرکز بر ویژگی‌های خاص محله‌های آسیب‌دیده، بهبود مشارکت محلی، تأثیرات فرهنگی و اجتماعی خاص محله‌ها و ارائه مدل‌های اجرایی دارد. این تمایزات موجب می‌شود که این تحقیق علاوه بر جنبه‌های نظری، به صورت عملی و کاربردی در راستای حل مشکلات اجتماعی و توسعه محله‌ای باشد. آموزش شهروندی در محلات آسیب‌دیده مانند محله هرنودی تهران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این محلات معمولاً با چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متعددی روبه‌رو هستند که می‌توانند مانع از مشارکت فعال و مثبت ساکنان در زندگی اجتماعی و مدنی شوند. در این زمینه، ضرورت آموزش شهروندی به دلایل گوناگون مطرح می‌شود. **نخست: تقویت حس مسئولیت‌پذیری.** آموزش شهروندی می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری را در افراد ساکن محلات آسیب‌دیده تقویت کند. افراد آموزش‌دیده می‌توانند بیشتر به حقوق و وظایف خود در قبال جامعه آگاه شوند و از اقدامات ضد اجتماعی یا ناهنجاری‌های اجتماعی جلوگیری کنند. **دوم، افزایش مشارکت اجتماعی.** یکی از اهداف آموزش شهروندی، افزایش مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی است. در محله‌های آسیب‌دیده، افراد معمولاً به دلایل مختلفی مانند فقر، کمبود منابع و عدم آگاهی، کمتر در مسائل اجتماعی مشارکت دارند. آموزش شهروندی می‌تواند به آنها این آگاهی را بدهد که چگونه می‌توانند در فرآیندهای تصمیم‌گیری و ارتقای کیفیت زندگی محله خود نقش ایفا کنند. **سوم: کاهش ناهنجاری‌ها و رفتارهای ضد اجتماعی.** در محله‌های آسیب‌دیده، احتمال بروز ناهنجاری‌های اجتماعی مانند اعتیاد، فقر و خشونت بیشتر است. آموزش شهروندی با ارائه اطلاعات در زمینه حقوق فردی و اجتماعی، می‌تواند افراد را در مقابله با این مشکلات توانمند سازد و آنان را به رفتارهای مثبت و قانون‌مدار سوق دهد. **چهارم: تقویت همبستگی اجتماعی.** آموزش شهروندی می‌تواند همبستگی اجتماعی را در محله‌های آسیب‌دیده تقویت کند. وقتی افراد در مورد اهمیت همکاری، احترام به حقوق یکدیگر و ایجاد فضایی امن برای زندگی مشترک آگاهی پیدا کنند، احساس تعلق و همبستگی در میان آنها بیشتر می‌شود. **پنجم: آگاهی از حقوق و قوانین.** بسیاری از افراد در محله‌های آسیب‌دیده از حقوق خود به طور کامل آگاه نیستند. آموزش شهروندی می‌تواند به آنان کمک کند تا حقوق قانونی خود را بشناسند و از امکانات اجتماعی و دولتی برای بهبود وضعیت زندگی خود استفاده کنند. **ششم: توانمندسازی جامعه محلی.** از این رو پیشنهاد می‌شود تهیه طرح‌های توسعه محله هرنودی بر اساس توجه به شاخص‌های آموزش شهروندی فارغ از تغییرات سازمانی و مدیریتی در نهادهای مسئول تهیه‌کننده طرح در دستور کار قرار گیرد. درک تفاوت‌های ساختاری این محله با دیگر محلات در ارائه بسته‌های آموزشی از اهمیت بسزایی برخوردار است که باید در هنگام تدوین طرح‌های توسعه محله و نیز اجرای آنها، بدان توجه داشت. به علاوه در هنگام اجرای طرح‌های آموزشی بهره‌گیری از مربیان کاملاً آشنا به شرایط محله، معتمدین محله و توجه به تفاوت‌های فرهنگی و قومیتی از ضروریات است. همچنین لازم است از امکان وجود نهادهای مدنی فعال در محله به منظور ارائه آموزش‌های لازم در حوزه شهروندی و

References:

- Akhavan, H., Safari, M., Oladian, M. (2012). Designing a citizenship education system model with a future cities approach in Tehran Municipality, *Quarterly Journal of Urban Economics and Management*, 10(39): 155-171.[In persian]
- American Urban Planning Association. (2012). Places and Placemaking, Iranian Society of Consulting Engineers .[In persian]
- Biesta, G. Robert, L. Narcie, K. (2009). Understanding young people s citizenship learning in every day life: The role of context – relationship and dispositions- Education- citizen ship and social justice SEGE publications- vol 5, Pp:24-42.
- Carretero, M., Haste, H., & Bermudez, A. (2015). Civic education. In *Handbook of educational psychology* (pp. 309-322). Routledge.
- Caspary, W. R. (2018). *Dewey on democracy*. Cornell University Press.
- Daneshpour, Z. (2011), *an Introduction to Planning Theories*, Shahid Beheshti University Press, Tehran. [In persian]
- Detailed plan of Tehran's 12th district. (2016). Tehran municipality. [In persian]
- Dunn, D. D. (2003). Accountability, democratic theory, and higher education. *Educational Policy*, 17(1), 60-79.
- Department for Communities and Local Government. (2011). *Factsheet 6; Neighborhood Management*
- Dewey, J. (2024). *Democracy and education*. Columbia University Press.
- Famahini Farahani, M. (2010). *Citizenship Education*, Tehran, Ayzh Publishing. [In persian]
- Fathi, K., Chokdeh, S. (2009). *Citizenship Education in Schools*. Tehran: Aiyan Publishing House.
- Faulks, K. (2000). *Citizenship*. New York: Routledge. [In persian]
- Galston, W. A. (2007). Civic knowledge, civic education, and civic engagement: A summary of recent research. *International Journal of Public Administration*, 30(6-7), 623-642.
- Geboers E, Geijssels F, Admiraal W, Ten Dam G., (2013). Review of the Effects of Citizenship Education. *Journal of Educational Research Review*, 3 (9): 158-173.
- Guest, G., Bunce, A., & Johnson, L. (2006). How many interviews are enough? An experiment with data saturation and variability. *Field methods*, 18(1): 59-82.
- Johnson, L., & Morris, P. (2010). Towards a framework for critical citizenship education. *The curriculum journal*, 21(1): 77-96.
- Leisa, A. M. Chiodo, J. J. (2005). What do Students have to Say about citizenship? An analysis of the Concept of Citizenship among Secondary Education Student. *Jornal of social studies research*, spring 2005.
- Morris, P., Cogan, J. J., & Liu, M. (2013). A comparative overview: Civic education across the six societies. *Civic Education in the Asia-Pacific Region*, 167-189.
- Merrifidd, H. (1997). *Citizenship Education. Parent Involvement*. BERA
- Moayet, M., Amoozgar, M., (2013). Citizenship education is a necessity for realizing the model of good urban governance. *International Conference on Management Challenges and Solutions*. [In persian]
- Municipality of District 12, Tehran. (2016). *Detailed plan of District 12 of Tehran*
- Teimournejad, K., Yuzbashi, A. Ebrahimi, M., (2017). Factors affecting citizenship education with emphasis on sustainable urban development (case study: Zanjan Municipality). 5(3): 79-95. [In persian]
- Rafiei, K., Lotfi, H., (2010), *Citizenship education and its role in realizing and achieving sustainable urban development, case study: District 5 of Tehran*, Scientific and Research Quarterly Journal of Human Geography, 2(4). 18-34. [In persian]
- Report of the Local Services and Community Safety Overview and Scrutiny Committee (2011); *Neighborhood Management*, Birmingham City Council.
- Shahinifar, M., Mohammadzadeh, R., (2017), *Analysis and evaluation of the feasibility of good urban governance in the city of Javanrood; using the "TOPSIS" technique*, First Conference on New Thoughts and Technologies in Geographical Sciences. [In persian]
- Sharepour, M., (2008), *Sociology of Education*, Tehran, Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, Department. [In persian]
- Strain, M. (2009). Some ethical and cultural implications of the leadership turn in education: On the distinction between performance and performativity. *Educational*

Management Administration & Leadership, 37(1), 67-84.

Westheimer, j. Kahne, j. (2004). What kind of citizen? The Politics of Educating for Democracy. American Educational Research Journal.

Yazdizadeh, Z. (2021). A Systematic Literature Review for Conceptualization of Citizenship and Citizenship Education.

http://www.nelson.wisc.edu/outreach/community/presentation/fallof/September_eggert.ppt. (Referred date: 2022/11/23)

<http://www.uwex.edu/ces/ag/sus/indicate.pdf> Indicators of Community Sustainability (Referred date :2022/11/20)

<http://www.taamolnews.ir> (Referred date :2022/10/19)

<https://www.tehran.ir/> (Referred date :2022/10/17)

نحوه ارجاع به مقاله:

عظیمی، میترا؛ افشاری، محسن (۱۴۰۴)، جایگاه آموزش شهروندی در طرح‌های توسعه شهری؛ نمونه مورد مطالعه: طرح‌های توسعه محله هرنندی تهران، مطالعات شهری، ۱۴ (۵۵)، ۷۷-۹۰. 10.22034/urbs.2025.141805.5067.77-90

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



- Enhancing solidarity: Promoting mutual trust and cooperation among residents, reducing social fragmentation.
- Raising legal awareness: Informing citizens of their rights and responsibilities under the law, thus improving compliance and social justice.
- Empowering communities: Building local capacity to collectively address neighborhood problems and influence urban policy.

In summary, the neglect of citizenship education in Harandi's past development projects has limited their effectiveness. Future planning must integrate educational empowerment alongside physical interventions, ensuring that residents are equipped not only with better infrastructure but also with the civic skills and awareness required for sustainable neighborhood transformation.

Keywords:

Harandi neighborhood; Citizenship education; Local development; Urban planning; Social sustainability.

Citation: Azimi, M., Afshari, M. (2025). The role of citizenship education in urban development plans, Case Study: Harandi neighborhood development projects in Tehran, *Motaleate Shahri*, 14(55), 77–90. 10.22034/urbs.2025.141805.5067.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



- Participation – promoting active involvement in decision-making and community improvement.
- Democratic theories stress that citizens should be educated not only about their rights but also about their obligations, enabling them to contribute actively to society. In neighborhoods with high levels of vulnerability, such as Harandi, these dimensions are particularly vital, as they can mitigate social harms and empower residents to engage in positive and constructive behaviors.

Methodology:

This study is qualitative in nature and employs a multi-step research strategy. Data were collected through semi-structured interviews with three groups: neighborhood mayors, members of non-governmental organizations (NGOs) active in Harandi, and urban studies experts. Five participants were selected purposefully from each group, yielding a total of 15 interviews.

Thematic saturation was achieved with this number of participants. Data were analyzed using coding techniques in MAXQDA software, allowing for the identification of recurrent themes, patterns, and gaps in citizenship education within existing development plans. Document analysis of 18 neighborhood projects further complemented the interview findings, offering a comprehensive picture of planning practices in Harandi.

Results and Discussion:

The findings reveal a significant gap between the stated objectives of Harandi's development plans and their actual implementation.

- Among the six indicators of citizenship education, civic awareness and participation were relatively more emphasized in official documents. For instance, some plans included provisions for community workshops or participatory decision-making sessions.
- However, critical components such as respect for beliefs and cultural diversity and legalism received minimal attention. This neglect has arguably reinforced cycles of distrust between residents and institutions, further exacerbating social harms.
- Indicators such as patriotism and responsibility were superficially mentioned but rarely operationalized in concrete programs.

Interviewees, particularly municipal managers, acknowledged that physical improvements (e.g., road construction, façade rehabilitation, park creation) were prioritized over educational empowerment. NGO representatives emphasized that without strengthening civic responsibility and awareness of rights, infrastructural interventions alone cannot ensure sustainable transformation.

Comparative analysis of the 18 plans shows that those with modest educational components achieved relatively better outcomes in terms of community acceptance and participation. For example, initiatives involving local NGOs in training sessions for youth and women demonstrated higher levels of trust-building compared to purely physical projects.

These findings resonate with global research indicating that development projects in marginalized areas fail when social empowerment and citizenship education are overlooked. Scholars such as Banks and Holston have shown that without civic inclusion, physical regeneration often leads to displacement or deepened inequality.

Conclusion:

The study highlights the critical role of citizenship education in the sustainable regeneration of socially vulnerable neighborhoods such as Harandi. Based on the analysis, six major contributions of citizenship education to local development can be identified:

- Strengthening responsibility: Encouraging residents to take responsibility for their environment and community well-being.
- Increasing participation: Enabling active engagement in civic and political affairs, thereby fostering collaborative governance.
- Reducing social harms: Empowering individuals with knowledge of rights and responsibilities, which can reduce behaviors linked to addiction, violence, and marginalization.

The role of citizenship education in urban development plans

Case Study: Harandi neighborhood development projects in Tehran

Mitra Azimi¹ - Department of Social, urban and regional planning, Faculty of social planning, University of Allameh tabataba'i, Tehran, Iran.

Mohsen Afshari - Department of Social, urban and regional planning, Faculty of social planning, University of Allameh tabataba'i, Tehran, Iran.

Received: 27 July 2024 Accepted: 13 April 2025

Highlights

- Despite the implementation of more than 18 development projects, citizenship education in Harandi has not received sufficient attention.
- Planners often prioritized physical infrastructure over educational empowerment, weakening long-term social sustainability.
- For neighborhoods such as Harandi—characterized by multiple social and physical vulnerabilities—citizenship education is an inevitable necessity for sustainable local development.

Extended abstract

Introduction:

The Harandi neighborhood, located on the southern threshold of Tehran near the Cave and Customs Gates, holds both historical and strategic significance within the city's urban network. Yet, it is simultaneously regarded as one of the main centers of social harm and deprivation. Over the past two decades, municipal authorities have attempted to address its challenges through the preparation and implementation of more than 18 development projects.

Despite these efforts, the neighborhood continues to suffer from deep-rooted problems such as drug abuse, poverty, unemployment, and marginalization. While physical and infrastructural projects have been extensively emphasized, the non-material dimensions of development—particularly citizenship education—have remained underexplored. This imbalance has limited the sustainability and long-term effectiveness of the implemented projects.

Accordingly, this study investigates the position of citizenship education in Harandi's development projects, guided by three central questions:

- What role does citizenship education occupy in Harandi's development plans?
- What are the key indicators of citizenship education at the neighborhood level?
- What strategies can strengthen the position of citizenship education within future urban development programs?

Theoretical Framework:

Citizenship education is widely recognized as a process through which individuals develop the knowledge, values, and skills required to engage constructively in society. From a democratic perspective, it is a cornerstone of building social capital, enhancing civic participation, and ensuring long-term urban sustainability.

The literature highlights six interrelated dimensions of citizenship education:

- Legalism – awareness and compliance with laws and regulations;
- Patriotism and collective responsibility – cultivating loyalty and attachment to the nation and neighborhood;
- Respect for beliefs, minorities, and customs – fostering tolerance and cultural inclusiveness;
- Responsibility – encouraging active commitment to personal and collective duties;
- Civic awareness – understanding social rights, responsibilities, and public affairs;

¹ Corresponding author: mitra.azimi@atu.ac.ir

culturally grounded, and socially inclusive. Such environments foster deeper bonds between people and place, ensuring urban resilience and sustainable identity in the face of rapid change.

Keywords:

Place attachment; Behavioral settings; Mental maps; Urban space

Citation: Mohammadi irloo, N., Rahimi, R., Vaziri, V. (2025). Prioritizing components to enhance place attachment in urban Behavioral Spaces Based on citizens' perceptions, Case Study: Western side of Imam Khomeini Street, Ardabil, Motaleate Shahri, 14(55), 63–76. 10.22034/urbs.2025.142717.5116.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



- Survey: A sample of 384 Ardabil residents responded to a Likert-scale questionnaire, designed from existing literature, validated via CFA (Confirmatory Factor Analysis), and with strong reliability (Cronbach's alpha > 0.9).
- Structural Equation Modeling (SEM): Used to examine relationships between urban facades, mental images, and place attachment. Indicators including RMSEA, CFI, and GFI confirmed model fit.
- Analytic Hierarchy Process (AHP): Based on SEM outcomes, AHP was employed to rank the identified factors. Fifteen urban planning experts conducted pairwise comparisons, with weights and consistency indices calculated using Expert Choice software.

Case study area: The western side of Imam Khomeini Street, from Shariati Junction to Imam Khomeini Crossroad, a historically and spatially significant axis in Ardabil.

Results and Discussion:

SEM findings confirmed three hypotheses:

- ✓ Urban facades significantly influence mental images ($\beta = 0.611$).
- ✓ Urban facades significantly affect place attachment ($\beta = 0.240$).
- ✓ Mental images mediate the relationship between urban form and place attachment ($\beta = 0.536$).

AHP results identified three ranked dimensions of behavioral settings:

- B. Enhancing place attachment and spatial legibility through key land uses and iconic buildings (Weight: 0.453) – highest rank.
- A. Preserving identity and highlighting site-specific characteristics (Weight: 0.366).
- C. Strengthening mental images of urban facades (Weight: 0.181).

Among 11 sub-criteria, the most influential were:

- Functionally unique urban spaces (0.270).
- Incorporating citizens' needs into design (0.188).
- Visual distinctiveness (0.183).

The results demonstrate a layered relationship between built form, perception, and emotional bonds, mediated by visual cues, iconic nodes, and functional identity. These findings align with Lynch's (1960) theory of legibility, Relph's (1976) work on place identity, and more recent studies by Ramkissoon, Mouratidis, and Mehta.

Conclusion:

This research developed and tested an operational framework to identify and prioritize components of place attachment in urban behavioral settings, focusing on Imam Khomeini Street in Ardabil. The integrated use of SEM and AHP provided both statistical validation and practical prioritization of factors influencing attachment.

Key findings emphasize that:

- Spatial legibility and iconic landmarks are the strongest contributors to place attachment.
- Functional responsiveness to citizens' needs enhances both perception and satisfaction.
- Visual distinctiveness reinforces mental imagery and strengthens symbolic value.

Importantly, the study underscores that place attachment is not reducible to physical form alone. Instead, it emerges from the dynamic interplay between tangible elements (facades, land uses, urban design), subjective perceptions (mental maps, imagery), and socio-cultural context (identity, tradition, community engagement).

From a planning perspective, these insights call for a holistic, multi-layered approach to urban regeneration—one that integrates physical coherence with cultural continuity and participatory engagement. The proposed framework is both theoretically innovative and practically adaptable, offering a transferable tool for other cities with historic and cultural significance.

Ultimately, by embedding citizens' lived experiences and perceptual maps into the planning process, urban designers and policymakers can create spaces that are not only functional and aesthetically coherent but also emotionally resonant,

Prioritizing components to enhance place attachment in urban Behavioral Spaces Based on citizens' perceptions

Case Study: Western side of Imam Khomeini Street, Ardabil

Nasrin Mohammadi irloo - Department of Architecture ,Faculty of Arts & Architecture, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Rouhollah Rahimi¹ - Department of Architecture ,Faculty of Arts & Architecture, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Vahid Vaziri - Department of Architecture ,Faculty of Art & Architecture, University of Mohaghegh Ardabili , Iran.

Received: 10 December 2024

Accepted: 25 April 2025

Highlights

- Examines the role of urban behavioral settings in strengthening place attachment.
- Employs a hybrid method combining Structural Equation Modeling (SEM) and Analytic Hierarchy Process (AHP).
- Case study: western façade of Imam Khomeini Street in Ardabil, Iran.
- Identifies three key components of behavioral settings influencing citizens' mental maps.
- Provides a ranked set of strategies to reinforce place identity and urban legibility.

Extended abstract

Introduction:

In recent decades, the rapid transformation and uncontrolled expansion of cities have weakened citizens' emotional bonds with urban spaces, particularly in historic contexts with strong cultural identities. Urban planning practices have often overlooked these affective connections. Imam Khomeini Street in Ardabil—one of the oldest and most vital urban axes—illustrates this challenge. This study seeks to identify and prioritize the components of behavioral settings that strengthen place attachment, using citizens' mental maps as a key analytical tool.

Theoretical Framework:

Place attachment refers to the emotional bonds people establish with specific environments. It is shaped by both cognitive and affective processes, closely linked to perceptions of safety, identity, and satisfaction.

Behavioral settings are urban spaces that accommodate spontaneous public interactions and reflect diverse user needs, thereby influencing behavior and collective memory.

Mental maps represent individuals' cognitive and emotional perceptions of urban environments, typically consisting of nodes, landmarks, edges, and paths.

This study draws on phenomenological and environmental psychology perspectives to highlight the interconnectedness of urban form, human perception, and behavior.

Methodology:

This applied-developmental research employs a mixed-method approach combining quantitative analysis and expert evaluations:

¹ Corresponding author: r.rahimi@umz.ac.ir

Declaration of Competing Interest: The author declares no competing interests.

Acknowledgments:

The author gratefully acknowledges the guidance of all academic consultants who contributed feedback on this work.

Citation: Shahbazi, A.h. (2025). Analyzing the transformation of place-based urban uses in the age of cyberspace, Case Study: libraries of three principal universities in Zahedan, Motaleate Shahri, 14(55), 51–62. 10.22034/urbs.2025.143060.5131.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Data analysis combined distributional checks and non-parametric inference: Kolmogorov–Smirnov and Shapiro–Wilk tests assessed normality; given non-normal distributions, the study used Mann–Whitney U, Kendall’s tau-c, Cramér’s V, Kruskal–Wallis (H test), the Sign test, Chi-square, and crosstab analyses to test hypotheses regarding visit frequency, education level and field, device ownership, and access to scientific databases.

Results and Discussion:

Findings indicate a marked erosion of the traditional, place-dependent model of university libraries:

- Low visitation rates: 58% of students reported never or rarely visiting the library. Moreover, 44% perceived the role and position of libraries as “much decreased” or “decreasing substantially.”
- Digital access and perceived decline: There is an inverse, significant relationship between students’ access to scientific databases (e.g., Scopus, SID, ScienceDirect) and their perception of the library’s standing—greater database access corresponds with stronger perceptions of decline.
- Devices and home infrastructure: Ownership/access to desktop or laptop computers, printers, modems, and smartphones is inversely associated with perceived library centrality. Notably, 39% of students reported having none of these devices; conversely, among those with complete equipment, 75% rated the library’s position as declining—suggesting that digital readiness amplifies functional substitution away from physical facilities.
- Internet use for academic work: The intensity of Internet use correlates positively with the perception of a diminishing library role (Cramér’s V, $p = 0.002$): only 35% of students with very low Internet use perceived decline, compared with 69% among heavy users.
- Education level and visits: Contrary to expectation, higher education level did not translate into more frequent visits. The second hypothesis—linking visit frequency to degree level—was rejected (Kendall’s tau-c, $p = 0.16$).
- Field of study effects: The Kruskal–Wallis test confirmed significant differences in visit frequency across fields and faculties, indicating disciplinary variation in the necessity of in-person library use.
- Overall trend: A Sign test (error level 0.033) supports the conclusion that the position of the library is decreasing as a place-based urban use within the studied university context.

Taken together, these results depict a system-level transition: the radius of influence and population thresholds that historically defined library catchments are becoming less predictive of use. Instead, digital access, platform literacy, and disciplinary norms drive engagement patterns, with cyberspace services substituting for on-site visits.

Conclusion:

Traditionally, libraries have been defined by three attributes: (1) a population threshold, (2) a spatial radius of influence, and (3) limited, specific service hours. The cyber revolution decouples all three. University libraries can now deliver core functions independent of place and time, offering 24/7/365 access across effectively unlimited service radii. Evidence from the three Zahedan universities shows that as students’ digital equipment and database access improve, their reliance on physical library spaces declines—and their perception of the library’s centrality diminishes accordingly.

These dynamics reframe libraries from location-based land uses into platform-based service providers, a shift likely to intensify with the diffusion of artificial intelligence into discovery, summarization, and recommendation workflows. For urban planners and university library managers alike, the implication is clear: planning, investment, and service design should prioritize hybrid models—robust digital infrastructures complemented by targeted, high-value in-person services (e.g., makerspaces, data labs, scholarly communication support, quiet study environments).

Future research should extend the analysis to public libraries and broader citizen populations to assess the generalizability of these findings beyond the university setting and to inform city-wide cultural and educational planning.

Keywords:

Performance of Libraries; Location-Based Land Use; University Library; Zahedan; Artificial Intelligence; Internet

Funding: No external funding was received for this study.

Author Contributions: Single-author study; the author designed the study, collected and analyzed data, and drafted and approved the final manuscript.

Analyzing the transformation of place-based urban uses in the age of cyberspace

Case Study: libraries of three principal universities in Zahedan

Amirhamzeh Shahbazi¹ - Department of Geography and urban planning, Faculty of Geography and environmental planning, University of sistan and baluchestan, Zahedan, Iran.

Received: 02 February 2025

Accepted: 05 June 2025

Highlights

- Student visits to university libraries are low across undergraduate, master's, and doctoral levels.
- Students' field of study significantly affects the frequency of library visits.
- The functional necessity of precise library location (neighborhood/district/city) is diminishing.
- University libraries are rapidly adapting their operations to the demands of cyberspace and digital services.
- Fixed, limited opening hours are decreasingly relevant for library service delivery.

Extended abstract

Introduction:

The accelerating diffusion of information and communication technologies (ICTs) has transformed how scientific and cultural products are produced, disseminated, and consumed. In the early decades of the twenty-first century—marked by the proliferation of broadband connectivity, social networks, and cloud platforms—individuals and institutions increasingly create and circulate digital content independently of traditional publishers. For urban planners, this raises a critical question: do university libraries—longstanding place-based urban uses—face functional decline similar to once-ubiquitous facilities such as public baths or caravanserais?

The emerging practice of “research without visiting the library,” enabled by online databases and virtual services, challenges the historic coupling of library functions with specific locations, radii of influence, and time-bound service windows. This study examines these shifts through a case analysis of three major universities in Zahedan, probing how cyberspace is reconfiguring the spatial and temporal logics of university library use.

Theoretical Framework:

Advances in cyberinfrastructure—high-performance computing, broadband networks, and mass data storage—have catalyzed the rise of digital and smart libraries. These technologies enable accelerated resource discovery, remote access to collections, and user-centered service personalization. In this framework, library management transitions from a primarily place-anchored, schedule-bound model to a platform-based service regime that privileges ubiquitous access, immediacy, and interoperability with research workflows. Consequently, the value proposition of libraries shifts from where services are delivered to how they are integrated into the digital research ecosystem.

Methodology:

This applied study employs a descriptive–analytical design. A two-stage random sampling strategy produced a sample of 480 students (undergraduate, master's, and doctoral) from the University of Sistan and Baluchestan, Zahedan University of Medical Sciences, and Islamic Azad University of Zahedan. Data were collected via a researcher-developed questionnaire. Content validity was established through expert review by university faculty; reliability was confirmed with Cronbach's $\alpha = 0.752$.

¹ Corresponding author: amir_sh@gep.usb.ac.ir

incorporated into planning processes. This challenges the binary distinction between formal and informal, suggesting that urban governance operates through a fluid continuum of legality and illegality.

Power, in this context, does not merely suspend law but actively reshapes it, redefining the boundaries of what counts as legal or illegal. By analyzing vested rights discourses in Mashhad, this article highlights how elite informality is discursively reproduced, posing critical challenges for urban planning systems that seek to uphold legality while accommodating economic and political power.

Keywords:

Elite Urban Informality, Power, Law, Vested Rights, Discourse Analysis.

Citation: Vosoughi, S., Nourian, F. (2025). The role of power in the reproduction of elite informality in the urban planning system: A discourse analysis of vested rights in the revision of the Samen district plan, Mashhad, Motaleate Shahri, 14(55), 35–50. 10.22034/urbs.2025.141880.5073.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Methodology:

The study applies Foucauldian discourse analysis to the concept of vested rights (*haghe maktasabeh*) in the revision of the Samen district plan.

Case context:

- The Samen district redevelopment project, initiated in the 1990s around the Holy Shrine of Imam Reza, covered 360 hectares.
- Conceived as a self-financed scheme using land value capture (rent-gap), it envisioned 365 high-density commercial-residential buildings (9–12 floors).
- To attract investors, Mashhad Municipality implemented extensive deregulation, including:
 - o A guaranteed 30% internal rate of return (IRR);
 - o Zoning exceptions and exemptions from building regulations;
 - o Unauthorized transactions involving third-party assets without owner consent.

By the 2010s, the municipality had signed nearly 300 agreements with private entities, banks, and state-owned enterprises. When the plan was revised (2013–2019), disputes arose over whether prior agreements constituted vested rights. Competing claims produced four distinct legal discourses, reflecting deep conflicts between actors.

Data collection:

- 15 narrative in-depth interviews with experts and stakeholders;
- 200 official documents (plans, correspondence, approvals, reports);
- 130 unofficial sources (press reports, speeches, institutional websites).

Through discourse analysis, the study identifies intra-, inter-, and extra-discursive contestations shaping legality and informality.

Results and Discussion:

The findings reveal that the revision of the Samen plan was characterized by competing discourses of vested rights, each linked to specific power configurations. These were classified as:

- ✓ Extralegal discourse – Justifying actions through a strict and repressive approach based on law and imposing restrictions beyond legal limitations;
- ✓ Extended discourse – expanding prior agreements into broad claims of vested rights;
- ✓ Reconciliatory discourse – seeking compromise between legality and expedience;
- ✓ Argumentative discourse – contesting definitions of legality through legalistic reasoning.

Together, these discourses illustrate how elite informality is reproduced not in opposition to the formal planning system but through it. Power struggles embedded in contradictions within the system generate overlapping zones of legality and illegality.

Key contradictions include:

- ✓ Central vs. local authority: conflicts between national institutions and municipal power.
- ✓ Public vs. private interests: competing claims over whose rights and benefits are prioritized.
- ✓ Enforcement costs: debates over who bears the burden of compliance and regulation.
- ✓ Regulation vs. deregulation: shifting boundaries between “customary” deregulated practices and formal legal requirements.

Through these contestations, vested rights were selectively legitimized, enabling elite actors to pursue projects outside standard planning procedures while maintaining a veneer of legality.

Conclusion:

This study demonstrates that elite informality in Mashhad’s Samen district was not simply an illegal deviation but a product of discursive power struggles within the planning system itself. Structural contradictions in governance—central/local, public/private, enforcement/non-enforcement, regulation/deregulation—generated competing legal claims that ultimately legitimized elite practices.

The result is a reproduction of informality from within formality, where illegal actions are gradually normalized and

The role of power in the reproduction of elite informality in the urban planning system: A discourse analysis of vested rights in the revision of the Samen district plan, Mashhad

Sara Vosoughi - School of Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

Farshad Nourian¹ - School of Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 07 August 2024 Accepted: 28 April 2025

Highlights

- Drawing on a Foucauldian framework, power dynamically reconstitutes legality through competing discourses.
- Elite urban informality becomes legitimized where power actors construct competing discourses of vested rights during the revision of the Samen district plan.
- Elite informality is reproduced through conflicts of power rooted in contradictions within the formal urban planning system.
- The dualities of central vs. local authority, public vs. private interests, enforcement vs. non-enforcement, and regulation vs. deregulation reinforce elite informality.
- The reproduction of elite informality challenges the conventional formality/informality binary in urban governance.

Extended abstract

Introduction:

A significant portion of the literature on informality emphasizes the state's role in suspending or manipulating the law. Much of this scholarship portrays informality as “from above,” where the state is considered a unified actor with control over legality, and law itself is treated as an objective, stable, and neutral framework for bureaucratic action.

However, more recent approaches have shifted toward de-centering the state, conceptualizing power as dispersed and law as indeterminate. In this perspective, law is not a fixed foundation but a socially constructed and continuously contested phenomenon shaped by diverse actors.

This article follows this newer trajectory by analyzing the dynamic interconnections between law and power in urban governance. Specifically, it investigates how competing actors—state and non-state alike—mobilize discourses of legality to reproduce elite informality. The case of the Samen district plan in Mashhad provides an instructive example, as it reveals how law, informality, and power interweave in large-scale redevelopment projects.

Theoretical Framework:

This study draws upon a Foucauldian understanding of power and truth to explore how legality is not simply imposed but continuously reconstructed through discursive struggles. Power relations, rather than being external to law, are embedded within it. They determine:

- Who has authority to interpret legal norms;
- How concepts such as vested rights are defined;
- Whose interests are privileged in practice.

From this perspective, urban planning processes are not only technical or administrative but discursive arenas where actors compete to shape legality. Informality, therefore, does not merely exist outside formal systems; it emerges from within them, sustained by contradictions and conflicts in governance.

¹ Corresponding author: fnourian@ut.ac.ir

with urban governance and planning processes.

The main outcomes are:

- ✓ Establishing learning environments that maximize stakeholder participation.
- ✓ Raising critical consciousness to challenge and revise existing educational and governance structures.
- ✓ Linking local efforts with global agendas, particularly the 2030 Sustainable Development Goals.
- ✓ Harnessing the creativity of Rasht's citizens to co-produce knowledge and sustain educational initiatives.

In sum, Critical Urbanism Pedagogy is not merely an academic concept but an operational tool for fostering democratic, equitable, and sustainable urban environments. By integrating cultural assets, critical awareness, and participatory infrastructures, Rasht can serve as a model for other creative cities seeking to align urban development with educational innovation.

Keywords:

Critical Urbanism Pedagogy, Creative City of Rasht, Learning Environments, Creative City Management, Conceptual–Operational Model.

Citation: Salaripour, A., Talebi Somesaraei, M. (2025). Developing a Conceptual-operational model of Critical Urbanism Pedagogy, Case Study: creative city of Rasht, Iran, *Motaleate Shahri*, 14(55), 19–34. 10.22034/urbs.2025.142096.5080.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Analysis of these traditions indicates that global concerns around equity, sustainability, and justice require translation into locally meaningful pedagogical practices. Thus, developing a specific language or grammar of pedagogy is crucial. For Rasht, this means situating urbanism education in the socio-cultural realities of the city while fostering awareness of citizenship rights and responsibilities.

The process entails:

- ✓ Recognizing and addressing socio-cultural conflicts, rather than suppressing them.
- ✓ Revising outdated pedagogical approaches that fail to connect education with lived urban experience.
- ✓ Creating educational environments where critical awareness of space, power, and governance can be nurtured.

Ultimately, critical pedagogy in urbanism should result in both physical and symbolic spaces where citizens engage in collective reflection and action.

Methodology:

The study adopts a qualitative grounded theory approach. Data were collected through semi-structured, in-depth interviews with 15 experts, including NGO representatives, university professors, education officials, and urban managers.

- Open coding: 102 codes identified.
- Axial coding: reduced to 29 categories.
- Selective coding: condensed into 8 central themes.

This systematic process allowed the extraction of a coherent conceptual–operational model tailored to Rasht’s socio-cultural and institutional context.

Results and Discussion:

The proposed model of Critical Urbanism Pedagogy in Rasht unfolds in five sequential stages, each linked to a specific pedagogical approach:

- ✓ Identifying problems through Critical Urban Literacy: encouraging recognition of structural inequalities and deficiencies in urban governance.
- ✓ Accepting and adjusting socio-cultural conflicts through Critical Urban Education: reframing conflicts as opportunities for constructive dialogue and learning.
- ✓ Modifying ineffective pedagogical approaches through Critical Global Citizenship Education: aligning local education with global discourses on sustainability, equity, and democratic participation.
- ✓ Transforming implementation models through Critical Urban Learning: empowering accountable institutions and promoting collaborative governance.
- ✓ Developing learning environments through Critical Pedagogy of Place: creating inclusive physical and virtual environments that support long-term knowledge exchange.

These stages highlight that pedagogy is not limited to formal education but extends into urban space itself, conceived as a dynamic learning environment.

Operational strategies identified include:

- Establishing civic discourse spaces, neighborhood educational centers, and specialized urban planning schools.
- Mobilizing governmental support, philanthropic contributions, and private investment for civic infrastructure.
- Producing content through traditional forms (documentaries, films, art) and contemporary tools (animations, apps, games, interactive platforms).
- Expanding discourse-oriented virtual spaces to complement physical environments.

The findings suggest that while reforming curricula and institutional structures is necessary, it is not sufficient. True transformation in urban pedagogy requires creating learning environments where citizens, officials, and experts can interact critically and collaboratively.

Conclusion:

The conceptual–operational model of Critical Urbanism Pedagogy for Rasht provides both theoretical insight and practical guidance. It underscores the need to cultivate critical awareness among citizens, enabling them to engage meaningfully

Developing a Conceptual-operational model of Critical Urbanism Pedagogy

Case Study: creative city of Rasht, Iran

Aliakbar Salaripour¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, University of Guilan, Rasht, Iran.

Mani Talebi Somesaraei - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, University of Guilan, Rasht, Iran.

Received: 08 September 2024

Accepted: 26 April 2025

Highlights

- The creative city of Rasht possesses material, spiritual, and social capital necessary for the development of Critical Urbanism Pedagogy.
- Recognition and acceptance of socio-cultural conflicts can help correct ineffective approaches in urban planning education.
- Expanding critical awareness of power mechanisms is central to sustaining and developing urban spaces through Critical Urbanism Pedagogy.
- Creating learning environments and mainstreaming urban planning education requires infrastructure, content production, events, tool-building, and capacity-building in both physical and virtual spaces.

Extended abstract

Introduction:

Urbanism pedagogy represents a fundamental infrastructure for informed public participation in urban development processes. It reduces the likelihood of errors on the part of both urban management authorities and citizens during the planning and implementation stages. Despite its importance, urbanism education in many contexts—including Iran—has not received sustained attention. Its long-term impacts are often underestimated, and there exists a weak culture of continuous learning. Moreover, a significant gap persists between academic environments and operational fields. In this context, the city of Rasht, recognized as a UNESCO Creative City of Gastronomy, provides a valuable case for exploring how Critical Urbanism Pedagogy can be developed. The city's unique combination of material resources, cultural heritage, and vibrant social capital makes it a fertile environment for piloting innovative approaches to urban education.

The central aim of this study is to conceptualize the role, functions, and actors of Critical Urbanism Pedagogy in Rasht and to propose a conceptual–operational model that integrates theory with practice.

Theoretical Framework:

The research builds on several related conceptual traditions:

- Urban Critical Literacy: enabling citizens to question dominant urban narratives and uncover hidden power relations.
- Critical Urban Learning: fostering awareness of the socio-political dimensions of urban development.
- Critical Pedagogy of Place: emphasizing the spatial dimensions of justice, belonging, and cultural identity in education.
- Critical Consciousness (Freirean tradition): promoting awareness of systemic inequalities and the capacity for transformative action.

¹ Corresponding author: salaripour@guilan.ac.ir

Conclusion:

The proposed conceptual framework clarifies the overlapping domains of presence, sociability, and environmental quality while situating them within a multidimensional model of social interaction in urban open spaces.

Key conclusions include:

1. Each concept exerts a distinct influence on social interactions, yet they are interdependent and mutually reinforcing.
2. Presence functions as a prerequisite, enabled by spatial accessibility and environmental amenities.
3. Sociability is enhanced through participatory programming, collective activities, and inclusive design.
4. Environmental Quality shapes users' psychological perceptions and willingness to remain, creating conditions conducive to interaction.
5. Sustainable social interaction requires balanced integration across physical, behavioral, and perceptual domains. Overemphasizing one while neglecting others produces limited results.

By adopting this integrated perspective, urban planners and designers can create spaces that are not only functionally efficient but also socially inclusive and psychologically engaging. Such environments form the backbone of sustainable and socially resilient cities.

Keywords:

Presence, Sociability, Environmental Quality, Social Interactions, Urban Open Spaces, Meta-Synthesis.

Acknowledgment:

This article is derived from the first author's PhD thesis, "The Role of Spatial Organization in Social Interactions in Urban Open Spaces," conducted at the University of Tehran, Faculty of Architecture, under the supervision of the second author.

Citation: Hedayatian, M., Einifar, A. (2025). Conceptual Framework of Social Interactions in Urban Open Spaces: A Meta-Synthesis Analysis of the concepts of Presence, Sociability, and Environmental Quality, *Motaleate Shahri*, 14(55), 3–18. 10.22034/urbs.2025.142266.5094.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



movement and interaction.

✓ Contextual and Participatory Approaches (2000s–present): Recent theories integrate notions of spatial justice, sustainability, digital technology, and community agency, reflecting a multi-layered and dynamic understanding of urban interactions.

Components of Social Interactions in Open Spaces

Based on theoretical and empirical studies, five overarching components shape social interactions in urban open spaces:

- ✓ Spatial–Environmental
- ✓ Behavioral–Activity
- ✓ Perceptual–Psychological
- ✓ Contextual–Cultural
- ✓ Technological–Digital

Interpretation via Canter’s Place Model: This study aligns three primary components with Canter’s model of place:

- The spatial–environmental dimension corresponds to form;
- The behavioral–activity dimension relates to spatial actions;
- The perceptual–psychological dimension aligns with meaning.

Contextual–cultural and technological–digital dimensions are treated as moderating factors, influencing the intensity and quality of interactions. The final model conceptualizes social interaction as a triad of form–activity–meaning, surrounded by cultural and technological mediators. This holistic perspective allows for a deeper explanation of how urban open spaces foster social life.

Methodology:

The research adopts a qualitative, fundamental–descriptive approach, employing the meta-synthesis method based on Sandelowski and Barroso’s (2006) seven-step model.

- Data Collection: An initial pool of 687 domestic articles was identified. After applying PRISMA-based inclusion and exclusion criteria, 30 articles were selected for detailed analysis.
- Analysis Tool: MAXQDA software was used to code, categorize, and interpret findings.
- Key Gap: Domestic literature often uses presence, sociability, and environmental quality without systematic differentiation, leading to conceptual ambiguity.

The analysis demonstrates that each of the three core concepts is structured around the three main dimensions (physical–environmental, activity–behavioral, and perceptual–psychological), supported by seven sub-dimensions. Importantly, each concept exhibits a dominant orientation:

- Presence → Physical–Environmental
- Sociability → Activity–Behavioral
- Environmental Quality → Perceptual–Psychological

4. Results and Discussion

• Presence: Presence reflects the capacity of a space to attract and retain users. It is strongly associated with the physical–environmental dimension, including amenities, accessibility, and spatial organization. Yet, mere physical occupation does not guarantee meaningful interaction; it is a prerequisite rather than a sufficient condition.

• Sociability: Sociability corresponds to the activity–behavioral dimension, emphasizing participatory environments, collective events, and opportunities for face-to-face engagement. This highlights the role of programming and design for activity in enabling vibrant urban life.

• Environmental Quality: Closely tied to the perceptual–psychological dimension, environmental quality involves users’ perceptions of safety, comfort, attractiveness, and belonging. These subjective evaluations strongly influence whether individuals choose to linger, engage, or avoid a space.

Together, these findings underscore that social interaction is a multidimensional phenomenon, shaped by an interplay of physical, behavioral, and perceptual elements. Recognizing the distinct but complementary orientations of presence, sociability, and environmental quality provides a theoretical foundation for integrated urban design strategies.

Conceptual Framework of Social Interactions in Urban Open Spaces: A Meta-Synthesis Analysis of the concepts of Presence, Sociability, and Environmental Quality

Mehrdad Hedayatian - Department of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Alireza Einifar¹ - Department of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 21 October 2024

Accepted: 21 June 2025

Highlights

- The concepts of presence, sociability, and environmental quality often overlap and lack clear conceptual boundaries in domestic urban studies.
- Recent theoretical shifts regard urban space not as a passive backdrop, but as an active agent in shaping social interactions.
- Canter's place model is integrated with key dimensions of social interaction in urban open spaces.
- Presence, sociability, and environmental quality each align most strongly with one of the spatial, behavioral, or perceptual dimensions.
- Sustainable social interaction requires balanced integration of presence, sociability, and environmental quality in urban design.

Extended abstract

Introduction:

Urban open spaces constitute vital arenas for everyday social life, enabling a wide range of encounters, collective practices, and cultural expressions. However, the conceptualization of the mechanisms through which these spaces facilitate social interactions remains fragmented. Among the most frequently invoked but ambiguously defined concepts are presence, sociability, and environmental quality. While often mentioned in research, these constructs are applied inconsistently, with overlapping meanings and unclear boundaries.

This study aims to clarify their conceptual positions and interrelations by constructing an analytical framework grounded in Canter's theory of place. Through a qualitative meta-synthesis of 373 domestic articles, supplemented by insights from international scholarship, the research develops a five-component model of social interactions in urban open spaces. The goal is to contribute a theoretically informed and practically applicable framework that can guide urban designers, planners, and policymakers toward creating spaces that are both socially inclusive and environmentally sustainable.

Theoretical Framework:

Evolution of Theories on Social Interaction in Urban Open Spaces

The relationship between space and social interaction has been theorized through several distinct phases:

- ✓ Classical and Structuralist Theories (pre-1960s): These approaches treated space as a passive container, with social interactions determined largely by societal structures, hierarchies, and institutions rather than spatial form.
- ✓ Human-Centered and Experiential Approaches (1960s–1980s): Inspired by Jane Jacobs and others, this perspective emphasized urban space as an active setting for lived experience, spontaneous encounters, and informal social life.
- ✓ Spatial and Quantitative Approaches (1980s–2000s): Analytical methods such as Space Syntax highlighted the relationship between spatial configuration and behavioral patterns, focusing on how design and layout influence

¹ Corresponding author: aeinifar@ut.ac.ir

Content

- **Conceptual Framework of Social Interactions in Urban Open Spaces: A Meta-Synthesis Analysis of the concepts of Presence, Sociability, and Environmental Quality**
Mehrdad Hedayatian, Alireza Einifar
- **Developing a Conceptual-operational model of Critical Urbanism Pedagogy**
Case Study: creative city of Rasht, Iran | Aliakbar Salaripour, Mani Talebi Somesaraei
- **The role of power in the reproduction of elite informality in the urban planning system: A discourse analysis of vested rights in the revision of the Samen district plan, Mashhad**
Sara Vosoughi, Farshad Nourian
- **Analyzing the transformation of place-based urban uses in the age of cyberspace**
Case Study: libraries of three principal universities in Zahedan | Amirhamzeh Shahbazi
- **Prioritizing components to enhance place attachment in urban Behavioral Spaces Based on citizens' perceptions**
Case Study: Western side of Imam Khomeini Street, Ardabil | Nasrin Mohammadi irloo, Rouhollah Rahimi, Vahid Vaziri
- **The role of citizenship education in urban development plans**
Case study: Harandi neighborhood development projects in Tehran | Mitra Azimi, Mohsen Afshari

Motaleate Shahri

Journal of Urban Studies - University of Kurdistan

Director: Hooshmand Alizadeh, Associate Professor, University of Kurdistan

Editor-in-Chief: Kayoumars Irandoost, Professor, University of Kurdistan

Administrative Manager: Kayoumars Habibi, Professor, University of Kurdistan

Coordinator: Mohammad Bashir Robati

Editorial Board:

Azizi, Haji Hussein, Professor, University of Kurdistan

Behzadfar, Mostafa, Professor, University of Science and Industry

Habibi, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Hejazi, Mehrdad, Associate Professor, University of Esfahan

Irandoost, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Lotfi, Sedigheh, Professor, University of Mazandaran

Nourian, Farshad, Associate Prof. University of Tehran, Iran

Pakzad, Jahanshah, Professor, University of Shahid Beheshti

Partovi, Parvin, Professor, University of Tehran

Sadr Mousavi, Mirsatar, Professor, University of Tabriz

Sajadzadeh, Hassan, Urban Planning, Associated Professor, Buali Sina University

Shahabi, Himan, Associate professor, Geomorphology Department, Natural Resources Faculty, University of Kurdistan

Shieh, Esmaeil, Professor, University of Science and Industry

Soltani, Ali, Professor, University of Shiraz

Zebardast, Esfandiyar, Professor, University of Tehran

International Editorial Board:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

Cover Design: kuresh Anbari

Layout: Javad Dadejani, Lecturer, University of Kurdistan

Persian Editor: Farahnaz Nobakht

English Editor: Navid Baradaran Hemmati



University of Kurdistan

Motaleate Shahri

No.55, Summer 2025